

لایحه تجارت

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن	۵
باب اول - تاجر و قائم مقام تجاری	۵
فصل اول - دلالتی	۶
مبحث اول - حقوق و تکالیف دلال	۶
مبحث دوم - اجرت و هزینه های دلال	۷
فصل دوم - حق العمل کاری	۹
مبحث اول - حقوق و تکالیف حق العمل کار	۹
مبحث دوم - اجرت و هزینه های حق العمل کار	۱۰
فصل سوم - نمایندگی تجاری	۱۰
مبحث اول - حقوق و تکالیف طرفین نمایندگی تجاری	۱۰
مبحث دوم - اجرت و هزینه های نماینده تجاری	۱۱
فصل چهارم - تصدی حمل و نقل	۱۱
مبحث اول - حقوق و تکالیف متصدی حمل و نقل	۱۲
مبحث دوم - حقوق و تکالیف فرستنده و گیرنده کالا	۱۳
باب دوم - حقوق و تکالیف تاجر	۱۴
فصل اول - تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری	۱۴
فصل دوم - ثبت نام تجاری	۱۶
باب سوم - مقررات متفرقه	۱۶
کتاب دوم - اشخاص حقوقی و شرکتهای تجاری	۱۸
باب اول - اشخاص حقوقی	۱۸
باب دوم - شرکتهای تجاری	۱۹
فصل اول - کلیات	۲۰
مبحث اول - تشکیل شرکت	۲۰
مبحث دوم - اداره شرکت	۲۲
گفتار اول - ارکان شرکت	۲۲
بند اول - مجمع عمومی	۲۲
بند دوم - مدیر یا مدیران	۲۵
بند سوم - مدیر عامل	۳۱
بند چهارم - بازرس یا بازرسان	۳۲
گفتار دوم - حسابهای شرکت	۳۵
گفتار سوم - تغییرات در سرمایه شرکت	۳۶
مبحث سوم - انحلال و تصفیه شرکت	۳۹
گفتار اول - اداره کنندگان امور شرکت منحل شده	۴۰
گفتار دوم - اداره امور شرکت منحل شده	۴۱

۴۳	گفتار سوم - تصفیه امور شرکت منحل شده
۴۵	فصل دوم - اقسام شرکتهای تجارتي و احکام آنها
۴۵	مبحث اول - شرکت سهامی عام
۴۶	گفتار اول - تشکیل شرکت
۴۹	گفتار دوم - سهام
۵۱	گفتار سوم - تبدیل سهام
۵۲	گفتار چهارم - مقررات خاص مجامع عمومی
۵۴	گفتار پنجم - افزایش سرمایه شرکت
۵۷	مبحث دوم - شرکت سهامی خاص
۵۸	مبحث سوم - شرکت بامسئولیت محدود
۵۹	مبحث چهارم - شرکت تضامنی
۶۰	مبحث پنجم - شرکت نسبی
۶۰	مبحث ششم - شرکت مختلط سهامی عام
۶۲	مبحث هفتم - شرکت مختلط سهامی خاص
۶۲	مبحث هشتم - شرکت مختلط غیرسهامی
۶۳	مبحث نهم - شرکت تعاونی سهامی عام
۶۴	مبحث دهم - شرکت تعاونی سهامی خاص
۶۵	مبحث یازدهم - شرکت تعاونی غیرسهامی
۶۸	فصل سوم - مقررات تکمیلی
۶۸	مبحث اول - ادغام، تجزیه و تبدیل شرکتها
۶۸	گفتار اول - ادغام و تجزیه
۷۱	گفتار دوم - تبدیل
۷۳	مبحث دوم - مقررات ثبتی
۷۵	مبحث سوم - مقررات جزائی
۷۵	گفتار اول - جرائم مربوط به تشکیل شرکت
۷۶	گفتار دوم - جرائم مربوط به مدیر و مدیرعامل شرکت
۷۸	گفتار سوم - جرائم مربوط به بازرس شرکت
۷۸	گفتار چهارم - جرائم مربوط به مدیر تصفیه شرکت
۷۹	مبحث چهارم - مقررات متفرقه
۸۳	کتاب سوم - اسناد تجارتي
۸۳	باب اول - برات
۸۳	فصل اول - شرایط شکلی برات
۸۴	فصل دوم - در قبول و نکول
۸۴	فصل سوم - در قبول شخص ثالث
۸۴	فصل چهارم - ظهورنویسی

۸۵.....	فصل پنجم - ضمانت
۸۵.....	فصل ششم - مسؤولیت
۸۶.....	فصل هفتم - پرداخت
۸۷.....	فصل هشتم - مفقود شدن برات
۸۸.....	فصل نهم - تأدیه وجه برات به وسیله شخص ثالث
۸۸.....	فصل دهم - حقوق و وظایف دارنده برات
۹۰.....	فصل یازدهم - واخواست
۹۰.....	فصل دوازدهم - قوانین خارجی
۹۲.....	باب دوم - سفته
۹۳.....	باب سوم - چک
۱۰۰.....	باب چهارم - ضمانت نامه مستقل
۱۰۳.....	باب پنجم - اسناد در وجه حامل
۱۰۴.....	باب ششم - مقررات متفرقه
۱۰۵.....	کتاب چهارم - ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه
۱۰۵.....	باب اول - تقاضای ورشکستگی
۱۰۶.....	باب دوم - توقف
۱۰۶.....	فصل اول - اعلام توقف
۱۰۸.....	فصل دوم - اقدامات اولیه پس از اعلام توقف
۱۰۸.....	مبحث اول - نشر آگهی
۱۰۸.....	مبحث دوم - مهر و موم و صورت برداری
۱۱۰.....	فصل سوم - اداره کنندگان امور متوقف
۱۱۰.....	مبحث اول - امین
۱۱۱.....	مبحث دوم - قاضی ناظر
۱۱۱.....	فصل سوم - آثار اعلام توقف
۱۱۳.....	فصل چهارم - اداره امور متوقف و تشخیص مطالبات
۱۱۳.....	مبحث اول - اداره اموال متوقف
۱۱۵.....	مبحث دوم - تشخیص مطالبات
۱۱۷.....	باب سوم - دعوت از بستانکاران برای تعیین تکلیف تاجر متوقف
۱۱۹.....	باب چهارم - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه
۱۱۹.....	فصل اول - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و ترتیب آن
۱۲۱.....	فصل دوم - آثار قرارداد ارفاقی پیشگیرانه
۱۲۱.....	فصل سوم - فسخ یا بطلان قرارداد ارفاقی پیشگیرانه
۱۲۲.....	باب پنجم - اعلام ورشکستگی
۱۲۲.....	فصل اول - شرایط اعلام ورشکستگی و اداره کنندگان امور ورشکسته
۱۲۴.....	فصل دوم - آثار اعلام ورشکستگی

۱۲۴.....	مبحث اول - آثار ورشکستگی نسبت به تاجر ورشکسته و بستانکاران او.....
۱۲۵.....	مبحث دوم - دعوای استرداد.....
۱۲۶.....	فصل سوم - تفریغ حساب و ختم عملیات ورشکستگی.....
۱۲۹.....	باب ششم - مقررات خاص شرکت‌های تجاری.....
۱۲۹.....	باب هفتم - طرق شکایت از آراء صادرشده در دعوای ورشکستگی.....
۱۳۰.....	باب هشتم - اعاده اعتبار.....
۱۳۲.....	باب نهم - ورشکستگی بین‌المللی.....
۱۳۲.....	فصل اول - کلیات.....
۱۳۳.....	فصل دوم - دسترسی بستانکاران و نمایندگان خارجی به دادگاههای داخلی.....
۱۳۳.....	فصل سوم - شناسایی رسیدگی خارجی.....
۱۳۵.....	فصل چهارم - آثار شناسایی رسیدگی خارجی.....
۱۳۶.....	فصل پنجم - همکاری‌های قضائی.....
۱۳۶.....	فصل ششم - رسیدگی‌های هم‌زمان.....
۱۳۷.....	باب دهم - جرائم و مجازات‌ها.....
۱۳۷.....	فصل اول - ورشکستگی به تقصیر.....
۱۳۸.....	فصل دوم - ورشکستگی به تقلب.....
۱۳۸.....	فصل سوم - جرائمی که اشخاصی غیر از تاجر در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند.....
۱۳۹.....	باب یازدهم - اداره امور ورشکستگی.....
۱۳۹.....	فصل اول - کلیات.....
۱۴۱.....	فصل دوم - مقررات انتظامی.....
۱۴۱.....	مبحث اول - مجازات انتظامی.....
۱۴۱.....	مبحث دوم - دادرسی و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه.....
۱۴۲.....	باب دوازدهم - سایر مقررات.....
۱۴۵.....	کتاب پنجم - مقررات نهائی.....

لایحه تجارت

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

باب اول - تاجر و قائم مقام تجارتي

ماده ۱ - تاجر شخصی است که برای خود به هریک از اعمال زیر اشتغال دارد:

۱- تحصیل هر نوع مال منقول اعم از مادی و غیرمادی چه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد به قصد فروش، اجاره و یا هر معامله معاوضی دیگر

۲- استیجار هر نوع مال منقول چه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد به قصد اجاره و یا هر معامله دیگر با اثر نقل منفعت یا برقراری حق انتفاع

۳- دلالی، حق العمل کاری و نمایندگی تجارتي

۴- هر نوع فعالیت مالی و اعتباری از قبیل عملیات بانکی و صرافی

۵- هر نوع عملیات بیمه‌ای به جز بیمه‌های اجتماعی

۶- هر نوع معامله مربوط به اوراق بهادار

۷- صدور، ظهرنویسی و تضمین چک، سفته و برات و قبول آن

۸- تصدی هر نوع فعالیت خدماتی از قبیل:

۸-۱- حمل و نقل کالا و یا مسافر از طریق خشکی، آب و یا هوا

۸-۲- امور مربوط به کاریابی و تأمین نیروی کار

۸-۳- عملیات حراجی

۸-۴- اداره نمایشگاه عمومی

۸-۵- اداره انبار عمومی

۸-۶- عملیات بارگیری، تخلیه و یا ترخیص کالا

۸-۷- اداره تأسیسات مربوط به امور رفاهی، تفریحی و یا ورزشی

۸-۸- اداره سالنهای برگزاری مراسم، کنفرانس و یا نمایش

۸-۹- اداره چاپخانه، بنگاه نشر، تایپ و یا ترجمه

۸-۱۰- اداره خبرگزاری‌ها و یا بنگاههای خبررسانی

۸-۱۱- ارائه خدمات پستی

۸-۱۲- ارائه خدمات تبلیغی یا فنی

۸-۱۳- اداره تأسیسات مربوط به آب‌رسانی، گازرسانی و یا برق‌رسانی

۸-۱۴- امور مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل ارائه نام دامنه ملی و یا عمومی، ارائه خدمات دسترسی به شبکه‌های

ارتباطات مخابراتی و یا رایانه‌ای، ارائه خدمات میزبانی و یا مراکز داده و امور مربوط به تأمین محتوای الکترونیک و یا تأمین نرم‌افزارهای رایانه‌ای

۸-۱۵- عملیات ساخت در امور عمرانی از قبیل احداث ساختمان، راه و یا شبکه‌های آب‌رسانی

۹- هر نوع فعالیت معدنی

- ۱۰- تأسیس کارخانه یا کارگاه و یا بهره‌برداری از آنها، برای غیر از رفع حوائج شخصی
- ۱۱- تأسیس کشتارگاه، سردخانه، مجتمع کشاورزی، مجتمع پرورش حشرات و یا حیوانات از قبیل دام، طیور، آبزیان و یا بهره‌برداری از آنها برای غیر از رفع حوائج شخصی
- ۱۲- کشتی‌سازی، خرید و فروش کشتی، کشتیرانی داخلی و یا خارجی و معاملات مربوط به آنها
- ماده ۲ - شرکت تجارتي تاجر محسوب می‌شود، هرچند موضوع فعالیت آن از اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون نباشد.
- ماده ۳ - قائم‌مقام تجارتي شخصی است که تاجر او را برای انجام امور تجارتي نائب خود قرار می‌دهد و امضای او برای تاجر الزام‌آور است. قائم‌مقام تجارتي وکیل تاجر محسوب می‌شود.
- ماده ۴ - سمت قائم مقامی باید در دفتر ثبت تجارتي قید گردد در غیر این صورت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
- ماده ۵ - قائم مقام تجارتي برای انجام نیابت، کلیه اختیارات لازم را دارد. تحدید اختیارات قائم‌مقام تجارتي باید در دفتر ثبت تجارتي قید و در روزنامه رسمی آگهی شود در غیر این صورت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
- ماده ۶ - تاجر می‌تواند دو یا چند شخص را به‌انفراد یا به‌اجتماع به سمت قائم‌مقام تجارتي تعیین کند. هرگاه دو یا چند شخص به‌عنوان قائم‌مقام تجارتي تعیین شوند، هیچ‌یک از آنان نمی‌تواند بدون دخالت دیگری یا دیگران اقدامی انجام دهد، مشروط بر اینکه مراتب مطابق مقررات، ثبت و در روزنامه رسمی آگهی شود، در غیر این صورت قید اجتماع در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
- ماده ۷ - قائم‌مقام تجارتي بدون اذن تاجر نمی‌تواند شخص دیگری را در امور مربوط به آن تجارتخانه، نائب خود قرار دهد.
- ماده ۸ - عزل قائم‌مقامی که قائم‌مقامی او به ثبت رسیده است باید مطابق مفاد ماده (۵) این قانون ثبت و آگهی شود در غیر این صورت در مقابل شخص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
- ماده ۹ - با فوت یا حجر تاجر یا انحلال شرکت سمت قائم‌مقام تجارتي پایان می‌یابد لکن با فوت یا حجر تاجر تا تعیین جانشین، قائم‌مقام تجارتي، مسؤولیت اداره و نگهداری اموال را بر عهده دارد.
- ماده ۱۰ - امین اموال غائب یا نماینده قانونی محجور که برای آنان به هریک از اعمال موضوع ماده (۱) این قانون اشتغال دارند، فقط از حیث شمول تکالیف قانونی، تاجر محسوب می‌شوند. این حکم درباره شخصی که برای خود به معاملات غیرمنقول اشتغال دارد نیز مجری است.
- ماده ۱۱ - دولت و سایر اشخاص حقوقی عمومی که به اعمال حاکمیتی اشتغال دارند، تاجر محسوب نمی‌شوند.
- ماده ۱۲ - ثبت نام تجارتي، أخذ کارت بازرگانی، اتخاذ عنوان تاجر یا تبلیغ به عنوان تاجر، اماره تاجر بودن شخص است.
- ماده ۱۳ - کلیه معاملات بین تاجر، تجارتي محسوب می‌شود، مگر اینکه معامله به حوائج شخصی یکی از طرفین مربوط باشد.
- ماده ۱۴ - معاملات غیرمنقول، تجارتي محسوب نمی‌شوند.

فصل اول - دلالتی

ماده ۱۵ - دلالتی، واسطه‌گری در انجام معاملات در برابر اجرت است.

مبحث اول - حقوق و تکالیف دلال

ماده ۱۶ - دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالتی کند و شخصاً نیز به سایر اعمال تجارتي بپردازد.

ماده ۱۷ - دلال می‌تواند در یک زمان برای چند شخص دلالی کند. در این صورت، باید آنها را از این موضوع و مسائلی که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود آگاه کند.

ماده ۱۸ - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول خسارات ناشی از تقصیر خود است.

ماده ۱۹ - دلال باید اطلاعات صحیح و کاملی را در مورد جزئیات معاملات مرتبط با موضوع دلالی به طرفین معامله ارائه کند، حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد. دلال مکلف به حفظ اسراری است که به واسطه دلالی به دست می‌آورد.

ماده ۲۰ - دلال نمی‌تواند به‌جای یکی از طرفین معامله وجهی را دریافت، دینی را تأدیه و یا اینکه تعهدات وی را اجراء کند، مگر اینکه اجازه‌نامه مخصوص داشته باشد.

ماده ۲۱ - دلال مسؤول حفظ و نگهداری کلیه اشیاء و اسنادی است که ضمن معاملات به او تسلیم می‌شود، مگر اینکه ثابت کند تلف اشیاء یا اسناد مذکور به وی مستند نیست.

ماده ۲۲ - هرگاه اسناد معامله در حضور دلال، امضاء و یا به‌وسیله او رد و بدل شود، دلال ضامن صحت و اعتبار امضاءهای مندرج در اسناد مذکور است.

ماده ۲۳ - دلال ضامن اجرای معاملاتی که به وساطت او منعقد می‌شود نیست.

ماده ۲۴ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که به عنوان طرف معامله به آمر خود معرفی می‌کند، مگر اینکه در قرارداد آمر و دلال، او از این مسؤولیت معاف شده باشد. با اینحال دلال در مقابل طرف قرارداد، ضامن اعتبار آمر خود نیست.

ماده ۲۵ - دلال در مورد ارزش یا جنس کالای مورد معامله مسؤول است، مگر اینکه در قرارداد بین طرفین، خلاف آن مقرر گردد یا ثابت شود که دلال در این باره تقصیر ندارد.

ماده ۲۶ - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کنند، دلال در مقابل متعهدانه مسؤول اجرای معامله است.

ماده ۲۷ - چنانچه دلال در معامله موضوع قرارداد دلالی، ذی‌نفع یا سهم‌دار باشد، باید طرف ناآگاه را از این امر مطلع کند در غیر این صورت مسؤول خسارات وارده است و به جزای نقدی از یک‌دهم تا نصف ارزش مورد معامله محکوم می‌شود.

ماده ۲۸ - دلال نمی‌تواند برخلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام یا برخلاف عرف تجارته محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه‌های صرف‌شده نیست و به حبس تعزیری درجه شش و یک سال محرومیت از دلالی محکوم می‌شود.

مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های دلال

ماده ۲۹ - میزان اجرت دلال به موجب قرارداد تعیین می‌شود و در صورت سکوت قرارداد، تابع عرف و عادت محل اجرای دلالی است.

ماده ۳۰ - دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند، مگر معامله به وساطت او منعقد شود.

ماده ۳۱ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت است.

ماده ۳۲ - مخارجی که دلال برای انجام دلالی و متناسب با موضوع آن متحمل می‌شود، حتی در صورت عدم انعقاد معامله نیز، قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد دلالی ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۳ - اجرت و مخارج دلال برعهده طرفی است که او را مأمور می‌کند، مگر اینکه در قرارداد دلالی ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۴ - در صورتی که معامله اقاله یا فسخ گردد، حق مطالبه اجرت از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه اقاله یا فسخ معامله به دلال مستند نباشد.

ماده ۳۵ - دلالتی معاملات ممنوع، اجرت ندارد.

فصل دوم - حق العمل کاری

ماده ۳۶ - حق العمل کاری، انجام معامله به نام خود و به حساب دیگری در مقابل دریافت حق العمل است.

مبحث اول - حقوق و تکالیف حق العمل کار

ماده ۳۷ - حق العمل کار باید آمر را از اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام مأموریت این موضوع را به فوریت به او اطلاع دهد.

ماده ۳۸ - حق العمل کار مکلف نیست اموال موضوع معامله را بیمه کند، مگر اینکه در قرارداد حق العمل کار و آمر و یا قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۹ - حق العمل کار مسئول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر او ناشی می شود.

ماده ۴۰ - اگر کالایی که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال می شود معیوب باشد، حق العمل کار باید برای حفظ حق رجوع به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت با اقدامات لازم کالا را محافظت و آمر را از اقدامات خود آگاه کند در غیراین صورت مسئول خسارت ناشی از این تفریط است.

ماده ۴۱ - چنانچه بیم فساد سریع کالایی رود که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال شده است، حق العمل کار می تواند و در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده ۴۲ - اگر فروش کالایی که برای حق العمل کار ارسال می گردد ممکن نشود و یا آمر از اجازه فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد، وی می تواند آن را با نظارت دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او از طریق مزایده بفروشد. اموال سریع الفساد مشمول این حکم نیست. در هر صورت، حق العمل کار باید با اظهارنامه رسمی آمر را از این امر مطلع کند.

ماده ۴۳ - در صورتی که حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا برای خرید، پیش پرداختی بدهد، ضررهای ناشی از آن برعهده وی است. با وجود این، اگر فروش به نسیه یا خرید سلف در عرف و عادت تجارته محل اجرای حق العمل کاری داخل باشد، حق العمل کار به انجام آن مجاز است، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۴۴ - چنانچه حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است بخرد، در برابر آمر مسئول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق العمل کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتر به آمر بوده و کسب اجازه از وی در آن زمان مقدور نبوده است.

ماده ۴۵ - اگر حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است بفروشد، حق تصرف در تفاوت قیمت را ندارد و باید تفاوت آن را به حساب آمر منظور کند.

ماده ۴۶ - در صورتی که حق العمل کار مأمور به خرید و یا فروش کالا، اسناد تجارته و یا سایر اوراق بهاداری باشد که قیمت بازاری دارد، می تواند چیزی را که مأمور به خرید آن است خود به عنوان فروشنده تسلیم کند یا چیزی را که مأمور به فروش آن است خود به عنوان خریدار نگهدارد، مگر اینکه آمر دستور دیگری داده باشد.

ماده ۴۷ - در مواردی که حق العمل کار خود می تواند خریدار یا فروشنده باشد، اگر معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد خود، طرف معامله محسوب می شود.

ماده ۴۸ - اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.

ماده ۴۹ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر اینکه در انجام معامله به اعتبار مجاز نباشد یا خود طرف معامله را ضمانت کند یا در قرارداد آمر و حق العمل کار مسئولیت او مقرر شود

مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های حق‌العمل کار

ماده ۵۰ - مفاد ماده (۲۹) این قانون درباره میزان حق‌العمل نیز مجری است. حق‌العمل کار در صورتی مستحق حق‌العمل است که معامله اجراء شده و یا عدم اجرای آن به آمر مستند باشد. اگر معامله به علل دیگری اجراء نشود، حق‌العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف و عادت تجارتي محل اجرای حق‌العمل کاری معین می‌کند.

ماده ۵۱ - مخارجی که حق‌العمل کار برای انجام حق‌العمل کاری و متناسب با موضوع آن هزینه می‌کند، حتی در صورت عدم استحقاق حق‌العمل نیز قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۵۲ - در مورد ماده (۴۶) این قانون حق‌العمل کار مستحق حق‌العمل و مخارج عادی حق‌العمل کاری است و باید قیمت را طبق نرخ بازار در روز انجام حق‌العمل کاری منظور کند.

ماده ۵۳ - در صورت تقلب حق‌العمل کار و به‌خصوص در موردی که حق‌العمل کار به حساب آمر قیمتی بیشتر از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش محسوب کند، مستحق حق‌العمل نیست و به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. علاوه بر این در دو صورت اخیر آمر می‌تواند حق‌العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

ماده ۵۴ - حق‌العمل کار برای وصول مطالبات خود از آمر می‌تواند اموال موضوع معامله یا قیمتی را که أخذ کرده است حبس کند.

فصل سوم - نمایندگی تجارتي

ماده ۵۵ - نمایندگی تجارتي عبارت است از انجام مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد و یا ارائه خدمات پس از اجرای قرارداد به‌نام و به‌حساب دیگری در مقابل دریافت اجرت، بدون اینکه نماینده، مستخدم یا اجیر طرف دیگر باشد.

ماده ۵۶ - نمایندگی تجارتي تابع مقررات این فصل است، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری را مقرر کند.

مبحث اول - حقوق و تکالیف طرفین نمایندگی تجارتي

ماده ۵۷ - نماینده تجارتي می‌تواند نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند، مگر اینکه به موجب قرارداد، به‌صراحت از قبول نمایندگی دیگری منع شود.

ماده ۵۸ - اعطاءکننده نمایندگی می‌تواند در محدوده جغرافیایی مشخص به اشخاص متعدد نمایندگی تجارتي اعطاء و یا خود به عرضه کالا و یا خدمات اقدام کند، مگر اینکه با نماینده تجارتي به نحو دیگری توافق کرده باشد.

ماده ۵۹ - نماینده تجارتي و اعطاءکننده نمایندگی باید اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی و کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع نمایندگی را مبادله کنند. اطلاعات مربوط به اسرار حرفه‌ای از شمول این حکم مستثنی است.

ماده ۶۰ - نماینده مسؤول تلف یا نقصان کالاهایی است که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در تصرف دارد، مگر اینکه ثابت کند تلف یا نقص، مستند به او نبوده است.

ماده ۶۱ - در صورت عدم ایفاء تعهدات قراردادی از سوی هریک از طرفین نمایندگی تجارتي، متخلف مسؤول جبران زیانهای واردشده به طرف مقابل است. چنانچه رابطه نمایندگی قطع شود زیان‌دیده باید ظرف یک‌سال از تاریخ قطع رابطه، برای مطالبه خسارات واردشده به طرف مقابل مراجعه کند.

ماده ۶۲ - قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید به منطقه جغرافیایی مشخص، نوع کالاها و خدماتی که موضوع قرارداد نمایندگی است و گروه اشخاصی که فعالیت نماینده تجاری به آنها مربوط می‌شود، محدود باشد. شرط عدم رقابت، حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

ماده ۶۳ - مفاد مواد (۴) الی (۹) این قانون در مورد نمایندگی تجاری نیز مجری است.

مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های نماینده تجاری

ماده ۶۴ - مفاد مواد (۲۹) و (۳۲) این قانون در مورد اجرت و هزینه‌های نماینده تجاری نیز مجری است. نماینده تجاری حسب اینکه موضوع نمایندگی انجام مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد یا ارائه خدمات پس از اجرای قرارداد باشد، به ترتیب به محض انعقاد قرارداد به وسیله اعطاءکننده نمایندگی، اجرای قرارداد یا ارائه خدمت به وسیله نماینده، مستحق اجرت می‌شود.

چنانچه عدم انعقاد یا اجرای قرارداد مستند به اعطاءکننده نمایندگی باشد، نماینده حسب مورد، پس از گذشت زمان متعارفی که قرارداد باید در آن مدت منعقد می‌شد یا پس از گذشت زمانی که قرارداد باید در آن مدت اجراء می‌گردید مستحق اجرت می‌شود. اگر معامله به علل دیگری منعقد یا اجراء نشود، نماینده تجاری برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف و عادت محل اجرای نمایندگی معین می‌کند.

ماده ۶۵ - اگر اعطاءکننده نمایندگی ظرف مدت متعارف، نماینده را از رد، عدم انعقاد یا عدم اجرای قراردادی که نماینده حسب مورد مذاکرات مقدماتی آن را انجام داده یا آن را منعقد کرده است، مطلع نکند، نماینده مستحق اجرت است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۶۶ - پس از خاتمه قرارداد نمایندگی، نماینده تجاری حسب مورد، بابت انعقاد یا اجرای قراردادهایی که در مدت متعارفی پس از خاتمه قرارداد نمایندگی و در نتیجه فعالیت‌های نماینده منعقد یا اجراء می‌شوند مستحق اجرت است.

ماده ۶۷ - چنانچه طبق ماده (۶۶) این قانون نماینده تجاری سابق مستحق اجرت باشد، نماینده جدید در آن مورد حق مطالبه اجرت ندارد، مگر اینکه قرارداد وی با اعطاءکننده نمایندگی استحقاق اجرت را ایجاب کند.

ماده ۶۸ - اعطاءکننده نمایندگی باید حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ استحقاق اجرت، فهرست اجرت‌های پرداخت نشده را به نماینده تجاری تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی باشد که اجرت براساس آنها محاسبه می‌شود. نماینده تجاری می‌تواند به منظور بررسی مبلغ اجرت‌های پرداخت نشده از اعطاءکننده نمایندگی همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوط را مطالبه کند.

ماده ۶۹ - اگر قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شود و طرفین پس از انقضای مدت قرارداد، آن را ادامه دهند، نماینده مستحق اجرتی است که در زمان نمایندگی بین او و اعطاءکننده نمایندگی مقرر بوده است، مگر اینکه بر اساس عرف و عادت محل اجرای نمایندگی، مستحق میزان اجرت دیگری باشد.

فصل چهارم - تصدی حمل و نقل

ماده ۷۰ - تصدی حمل و نقل عبارت از تصدی حمل مسافر و یا کالا از محلی به محل دیگر در مقابل اجرت است.

ماده ۷۱ - حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این فصل نیست.

ماده ۷۲ - معاهدات بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران به آنها پیوسته است به موجب مواد این فصل نسخ نمی‌گردد.

مبحث اول - حقوق و تکالیف متصدی حمل و نقل

ماده ۷۳ - متصدی حمل و نقل مطابق این قانون مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل رخ می‌دهد، اعم از اینکه خود مباشر حمل و نقل باشد یا دیگری را مأمور کند. متصدی حمل و نقل طبق قوانین و مقررات حق رجوع به حمل‌کننده و یا متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور می‌شود را دارد.

ماده ۷۴ - اگر بسته‌بندی کالا عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل و نقل نیز کالا را بدون قید عدم مسئولیت قبول کند، مسئول خسارت است.

ماده ۷۵ - اگر کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسئول بدل آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم‌شدن کالا به جنس آن و یا تقصیر فرستنده و یا گیرنده منسوب است و یا ناشی از تعلیمات یکی از آنها می‌باشد و یا به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل دفع، مستند است. طرفین می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارت، مبلغی کمتر یا بیشتر از قیمت کامل کالا را معین کنند.

ماده ۷۶ - متصدی حمل و نقل در سایر خسارات وارد شده از جمله خسارات ناشی از تأخیر تسلیم یا نقص کالا، در حدود ماده (۷۵) این قانون مسئول است. میزان خسارات مذکور نباید از خسارات ناشی از تلف تمام کالا تجاوز کند، مگر اینکه در قرارداد، خلاف این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده ۷۷ - چنانچه کالا بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود، هیچ دعوایی علیه متصدی حمل و نقل جز در مورد تدلیس و یا تقصیر عمده پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی حمل و نقل مسئول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده، آن خسارت را به‌فوریت پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. این اطلاعیه باید حداکثر تا هفت روز بعد از تحویل گرفتن کالا ارسال شود.

ماده ۷۸ - متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را مطلع کند.

ماده ۷۹ - اگر گیرنده، کالا را قبول نکند یا در دسترس نباشد و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت کالا تأدیه نشود، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به فرستنده اطلاع دهد و کالا را به‌طور موقت نزد خود به‌عنوان امانت نگهدارد یا نزد ثالثی به امانت گذارد. در این موارد، هزینه‌ها و خسارات ناشی از هر نقص و عیب بر عهده فرستنده است.

ماده ۸۰ - اگر فرستنده و یا گیرنده، در فروض موضوع ماده (۷۹) این قانون، در مدت مناسبی تکلیف کالا را معین نکنند یا قیمتی که برای کالا می‌توان فرض کرد مخارجی را که برای آن شده است تکافو نکند، متصدی حمل و نقل باید به‌فوریت مراتب را به دادستان محل وقوع کالا اطلاع دهد و با نظارت او آن را بفروشد. متصدی حمل و نقل در صورت امکان باید فرستنده و گیرنده را از موضوع فروش کالا مطلع کند.

ماده ۸۱ - اگر کالا در معرض ضایع شدن سریع باشد، متصدی حمل و نقل باید به‌فوریت کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده ۸۲ - دعاوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل حداکثر باید ظرف یک‌سال اقامه شود. مبدأ این مدت در مورد تلف یا گم‌شدن کالا یا تأخیر در تسلیم، روزی است که کالا باید در آن روز به گیرنده تسلیم می‌گردید و در مورد خسارات ناشی از نقص کالا، روزی است که مال به گیرنده تسلیم شده است.

ماده ۸۳ - متصدی حمل و نقل مسئول جبران کلیه خسارات جانی مسافران است، مگر اینکه ثابت کند خسارت به خود مسافر و یا حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل دفع مستند است. در مورد خسارات وارد شده بر کالاهای مسافران رعایت مواد (۷۴) تا (۷۷) و ماده (۸۲) این قانون الزامی است.

مبحث دوم - حقوق و تکالیف فرستنده و گیرنده کالا

ماده ۸۴ - فرستنده کالا باید موارد زیر را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد:

۱- هویت و نشانی دقیق گیرنده

۲- محل تسلیم کالا

۳- تعداد بسته‌ها و روش بسته‌بندی

۴- وزن و محتوای بسته‌ها

۵- زمان مقرر برای تسلیم کالا به گیرنده

۶- مسیر حمل کالا

۷- فهرست اشیای گران بها و قیمت آنها

۸- خطرات احتمالی ناشی از حمل کالاهای خطرناک و دستورهای لازم برای نگهداری و حمل آنها

تبصره- خسارات ناشی از عدم اطلاع موارد مذکور و یا اطلاع‌رسانی نادرست بر عهده فرستنده است.

ماده ۸۵ - مسئولیت بسته‌بندی مناسب کالا و خسارات ناشی از عیوب بسته‌بندی بر عهده فرستنده است.

ماده ۸۶ - فرستنده می‌تواند تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت اجرت‌المسمی و مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده است، مسترد کند.

ماده ۸۷ - در موارد زیر فرستنده نمی‌تواند از حق استرداد مذکور در ماده (۸۶) این قانون استفاده کند:

۱- فرستنده بارنامه‌ای تهیه و متصدی حمل و نقل آن را به گیرنده تسلیم کرده باشد .

۲- متصدی حمل و نقل به فرستنده کالا رسیدی داده باشد و فرستنده نتواند آن را مسترد کند .

۳- متصدی حمل و نقل پس از رسیدن کالا به مقصد به گیرنده اعلام کند که کالا به مقصد رسیده است و باید آن را تحویل گیرد.

۴- گیرنده، پس از رسیدن کالا به مقصد، تسلیم آن را تقاضا کند.

۵- در بارنامه شرط شود که حق استرداد کالا به گیرنده منتقل شده است.

ماده ۸۸ - متصدی حمل و نقل در موارد مذکور در ماده (۸۷) این قانون باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. با این حال در بند (۲)

ماده مذکور، مادام که کالا به مقصد نرسیده است، متصدی حمل و نقل نباید از دستور گیرنده تبعیت کند، تا اینکه رسید مذکور به گیرنده تسلیم شود.

ماده ۸۹ - اگر گیرنده میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت کالا مطالبه می‌کند قبول نکند، حق ندارد تسلیم کالا را تقاضا کند، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا ختم اختلاف در صندوق دادگستری تودیع کند.

ماده ۹۰ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلافی باشد، دادگاه صالح می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور دهد که کالا نزد شخص ثالثی به امانت گذاشته یا در صورت ضرورت فروخته شود. تودیع یا فروش باید پس از تنظیم صورتمجلسی حاکی از وضع کالا انجام گیرد.

با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت کالا ادعا می‌شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می‌توان از فروش کالا جلوگیری کرد.

باب دوم - حقوق و تکالیف تاجر

فصل اول - تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری

ماده ۹۱ - تاجر مکلف به داشتن دفتر زیر است و باید آنها را مطابق مقررات این قانون و براساس استانداردهای حسابداری تنظیم و از پایان هر سال تا ده سال تمام نگهداری کند:

۱- دفتر روزنامه

۲- دفتر کل

۳- دفتر دارایی

۴- دفتر ثبت مکاتبات

ماده ۹۲ - دفتر روزنامه دفتری است که کلیه معاملات تاجر، عملیات مربوط به اوراق تجاری شامل صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت و هویت و نشانی دقیق اشخاصی که اسناد مذکور به نفع آنها صادر، قبول، ظهرنویسی یا ضمانت می شود و وجوهی که تاجر برای مخارج شخصی خود برداشت می کند، همه روزه و با تمام جزئیات در آن ثبت می شود. ثبت معاملات مربوط به حوائج شخصی تاجر در دفتر روزنامه الزامی نیست.

ماده ۹۳ - دفتر کل دفتری است که مندرجات دفتر روزنامه به طور خلاصه و به تفکیک موضوع در آن ثبت می شود. این امر باید حداقل هر ماه یکبار انجام شود.

ماده ۹۴ - دفتر دارایی دفتری است که صورت جامعی از کلیه دارایی های منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته تاجر با تمام جزئیات در آن ثبت و به وسیله تاجر امضاء می شود. تنظیم دفتر دارایی برای هر سال الزامی است و این امر باید حداکثر تا پایان فروردین سال بعد انجام شود.

ماده ۹۵ - دفتر ثبت مکاتبات دفتری است که کلیه مراسلات، مخابرات و صورتحسابهای صادر و وارد شده تاجر به ترتیب تاریخ در آن ثبت می شود.

ماده ۹۶ - تاجر باید کلیه مراسلات، مخابرات و صورتحسابهای خود را، حسب مورد، به ترتیب تاریخ صدور یا ورود در لفاف مخصوصی ضبط و از پایان هر سال تا ده سال تمام نگهداری کند.

ماده ۹۷ - دفاتر مذکور در ماده (۹۱) این قانون به استثنای دفتر ثبت مکاتبات قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شود، به وسیله نماینده اداره ثبت امضاء می شود. برای دفتر ثبت مکاتبات امضای مذکور لازم نیست، ولی اوراق آن باید شماره ترتیبی داشته باشند. در موقع تجدید سالانه هر دفتر رعایت حکم این ماده الزامی است.

ماده ۹۸ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای شماره ترتیبی و قیطان کشیده باشد. متصدی امضاء باید صفحات دفتر را بشمارد و در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به هویت صاحب دفتر بنویسد و با قید تاریخ، امضاء کند و دو طرف قیطان را با مهر سربی که به وسیله وزارت دادگستری تهیه می شود منگنه نماید. کلیه اعداد حتی تاریخ باید با حروف نوشته شود.

ماده ۹۹ - کلیه معاملات تاجر و عملیات مربوط به اوراق تجاری باید به ترتیب تاریخ در صفحات دفاتر مذکور نوشته شود. جای خالی گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است یا هرگونه جعل از قبیل تراشیدن، حک کردن، پاک کردن و نوشتن در حاشیه و یا بین سطور ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا هر دو مجازات محکوم می شود.

ماده ۱۰۰ - تاجر برای هر یک از معاملات خود که ثبت آن در دفتر روزنامه الزامی است، باید صورتحسابی صادر و با قید تاریخ امضاء کند. اگر طرفین معامله تاجر باشند، صدور صورتحساب به وسیله یکی از طرفین کافی است. دفاتر تاجری که برای معاملات موضوع این ماده صورتحساب ارائه نمی‌کند، نامرتب محسوب می‌شود.

ماده ۱۰۱ - متخلف از مفاد مواد (۹۱)، (۹۶)، (۹۷) و (۹۸) این قانون متناسب با میزان گردش مالی به جزای نقدی از درجه هفت تا درجه سه محکوم می‌شود. علاوه بر این، شخصی که مطابق ماده (۹۹) هر یک از عملیات مربوط به اوراق تجاری و معاملات خود را در دفاتر تجاری درج نکند و یا مطابق ماده (۱۰۰) برای هریک از معاملات خود صورتحساب صادر ننماید، به جزای نقدی از یک‌هشتم تا یک‌چهارم ارزش معامله‌ای که باید در دفتر درج یا برای آن صورتحساب صادر می‌شد، محکوم می‌گردد. دادگاه می‌تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد. مفاد این ماده مانع اعمال مقررات مربوط به تاجری که دفتر مرتب ندارد، نمی‌شود.

ماده ۱۰۲ - نحوه تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری و صورتحساب معاملات به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در مواردی که به موجب این مقررات دفاتر تجاری باید به صورت الکترونیکی تنظیم شوند، تنظیم آنها به صورت غیرالکترونیکی یا به نحوی که مطابق مقررات مذکور صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها مورد خدشه باشد در حکم عدم تنظیم است. رعایت مفاد ماده (۹۸) این قانون در مورد دفاتر الکترونیکی الزامی نیست.

تبصره - کلیه شرکتهای تجاری باید دفاتر موضوع ماده (۹۱) این قانون را مطابق مقررات مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کنند. شرکتهای تعاونی غیرسهامی روستایی مشمول این ماده نیستند.

ماده ۱۰۳ - درآمد مشمول مالیات تاجر مشروط بر آنکه دفاتر تجاری مطابق مقررات این قانون مرتب شود فقط بر اساس مندرجات آن دفاتر تشخیص می‌شود. مأموران مالیاتی باید هر گونه تخلف از مقررات مواد (۹۱)، (۹۶)، (۹۷)، (۹۸)، (۹۹) و (۱۰۰) این قانون را به دادستان محل اقامت تاجر گزارش کنند در غیر این صورت به انفصال درجه شش از خدمات عمومی و دولتی محکوم می‌شوند. فهرست مشاغلی که به موجب این قانون باید دفاتر تجاری تنظیم کنند ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۰۴ - دفاتر تجاری مذکور در ماده (۹۱) این قانون، در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشند، بین تجار در دعاوی مربوط به معاملات تجاری قابل استناد است و در غیر این صورت فقط علیه صاحب آن معتبرند.

فصل دوم - ثبت نام تجاری

ماده ۱۰۵ - هر شخص حقیقی تاجر اعم از ایرانی و خارجی باید نام خود را نزد مرجع ثبت شرکتها به ثبت برساند. مرجع ثبت شرکتها مکلف است به هر تاجر که نام خود را نزد این مرجع ثبت می کند شماره انحصاری اختصاص دهد. مقررات مربوط به دفتر ثبت نام تجاری و موضوعاتی که باید در دفتر مذکور به ثبت برسد به موجب آیین نامه ای است که ظرف سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۱۰۶ - تاجر متخلف از تکلیف مذکور در ماده (۱۰۵) این قانون به جزای نقدی درجه چهار محکوم می شود. اتحادیه های صنفی و کمیسیون نظارت مربوط و وزارت صنعت، معدن و تجارت باید تخلف از حکم این ماده را به دادستان محل اقامت تاجر گزارش کنند. هر دادگاه می تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم کند.

ماده ۱۰۷ - تاجر برای ثبت تجاری باید اطلاعات واقعی و کامل را ارائه و در صورت تغییر اطلاعات مذکور ظرف پانزده روز مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند. متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می شود.

ماده ۱۰۸ - هر تاجر باید در همه اسناد، صورتحسابها، آگهیها، تابلوها و سایر مکتوبات خود، اعم از دست نویس، چاپی یا الکترونیک، شماره انحصاری خود را درج کند در غیر این صورت به جزای نقدی درجه شش محکوم می شود. دادگاه می تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد.

ماده ۱۰۹ - مرجع ثبت شرکتها باید هر ماه یکبار مشخصات تاجرانی را که ثبت نام می کنند، برای آگهی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، به آن روزنامه ارسال کند.

ماده ۱۱۰ - اطلاعات مندرج در دفتر ثبت نام تجاری جز در موارد مصرح، غیرمحرمانه محسوب می شود و تمام اشخاص می توانند با مراجعه به دفتر مذکور اطلاعات تاجر را مطالعه و به هزینه خود از آن رونوشت و یا تصویر بگیرند.

ماده ۱۱۱ - مراجع قضائی باید نسخه ای از آراء قطعی مؤثر بر حقوق اشخاص ثالث در تجارت با تاجر ثبت نام شده مانند منع معامله، توقف، ورشکستگی و حجر را برای درج در دفتر ثبت نام تجاری به مرجع ثبت شرکتها ارسال کنند. در صورت فوت تاجر ثبت نام شده، سازمان ثبت احوال کشور باید حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت مراتب را برای درج در دفتر ثبت نام تجاری به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند. در صورت رفع حجر یا منع معامله یا اعاده اعتبار تاجر ورشکسته، کلیه اطلاعات مذکور، محرمانه محسوب و افشاءکننده آن به حبس درجه هفت محکوم می گردد.

ماده ۱۱۲ - ثبت اسم تجاری، موضوع قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری، اختیاری است، مگر در مواردی که به موجب مقررات خاص ثبت آن الزامی باشد. آیین نامه نحوه ثبت اسم تجاری ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد. در مواردی که ثبت اسم تجاری الزامی است، چنانچه ثبت در موعد مقرر انجام نشود از متقاضی ثبت سه برابر حق الثبت اخذ می شود.

باب سوم - مقررات متفرقه

ماده ۱۱۳ - در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به طور مستقل مسؤول ایفاء دین واحدی باشند، بستانکار می تواند برای وصول تمام یا بخشی از طلب خود به هر یک از مسؤولان رجوع کند، مگر اینکه مطابق قانون یا قرارداد مکلف شده باشد در ابتداء به یکی از مسؤولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به دیگری رجوع کند.

ماده ۱۱۴ - ضامن قبل از رسیدن اجل دین اصلی ملزم به تأدیه نیست، حتی اگر به سبب فوت یا انحلال مدیون اصلی، دین، حال شود. ضامن حال از این قاعده مستثنی است.

ماده ۱۱۵ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به شرطی مانند اخطار قبلی باشد، رعایت آن شرط نسبت به ضامن نیز الزامی است.

ماده ۱۱۶ - ایفای تمام یا بخشی از تعهد از جانب ضامن یا مضمون‌عنه سبب برائت‌دمه هر دو نسبت به قسمت ایفای شده در مقابل مضمون‌له است. دین اصلی به هر نحو که ساقط گردد، ضامن نیز بری‌الذمه می‌شود.

ماده ۱۱۷ - پس از آنکه ضامن، دین اصلی را پرداخت، مضمون‌له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه لازم و مفید است به او بدهد و اگر دین اصلی وثیقه داشته‌باشد، آن را به ضامن تسلیم کند. اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته‌باشد، وثیقه‌دهنده مکلف است تشریفاتی را که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است، انجام دهد.

ماده ۱۱۸ - ضامنی که بدون اذن مضمون‌عنه یا تبرعاً ضمانت کند، حق رجوع به مضمون‌عنه را ندارد. ضامن مأذون از طرف مضمون‌عنه محسوب می‌شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱۹ - مواد مربوط به تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری در مورد مؤسسات غیرتجارتی، موقوفات و شرکتهای تجاری اعم از اینکه شرکا و یا سهامداران آنها دولت، مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و اشخاص خصوصی باشند، نیز مجری است.

ماده ۱۲۰ - مواد مربوط به تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری در مورد کسبه جزء اعمال نمی‌شود. تاجری کاسب جزء محسوب می‌شود که کالا و یا خدمات را به مصرف‌کننده نهائی عرضه می‌کند و مجموع گردش مالی سالانه او از میزان مقرر در آیین‌نامه تشخیص کسبه جزء بیشتر نیست. این آیین‌نامه ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزیران امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت تصویب و ابلاغ می‌شود. هیچ تاجری کاسب جزء محسوب نمی‌شود مگر اینکه ثابت کند مجموع گردش مالی سال گذشته او کمتر از میزان مقرر در آیین‌نامه مذکور بوده‌است.

ماده ۱۲۱ - موارد سکوت قراردادهای بین تجار، به ترتیب بر عرف و عادت تجارتی، عرف عام و قواعد تکمیلی مقرر در قوانین مربوط محمول است.

ماده ۱۲۲ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می‌شود. مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می‌یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

ماده ۱۲۳ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین‌نامه‌های اجرائی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

کتاب دوم - اشخاص حقوقی و شرکتهای تجاری

باب اول - اشخاص حقوقی

ماده ۱۲۴ - اشخاص حقوقی داخلی شامل دولت، مؤسسات دولتی، شرکتهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات غیرتجارتی، شرکتهای تجاری و موقوفات است.

تبصره - دولت از شمول مقررات این باب مستثنی است.

ماده ۱۲۵ - اشخاص حقوقی باید نزد مرجع ثبت شرکتهای ثبت برسند و شخصیت حقوقی آنها پس از ثبت در مرجع مذکور و آگهی مراتب در روزنامه رسمی کشور به هزینه شخص حقوقی علیه ثالث قابل استناد است. حق الثبت اشخاص حقوقی بر اساس قانون اخذ می شود.

ماده ۱۲۶ - مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکتهای دولتی که به موجب قانون خاص، با ذکر نام و ارکان، تشکیل می شوند از زمان لازم الاجراء شدن قانون تشکیل، دارای شخصیت حقوقی می شوند و نیاز به ثبت ندارند.

ماده ۱۲۷ - نحوه تشکیل و شرایط ثبت مؤسسات غیرتجارتی مطابق آیین نامه ای است که ظرف شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارت دادگستری، با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

ماده ۱۲۸ - ثبت اشخاص حقوقی که موضوع فعالیت آنها نامشروع یا مخالف نظم عمومی باشد، ممنوع است.

ماده ۱۲۹ - اشخاص حقوقی کلیه حقوق و تکالیفی را که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است، دارند، مگر حقوق و تکالیفی مانند حقوق و تکالیف ناشی از ابوت و بنوت که انسان حسب طبیعت خویش می تواند داشته باشد.

ماده ۱۳۰ - اقامتگاه شخص حقوقی، مرکز اصلی آن است. اقامتگاه مقرر در اساسنامه شرکتهای تجاری و مؤسسات غیرتجارتی مرکز اصلی آنها محسوب می گردد، مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۳۱ - شخص حقوقی ثبت شده در ایران، ایرانی محسوب می شود.

ماده ۱۳۲ - هیچ یک از ارکان شخص حقوقی نمی تواند تابعیت آن را تغییر دهد.

ماده ۱۳۳ - اشخاص حقوقی ایرانی نمی توانند اقامتگاه خود را در خارج از قلمرو حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.

ماده ۱۳۴ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که، حسب مورد، به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت دارند اتخاذ می شود.

ماده ۱۳۵ - تشکیل، اداره، انحلال و یا ورشکستگی اشخاص حقوقی خصوصی غیرایرانی تابع قانون دولت محل اقامتگاه آنها است.

ماده ۱۳۶ - مرجع ثبت شرکتهای باید برای کلیه اشخاص حقوقی که ثبت آنها الزامی است شناسه انحصاری اختصاص دهد.

ماده ۱۳۷ - کلیه اشخاص حقوقی باید در همه اسناد، صورتحسابها، آگهی ها، تابلوها و سایر مکاتبات خود، اعم از دست نویس، چاپی یا الکترونیک نام و شناسه انحصاری خود را درج کنند. اشخاص حقوقی متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می شوند. دادگاه می تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد.

ماده ۱۳۸ - استفاده از نامهای بیگانه، مبتذل، مستهجن و نامهایی که موهم انتساب شخص حقوقی به نهادهای عمومی یا دولتی است از قبیل واژه های ایران و کشور برای شرکتهای تجاری و مؤسسات غیرتجارتی ممنوع است. اشخاص حقوقی خارجی و شعب و نمایندگی های آنها از نامهای بیگانه می توانند استفاده کنند.

ماده ۱۳۹ - اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی که نزد مرجع ثبت شرکتها به ثبت می‌رسد جز در موارد مصرح، غیرمحرمانه محسوب می‌شود و تمام اشخاص می‌توانند با مراجعه به مرجع مذکور اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی را مطالعه و به‌هزینه خود از آن رونوشت و یا تصویر بگیرند.

ماده ۱۴۰ - مراجع قضائی باید نسخه‌ای از آراء قطعی مؤثر بر حقوق اشخاص ثالث در تجارت با اشخاص حقوقی مانند توقف، ورشکستگی، انحلال و منع معامله را برای درج در دفتر ثبت شرکتها به مرجع ثبت شرکتها ارسال کنند. در صورت رفع موارد مذکور یا اعاده اعتبار ورشکسته کلیه اطلاعات راجع به امور مذکور محرمانه محسوب و افشاءکننده آن به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.

ماده ۱۴۱ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است کلیه مراحل و فرآیندهای ثبت اشخاص حقوقی و تغییرات مربوط به آنها را به‌صورت الکترونیکی و روزآمد نگهداری کند به‌نحوی که امکان دسترسی آنی، برخط و الکترونیک به اطلاعات قابل دسترسی شرکتها و مؤسسات غیرتجارتی فراهم شود. آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به‌وسیله وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۴۲ - مرجع ثبت شرکتها مکلف است کلیه مواردی را که ثبت و آگهی آنها مطابق این قانون الزامی است در سامانه الکترونیک خود که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها را تأمین می‌کند قرار دهد و حداقل تا سی سال نگهداری کند.

باب دوم - شرکت‌های تجاری

ماده ۱۴۳ - شرکت تجاری یازده نوع است:

- ۱- سهامی عام
- ۲- سهامی خاص
- ۳- بامسئولیت محدود
- ۴- تضامنی
- ۵- نسبی
- ۶- مختلط سهامی عام
- ۷- مختلط سهامی خاص
- ۸- مختلط غیرسهامی
۹. تعاونی سهامی عام
- ۱۰- تعاونی سهامی خاص
- ۱۱- تعاونی غیرسهامی

ماده ۱۴۴ - علاوه بر انواع شرکت‌های مذکور در ماده (۱۴۳) این قانون شرکت تجاری می‌تواند طبق مقررات خاصی که با تراضی شرکا و یا سهامداران معین می‌شود با هر میزان سرمایه تشکیل شود ولی در هر حال رعایت احکام مندرج در فصلهای اول و سوم این باب الزامی است.

مبحث اول - تشکیل شرکت

ماده ۱۴۵ - برای تشکیل شرکت تجاری، مؤسسان آن باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکتها، اظهارنامه‌ای حاکی از تعهد تمام سرمایه شرکت را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع مذکور تسلیم و رسید دریافت کنند:

۱- مدارک مصدق هویت مؤسسان

۲- گواهینامه بانکی حاکی از تأدیه سرمایه نقدی در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس و تودیع اسناد مالکیت سرمایه غیرنقدی به نام شرکت مذکور، به ترتیب مقرر در این قانون

۳- صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس

۴- اساسنامه شرکت

۵- اعلامیه قبولی سمت به‌وسیله مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت و تصویر مصدق مدارک هویت آنان

۶- در صورت الزام قانونی برای جلب موافقت مرجع خاص به منظور تشکیل شرکت، تصویر مصدق موافقتنامه آن مرجع

ماده ۱۴۶ - اظهارنامه مذکور در ماده (۱۴۵) این قانون باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسان برسد و موارد زیر در آن ذکر شود:

۱- هویت مؤسسان و نشانی دقیق اقامتگاه آنان

۲- نام شرکت

۳- موضوع شرکت

۴- مدت شرکت

۵- اقامتگاه شرکت

۶- میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک

۷- تعیین مالک آورده‌های غیرنقد و اوصاف و ارزش هریک از آنها، طبق نظریه کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری

۸- میزان تعهد هریک از مؤسسان و مقدار تأدیه و یا تسلیم شده از تعهدات هریک از آنان

۹- تصریح به نوع مسئولیت هریک از مؤسسان

۱۰- شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازات سهم ممتاز در صورت تقاضای مؤسسان برای اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به ایشان

۱۱- نام مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت

۱۲- نام روزنامه اصلی و علی‌البدل شرکت، در صورت تکلیف شرکت به داشتن روزنامه به موجب قانون یا اساسنامه

ماده ۱۴۷ - مراد از هویت در این قانون نام، نام خانوادگی و شماره ملی شخص حقیقی و نام، نوع و شناسه انحصاری شخص حقوقی است.

ماده ۱۴۸ - روزنامه شرکت روزنامه کثیرالانتشار سراسری است که آگهی‌هایی که به موجب قانون یا اساسنامه نشر آن ضروری است در آن منتشر می‌شود.

ماده ۱۴۹ - علاوه بر موارد مذکور در ماده (۱۴۶) این قانون ذکر تعداد سهام شرکت، مبلغ اسمی هر سهم، تعیین مبلغ پرداخت‌شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مهلت تأدیه آن که در هر حال نباید از پنج سال بیشتر باشد در اظهارنامه ثبتی شرکت سهامی خاص، مختلط سهامی خاص و تعاونی سهامی خاص الزامی است.

در مورد شرکتهای موضوع ماده (۱۴۴) میزان سرمایه تأدیه و یا تسلیم شده و نحوه مطالبه بقیه سرمایه شرکت در صورتی که تمام آن تأدیه و یا تسلیم نشده باشد و مهلت تأدیه آن که در هر حال نباید از پنج سال بیشتر باشد باید در اظهارنامه ثبتی شرکت درج شود.

ماده ۱۵۰ - گواهینامه مذکور در بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون باید متضمن نام بانک و شماره حسابی که سرمایه نقدی در آن تأدیه شده است و نیز تعداد اسناد مالکیت تودیع شده و مندرجات اصلی آنها باشد.

ماده ۱۵۱ - اساسنامه مذکور در بند (۴) ماده (۱۴۵) این قانون باید با قید تاریخ به امضای مؤسسان برسد و موارد زیر در آن ذکر شود:

۱- نام شرکت

۲- موضوع شرکت

۳- مدت شرکت

۴- اقامتگاه شرکت

۵- میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک

۶- در صورت تقاضای اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به وسیله مؤسسان، شرح مزایای مترتب بر سهم الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازهای سهم ممتاز و نحوه تغییر آنها و ایجاد امتیازهای جدید

۷- نحوه واگذاری سهم الشرکه و یا سهام

۸- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت

۹- مواقع تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه

۱۰- ترتیب دعوت هر یک از مجامع عمومی

۱۱- تعیین نحوه دسترسی شرکا و یا سهامداران به صورتهای مالی شرکت و گزارش مدیر یا مدیران و بازررس یا بازرسان پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه

۱۲- حدنصاب تشکیل هر یک از مجامع عمومی در صورت اقتضاء و اکثریت لازم برای اعتبار تصمیمهای آنها

۱۳- ترتیب اداره و نحوه شور و أخذ رأی در هر یک از مجامع عمومی و تنظیم صورتجلسه آنها

۱۴- تعداد مدیران شرکت و نحوه انتخاب و مدت مأموریت و پیشبینی امکان یا عدم امکان انتخاب مجدد آنان

۱۵- مواقع و ترتیب دعوت مدیران

۱۶- حد نصاب تشکیل جلسه مدیران و اکثریت لازم برای اعتبار تصمیمات در جلسه مذکور، در صورت اقتضاء

۱۷- نحوه اداره جلسه مدیران و تنظیم صورتجلسه آن

۱۸- نحوه تعیین جانشین برای مدیر یا مدیران در صورت فوت، انحلال، استعفاء، عزل یا منع از تصدی سمت

۱۹- نحوه انتخاب و مدت مأموریت مدیرعامل شرکت و تعداد قائم مقامهای وی

۲۰- تعداد بازرسان شرکت و نحوه انتخاب آنها

۲۱- تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم صورتهای مالی و تسلیم آن به بازررس یا بازرسان شرکت و مجمع عمومی عادی سالانه

۲۲- نحوه تغییر اساسنامه

۲۳- نحوه انحلال اختیاری شرکت

۲۴- قید موارد مذکور در ماده (۱۴۹) این قانون در باره شرکتهای موضوع ماده مذکور

تبصره - متغیر یا ثابت بودن سرمایه و قابلیت و نحوه نقل و انتقال سهم الشرکه و یا سهام شرکتهای موضوع ماده (۱۴۴) این قانون از طریق صدور و ابطال و یا خرید و فروش باید در اساسنامه این شرکتها قید شود.

ماده ۱۵۲ - مرجع ثبت شرکتها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۱۴۵) این قانون در صورت کامل بودن مدارک و مطابقت مندرجات آنها با مقررات قانونی شرکت را ثبت نماید و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت، به

درخواست متقاضی ثبت، مراتب را به‌طور کتبی به وی اعلام کند. نظریه مرجع ثبت شرکتها باید متضمن موارد نقص و یا مغایرت باشد.

ماده ۱۵۳ - سند مالکیت آورده غیرنقد در دفاتر اسناد رسمی و سایر مراجع ذی‌ربط با أخذ گواهینامه موضوع بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون و اصل سند مالکیت آورده غیرنقد و بدون نیاز به امضای مالک سابق به نام شرکت ثبت شده تنظیم می‌شود.

ماده ۱۵۴ - تصرف در آورده غیرنقد و وجوه تأدیه‌شده به نام شرکت در شرف تأسیس، پیش از ثبت شرکت ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۱۵۵ - هرگاه شرکت تا سه ماه از تاریخ تسلیم مدارک مذکور در ماده (۱۴۵) این قانون به مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسد، مرجع مذکور به درخواست هریک از مؤسسان، گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر می‌نماید و به همراه تصویر مصدق اظهارنامه به بانکی که وجوه و اسناد آورده‌های غیرنقد در آن تأدیه و تسلیم شده است ارسال می‌کند. بانک مذکور باید با مراجعه هریک از مؤسسان وجوه پرداختی و اسناد مالکیت تودیع‌شده آنان را مسترد کند. پس از صدور گواهینامه مذکور اقدامات ثبتی انجام‌شده بی‌اثر می‌شود.

ماده ۱۵۶ - پس از سپری‌شدن مهلت مذکور در ماده (۱۵۵) این قانون مرجع ثبت شرکتها باید به درخواست هر شخص، نام تعیین‌شده برای شرکت در شرف تأسیس را به وی اختصاص دهد.

ماده ۱۵۷ - هر یک از مؤسسان در مورد کلیه اعمال و اقداماتی که قبل از ثبت، به نام شرکت در شرف تأسیس انجام شده است منفرداً مسئولیت دارند.

ماده ۱۵۸ - هزینه‌های متعارفی که مؤسسان برای ثبت شرکت متحمل می‌گردند پس از ثبت به حساب شرکت محسوب می‌شود.

ماده ۱۵۹ - مقررات این مبحث درباره تشکیل شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجری نیست مگر در مواردی که در این قانون برخلاف آن تصریح شود.

مبحث دوم - اداره شرکت

گفتار اول - ارکان شرکت

ماده ۱۶۰ - ارکان شرکت تجارتي عبارت است از:

۱- مجمع عمومی

۲- مدیر یا مدیران

۳- مدیرعامل

۴- بازرس یا بازرسان

بند اول- مجمع عمومی

ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی از اجتماع شرکا و یا سهامداران شرکت تشکیل می‌گردد. نصاب لازم برای تشکیل هر یک از مجامع و یا تصمیم‌گیری در آنها به موجب اساسنامه معین می‌شود، مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.

ماده ۱۶۲ - انواع مجمع عمومی عبارت است از:

۱- مجمع عمومی مؤسس

۲- مجمع عمومی عادی

۳- مجمع عمومی فوق العاده

ماده ۱۶۳ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به شرح زیر است:

۱- تصویب اساسنامه شرکت

۲- اتخاذ تصمیم درباره گزارش کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری در مورد ارزش آورده غیر نقد

۳- انتخاب اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت

۴- تعیین روزنامه اصلی و علی البدل شرکت و پایگاه الکترونیک آن، در صورت تکلیف شرکت به داشتن آنها به موجب قانون یا اساسنامه

ماده ۱۶۴ - تصمیم گیری در مجمع عمومی مؤسس با موافقت همه اعضاء انجام می گیرد.

ماده ۱۶۵ - مجمع عمومی مؤسس نمی تواند آورده غیر نقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند.

ماده ۱۶۶ - مجمع عمومی عادی می تواند درباره کلیه امور شرکت تصمیم بگیرد، به جز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق العاده است.

ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار و در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است، برای رسیدگی به صورتهای مالی شرکت، گزارش مدیر یا مدیران و گزارش بازرس یا بازرسان و سایر امور مالی شرکت تشکیل شود. مجمع عمومی عادی می تواند مطابق این قانون به طور فوق العاده نیز تشکیل گردد.

ماده ۱۶۸ - صورتهای مالی و گزارشهای مذکور در ماده (۱۶۷) این قانون باید حداقل پانزده روز پیش از تاریخ تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه در اقامتگاه شرکت و نیز به نحوی که اساسنامه معین می کند، برای ملاحظه شرکا و یا سهامداران در دسترس باشد. هر شریک و یا سهامدار می تواند طی این مدت به شرکت مراجعه کند و به هزینه خود از صورتهای مالی و گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان، رونوشت یا تصویر بگیرد.

تبصره - در شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نسخه ای از گزارشهای مذکور باید ظرف مهلت مقرر در این ماده به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال شود.

ماده ۱۶۹ - تقسیم سود بین شرکا و یا سهامداران فقط پس از تصویب مجمع عمومی عادی مجاز است. در هر حال، حداقل ده درصد (۱۰٪) از سود قابل تقسیم سالانه باید بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود.

ماده ۱۷۰ - بدون ارائه و قرائت گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان در مجمع عمومی عادی، تصمیم گیری در مورد صورتهای مالی و تقسیم سود اعتبار ندارد.

ماده ۱۷۱ - سود به ترتیب مقرر در اساسنامه تقسیم می شود. اگر در اساسنامه ترتیبی مقرر نشود، سود به نسبت سرمایه شرکا و یا سهامداران تقسیم می گردد.

ماده ۱۷۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارد شده سرمایه ثبت شده شرکت کاهش یابد، مادام که این کمبود جبران نشود تأدیه هر نوع سود به شرکا و یا سهامداران ممنوع است و مبلغ تأدیه شده باید مسترد گردد.

ماده ۱۷۳ - چنانچه مدیر یا مدیران، مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکنند، بازرس یا بازرسان شرکت باید خود، مجمع مذکور را دعوت کنند.

ماده ۱۷۴ - مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت کنند.

ماده ۱۷۵ - هرگونه تغییر در مقررات اساسنامه، تصمیم‌گیری در مورد انتشار اوراق بهادار در مواردی که قانون انتشار آن را تجویز می‌کند، تجزیه، ادغام، تبدیل و انحلال شرکت فقط در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است، لکن تغییر نشانی شرکت در محدوده شهر محل اقامت شرکت به وسیله مدیر یا مدیران مجاز است.

تبصره - ایجاد هر نوع امتیاز برای شرکا و یا سهامداران تنها با تغییر اساسنامه امکان‌پذیر است.

ماده ۱۷۶ - شخص یا اشخاصی که حداقل یک‌پنجم سرمایه شرکت به آنها تعلق دارد همواره می‌توانند دعوت شرکا و یا سهامداران را برای تشکیل مجمع عمومی به صورت مکتوب و با قید دستور جلسه از مدیر یا مدیران شرکت تقاضا کنند و مدیر یا مدیران باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت نمایند. در صورت عدم اجابت این درخواست ظرف مهلت مذکور، درخواست‌کننده می‌تواند از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند. اگر بازرس یا بازرسان شرکت نیز ظرف این مهلت مجمع مورد درخواست را دعوت نکنند، درخواست‌کننده می‌تواند به طور مستقیم به دعوت مجمع اقدام کند، مشروط بر اینکه کلیه تشریفات مربوط به دعوت مجمع عمومی را رعایت و در مفاد دعوت به عدم اجابت درخواست خود از جانب مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت تصریح کند. در مورد این ماده دستور فقط موضوعی است که در تقاضانامه ذکر شده است.

ماده ۱۷۷ - شریک و یا سهامدار برای شرکت در مجمع عمومی به ترتیب مقرر در اساسنامه دعوت می‌شود. در مواردی که به موجب این قانون ترتیب دیگری برای دعوت پیش‌بینی شده باشد، رعایت ترتیب مذکور نیز الزامی است.

ماده ۱۷۸ - در شرکت‌هایی که مطابق مقررات این قانون یا اساسنامه مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند، در کلیه موارد برای تشکیل مجمع عمومی، شرکا و یا سهامداران باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت دعوت شوند. مجمع عمومی عادی سالانه باید در هر سال حداقل یک روزنامه اصلی و یک روزنامه علی‌البدل برای شرکت تعیین کند. این تصمیم باید در روزنامه قبلی شرکت منتشر گردد. در صورتی که انتشار روزنامه شرکت به هر علت متوقف گردد، روزنامه علی‌البدل جانشین روزنامه اصلی می‌شود.

ماده ۱۷۹ - بین نشر آگهی دعوت مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن باید حداقل ده روز و حداکثر چهل روز فاصله باشد.

ماده ۱۸۰ - در صورتی که کلیه شرکا و یا سهامداران در جلسه مجمع عمومی حاضر باشند و نیز در مواقعی که صورتجلسه مجمع مذکور به امضای کلیه شرکا و یا سهامداران برسد و تصمیمات به اتفاق آراء اتخاذ شود، رعایت ترتیبات دعوت الزامی نیست.

ماده ۱۸۱ - مکان تشکیل مجمع عمومی باید در محدوده شهر اقامتگاه شرکت باشد، مگر اینکه کلیه شرکا و یا سهامداران بر تشکیل مجمع عمومی در مکان دیگر توافق کنند.

ماده ۱۸۲ - در مجمع عمومی حضور نماینده شریک و یا سهامدار و نیز نماینده شخص حقوقی با ارائه مدرکی دال بر نمایندگی به منزله حضور شریک و یا سهامدار است. ارتباط شریک و یا سهامدار یا نماینده آنان با محل برگزاری مجمع عمومی از طریق ویدئوکنفرانس با رعایت مقررات مربوط در حکم حضور در مجمع است، مشروط بر اینکه امکان این نوع ارتباط در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

ماده ۱۸۳ - ترتیب اداره مجمع عمومی و تنظیم صورتجلسه آن به موجب اساسنامه معین می‌شود، مگر در مواردی که قانون ترتیب دیگری مقرر نماید.

ماده ۱۸۴ - هریک از شرکا به نسبت سرمایه و هر سهامدار به تعداد سهام خود در شرکت رأی دارد مگر اینکه قانون یا اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نماید.

ماده ۱۸۵ - در مجمع عمومی باید درباره کلیه مواردی که به عنوان دستور جلسه در مفاد دعوت قید شده است، اتخاذ تصمیم شود و هریک از موارد مذکور فقط با تصویب اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه این مجمع از دستور کار مجمع عمومی خارج می‌شود.

ماده ۱۸۶ - هرگاه در مجمع عمومی در مورد تمام یا برخی از موضوعات مندرج در دستور جلسه اتخاذ تصمیم نشود، رئیس جلسه باید تنفس اعلام و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین و به حاضران اعلام کند. تشکیل جلسه بعد به دعوت مجدد نیاز ندارد.

ماده ۱۸۷ - اتخاذ هر تصمیم خارج از آنچه که به عنوان دستور جلسه در مفاد دعوت قید شده فاقد اعتبار است، مگر آنکه کلیه شرکا و یا سهامداران در جلسه حضور داشته و با طرح مورد یا موارد پیشنهادی موافق باشند.

ماده ۱۸۸ - در مجامع عمومی برای انتخاب مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و تصویب صورتهای مالی و موارد دیگری که اساسنامه معین می کند رأی گیری به صورت مخفی انجام می گیرد.

ماده ۱۸۹ - برای جلسه مجمع عمومی صورتجلسه ای تنظیم و نسخه ای از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری می شود. در صورتی که در اساسنامه ترتیب دیگری پیش بینی نشود، صورتجلسه مجمع عمومی باید حداقل به امضای اکثریت لازم برای تصمیم گیری در آن مجمع عمومی برسد.

ماده ۱۹۰ - در صورتجلسه مجمع عمومی نام شرکا و یا سهامداران حاضر و غائب و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات اتخاذ شده در جلسه با قید زمان و تاریخ ذکر می گردد. نظر هر یک از شرکا و یا سهامدارانی که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالفند، باید در صورتجلسه قید شود. مسئولیت صحت مندرجات صورتجلسه برعهده امضاء کنندگان است.

ماده ۱۹۱ - هر شریک و یا سهامدار می تواند به هزینه خود از صورتجلسه مجمع عمومی رونوشت یا تصویر بگیرد.

ماده ۱۹۲ - در مواردی که تصمیم گیری در مجمع عمومی به ارائه پیشنهاد، گزارش و یا تأییدیه مدیر یا مدیران و یا بازرس یا بازرسان شرکت منوط است، این پیشنهاد، گزارش و یا تأییدیه باید مکتوب باشد و به صورتجلسه مجمع عمومی ضمیمه شود. بدون ارائه و قرائت موارد مذکور تصمیمات مجمع عمومی اعتبار ندارد.

ماده ۱۹۳ - مقررات مواد (۱۶۳)، (۱۶۴)، (۱۸۹) و (۱۹۰) این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام اجراء نمی شود.

بند دوم - مدیر یا مدیران

ماده ۱۹۴ - شرکت به وسیله شخص یا اشخاصی که از میان شرکا و یا سهامداران و یا غیر آنان به عنوان مدیر شرکت انتخاب می شوند، اداره می گردد. مدیر یا مدیران، در هر حال، قابل عزلند.

ماده ۱۹۵ - تعداد مدیران شرکت به موجب اساسنامه معین می شود. در صورتی که تعداد مدیران بیش از دو شخص باشد به اجتماع مدیران، هیأت مدیره اطلاق می شود.

تبصره - تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نباید از پنج عضو و در شرکتهای سهامی خاص، مختلط سهامی خاص، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی نباید از سه عضو کمتر باشد.

ماده ۱۹۶ - انتخاب یا عزل مدیر یا مدیران شرکت با مجمع عمومی عادی است، مگر اولین مدیر یا مدیران شرکت که در مجمع عمومی مؤسس انتخاب می شوند.

ماده ۱۹۷ - مدت مدیریت مدیر در اساسنامه معین می شود، لکن این مدت نباید از دو سال بیشتر باشد. در اساسنامه می توان انتخاب متوالی مدیر یا مدیران را منع کرد.

ماده ۱۹۸ - سمت مدیریت، قائم به شخص است.

ماده ۱۹۹ - اشخاص حقوقی را می توان به مدیریت شرکت انتخاب کرد. در این صورت، شخص حقوقی مدیر، به طور مستقل کلیه مسؤولیت های مدنی و جزائی شخص حقیقی مدیر را دارد و باید به طور کتبی یک نفر را که واجد شرایط تصدی مدیریت شرکت

است، به عنوان نماینده تام‌الاختیار خود برای انجام وظایف مدیریت معرفی کند. نماینده مذکور نیز به‌طور مستقل کلیه وظایف، تعهدات و مسؤولیت‌های مدنی و جزائی مدیر را دارد.

اگر شخص حقوقی مدیر ظرف یک‌ماه نماینده تام‌الاختیار خود را برای انجام وظایف مدیریت معرفی نکند یا پس از فوت یا عزل یا معذوریت وی جانشین او را ظرف مهلت مذکور تعیین ننماید، از سمت مدیریت، مستعفی محسوب می‌شود. در این صورت، اگر تعداد مدیران از حداقل مقرر کمتر شود، رعایت مفاد مواد (۲۰۶) و (۲۰۷) این قانون الزامی است.

ماده ۲۰۰ - مدیران شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبردگان، مرجع انتخاب‌کننده باید، حسب مورد، از انتخاب آنان به سمت یادشده خودداری یا شخص منتخب را از آن سمت برکنار کند. معیارهای صلاحیت حرفه‌ای فقط از حیث تحصیلات، سوابق تجربی مرتبط و مرجع و نحوه سلب صلاحیت به موجب آیین‌نامه‌ای است که با پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت ظرف شش‌ماه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۰۱ - اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند:

۱- مجبوران

۲- تاجر ورشکسته و مدیر یا مدیران و مدیرعامل شخص حقوقی ورشکسته تا پیش از اعاده اعتبار

۳- اشخاصی که به موجب حکم قطعی کلاً یا بعضاً از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند، در مدت محرومیت

۴- محکومان به موجب حکم قطعی به ارتکاب جرائم خیانت در امانت، کلاهبرداری، سرقت، اختلاس، جعل، استفاده از سند مجعول، ارتشاء، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی، جرائم موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ و جرائم در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری تا پنج سال پس از اجرای حکم

ماده ۲۰۲ - اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند:

۱- رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان

۲- نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۳- وزیران و سرپرستان وزارتخانه‌ها و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان

۴- نمایندگان مجلس خبرگان رهبری

۵- اعضای شورای نگهبان

۶- اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر مجمع و معاونان وی

۷- اعضای شوراهای عالی

۸- رئیس دفتر مقام رهبری و معاونان وی و مدیران کل حوزه دفتر مقام رهبری

۹- نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها، شهرستان‌ها و دستگاههای اجرایی و ائمه جمعه سراسر کشور و رؤسای دفاتر آنها

۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، معاونان و مشاوران وی

۱۱- اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا در محدوده حوزه انتخابیه مربوط و شهرداران و رؤسای نهادها و دستگاههای عمومی غیردولتی و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان

۱۲- رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی

۱۳- اعضای هیأت‌مدیره و مدیران عامل شرکتهای دولتی و تابع و وابسته دولت

۱۴- اعضای هیأت‌مدیره و مدیران عامل بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری

۱۵- کارمندان دستگاههای اجرایی و اعضای نیروهای مسلح و سازمانهای تابع آنها

۱۶- دارندگان پایه قضائی

تبصره - عضویت در هیأت‌مدیره شرکت‌های تعاونی سازمانهای متبوع از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۲۰۳ - مدیر یا مدیران باید ضمن اعلامیه قبولی سمت، عدم شمول مقررات مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون را اعلام کنند. هرکس برخلاف مقررات مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) به عنوان مدیر شرکت انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ممنوعیت‌های مذکور گردد، حسب مورد، باید از قبول سمت امتناع یا استعفاء کند. دادگاه صالح به تقاضای دادستان محل اقامت شرکت و یا هر ذی‌نفع، حکم عزل متخلف و ضبط وجوه دریافتی بابت تصدی مدیریت در مدت ممنوعیت را صادر می‌کند.

ماده ۲۰۴ - مدیری که برخلاف مفاد مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون انتخاب می‌شود تکالیف و مسؤولیت‌های سمت مدیر را برعهده دارد.

ماده ۲۰۵ - مدیر یا مدیران در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسؤولیت‌های مدیر را برعهده دارند. هرگاه مقامات موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند، هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیر یا مدیران از مرجع ثبت شرکتها تقاضا کند.

ماده ۲۰۶ - اگر به علت فوت، انحلال، استعفاء یا عزل هریک از مدیران شرکت یا معذوریت یا ممنوعیت هریک از آنان از تصدی سمت مدیریت، تعداد مدیران از حداقل مقرر در این قانون یا اساسنامه کمتر شود، اعضای علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و در غیر این صورت به ترتیب مقرر به‌وسیله مجمع عمومی عادی جانشین آنان می‌شوند. اگر عضو علی‌البدل، تعیین نشده یا به هر علت ناتوان و یا ممنوع از تصدی مدیریت شرکت باشد یا تعداد اعضای علی‌البدل برای تصدی محل‌های خالی کافی نباشد، شخص یا اشخاص باقیمانده باید به‌فوریت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران دعوت کنند.

ماده ۲۰۷ - هرگاه شخص یا اشخاص باقیمانده از دعوت مجمع عمومی مذکور در ماده (۲۰۶) این قانون خودداری کنند یا دعوت به‌وسیله آنان ممکن نباشد یا سمت مدیریت بلامتصدی شود، بازرس یا بازرسان شرکت باید رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع با رعایت تشریفات لازم، مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران دعوت کنند.

در صورت عدم امکان دعوت به‌وسیله بازرس یا بازرسان شرکت به هر علت یا خودداری آنان از انجام تکلیف مذکور چنانچه حداقل یک‌ماه از بلامتصدی‌بودن سمت مدیریت گذشته باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران تقاضا کند، مشروط بر اینکه ضمن ذکر دستور جلسه عدم دعوت مجمع مذکور به‌وسیله بازرس یا بازرسان را با بیان علت در تقاضانامه قید کند.

ماده ۲۰۸ - مدیر یا مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد اداره شرکت را دارند جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده است. محدودکردن اختیارات مذکور به موجب اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی تنها در روابط بین مدیر یا مدیران و شرکت معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

ماده ۲۰۹ - عدم رعایت تشریفات مربوط به نحوه انتخاب مدیر یا مدیران یا ممنوع بودن آنان از تصدی سمت مذکور سبب عدم اعتبار تصمیمات آنان در مقابل اشخاص ثالث نیست.

ماده ۲۱۰ - در صورت تعدد مدیران شرکت، در جلسه مدیران با اکثریت عددی بیش از نصف آنان اتخاذ تصمیم می‌شود، مگر آنکه اساسنامه در مورد نصاب تصمیم‌گیری در این جلسه اکثریت بیشتری را معین کند. رسمیت جلسات مدیران را می‌توان در اساسنامه به حضور تعداد خاصی از آنان منوط کرد.

تبصره - برای تشکیل جلسه هیأت مدیره در شرکت های سهامی حضور بیش از نصف اعضاء لازم است. تصمیمات با رأی بیش از نصف حاضران گرفته می شود، مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شود.

ماده ۲۱۱ - تصمیمات مدیر یا مدیران باید مکتوب و نسخه ای از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری شود.

ماده ۲۱۲ - در صورت تعدد مدیران، برای هر یک از جلسات آنان باید صورت جلسه ای تنظیم شود و حداقل به امضای اکثریت لازم برای تصمیم گیری در جلسه مدیران برسد. در صورت جلسه مذکور نام مدیران حاضر و غائب و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات با قید تاریخ مکتوب می شود. نظر هر یک از مدیران نیز که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشند باید در صورت جلسه قید شود. مسئولیت صحت مندرجات صورت جلسه بر عهده امضاء کنندگان است.

ماده ۲۱۳ - مدیر یا مدیران باید حداقل هر شش ماه یکبار خلاصه ای از صورت اموال، مطالبات و دیون شرکت را تنظیم و به بازرس یا بازرسان شرکت ارائه کنند.

ماده ۲۱۴ - مدیر یا مدیران شرکت باید پس از انقضای سال مالی، ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش بینی شده است، صورتهای مالی شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره وضع شرکت طی آن سال مالی تنظیم و مجمع عمومی عادی سالانه را برای رسیدگی به صورتهای مالی و گزارش خود و بازرس یا بازرسان و سایر امور مالی شرکت دعوت کنند. اسناد مذکور در این ماده باید حداقل سی روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرس یا بازرسان شرکت گذاشته شود. گزارش مدیر یا مدیران شرکت باید شامل خلاصه ای از صورتهای مالی شرکت باشد.

تبصره ۱- در شرکت های سهامی عام، مختلط سهامی عام، تعاونی سهامی عام و شرکتهای تابع و وابسته آنها گزارش حسابدار رسمی نیز باید به صورتهای مالی شرکت ضمیمه شود. حسابدار رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره صحت صورتهای مالی و انطباق آنها با استانداردهای حسابداری گواهی کند که کلیه دفاتر و صورتحسابها و توضیحات لازم را در اختیار داشته است. حسابدار رسمی موضوع این تبصره باید از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران انتخاب شود.

تبصره ۲ - استانداردهای حسابداری به پیشنهاد سازمان حسابرسی کشور ظرف سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۲۱۵ - مدیر یا مدیران باید هر سال یکدهم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی ذخیره کنند. به محض اینکه اندوخته قانونی به یک پنجم سرمایه شرکت رسید ذخیره کردن آن اختیاری است. چنانچه سرمایه شرکت افزایش پیدا کند تا زمانی که اندوخته قانونی به یک پنجم سرمایه بالغ گردد، کسر یکدهم مذکور ادامه می یابد.

ماده ۲۱۶ - اگر بر اثر زیانهای وارد شده اموال شرکت بر اساس صورتهای مالی از نصف سرمایه ثبت شده شرکت کمتر شود، مدیر یا مدیران باید به فوریت مجمع عمومی فوق العاده را دعوت کنند تا درباره انحلال، تبدیل یا بقای شرکت تصمیم گیری شود. چنانچه مجمع مذکور رأی به انحلال یا تبدیل شرکت ندهد، باید در همان جلسه در مورد جبران زیانهای وارد شده یا کاهش سرمایه شرکت تا مبلغ اموال موجود تصمیم بگیرد. کاهش سرمایه نباید موجب تقلیل سرمایه شرکت از نصاب مقرر در این قانون گردد. چنانچه مدیر یا مدیران بر خلاف این ماده مجمع عمومی فوق العاده را دعوت نکنند یا مجمع دعوت شده نتواند مطابق مقررات قانونی، منعقد گردد یا اتخاذ تصمیم کند یا تصمیم اتخاذ شده ظرف مهلت مقرر عملی نشود، هر ذی نفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح درخواست کند. مادام که حکم قطعی انحلال شرکت صادر نشده است، مجمع عمومی فوق العاده می تواند به ترتیب مقرر در این ماده مانع انحلال شرکت شود.

ماده ۲۱۷ - اگر بر اثر زیانهای وارد شده اموال شرکت بر اساس صورتهای مالی از نصاب مقرر در این قانون کمتر شود، مدیر یا مدیران باید به فوریت مجمع عمومی فوق العاده را دعوت کنند تا درباره انحلال، تبدیل یا بقای شرکت تصمیم گیری شود. چنانچه مجمع مذکور رأی به انحلال یا تبدیل شرکت ندهد، باید در همان جلسه در مورد جبران زیانهای وارد شده تصمیم بگیرد. چنانچه

مدیر یا مدیران بر خلاف این ماده مجمع عمومی فوق العاده را دعوت نکنند یا مجمع دعوت شده نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد یا اتخاذ تصمیم کند یا تصمیم اتخاذ شده ظرف مهلت مقرر عملی نشود، هر ذی نفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح درخواست کند. مادام که حکم قطعی انحلال شرکت صادر نشده است، مجمع عمومی فوق العاده می تواند به ترتیب مقرر در این ماده مانع انحلال شرکت شود.

ماده ۲۱۸ - هر یک از مدیران در باره تصمیماتی که بر خلاف قانون، مقررات، اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی اتخاذ می کند، حسب مورد، منفرداً یا مشترکاً در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مسئول است. حدود مسئولیت هریک از مدیران را دادگاه تعیین می کند.

ماده ۲۱۹ - تصویب صورتهای مالی شرکت در هر دوره مالی به منزله مفاد صاحب حساب مدیر یا مدیران برای همان دوره است، مگر اینکه ثابت شود صورتهای مالی شرکت با اعمال تقلب به تصویب مجمع عمومی رسیده است.

ماده ۲۲۰ - در شرکتهایی که هیأت مدیره دارند، مدیران باید در اولین جلسه خود از بین اعضای هیأت یک رئیس و یک نائب رئیس برای هیأت مدیره تعیین کنند. رئیس و نائب رئیس هیأت مدیره باید شخص حقیقی باشند. لکن فردی که به عنوان نماینده شخص حقوقی مدیر معرفی شده است می تواند به اعتبار شخصیت حقیقی خویش به عنوان رئیس یا نائب رئیس هیأت مدیره انتخاب شود.

ماده ۲۲۱ - در غیاب رئیس هیأت مدیره و یا در مواردی که وی به طور موقت نتواند وظایف خود را انجام دهد نائب رئیس هیأت مدیره وظایف او را بر عهده می گیرد.

ماده ۲۲۲ - مدت ریاست رئیس و نیابت نائب رئیس هیأت مدیره نباید از مدت عضویت آنها در هیأت مدیره بیشتر باشد. هیأت مدیره، همواره، می تواند رئیس و نائب رئیس هیأت مدیره را از سمتهای مذکور عزل کند. اتخاذ هر ترتیبی برخلاف مقررات این ماده و مواد (۲۲۰) و (۲۲۱) این قانون اعتبار ندارد.

ماده ۲۲۳ - رئیس هیأت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیأت مدیره باید مجمع عمومی را در مواردی که مدیر یا مدیران به دعوت آن مکلفند بر اساس مصوبه هیأت مدیره دعوت کند. چنانچه هیأت مدیره در مواردی که مکلف به دعوت مجمع عمومی است، حسب مورد، ظرف مهلت مقرر در اساسنامه یا قانون، تصمیمی در این باره اتخاذ نکند، رئیس هیأت مدیره رأساً مجمع عمومی را دعوت می کند.

ماده ۲۲۴ - ترتیب دعوت جلسات هیأت مدیره را اساسنامه معین می کند. ولی در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیأت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد، عده ای از مدیران که حداقل یک سوم اعضای هیأت مدیره را تشکیل می دهند می توانند با ذکر دستور جلسه، هیأت مدیره را برای تشکیل جلسه دعوت کنند. مدیرعامل شرکت نیز می تواند با ذکر دستور جلسه دعوت هیأت مدیره را از رئیس هیأت مدیره تقاضا کند. در این صورت، رئیس هیأت مدیره باید با رعایت تشریفات مقرر مدیران را دعوت کند.

ماده ۲۲۵ - هریک از مدیران شرکت، شرکت مادر و شرکتهای تابع یا وابسته شرکت و نیز اشخاص حقوقی که هر یک از اشخاص مذکور مدیر، مدیرعامل و یا شرکت مادر، تابع یا وابسته آنها است نمی توانند در معامله ای که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می شود، بدون اجازه هیأت مدیره به طور مستقیم یا غیرمستقیم، طرف معامله واقع و یا در آن سهمی شوند. در صورت اجازه نیز هیأت مدیره باید بازرس یا بازرسان شرکت را از مفاد معامله ای که اجازه آن را داده است مطلع کند و مراتب را به اولین مجمع عمومی عادی گزارش دهد. بازرس یا بازرسان نیز باید ضمن گزارشی خاص مشتمل بر جزئیات معامله مذکور، نظر خود را درباره انجام این معاملات در شرایط منصفانه و رعایت حقوق کلیه شرکا و یا سهامداران و قوانین و مقررات مربوط، به طور کتبی ظرف ده روز به هیأت مدیره اعلام و به مجمع مذکور نیز تقدیم کنند. در شرکتهای فاقد هیأت مدیره، اجازه حسب مورد از مدیر یا مدیران اخذ می شود. چنانچه خود مدیر یا مدیران، طرف معاملات مذکور در این ماده باشند باید ضمن گزارش مراتب به اولین مجمع عمومی

عادی در غیر شرکتهای تک عضو، بازرس یا بازرسان را از وقوع چنین معامله‌ای مطلع کنند. هرگاه ذی‌نفع در معامله، مدیر شرکت باشد، به هنگام اخذ تصمیم در مورد آن معامله در جلسه هیأت‌مدیره حق رأی ندارد.

ماده ۲۲۶ - شرکت تجارتي که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت دیگری تعلق دارد، همچنین شرکت تجارتي که به طرق پیش‌بینی‌شده در اساسنامه و یا به هر نحو از قبیل کسب اکثریت مدیران، تحت کنترل شرکت دیگر باشد شرکت تابع یا فرعی نامیده می‌شود، اگرچه کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن به شرکت کنترل‌کننده تعلق داشته باشد. به شرکتي که از طرق مذکور کنترل شرکت دیگر را در دست دارد، شرکت مادر اطلاق می‌شود. شرکتي که به هر نحو از قبیل داشتن حداقل یک مدیر در شرکت و یا سهامداری عمده تحت نفوذ قابل ملاحظه شرکت دیگر باشد، شرکت وابسته نامیده می‌شود.

ماده ۲۲۷ - هرگاه معامله مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون بدون رعایت تشریفات مقرر در آن ماده انجام شود و یا بازرس یا بازرسان شرکت انجام این معامله در شرایط مقرر در ماده مذکور را تأیید نکنند، مجمع عمومی عادی می‌تواند، پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان شرکت، در باره درخواست اعلام بطلان معامله از دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ کند. اگر ذی‌نفع در معامله مذکور از شرکا و یا سهامداران شرکت باشد، به هنگام اخذ تصمیم در مورد آن معامله در مجمع عمومی عادی حق رأی ندارد.

ماده ۲۲۸ - معاملات مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون، در هر حال، حتی اگر به‌وسیله مجمع عمومی عادی تصویب نشود، در مقابل اشخاص ثالث معتبر است، مگر اینکه شخص ثالث با ذی‌نفع در معامله مذکور تبانی کرده باشد.

ماده ۲۲۹ - در صورتی که بر اثر انجام معاملات موضوع ماده (۲۲۵) این قانون به شرکت خسارتي وارد شود، ذی‌نفع در معامله، مدیرعامل، مدیران شرکت که انجام معامله را اجازه داده‌اند و بازرس یا بازرسان شرکت که بر خلاف واقع رعایت شرایط مقرر در ماده (۲۲۵) را تأیید کرده‌اند، منفرداً، مسؤول جبران کلیه خسارات وارد شده می‌باشند.

ماده ۲۳۰ - اشخاص مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون نمی‌توانند وام یا اعتباری از شرکت دریافت کنند و شرکت نیز نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این‌گونه معاملات باطل‌اند. این ممنوعیت شامل همسر و بستگان نسبی و سببی مدیر یا مدیران تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه می‌شود.

در مورد بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری معاملات مذکور به شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر است، لکن جزئیات این معاملات باید به همراه اظهارنظر بازرس یا بازرسان به مجمع عمومی عادی گزارش شود.

ماده ۲۳۱ - مدیر یا مدیران شرکت نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند مسؤول جبران خسارت وارد شده است.

تبصره - منظور از ضرر در این قانون اعم از ورود خسارت یا تفویت منفعت است.

ماده ۲۳۲ - مجمع عمومی عادی می‌تواند بابت ساعات حضور اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره در جلسات هیأت مذکور پرداخت مبلغی مقطوع را به آنها تصویب کند. اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره حق ندارند به جز آنچه در این ماده و ماده (۲۳۳) این قانون پیش‌بینی می‌شود وجهی را در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر از شرکت دریافت کنند.

ماده ۲۳۳ - مجمع عمومی عادی می‌تواند در صورت پیش‌بینی اساسنامه تخصیص مبلغ معینی را به عنوان پاداش سالانه مدیر یا مدیران تصویب کند. حداکثر مبلغ پرداختی به هریک از مدیران به عنوان پاداش سالانه تحت هر عنوان نباید برای عضو غیرموظف از پنج‌برابر دریافتی وی و برای عضو موظف از دو برابر دریافتی وی در طول سال مالی مورد رسیدگی بیشتر باشد.

ماده ۲۳۴ - در صورت عضویت شخص حقوقی در هیأت‌مدیره حق‌الزحمه و پاداش سالانه مدیر به شخص حقوقی مدیر تعلق می‌گیرد.

ماده ۲۳۵ - شخص یا اشخاصی که حداقل یک‌دهم مجموع سرمایه شرکت به آنها تعلق دارد می‌توانند در صورت تقصیر مدیر یا مدیران به نام شرکت و به هزینه خود علیه اشخاص مذکور اقامه دعوی و جبران کلیه خسارات وارد شده به شرکت را از آنها مطالبه

کنند. چنانچه از تقصیر اشخاص ثالث نیز زیانی به شرکت برسد همین حکم مجری است. در صورت محکومیت مدیر یا مدیران، مدیرعامل، بازرس یا بازرسان و یا اشخاص ثالث به جبران خسارات و پرداخت هزینه دادرسی، حکم به نفع شرکت اجراء و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده است، از محل محکوم‌به به وی مسترد می‌شود. در صورت محکومیت اقامه‌کننده دعوی هزینه‌ها و خسارات برعهده او است.

ماده ۲۳۶ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی به هیچ وجه نمی‌تواند حق شرکا و یا سهامداران را در مورد اقامه دعوی مدنی یا کیفری علیه مدیر یا مدیران شرکت محدود کند.

ماده ۲۳۷ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد اموال شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هریک از مدیران را که مطابق ماده (۲۱۹) این قانون مفاد حساب نگرفته‌اند یا با اعمال تقلب، مفاد حساب اخذ کرده‌اند به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از اموال شرکت ممکن نشده است محکوم کند، مگر اینکه ثابت شود ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن اموال آن ناشی از جرائم و یا تخلف صریح آن مدیر از مفاد قوانین، مقررات و اساسنامه شرکت نبوده است. در صورتی که ثابت شود مجمع عمومی عادی علی‌رغم تخلفات مدیر یا مدیران صورتهای مالی را تصویب کرده است، شخصی که به هنگام تصمیم‌گیری بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه شرکت، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، متعلق به وی بوده یا به هر نحو کنترل مجمع را در اختیار داشته است مسؤول جبران خسارت وارد شده به اشخاص ذی‌نفع است، مگر اینکه ثابت کند تصمیم مجمع به وی مستند نبوده است.

بند سوم - مدیرعامل

ماده ۲۳۸ - در صورت تعدد مدیران شرکت، آنان باید یک شخص حقیقی را از بین خود یا خارج به عنوان مدیرعامل شرکت برگزینند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کنند. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت‌مدیره همان شرکت باشد. چنانچه شرکت تنها یک مدیر داشته باشد، مدیر مذکور سمت مدیرعامل را نیز تصدی می‌کند.

ماده ۲۳۹ - عزل و پذیرش استعفای مدیرعامل همواره با مدیران است.

ماده ۲۴۰ - مدیرعامل می‌تواند با تصویب هیأت‌مدیره یک یا چند شخص حقیقی را به عنوان قائم‌مقام خود انتخاب و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه آنان را تعیین کند. حداکثر تعداد قائم‌مقامهای مدیرعامل در اساسنامه معین می‌شود.

ماده ۲۴۱ - مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت محسوب می‌شود و انجام کلیه امور شرکت و اقامه دعوی و دفاع از دعاوی اقامه‌شده علیه شرکت را بر عهده دارد. درج امضاء او تحت اسناد تعهدآور شرکت، موجب تعهد شرکت می‌گردد و تحدید اختیارات او به موجب اساسنامه، تصمیمات مجمع عمومی و یا مدیران تنها در روابط بین مدیرعامل و شرکت، معتبر و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه به حدود اختیارات مدیرعامل بی‌اثر است. قائم‌مقام مدیرعامل در حدود موضوع اختیارات تفویض‌شده، اختیارات مدیرعامل را دارد.

ماده ۲۴۲ - مدیرعامل باید کلیه تصمیمات هیأت‌مدیره را اجراء کند. در صورت استنکاف مدیرعامل از اجرای تصمیمات هیأت‌مدیره، مجامع عمومی، اساسنامه، مقررات و قوانین، رئیس هیأت‌مدیره می‌تواند هیأت‌مدیره را برای استماع توضیحات مدیرعامل در این باره دعوت کند. چنانچه رئیس هیأت‌مدیره از انجام دعوت خودداری کند، عده‌ای از مدیران که لااقل یک‌سوم اعضای هیأت‌مدیره را تشکیل می‌دهند می‌توانند هیأت‌مدیره را برای استماع توضیحات مدیرعامل دعوت کنند. مدیرعامل باید با حضور در جلسه مذکور توضیح مقتضی را ارائه کند. در هر حال، فاصله دعوت از مدیرعامل تا تشکیل جلسه نباید از یک هفته کمتر باشد. در صورت عدم حضور مدیرعامل یا پس از استماع توضیحات وی، هیأت‌مدیره درباره عزل نامبرده با رعایت قوانین، مقررات

و اساسنامه شرکت تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. اساسنامه شرکت نمی‌تواند ترتیبی برخلاف مقررات این ماده مقرر کند. عزل مدیرعامل در سایر موارد تابع تشریفات مقرر در این ماده نیست.

ماده ۲۴۳ - تصمیمات، اعمال و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف تشریفات مربوط به طرز انتخاب مدیرعامل یا علی‌رغم ممنوعیت وی از تصدی سمت مدیریت عامل انتخاب گردد در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.

ماده ۲۴۴ - مدیرعامل و قائم‌مقامهای وی در برابر تصمیماتی که برخلاف قوانین و مقررات، مفاد اساسنامه، مصوبات مجمع عمومی و یا مدیران اتخاذ کرده‌اند مسؤولیت دارند.

ماده ۲۴۵ - مدیرعامل در مورد اقدامات و تصمیمات قائم‌مقامهای خود در برابر مدیران مسؤول است.

ماده ۲۴۶ - هیچ شخصی نمی‌تواند هم‌زمان در بیش از یک شرکت به سمت مدیر عامل یا عضو موظف هیأت‌مدیره انتخاب شود. همچنین عضویت غیرموظف در هیأت‌مدیره بیش از دو شرکت ممنوع است. شرکتهای مادر و تابع آن و یا شرکتهای تابع یک شرکت مادر در صورتی که هیچکدام از آنها جزء شرکتهای دولتی نباشند مشمول حکم این ماده نیستند. متخلف از این ماده مشمول مقررات مواد (۲۰۳) و (۲۰۴) این قانون است.

ماده ۲۴۷ - مقررات مواد (۲۰۰)، (۲۰۱)، (۲۰۲)، (۲۰۳)، (۲۰۴)، (۲۱۹)، (۲۲۵)، (۲۲۷)، (۲۲۸)، (۲۲۹)، (۲۳۰)، (۲۳۱)، (۲۳۵)، (۲۳۶) و (۲۳۷) این قانون در مورد مدیرعامل و قائم‌مقام وی نیز مجری است.

بند چهارم - بازرس یا بازرسان

ماده ۲۴۸ - مجمع عمومی عادی در هر سال از میان اشخاص واجد صلاحیت، یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا طبق مقررات این قانون انجام وظیفه کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان تا چهار دوره متوالی بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر حال می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند، به شرط آنکه در همان زمان جانشین وی را نیز انتخاب کند. تبصره - تعداد بازرسان در شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام و همچنین شرکتهای تابع و وابسته آنها نباید از سه شخص کمتر باشد.

ماده ۲۴۹ - اولین بازرس یا بازرسان در مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند.

ماده ۲۵۰ - مجمع عمومی عادی باید حداقل یک بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت فوت، انحلال، معذوریت، استعفاء، سلب شرایط، استنکاف یا عدم قبول سمت به‌وسیله بازرس یا بازرسان اصلی برای انجام وظایف بازرسی دعوت شود.

ماده ۲۵۱ - اگر به علت فوت، انحلال یا استعفاء هریک از بازرسان شرکت یا معذوریت یا ممنوعیت هریک از آنان از تصدی این سمت، تعداد بازرسان از حداقل مقرر در این قانون یا اساسنامه کمتر شود، اعضای علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و در غیراین صورت به ترتیب مقرر به‌وسیله مجمع عمومی عادی جانشین آنان می‌شوند. اگر عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد یا به هر علت از تصدی بازرسی شرکت ناتوان و یا ممنوع گردد یا تعداد اعضای علی‌البدل برای تصدی محلهای خالی کافی نباشد، مدیر یا مدیران باید به‌فوریت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان دعوت کنند.

ماده ۲۵۲ - هرگاه مدیر یا مدیران از دعوت مجمع عمومی در مورد مذکور در ماده (۲۵۱) این قانون خودداری کنند یا دعوت به‌وسیله آنان ممکن نباشد، بازرس یا بازرسان باقیمانده شرکت باید رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع با رعایت تشریفات لازم مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان دعوت کنند. در صورت عدم امکان دعوت به‌وسیله بازرس یا بازرسان باقیمانده شرکت، به هر علت، یا خودداری آنان از انجام تکلیف مذکور و نیز در صورتی که شرکت بازرس دیگری نداشته باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکتهای دعوت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان تقاضا کند، مشروط بر اینکه ضمن ذکر دستور جلسه، عدم دعوت مجمع مذکور به‌وسیله بازرس یا بازرسان را با بیان علت در تقاضانامه قید کند.

ماده ۲۵۳ - اشخاص حقوقی را می‌توان به عنوان بازرس شرکت انتخاب کرد. در این صورت، شخص حقوقی به‌طور مستقل کلیه مسؤولیت‌های مدنی شخص حقیقی بازرس را دارد و باید به‌طور کتبی یک نفر را که واجد شرایط تصدی بازرسی شرکت است به نمایندگی تام‌الاختیار خود برای انجام وظایف بازرسی معرفی کند. نماینده مذکور کلیه وظایف، تعهدات و مسؤولیت‌های مدنی و جزائی بازرس را مستقلاً بر عهده دارد. در صورت انتخاب شخص حقوقی به عنوان بازرس، حق الزحمه بازرس به شخص حقوقی تعلق می‌گیرد.

ماده ۲۵۴ - اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان بازرس شرکت انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند:

- ۱- اشخاصی که در مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون ذکر شده‌اند.
- ۲- هریک از اشخاصی که سمت مدیریت و مدیریت عامل شرکت و قائم‌مقامی وی را برعهده دارند.
- ۳- کسانی که با مدیر و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه نسبت سببی و نسبی دارند.
- ۴- هر شخصی که خود و یا همسرش از اشخاص مذکور در بند (۲) موظفاً حقوق دریافت می‌کند.
- ۵- هر شخصی که خود و یا همسرش از شرکی که مدیر یا مدیرعامل شرکت در آنها مدیر و یا مدیرعامل است، موظفاً حقوق دریافت می‌کند.

۶- شخص حقوقی‌ای که مدیر و یا مدیرعامل شرکت در آن، سمت مدیر و یا مدیرعامل دارد.

تبصره - در شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی، علاوه بر اشخاص مذکور در این ماده، اشخاص زیر نیز نمی‌توانند به عنوان بازرس شرکت انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند:

- ۱- شریک و یا سهامداری که بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه شرکت را دارد.
 - ۲- شخص حقوقی‌ای که بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه آن به مدیر و یا مدیرعامل شرکت تعلق دارد؛
 - ۳- شخص حقوقی‌ای که مدیر، مدیرعامل، شرکا و یا سهامداران آن در مجموع بیش از پنج درصد (۵٪) سرمایه شرکت را دارند.
- ماده ۲۵۵ -** علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای بازرس یا بازرسان شرکت مقرر شده است، آنان باید در هر سال گزارش جامعی در مورد وضع شرکت تهیه و به مجمع عمومی عادی سالانه تقدیم کنند.

ماده ۲۵۶ - گزارش مذکور در ماده (۲۵۵) این قانون باید حداقل مشتمل بر اظهارنظر درباره موارد زیر باشد:

- ۱- صحت صورتهای مالی و اطلاعات ارائه‌شده به‌وسیله مدیر یا مدیران
 - ۲- انطباق صورتهای مذکور با استانداردهای حسابداری
 - ۳- رعایت قوانین، مقررات و مفاد اساسنامه به‌وسیله مدیر یا مدیران و مدیرعامل
 - ۴- رعایت حقوق شرکا و یا سهامداران به‌طور یکسان در حدود مقرر در قوانین، مقررات و اساسنامه
- ماده ۲۵۷ -** چنانچه شرکت بازرسان متعدد داشته باشد، هر یک از آنان می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد، لکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید می‌شود.

ماده ۲۵۸ - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف و یا تقصیر مدیر یا مدیران و مدیرعامل در انجام وظایف مربوط به شرکت را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند.

ماده ۲۵۹ - اگر بازرس یا بازرسان ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی در شرکت ازجمله نداشتن دفاتر موضوع ماده (۹۱) این قانون یا نامرتب بودن آنها، ارائه صورتهای مالی خلاف واقع و یا عدم پرداخت حقوق دولتی مطلع شوند، باید مراتب را به‌وسیله اظهارنامه رسمی به دادستان محل اقامت شرکت اعلام و موقوف را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند. در صورتی که انتظار تا

تشکیل جلسه مذکور موجب ورود زیان به شرکت شود، بازرس یا بازرسان باید با قید فوریت مجمع یادشده را با رعایت تشریفات مربوط دعوت کنند.

ماده ۲۶۰ - بازرس یا بازرسان، در هر حال، می‌توانند به صلاحدید خود در امور شرکت تحقیق و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کنند و مورد رسیدگی قرار دهند. همچنین بازرس یا بازرسان می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت‌مدیره شرکت کنند.

ماده ۲۶۱ - بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسؤولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند، به شرط آنکه آنها را از قبل به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس یا بازرسان تعیین می‌کنند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را دارند و حق‌الزحمه آنان باید در حد متعارف به‌وسیله شرکت پرداخت شود.

ماده ۲۶۲ - در صورتی که مجمع عمومی بازرس یا بازرسان را معین نکرده باشد یا بازرس یا بازرسان به عللی نتوانند گزارش دهند یا از ارائه گزارش امتناع کنند، مجمع عمومی باید در مورد انتخاب بازرس یا بازرسان برای سال مالی مربوط اقدام مقتضی به عمل آورد و در صورت خودداری از انتخاب بازرس یا بازرسان، دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع بازرس یا بازرسان را با تعیین حق‌الزحمه به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب می‌کند. بازرس یا بازرسان منتخب دادگاه تا انتخاب بازرس یا بازرسان جدید به‌وسیله مجمع عمومی باید وظایف مربوط را انجام دهند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

تبصره - در شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام هرگاه مجمع عمومی از انتخاب بازرس یا بازرسان خودداری کند سازمان بورس و اوراق بهادار به تقاضای هر ذی‌نفع به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت بازرس یا بازرسان را با تعیین حق‌الزحمه انتخاب می‌کند.

ماده ۲۶۳ - بازرس یا بازرسان در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسؤولیت‌های بازرس را برعهده دارند.

ماده ۲۶۴ - تعیین حق‌الزحمه بازرس یا بازرسان جز در مورد مذکور در ماده (۲۶۲) این قانون و تبصره آن با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۲۶۵ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت، شرکا و یا سهامداران و اشخاص ثالث در مورد تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند، از جمله در باره تصدیق خلاف واقع موارد مذکور در ماده (۲۵۶) این قانون، طبق قواعد عمومی مسؤولیت مدنی در مقابل شرکت، شرکا، و یا سهامداران و اشخاص ثالث برای جبران خسارت وارد شده مسؤولیت دارند.

ماده ۲۶۶ - بازرس یا بازرسان در هر حال ملزم به رعایت ضوابط و موازین حرفه‌ای مربوط از جمله بی‌طرفی، رازداری، عدم افشای اسرار تجاری و عدم مداخله در امر اداره شرکت می‌باشند.

ماده ۲۶۷ - بازرس یا بازرسان و همسر و فرزندان و اقربای سببی و نسبی آنان تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه نمی‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد، طرف معامله و یا سهام شوند.

ماده ۲۶۸ - چنانچه بازرس شخص حقوقی باشد، شرکتهای مادر، تابع و وابسته آن نیز مشمول ممنوعیت مذکور در ماده (۲۶۷) این قانون می‌شوند.

ماده ۲۶۹ - در مورد بانکها و مؤسسات و شرکتهای مالی و اعتباری هرگاه اشخاص مذکور در مواد (۲۶۷) و (۲۶۸) این قانون تحت قیود و شرایط عادی و جاری و بدون دخالت بازرس از بانک یا مؤسسه یا شرکت مالی و اعتباری ذی‌ربط وام یا اعتبار تحصیل کنند، معامله منعقدشده معتبر است لکن این معاملات باید با جزئیات آنها به مجمع عمومی عادی گزارش شود.

ماده ۲۷۰ - مفاد مواد (۲۳۵) و (۲۳۶) این قانون در مورد بازرس یا بازرسان نیز مجری است.

ماده ۲۷۱ - رعایت کلیه تکالیف و مسؤولیت‌هایی که در این گفتار برای بازرس یا بازرسان مقرر شده است برای حسابدار رسمی موضوع تبصره (۱) ماده (۲۱۴) این قانون نیز الزامی است.

گفتار دوم - حسابهای شرکت

ماده ۲۷۲ - صورتهای مالی عبارت است از گزارش وضع مالی شرکت مشتمل بر صورت دارایی، ترازنامه، حساب عمل کرد، حساب سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد که بر اساس استانداردهای حسابداری و به گونه‌ای که بیانگر محتوای اقتصادی معاملات و کلیه اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیریهای اقتصادی باشد تهیه می‌شود.

ماده ۲۷۳ - در تنظیم صورتهای مالی هر سال باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل به کار رفته است رعایت شود. هرگاه تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل مورد نظر باشد، باید صورتهای مالی به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردند تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان در مورد صورتهای مذکور تصمیم بگیرد.

ماده ۲۷۴ - در ترازنامه باید استهلاك اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود حتی اگر پس از وضع استهلاك و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. کاهش ارزش اموال ثابت، خواه در نتیجه استعمال، خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر، باید در استهلاك منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اموال و زیانها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده ۲۷۵ - دیونی که شرکت تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شوند.

ماده ۲۷۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود و هزینه‌های افزایش سرمایه حداکثر تا پنج سال از تاریخ هزینه‌کرد مستهلك شوند. چنانچه در نتیجه افزایش سرمایه، سهام جدید صادر شده به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شود، هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل اضافه ارزش مستهلك کرد.

ماده ۲۷۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی حاصل کسر کلیه هزینه‌ها و استهلاكات از درآمد همان سال مالی است.

ماده ۲۷۸ - پس از وضع زیانهای وارد در سالهای قبل باید معادل یک‌دهم سود خالص شرکت طبق ماده (۲۱۵) این قانون به عنوان اندوخته قانونی ذخیره شود. هر تصمیم بر خلاف این ماده باطل است.

ماده ۲۷۹ - مجمع عمومی عادی می‌تواند درصدی از سود قابل تقسیم شرکت را به عنوان اندوخته اختیاری منظور کند.

ماده ۲۸۰ - سود قابل تقسیم، حاصل کسر زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده (۲۷۸) این قانون و اندوخته اختیاری مصوب مجمع عمومی عادی از سود خالص سال مالی شرکت است که به آن سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است، اضافه می‌شود.

ماده ۲۸۱ - مجمع عمومی عادی پس از تصویب صورتهای مالی و احراز وجود سود قابل تقسیم، مبلغی از آن را که باید با رعایت مفاد مواد (۱۶۹)، (۱۷۰)، (۱۷۱) و (۱۷۲) این قانون بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود تعیین می‌کند. تقسیم سود و یا اندوخته‌های اختیاری منوط به پیشنهاد سقف سود قابل تقسیم به وسیله مدیر یا مدیران همراه با اظهار نظر بازرس یا بازرسان شرکت مبنی بر وجود نقدینگی لازم برای پرداخت آن در مهلهای مقرر و فقدان شرط درآمدی و یا هزینه‌ای در صورتهای مالی است. هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص تقسیم سود بر خلاف مفاد این ماده ممنوع و باطل است.

ماده ۲۸۲ - در شرکت‌هایی که تهیه صورتهای مالی تلفیقی برای آنها الزامی است، سود تلفیقی مبنای تقسیم سود است مگر آنکه سود مندرج در صورتهای مالی شرکت اصلی کمتر باشد که در این صورت سود شرکت اصلی ملاک تقسیم سود می‌باشد.

ماده ۲۸۳ - مجمع عمومی عادی می تواند مقرر کند مبالغی از اندوخته های اختیاری شرکت بین شرکا و یا سهامداران تقسیم شود. در این صورت، در تصمیم مجمع مذکور به طور صریح قید می شود که مبالغ مورد نظر باید از کدام یک از اندوخته ها برداشت و تقسیم گردند.

ماده ۲۸۴ - نحوه پرداخت سود قابل تقسیم به وسیله مجمع عمومی عادی تعیین می شود. اگر این مجمع در مورد نحوه پرداخت تصمیمی نگیرد، مدیر یا مدیران نحوه پرداخت را تعیین می کنند. در هر حال، پرداخت سود به شرکا و یا سهامداران باید حداکثر ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی عادی در مورد تقسیم سود انجام شود.

گفتار سوم - تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۲۸۵ - هیچ یک از مجامع عمومی نمی تواند بدون موافقت کلیه شرکا و یا سهامداران بر تعهدات آنان بیفزاید.

ماده ۲۸۶ - در اساسنامه شرکت نمی توان به مدیر یا مدیران شرکت اختیار تغییر سرمایه را داد.

ماده ۲۸۷ - تصمیم مجمع عمومی فوق العاده در مورد افزایش سرمایه باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- مبلغ افزایش سرمایه

۲- طریق افزایش سرمایه و شیوه تأمین مبلغ لازم برای آن

۳- زمان آغاز و مهلت افزایش سرمایه

۴- در صورت مجاز کردن افزایش سرمایه به غیر نقد نام بانک و شماره حسابی که وجوه مربوط در آن واریز و اسناد مالکیت اموال غیر نقد در آن تودیع می شود.

۵- در صورت مدنظر بودن ایجاد امتیاز جدید شرح امتیازات سهم الشرکه و یا سهام جدید و موجبات آن

۶- نحوه تخصیص اضافه ارزش سهام در شرکتهای سهامی

تبصره - مجمع عمومی فوق العاده می تواند اختیار تعیین موارد مذکور در بندهای (۳) و (۴) این ماده را به مدیر یا مدیران واگذار کند.

ماده ۲۸۸ - هرگاه قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام آن قسمت، با جلب نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری، تقویم و تسلیم شود و با رعایت ماده (۱۶۵) این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد و مراتب در صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده ای که آن را تصویب کرده است درج گردد. اگر افزایش سرمایه از طریق وارد کردن شریک و یا سهامدار جدید مورد نظر باشد، مجمع عمومی فوق العاده با حضور شرکا و یا سهامداران شرکت و تعهدکنندگان جدید تشکیل می شود.

ماده ۲۸۹ - افزایش سرمایه به غیر نقد جز در مورد شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز است. در شرکتهای مذکور نیز چنانچه افزایش سرمایه مطابق مقررات این قانون از طریق واگذاری سهام جدید به اشخاص معین، مورد نظر باشد، افزایش سرمایه به غیر نقد مجاز است.

ماده ۲۹۰ - پس از گذشتن مهلتی که برای تأمین مبلغ افزایش سرمایه معین شده است و در صورت تمدید مهلت پس از انقضای آن، مدیر یا مدیران حداکثر تا یک ماه به تعهدات شرکا و یا سهامداران رسیدگی می نمایند و در صورت تأمین کل مبلغ لازم برای افزایش سرمایه ضمن اصلاح اساسنامه، میزان سهم الشرکه و یا تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و برای ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتهای اعلام می کنند.

تبصره ۱ - در شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام در صورتی که مقدار سهام پذیرهنویسی شده حداقل سه چهارم مبلغ مقرر برای افزایش سرمایه باشد، ثبت افزایش سرمایه مجاز است، مگر آنکه مجمع عمومی فوق العاده برای تحقق افزایش سرمایه میزان بیشتری را مقرر کند.

تبصره ۲ - در شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان در ابتدا به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می‌شود و پس از تأیید سازمان مذکور مراتب برای ثبت و آگهی به اطلاع مرجع ثبت‌شرکتها می‌رسد. سازمان بورس و اوراق بهادار باید حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت مدارک مربوط نظر خود را اعلام کند.

ماده ۲۹۱ - برای ثبت افزایش سرمایه کلیه شرکتهای تجارتی مدیر یا مدیران باید اظهارنامه‌ای به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت کنند:

۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مشتمل بر تصویب افزایش سرمایه شرکت

۲- در صورت اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده برای تعیین موضوع بندهای (۳) و (۴) ماده (۲۸۷) این قانون به‌وسیله مدیر یا مدیران مصوبه آنان در این مورد

۳- گواهینامه موضوع بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون

۴- صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مذکور در ماده (۲۸۸)، در صورت اقتضاء

ماده ۲۹۲ - اگر مجمع عمومی فوق‌العاده تأمین سرمایه لازم برای افزایش سرمایه را با رعایت مقررات این قانون از طریق تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل تصویب کند، باید مدارک حاکی از موافقت دارندگان این نوع اوراق که بازرسی یا بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده‌اند، به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شود.

ماده ۲۹۳ - اظهارنامه مذکور در ماده (۲۹۱) این قانون باید با قید تاریخ به امضای مدیر یا مدیران برسد و مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- تصریح بر تعهد مبلغ لازم برای افزایش سرمایه و تأدیه و یا تسلیم تمام آن

۲- میزان سهم‌الشرکه و یا سهام هر یک از تعهدکنندگان

ماده ۲۹۴ - هر نوع تصرف در آورده‌های غیرنقد و وجوهی که به عنوان افزایش سرمایه تسلیم می‌گردد پیش از ثبت افزایش سرمایه شرکت ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. همچنین تأمین و توقیف آورده‌های مذکور در مقابل دیون شرکت پیش از ثبت افزایش سرمایه شرکت مجاز نیست.

ماده ۲۹۵ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا سه ماه از تاریخ آغاز مهلت افزایش سرمایه به ثبت نرسد، مفاد ماده (۱۵۵) این قانون در باره استرداد مبالغ دریافتی از تعهدکنندگان قابل اجراء است.

تبصره - مهلت مذکور در این ماده برای شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام شش ماه است.

ماده ۲۹۶ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه موضوع ماده (۲۱۶) این قانون، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به پیشنهاد مدیر یا مدیران در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت تصمیم بگیرد، مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق شرکا و یا سهامداران لطمه‌ای وارد نگردد و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در این قانون برای آن نوع شرکت کمتر نشود.

تبصره - کاهش سرمایه در شرکتهای سهامی از طریق کاهش تعداد سهام به نسبت مساوی و یا کاهش بهای اسمی سهم به نسبت مساوی و رد مبلغ کاهش‌یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌شود.

ماده ۲۹۷ - پیشنهاد مدیر یا مدیران برای کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرسی یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و شامل گزارشی درباره امور شرکت و صورتهای مالی از بدو سال مالی در جریان باشد و در صورت عدم تصمیم‌گیری مجمع عمومی در خصوص حسابهای مالی سال قبل این گزارش باید حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل نیز باشد.

ماده ۲۹۸ - بازرسی یا بازرسان شرکت به پیشنهاد مدیر یا مدیران رسیدگی و نظر خود را طی گزارشی با رعایت ماده (۱۶۸) این قانون به مجمع عمومی فوق‌العاده تسلیم می‌کنند. تصمیم‌گیری در مجمع مذکور پس از استماع گزارش بازرسی یا بازرسان انجام می‌گیرد.

ماده ۲۹۹ - مدیر یا مدیران قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی در این باره را حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد، در روزنامه شرکت، آگهی کنند.

ماده ۳۰۰ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق بهادار و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده (۲۹۹) این قانون باشد می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود به کاهش سرمایه شرکت را به دادگاه تقدیم کنند.

ماده ۳۰۱ - در مهلت مذکور در ماده (۳۰۰) این قانون و نیز چنانچه اعتراضی شده و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد، کاهش سرمایه شرکت ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در مورد رد اعتراض موضوع ماده (۳۰۰) صادر شده باشد.

ماده ۳۰۲ - کاهش سرمایه با ثبت آن محقق می شود و پیش از آن، پرداخت هر وجهی به شرکا تحت این عنوان ممنوع است.

ماده ۳۰۳ - پس از کاهش سرمایه برای رد مبلغ کاهش یافته به شرکا و یا سهامداران، مدیر یا مدیران باید مراتب را به نحوی که برای دعوت مجامع مقرر است به اطلاع کلیه شرکا و یا سهامداران برسانند. آگهی مذکور باید برای شرکا و سهامداران بانام به وسیله پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۳۰۴ - آگهی مذکور در ماده قبل باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- هویت شرکت

۲- اقامتگاه شرکت

۳- مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه

۳- میزان کاهش سرمایه و نحوه تخصیص مبلغ کاهش یافته به شرکا و یا سهامداران

۴- نحوه پرداخت، مهلت و محل بازپرداخت مبلغ کاهش یافته

ماده ۳۰۵ - خروج یا اخراج شریک با رعایت مقررات کاهش سرمایه صورت می گیرد و باید مبلغ پرداختی به عضو خارج یا اخراج شده به تأیید کارشناس رسمی دادگستری برسد. خروج شریک از شرکت با موافقت مجمع عمومی فوق العاده خواهد بود. اخراج شریک از شرکت زمانی قابل انجام است که در این قانون پیش بینی شده باشد.

ماده ۳۰۶ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه، ممنوع و در صورت انجام باطل است.

ماده ۳۰۷ - شرکت تجاری نمی تواند به طور مستقیم یا به وسیله شرکت های تابع یا وابسته به خود سهام یا سهم الشرکه خود را تملک کند، لکن شرکت های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام می توانند به طور غیرمستقیم و از طریق شرکت های تابع و وابسته مجموعاً پنج درصد (۵٪) از سهام خود را در اختیار بگیرند. این سهام باید بانام و تمام وجه آن تأدیه شده باشد. سهام مذکور فاقد سود، حق تقدم و رأی است و در نصاب مجامع عمومی لحاظ نمی شود و منافع آن پس از انحلال شرکت به نسبت میان سهامداران تقسیم می گردد.

تبصره - شرکت های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام که سهام آنها به صورت بلوک یا عمده در بازار بورس یا خارج از بورس عرضه می شود نمی توانند از طریق شرکت های تابع و وابسته خود با سایرین در خرید سهام مورد عرضه رقابت کنند. منظور از سهام عمده در شرکت هایی که سرمایه ثبت شده آنها کمتر از بیست میلیارد (۲۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد حداقل پنج درصد (۵٪) سهام آن شرکت و در شرکت هایی که سرمایه ثبت شده آنها بیش از مبلغ مذکور باشد حداقل یک درصد (۱٪) سرمایه شرکت است.

ماده ۳۰۸ - هرگاه شرکت تجاری برخلاف ماده (۳۰۷) این قانون و تبصره آن مستقیم یا غیر مستقیم سهام یا سهم الشرکه خود را تملک کند، باید مقدار مازاد را ظرف سه ماه به طریق مقتضی واگذار نماید. در غیر این صورت، هر ذی نفع می تواند الزام شرکت را به

واگذاری سهام مذکور از دادگاه درخواست کند. سهام مذکور فاقد سود، حق تقدم و حق رأی است و در نصاب مجامع عمومی لحاظ نمی‌شود و منافع آن پس از انحلال شرکت به نسبت میان سهامداران تقسیم می‌گردد.

مبحث سوم - انحلال و تصفیه شرکت

ماده ۳۰۹ - شرکت تجاری در موارد زیر منحل می‌شود:

- ۱- شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.
 - ۲- شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر اینکه مدت مذکور، قبل از انقضاء تمدید شود.
 - ۳- مجمع عمومی فوق‌العاده به هر علتی به انحلال شرکت رأی دهد.
 - ۴- ادغام یا تجزیه در صورتی که منجر به محو شخصیت حقوقی شرکت شود.
 - ۵- صدور حکم قطعی دادگاه مبنی بر انحلال در مواردی که در قانون مقرر شده است.
- ماده ۳۱۰ -** در موارد زیر هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه درخواست کند:

- ۱- تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی برای انجام موضوع آن صورت نگرفته یا فعالیتهای شرکت به مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.
- ۲- مجمع عمومی عادی سالانه برای رسیدگی به حسابهای هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.
- ۳- سمت تمام یا برخی از مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.
- ۴- تحقق مفاد بندهای (۱) و (۲) ماده (۳۰۹) این قانون در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده برای اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود یا به انحلال شرکت رأی ندهد یا تصمیم انحلال به مرجع ثبت شرکتها اعلام نشود.
- ۵- بیش از شش ماه تعداد شرکا و یا سهامداران شرکت از حداقل مقرر در این قانون کمتر باشد.
- ۶- موارد مذکور در مواد (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۳۱۲) و (۳۱۳) این قانون

ماده ۳۱۱ - در مورد بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۵) ماده (۳۱۰) این قانون دادگاه به‌فوریت بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که نباید از شش ماه تجاوز کند می‌دهد تا موجبات انحلال را رفع کنند. چنانچه ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود، دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد.

ماده ۳۱۲ - بستانکار شخصی هر یک از شرکا در صورتی که نتوانسته باشد در اجرای حکم قطعی دادگاه یا مفاد اسناد لازم‌الاجراء طلب خود را از اموال شخصی شریک وصول کند و سهم شریک از منافع شرکت نیز برای تأدیه طلب وی کافی نباشد می‌تواند توقیف سهم‌الشرکه وی را از دادگاه بخواهد. در این صورت هرگاه واگذاری سهم‌الشرکه با رعایت مقررات مربوط ظرف شش ماه پس از توقیف محقق نشود یا سایر شرکا و یا سهامداران نتوانند با رعایت این قانون بستانکار را از تقاضای انحلال منصرف کنند، دادگاه حکم انحلال شرکت را صادر می‌کند.

ماده ۳۱۳ - در صورت ورشکستگی شریک مدیر تصفیه او می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح تقاضا کند، مشروط بر آنکه شش ماه قبل از تقدیم درخواست انحلال، مراتب را به‌وسیله اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده‌باشد و شرکا نیز نتوانند با رعایت مقررات این قانون مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف کنند.

ماده ۳۱۴ - تصفیه امور شرکت‌های تجاری با رعایت مقررات این مبحث انجام می‌گیرد، مگر در صورت ورشکستگی شرکت و انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه که تابع مقررات ورشکستگی است. انحلال و تصفیه بانکها و شرکت‌های بیمه با رعایت مقررات مربوط انجام می‌گیرد.

ماده ۳۱۵ - تصمیم یا حکم انحلال، نام مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنان و نام بازررس یا بازرسان تصفیه با رعایت این قانون باید به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود تا پس از ثبت در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی گردد. اگر شرکت روزنامه نداشته باشد، تصمیم یا حکم، علاوه بر روزنامه رسمی در یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری آگهی می شود.

تبصره - در شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مدیران تصفیه باید نسخه ای از صورتجلسه انحلال شرکت را ظرف مهلت مقرر برای اعلام تصمیم به مرجع ثبت شرکتها به سازمان بورس و اوراق بهادار نیز ارسال کنند.

ماده ۳۱۶ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد به ضرر اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

ماده ۳۱۷ - از تاریخ ثبت تصمیم انحلال اختیارات مدیر یا مدیران شرکت خاتمه می یابد و تصفیه شرکت شروع می شود.

گفتار اول - اداره کنندگان امور شرکت منحل شده

ماده ۳۱۸ - امر تصفیه با مدیر یا مدیران تصفیه است. مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله مجمع عمومی فوق العاده تصویب کننده انحلال و با رعایت مقررات ماده (۳۱۹) این قانون انتخاب می شوند، لکن در مورد انتخاب آنان رعایت نصاب مقرر برای انتخاب مدیر یا مدیران شرکت در مجمع عمومی عادی کافی است. اگر مجمع مذکور مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب نکند، دادگاه به تقاضای بازررس یا بازرسان شرکت یا هر ذی نفع، مدیر یا مدیران تصفیه را با رعایت شرایط مقرر برای تصدی مدیریت تصفیه انتخاب می کند.

ماده ۳۱۹ - نحوه انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه همان است که برای مدیر یا مدیران شرکت مقرر شده است. شرایط تصدی مدیریت تصفیه و نحوه تعیین حق الزحمه و تعداد مدیران تصفیه همان است که برای مدیران تصفیه ورشکستگی مقرر شده است.

ماده ۳۲۰ - در مواردی که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه است، دادگاه در حکم انحلال، مدیر یا مدیران تصفیه را منصوب و مراتب را به اداره تصفیه امور ورشکستگی برای تعیین قاضی ناظر اعلام و تصویر یا رونوشتی از حکم را به فوریت برای دادستان محل ارسال می کند.

ماده ۳۲۱ - در کلیه مواردی که به موجب این قانون مدیر یا مدیران تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شوند، در صورت فوت، انحلال یا معذوریت مدیر تصفیه یا منع وی از تصدی این سمت، دادگاه دوباره به تعیین مدیر تصفیه اقدام می کند.

ماده ۳۲۲ - مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر برای دو سال انتخاب می شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۳۲۳ - ترتیب تشکیل، اداره جلسات و تصمیم گیری مدیران تصفیه در صورت تعدد آنان تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد است.

ماده ۳۲۴ - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی دقیق شرکت است، مگر آن که حسب مورد به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شود.

ماده ۳۲۵ - مدیر یا مدیران تصفیه، نماینده شرکت در حال تصفیه اند و کلیه اختیارات لازم برای تصفیه را حتی از طریق ارجاع به داوری، طرح دعوی یا سازش دارند و می توانند برای طرح دعوی و دفاع از آن وکیل تعیین کنند. محدود کردن اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

ماده ۳۲۶ - مجمع عمومی عادی می تواند مدیر یا مدیران تصفیه را عزل کند، مگر آنکه مدیر یا مدیران به وسیله دادگاه انتخاب شوند که در این صورت عزل آنها با دادگاه است.

ماده ۳۲۷ - مدیر تصفیه مطابق مقررات مسئولیت مدنی، مسؤول کلیه خسارتهای ناشی از اعمال خود است.

ماده ۳۲۸ - کلیه اعمال جاری مدیر یا مدیران تصفیه از جانب هر ذی نفع نزد دادگاه قابل شکایت است.

ماده ۳۲۹ - اگر مدیر یا مدیران تصفیه قصد استعفاء داشته باشند باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای اعلام استعفاء خود و تعیین جانشین دعوت کنند. در صورتی که مجمع مذکور تشکیل نشود یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه جدید را انتخاب کند و نیز

چنانچه مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله دادگاه تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه باید استعفای خود را به دادگاه اعلام کنند و تعیین مدیر یا مدیران تصفیه جدید را از دادگاه درخواست کنند. در هر حال، استعفای مدیر یا مدیران تصفیه تا زمانی که جانشین آنان به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشود و مراتب مطابق مقررات این قانون ثبت و آگهی نگردد بی اثر است.

ماده ۳۳۰ - در صورت فوت، انحلال، معذوریت، حجر یا ورشکستگی هریک از مدیران تصفیه متعدد، چنانچه مدیر به وسیله مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین دعوت کنند. هرگاه مجمع دعوت شده تشکیل نشود یا نتواند جانشین را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه به وسیله دادگاه تعیین شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده و در غیر این صورت بازرس یا بازرسان تصفیه باید تعیین جانشین را از دادگاه تقاضا کنند. در صورت عدم تقاضای اشخاص مذکور، هر ذی نفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه درخواست نماید.

ماده ۳۳۱ - در مورد ماده (۳۳۰) این قانون اگر مدیر تصفیه واحد بوده و به وسیله مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد بازرس یا بازرسان تصفیه باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین مدیر دعوت کنند در غیر این صورت هر ذی نفع می تواند دعوت مجمع عمومی عادی شرکت را برای تعیین جانشین او از مرجع ثبت شرکتها درخواست کند. هرگاه مجمع دعوت شده تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه به وسیله دادگاه تعیین شده باشد، هر ذی نفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه تقاضا کند.

ماده ۳۳۲ - مجمع یا دادگاهی که مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب می کند باید هم زمان بازرس یا بازرسان اصلی و علی البدل تصفیه را نیز انتخاب کند. شرایط، اختیارات، وظایف و مسؤولیت های بازرس یا بازرسان تصفیه همان است که برای بازرس یا بازرسان شرکت مقرر شده است. مفاد ماده (۳۲۶) این قانون در مورد عزل بازرسان تصفیه نیز مجری است.

ماده ۳۳۳ - در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تعیین بازرس تصفیه الزامی نیست. لکن پس از اعلام مراتب به اداره تصفیه امور ورشکستگی و قطعیت حکم انحلال، رئیس اداره یک نفر از قضات ناظر را با موافقت دادگاه صادرکننده حکم به عنوان قاضی ناظر تصفیه تعیین می کند. قاضی ناظر تحت نظارت دادگاه صادرکننده رأی فعالیت می کند. قاضی ناظر، علاوه بر اختیارات و وظایفی که به موجب مواد قانونی دیگر دارد، نظارت بر جریان تصفیه و سرعت آن و سایر امور اجرایی را بر عهده دارد.

گفتار دوم - اداره امور شرکت منحل شده

ماده ۳۳۴ - شرکت به محض انحلال، در حال تصفیه محسوب می شود و همواره پس از نام شرکت باید عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود. نام مدیر یا مدیران تصفیه نیز باید در کلیه اوراق و آگهیهای مربوط به شرکت قید گردد.

ماده ۳۳۵ - مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف پنج روز پس از تصمیم انحلال، مراتب را برای اجرای مقررات ماده (۳۱۵) به مرجع ثبت شرکتها اعلام کنند. در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تاریخ قطعیت حکم، مبدأ مهلت مذکور است.

ماده ۳۳۶ - پس از شروع تصفیه شرکت، مدیر یا مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل و به فوریت امر تصفیه شرکت را برعهده بگیرند. مدیر یا مدیران تصفیه پس از تحویل گرفتن دفاتر، باید ذیل آنها را ببندند و مراتب را با ذکر کیفیت دفاتر به طور خلاصه در صورت مجلس قید کنند.

ماده ۳۳۷ - هرگاه شرکت قبل از انحلال در حالت توقف باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باید رسیدگی به امر ورشکستگی شرکت را از دادگاه صالح تقاضا کنند، در غیر این صورت به مجازات مقرر برای ورشکستگی به تقلب محکوم می شوند.

ماده ۳۳۸ - مدیر یا مدیران تصفیه باید پس از انتشار آگهی انحلال شرکت، سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه با نشر آگهی در روزنامه شرکت و حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری دیگر از کلیه بستانکاران و بدهکاران شرکت منحل شده و اشخاصی که به هر عنوان اموال شرکت مذکور را در تصرف دارند دعوت کنند. آگهی دعوت باید شامل موارد زیر باشد:

- ۱- هویت شرکت منحل شده و نشانی کامل آن
- ۲- دعوت از بستانکاران شرکت منحل شده و اشخاصی که ادعائی نسبت به آن دارند برای تقدیم تصویر یا رونوشت مصدق اسناد طلب یا ادعای خود به مدیر یا مدیران تصفیه ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۳۹) این قانون و دریافت رسید آن
- ۳- دعوت از بدهکاران تاجر متوقف برای معرفی خود ظرف مدت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن
- ۴- دعوت از اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر متوقف را در تصرف دارند برای استرداد آن اموال به مدیر یا مدیران تصفیه با رعایت مقررات این قانون ظرف مهلت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن
- ماده ۳۳۹-** کلیه بستانکاران تاجر متوقف و کسانی که ادعائی نسبت به او دارند باید ظرف حداکثر یک ماه پس از انتشار آخرین آگهی موضوع ماده (۳۳۸) این قانون تصویر یا رونوشت مصدق اسناد طلب یا ادعای خود را به مدیر یا مدیران تصفیه تقدیم و رسید دریافت و یا از طریق پست سفارشی دوقبضه برای آنان ارسال کنند.
- ماده ۳۴۰-** بدهکاران شرکت منحل شده و نیز اشخاصی که مالی از اموال آن را به نحوی در تصرف دارند باید ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۳۹) این قانون خود را معرفی و با رعایت ماده (۳۴۱) اموال مذکور را به مدیر یا مدیران تصفیه تسلیم کنند.
- ماده ۳۴۱-** اگر اموال مذکور در ماده (۳۴۰) این قانون در اجرای عقد لازمی به متصرف تسلیم شده باشد، تسلیم آن به مدیر یا مدیران تصفیه لازم نیست. در غیر این صورت، عمل مستنکف از تسلیم، خیانت در امانت محسوب می شود.
- ماده ۳۴۲-** مدیر یا مدیران تصفیه به مطالبات رسیدگی و با موافقت بازرس یا بازرسان تصفیه آنها را تصدیق یا رد می کنند. در صورتی که اصل طلب یا مقدار آن و یا تضمین های مربوط به آن تصدیق نشود، مراتب به فوریت به بستانکار اخطار و از او توضیح خواسته می شود. بستانکار مذکور باید حداکثر ظرف پنج روز پس از دریافت اخطار در این باره توضیح دهد. عملیات تشخیص، شامل متفرعات طلب نیز می شود.
- ماده ۳۴۳-** در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تصدیق یا رد مطالبات بستانکاران مطابق مقررات تشخیص مطالبات ورشکستگی انجام می گیرد.
- ماده ۳۴۴-** مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر تا شش ماه پس از انحلال باید صورت دارایی شرکت را تنظیم و به طور مرتب آن را روزآمد کنند و به ضمیمه آخرین صورتهای مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده است در اقامتگاه شرکت در دسترس عموم قرار دهند. در دسترس بودن صورت دارایی باید در روزنامه شرکت و در صورتی که شرکت روزنامه نداشته باشد، در یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری آگهی شود. صورت مذکور باید متضمن موارد زیر باشد:
- ۱- تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول به طور مشروح و میزان وجوه نقدی که شرکت منحل شده نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی به هر عنوان دارد به نحوی که متضمن مشخصات حسابهای مذکور به طور دقیق باشد.
 - ۲- کلیه مطالبات، دیون و تضمین های آنها که اسامی کلیه بدهکاران و بستانکاران ضمیمه آن است.
 - ۳- کلیه اموال اشخاص ثالث که به هر عنوان در تصرف شرکت است و نیز صورت کلیه اموالی که شرکت به هر عنوان نزد دیگران دارد.
 - ۴- کلیه دعاوی اقامه شده له و علیه شرکت که در جریان رسیدگی است یا حکم صادر شده در مورد آن نهائی و یا اجراء نشده است.
- ماده ۳۴۵-** اسامی بستانکارانی که طلب آنها رد شده است، با ذکر دلایل رد، در صورت موضوع ماده (۳۴۴) این قانون درج می شوند.
- ماده ۳۴۶-** هریک از شرکا، سهامداران و یا بستانکاران شرکت که در مورد صورت موضوع ماده (۳۴۴) این قانون اعتراضی دارند، می توانند در دادگاه اقامه دعوی کنند. اگر طلب یا وثیقه عینی یا حق رجحان شخصی که طلب یا ادعای او قبول شده است مورد اعتراض باشد، علیه بستانکار مذکور اقامه دعوی می شود. رسیدگی به دعوی موضوع این ماده فوری و خارج از نوبت انجام می گیرد.

ماده ۳۴۷ - تا زمانی که تصفیه خاتمه نیافته است، مدیر یا مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی سالانه شرکت را با رعایت تشریفات مربوط، دعوت و صورتهای مالی شرکت را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. نسخه ای از صورتهای مالی و گزارش مذکور سی روز پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه باید برای اظهار نظر به بازرس یا بازرسان شرکت ارائه شود.

ماده ۳۴۸ - نحوه دعوت، تشکیل و اداره مجامع عمومی و تصمیم گیری در آنها در مدت تصفیه مانند زمان قبل از انحلال است. هرگاه مجمع عمومی مطابق مقررات این قانون دعوت نشود، بازرس یا بازرسان تصفیه باید مجمع عمومی را دعوت کنند در غیر این صورت هر ذی نفع می تواند دعوت مجمع عمومی را از مرجع ثبت شرکتها تقاضا کند.

ماده ۳۴۹ - شرکا و یا سهامداران در مدت تصفیه می توانند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از صورتهای مالی شرکت کسب اطلاع کنند.

ماده ۳۵۰ - در مواردی که به موجب این قانون مدیر یا مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجمع عمومی و تسلیم گزارش باشند، هرگاه مجمع عمومی دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت گردد ولی تشکیل نشود یا نتواند تصمیم بگیرد، مدیر یا مدیران تصفیه باید گزارش خود و خلاصه صورتهای مالی مقرر در ماده (۳۴۷) این قانون را در صورتی که شرکت، روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت و در غیر این صورت در روزنامه رسمی منتشر کنند.

ماده ۳۵۱ - چنانچه شرکت سهامی منحل شود و سهامداران تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند، مدیر یا مدیران تصفیه آنچه را که بر عهده سهامداران باقی است وصول می کنند، مگر آنکه به علت کفایت اموال شرکت، حقوق طلبکاران و یا سهامداران تضییع نشود.

ماده ۳۵۲ - مواد قانونی مربوط به دعوای استرداد مذکور در کتاب ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در مورد انحلال نیز مجری است.

گفتار سوم - تصفیه امور شرکت منحل شده

ماده ۳۵۳ - تصفیه باید ظرف مدتی که مجمع عمومی فوق العاده معین می کند انجام شود. مدت مذکور نباید بیش از دو سال باشد. چنانچه تصفیه ظرف این مدت خاتمه نیابد، مدیر یا مدیران تصفیه باید به طور کتبی و مستدل جهات خاتمه نیافتن تصفیه، مهلتی را که برای خاتمه دادن به تصفیه لازم می دانند و تدابیری را که برای پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته اند به اطلاع مجمع عمومی عادی برسانند. مجمع عمومی مذکور پس از استماع نظریه بازرس یا بازرسان در مورد گزارش مدیر یا مدیران تصفیه به تمدید دوره تصفیه حداکثر برای دو سال دیگر اقدام می کند.

ماده ۳۵۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله دادگاه تعیین شوند، تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده (۳۵۳) این قانون با دادگاه است.

ماده ۳۵۵ - مدیر یا مدیران تصفیه باید اموال شرکت منحل شده را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و شرکا و یا سهامداران بفروشند. در صورتی که مال منقول در بورس و یا بازار قیمت معینی داشته باشد، فروش به کمتر از آن قیمت مجاز نیست. همچنین اشیای ساخته شده از فلزات گرانبها مانند طلا و نقره نباید به بهایی کمتر از بهای فلزی آنها فروخته شود.

ماده ۳۵۶ - پس از وضع مخارج تصفیه و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد، مجموع حاصل فروش اموال شرکت بین بستانکاران به نسبت طلب آنها که از قبل تشخیص شده است تقسیم می شود. برای مطالبات معلق و نیز مطالباتی که بابت آنها علیه شرکت طرح دعوی شده ولی هنوز در باره آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی متناسب با این مطالبات در حسابهای شرکت منظور گردد. در صورت عدم تصدیق مطالباتی که وجوهی برای آنها منظور گردیده است، وجوه مذکور مطابق مقررات این قانون تقسیم

می‌شود. مدیر یا مدیران تصفیه باید هر ماه یک مرتبه گزارش تصفیه شرکت مشتمل بر وجوه تقسیم‌شده و وجوه موجود را به بازرس یا بازرسان تصفیه ارائه کنند.

ماده ۳۵۷ - مدیر یا مدیران تصفیه هیچ طلبی را نمی‌پردازند، مگر آنکه مدارک و اسناد آن را از قبل ملاحظه کرده باشند. مدیر یا مدیران تصفیه مبلغی را که می‌پردازند در روی سند قید می‌کنند. در هر حال بستانکاران باید رسید دریافت وجه را ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.

ماده ۳۵۸ - آن قسمت از وجوه نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست، بین شرکا و یا سهامداران به نسبت سرمایه آنان در شرکت تقسیم می‌شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تأدیه آنها نرسیده است کنار گذاشته شود.

ماده ۳۵۹ - در پایان امر تصفیه از کلیه شرکا و یا سهامداران برای رسیدگی به حساب نهائی و تسویه حساب با مدیر یا مدیران تصفیه و خاتمه‌دادن به نمایندگی آنان و احراز ختم تصفیه دعوت می‌شود. در صورت عدم دعوت، تا یک ماه پس از ختم تصفیه هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی را از مرجع ثبت شرکتها تقاضا کند. در صورتی که مجمع عمومی دعوت‌شده تشکیل نشود یا نتواند در باره صورتهای مالی ارائه‌شده به‌وسیله مدیر یا مدیران تصفیه تصمیم بگیرد یا از تصویب صورتهای مالی ارائه‌شده خودداری ورزد، دادگاه به تقاضای مدیر یا مدیران تصفیه و یا هر ذی‌نفع دیگر درباره ختم تصفیه تصمیم می‌گیرد.

ماده ۳۶۰ - تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت برای انجام امور مربوط به تصفیه باقی است و مدیر یا مدیران تصفیه موظف به خاتمه‌دادن کارهای جاری و اجرای قراردادهای وصول مطالبات و در صورت اقتضاء فروش اموال منقول و غیرمنقول شرکت و تقسیم اموال آن می‌باشند و چنانچه برای اجرای قراردادهای شرکت معاملات جدیدی لازم شود، این معاملات را انجام می‌دهند.

ماده ۳۶۱ - هرگاه پس از خاتمه تصفیه اموالی متعلق به شرکت منحل‌شده کشف گردد، مطابق این قانون تقسیم می‌شود.

ماده ۳۶۲ - پس از ختم تصفیه و اجرای قراردادهای ایفای کلیه دیون مطابق مقررات این مبحث، مابقی اموال شرکت به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه، ساکت باشد به نسبت سرمایه شرکا و یا سهامداران بین آنان تقسیم می‌شود. تبصره - در شرکتهای سهامی، پس از ختم تصفیه، اموال شرکت ابتداء به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران می‌رسد و مازاد به ترتیب مقرر در این ماده تقسیم می‌شود.

ماده ۳۶۳ - مدیر یا مدیران تصفیه باید قبل از تقسیم، نحوه تقسیم اموال بین شرکا و یا سهامداران را در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت منتشر کنند در غیر این صورت به طریق مقتضی به اطلاع آنان برسانند.

ماده ۳۶۴ - تقسیم اموال شرکت بین شرکا و یا سهامداران، خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست، مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران از قبل سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه شرکت آگهی شده و حداقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد. در صورتی که شرکت روزنامه نداشته باشد، آگهی مذکور در روزنامه کثیرالانتشار سراسری منتشر می‌شود.

ماده ۳۶۵ - مدیر یا مدیران تصفیه در صورت تخلف از مواد (۳۶۲) و (۳۶۴) این قانون مسؤول جبران خسارت بستانکارانی می‌باشند که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.

ماده ۳۶۶ - هرگاه شرکت تجارتي منحل شود تا زمانی که دیون شرکت از اموال آن پرداخت نشده است، هیچ‌یک از بستانکاران شخصی شرکا و یا سهامداران حقی در اموال شرکت ندارند.

ماده ۳۶۷ - مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را برای ثبت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کنند تا در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها حذف گردد.

ماده ۳۶۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیر یا مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است با رعایت غبطه بستانکاران، شرکا و یا سهامدارانی که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی آنان را به آن بانک تسلیم کنند و مراتب را طی آگهی مذکور در ماده قبل به اطلاع اشخاص ذی‌نفع برسانند تا برای استیفای طلب خود به بانک مراجعه کنند.

ماده ۳۶۹ - مدیر یا مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها نسخه‌ای الکترونیک از دفاتر و اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده تهیه نمایند و آن را به مرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری شود و برای مراجعه اشخاص ذی‌نفع در دسترس باشد. دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه‌شده باید تا ده سال تمام پس از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند.

ماده ۳۷۰ - تا زمانی که شرکت منحل نشده است، دیون آن باید از خود شرکت مطالبه شود. پس از انحلال و تصفیه شرکت نیز اگر اموال آن برای پرداخت دیون کافی نباشد، تنها بستانکاران شرکت‌های تضامنی، نسبی و مختلط می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکای ضامن یا به تمام آنان رجوع کنند. در این مورد، بستانکاران شرکت بر بستانکاران شخصی شرکا تقدم ندارند. در این مورد هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند به‌استناد اینکه میزان دیون شرکت از میزان آورده او در شرکت تجاوز می‌کند از تأدیه دیون شرکت امتناع ورزد. در روابط بین شرکا مسئولیت هریک از آنها در تأدیه دیون شرکت به‌نسبت سرمایه‌ای است که به شرکت آورده است، مشروط بر اینکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نشده باشد.

ماده ۳۷۱ - واگذاری تمام یا بخشی از اموال شرکت در حال تصفیه به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به اشخاص زیر ممنوع است:

- ۱- مدیر یا مدیران تصفیه و کسانی که با آنان رابطه سببی یا نسبی تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه دارند.
- ۲- شرکتي که مدیر یا مدیران تصفیه در آن سمت مدیریت یا مدیرعاملی دارند.
- ۳- شرکتي که بیش از بیست درصد (۲۰٪) سرمایه آن به اشخاص مذکور در بند (۱) تعلق دارد.
- ۴- شرکتي که مادر، تابع و یا وابسته به شرکت در حال تصفیه است.
- ۵- مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکتي که مادر، تابع و یا وابسته به شرکت در حال تصفیه است.
- ۶- مدیر و مدیرعامل مدیر تصفیه و اقارب آنها تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه، چنانچه مدیر تصفیه شخص حقوقی باشد.
- ۷- شخص حقوقی که شریک، مدیر و یا مدیرعامل آن مدیر تصفیه شرکت در حال تصفیه باشد.

فصل دوم - اقسام شرکت‌های تجاری و احکام آنها

مبحث اول - شرکت سهامی عام

ماده ۳۷۲ - شرکت سهامی عام شرکتي است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و بخشی از سرمایه آن از طریق مراجعه به عموم تأمین می‌شود. سهامدار شرکت سهامی عام، به جز آنچه که به عنوان آورده تعهد می‌کند، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

ماده ۳۷۳ - تعداد سهامداران شرکت سهامی عام نباید از هفت شخص کمتر باشد.

ماده ۳۷۴ - سرمایه شرکت سهامی عام در موقع تأسیس نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.

گفتار اول - تشکیل شرکت

ماده ۳۷۵ - برای تأسیس شرکت سهامی عام مؤسسان باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکتها اظهارنامه‌ای حاکی از تعهد حداقل بیست درصد (۲۰٪) سرمایه شرکت را به همراه مدارک زیر به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند:

۱- گواهینامه تأیید نام شرکت در شرف تأسیس

۲- مدارک مصدق هویت مؤسسان

۳- گواهینامه بانکی حاکی از سپردن حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) مبلغ تعهدشده در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس به عنوان بخش نقدی سرمایه و تودیع مدارک مالکیت بخش غیرنقدی سرمایه به نام شرکت مذکور، با رعایت مفاد ماده (۱۵۰) این قانون

۴- طرح اساسنامه شرکت

۵- طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام

۶- گزارش تحلیلی مشتمل بر طرح توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت و خطرهای (ریسک‌های) مرتبط با آن

۷- تصویر مستندات مربوط به هر حق انحصاری تسلیم شده به عنوان آورده

۸- برآورد هزینه‌ها و مخارج نقدی و غیرنقدی مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با تأسیس شرکت

۹- برآورد خالص وجوه دریافتی

۱۰- نسخه‌ای از هر نوع موافقتنامه یا قرارداد منعقدشده مرتبط با تأسیس شرکت

۱۱- نسخه‌ای از قرارداد تعهد پذیرهنویسی مشتمل بر تعهد حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) سرمایه شرکت، در صورت عدم تکمیل کل سرمایه در جریان پذیرهنویسی

۱۲- تصویر مصدق موافقتنامه مرجع خاص مشروط به جلب موافقت آن مرجع

ماده ۳۷۶ - اظهارنامه موضوع ماده (۳۷۵) باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسان برسد و موارد مذکور در ماده (۱۴۶) و صدرماده (۱۴۹) این قانون به جز موارد مذکور در بندهای (۱۱) و (۱۲) ماده (۱۴۶) در آن ذکر شود.

ماده ۳۷۷ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضای مؤسسان برسد و مشتمل بر موارد مذکور در صدرماده (۱۴۹) و ماده (۱۵۱) این قانون باشد.

ماده ۳۷۸ - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- نام شرکت

۲- موضوع شرکت

۳- اقامتگاه شرکت

۴- مدت شرکت

۵- هویت، اقامتگاه و شغل مؤسسان و در صورتی که تمام یا بعضی از آنان در امور مربوط به موضوع شرکت و یا امور مشابه با آن با ذکر مختصری از سوابق، اطلاعات و یا تجاربی که داشته باشند.

۶- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک

۷- تعیین مشخصات و اوصاف و ارزش آورده غیرنقد طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری

۸- ذکر مقداری از سرمایه که مؤسسان تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند

۹- تعداد سهام بانام و بی نام شرکت

۱۰- در صورتی که مؤسسان برای خود امتیازاتی در نظر گرفته باشند، ذکر دقیق این گونه امتیازات

- ۱۱- ذکر هزینه‌هایی که مؤسسان تا آن موقع برای تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعات انجام‌شده، پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت
- ۱۲- در صورتی که انجام موضوع شرکت بطور قانونی مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد، ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن مراجع
- ۱۳- ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید به وسیله پذیره‌نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره‌نویسی بصورت نقدی پرداخت گردد و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مهلت تأدیه آن
- ۱۴- تعیین مهلتی که طی آن اشخاص می‌توانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ نقدی به محلی که پذیره‌نویسی در آن انجام می‌شود مراجعه کنند.
- ۱۵- ذکر شماره و نوع حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام پذیره‌نویسی شده به آن حساب پرداخت می‌شود.
- ۱۶- ذکر نام، اقامتگاه و میزان تعهدات متعهد پذیره‌نویسی که شخصی حقوقی است غیر از مؤسسان و پذیره‌نویسان که پذیره‌نویسی سرمایه پذیره‌نویسی نشده را ظرف مهلت مقرر تعهد می‌کند.
- ۱۷- تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسسان به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه اشخاص به مرجع ثبت شرکتها و سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم گردیده و در پایگاه الکترونیک آنها قرار داده شده است.
- ۱۸- تصریح به اینکه سهام چگونه به پذیره‌نویسان تخصیص می‌یابد.
- ۱۹- تصریح به مفاد مقررات قانونی در صورتی که سرمایه شرکت در جریان پذیره‌نویسی تکمیل نشود.
- ۲۰- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار اصلی و علی‌البدلی که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس به‌طور انحصاری در آن منتشر می‌شود.
- ماده ۳۷۹ -** سازمان بورس و اوراق بهادار باید حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت مدارک مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون در مورد توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت اظهارنظر کند. در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی، این سازمان ظرف مهلت مذکور مراتب را به‌طور کتبی و مستدل به متقاضی تأسیس اعلام و در غیراین صورت، موافقتنامه خود را به همراه مدارک تسلیم‌شده به مرجع ثبت شرکتها ارسال می‌کند.
- ماده ۳۸۰ -** مرجع ثبت شرکتها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۳۷۹) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر و مراتب را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت موارد نقص را به‌طور کتبی و مستدل به سازمان مذکور ارسال کند.
- ماده ۳۸۱ -** سازمان بورس و اوراق بهادار پس از دریافت اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی باید آن را ظرف پانزده روز، به هزینه مؤسسان در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار سراسری منتشر کند و در پایگاه الکترونیک خود قرار دهد. اعلامیه مذکور باید در محلی که پذیره‌نویسی در آن صورت می‌گیرد در معرض دید اشخاص قرار داده شود.
- ماده ۳۸۲ -** ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است، متقاضیان به محلی که پذیره‌نویسی در آن انجام می‌گیرد مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که باید به صورت نقدی پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت می‌کنند.
- ماده ۳۸۳ -** ورقه تعهد سهم علاوه بر امضاء باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:
- ۱- نام شرکت
 - ۲- موضوع شرکت
 - ۳- اقامتگاه شرکت
 - ۴- مدت شرکت
 - ۵- سرمایه شرکت

۶- مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیرهنویسی شامل شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام و مرجع صدور آن

۷- تعداد سهام پذیرهنویسی شده و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغ لازم برای پرداخت نقدی در زمان پذیرهنویسی

۸- نام بانک، شماره و نوع حساب برای واریز مبلغ لازم

۹- هویت و نشانی دقیق پذیرهنویس

۱۰- تصریح به متعهد بودن پذیرهنویس برای پرداخت مبلغ پرداخت نشده سهام پذیرهنویسی شده طبق اساسنامه شرکت

ماده ۳۸۴ - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم می شود و با قید تاریخ به امضای پذیرهنویس یا قائم مقام قانونی او می رسد و نسخه اول را شخصی که پذیرهنویسی نزد او انجام می شود نگهداری می کند و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء به پذیرهنویس تسلیم می شود. چنانچه ورقه تعهد سهام را شخصی به نمایندگی از دیگری تکمیل و امضاء کند، هویت، نشانی دقیق و سمت وی در ورقه تعهد سهم قید و مدرک نمایندگی او اخذ می شود.

ماده ۳۸۵ - صرف امضای ورقه تعهد سهم به وسیله پذیرهنویس حاکی از قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی سهامداران است.

ماده ۳۸۶ - پس از پایان مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است یا در صورتی که مهلت تمدید شده باشد پس از انقضای مهلت تمدید شده، مؤسسان حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی می کنند و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت به طور صحیح تعهد گردیده و حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن پرداخت شده است، تعداد سهام هریک از پذیرهنویسان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت می کنند. برای رسمیت جلسه مجمع عمومی مؤسس، دعوت از نماینده سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است.

ماده ۳۸۷ - مؤسسان باید همزمان با دعوت مجمع عمومی مؤسس مدارک و مستندات زیر را به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال کنند:

۱- گواهی نامه بانک در مورد مانده حساب در پایان پذیرهنویسی

۲- فهرست پذیرهنویسان شامل هویت و نشانی دقیق اشخاص مذکور و میزان تعهد هر یک از آنان

ماده ۳۸۸ - هرگاه پس از پایان مهلت پذیرهنویسی یا مهلت تمدید شده سرمایه مذکور در اعلامیه پذیرهنویسی تأمین نشود، کسری سرمایه باید ظرف ده روز به وسیله متعهد پذیرهنویسی تأمین گردد. چنانچه تمام سرمایه شرکت از طریق مذکور تأمین نگردد، شرکت تشکیل نمی شود و مؤسسان باید ظرف ده روز مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اطلاع دهند. در صورت عدم تشکیل شرکت، متعهد پذیرهنویسی مسئول جبران خسارات وارده شده است.

ماده ۳۸۹ - مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می شود و پس از رسیدگی و احراز تعهد کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره طرح اساسنامه شرکت و در صورت ضرورت، اصلاح و سپس تصویب آن، اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان شرکت را انتخاب می کند. مدیران و بازرسان شرکت باید به طور کتبی قبول سمت کنند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیران و بازرسان یا بازرسان با علم به تکالیف و مسؤولیت های سمت خود، آن را برعهده گرفته اند.

ماده ۳۹۰ - هرگونه دعوت و اطلاعیه برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار سراسری منتشر شود. یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی مؤسس تعیین و روزنامه دیگر همان است که اعلامیه پذیرهنویسی در آن منتشر می شود.

ماده ۳۹۱ - اساسنامه ای که به وسیله مجمع عمومی مؤسس به تصویب می رسد، به ضمیمه صورت جلسه مجمع مذکور، اعلامیه قبولی سمت مدیران و بازرسان یا بازرسان و تصویر مصدق مدارک هویت آنان به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم می شود. در صورت

رعایت مواد (۳۸۶)، (۳۸۷)، (۳۸۸) و (۳۸۹) این قانون، سازمان باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مذکور، برای ثبت شرکت در مرجع ثبت شرکتها، تأیید نامه صادر کند.

ماده ۳۹۲ - مرجع ثبت شرکتها پس از دریافت تأییدنامه موضوع ماده (۳۹۱) این قانون و ضمائم آن شرکت را ثبت می کند.

ماده ۳۹۳ - مفاد مواد (۱۵۳) و (۱۵۴) این قانون درباره شرکتهای سهامی عام نیز مجری است.

ماده ۳۹۴ - هرگاه شرکت تا شش ماه از تاریخی که مرجع ثبت شرکتها اظهارنامه مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون را دریافت می کند به ثبت نرسد، مرجع ثبت شرکتها به درخواست هریک از مؤسسان و پذیرهنویسان گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به همراه تصویر مصدق اظهارنامه به بانکی که تأدیه وجوه و تسلیم مدارک آورده های غیرنقدی در آن به عمل آمده است، ارسال می کند. بانک مذکور باید با مراجعه هریک از مؤسسان و پذیرهنویسان تعهدنامه، وجوه پرداختی و یا مدارک مالکیت تودیع شده آنان را مسترد کند. پس از صدور گواهینامه مذکور اقدامات ثبتی انجام شده بی اثر می شود.

ماده ۳۹۵ - کلیه اعمال و اقداماتی که مؤسسان در حدود مقرر در اعلامیه پذیرهنویسی به نام شرکت انجام داده اند پس از ثبت، به حساب شرکت محسوب می شود. هرگونه هزینه خارج از حدود مقرر در اعلامیه پذیرهنویسی باید به تصویب مجمع عمومی مؤسس برسد. اگر مجمع عمومی مؤسس این گونه هزینه ها را تصویب نکند، هر یک از مؤسسان در مورد کلیه اعمال و اقدامات مذکور منفرداً مسؤولیت دارند.

گفتار دوم - سهام

ماده ۳۹۶ - سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که بیانگر میزان مشارکت، حقوق و تعهدات صاحب آن در شرکت سهامی است.

ماده ۳۹۷ - ورقه سهم سندی قابل معامله و نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. ورقه سهم می تواند بانام یا بی نام باشد، لکن پذیرهنویسی سهام بی نام بیش از سی درصد (۳۰٪) کل سهام شرکت باطل است.

ماده ۳۹۸ - در صورتی که برای بخشی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی مقرر شود، این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می شود. اعطای هر نوع امتیاز به سهامداران در شرکتهای سهامی جز در قالب سهام ممتاز مجاز نیست. سهام ممتاز باید با نام باشد.

ماده ۳۹۹ - اوراق سهام باید متحدالشکل، چاپی و دارای شماره ترتیب باشد و به امضای حداقل دو نفر، که به موجب اساسنامه تعیین می شوند، برسد. همچنین سهام شرکتها را می توان با رعایت قوانین مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کرد.

ماده ۴۰۰ - قید نکات زیر در ورقه سهم الزامی است:

۱- هویت و اقامتگاه شرکت

۲- هویت سهامدار

۳- مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن

۴- نوع سهم

۵- مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و عدد

۶- تعداد سهام در هر ورقه سهم

۷- سمت اشخاص مکلف به امضاء ورقه سهم طبق اساسنامه

تبصره - مقررات بند (۲) در مورد سهام بی نام اعمال نمی شود.

ماده ۴۰۱ - مبلغ اسمی هر سهم نباید از یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) ریال بیشتر باشد. مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید مساوی باشد.

ماده ۴۰۲ - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است، شرکت باید به سهامداران گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد، نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن است. این گواهینامه در حکم سهم است. در هر حال، ظرف یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم، باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد. در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد (۳۹۹) و (۴۰۰) این قانون باید رعایت شود.

ماده ۴۰۳ - تا زمانی که شرکت به ثبت نرسد، صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف، هریک از امضاء کنندگان ورقه منفرداً مسؤول جبران کلیه خسارات وارد شده بر اشخاص ثالث می باشد.

ماده ۴۰۴ - برای تبدیل گواهینامه موقت به ورقه سهم مراتب یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به سهامداران داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به اقامتگاه شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد گواهینامه هایی که تبدیل نشده است، سهام بانام صادر و در اقامتگاه شرکت نگهداری می شود تا هر موقع که دارندگان گواهینامه های مذکور به شرکت مراجعه کردند گواهینامه آنان اخذ و ابطال گردد و ورقه سهم به آنان داده شود.

ماده ۴۰۵ - در صورت صدور ورقه سهم تا زمانی که سهامدار گواهینامه موقت سهم را تعویض نکرده است، حق حضور و رأی در مجامع عمومی را ندارد.

ماده ۴۰۶ - گواهینامه موقت سهام بی نام در حکم سهام بی نام و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات این گونه سهام است.

ماده ۴۰۷ - تا زمانی که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشود، صدور ورقه سهم بی نام یا گواهینامه موقت بی نام ممنوع است. به تعهدکننده این گونه سهام گواهینامه موقت بانام داده می شود که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است.

ماده ۴۰۸ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده سهامداران را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه یا تبدیل شرکت دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذی نفع حق دارد که برای درخواست تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند. کاهش سرمایه نباید موجب تقلیل سرمایه شرکت از نصاب مقرر در قانون شود.

ماده ۴۰۹ - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه سهامداران و بدون تبعیض به عمل آید.

ماده ۴۱۰ - کسی که خرید سهمی را تعهد می کند، مسؤول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن است و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد، انتقال گیرنده مسؤول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن است.

ماده ۴۱۱ - چنانچه شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را طبق مقررات اساسنامه مطالبه کند، باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت مناسبی بین ده روز تا دو ماه برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه تعیین کند. با انقضای مهلت مذکور و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه، اگر مبلغ مورد مطالبه به طور کامل پرداخت نشود، شرکت این گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده یا مورد معامله باشد از آن طریق و گرنه از طریق مزایده می فروشد. از حاصل فروش سهم، ابتداء کلیه هزینه های مترتب برداشت و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم بابت اصل و خسارات بیشتر باشد، مازاد به وی پرداخت می شود. تا زمانی که سهم موضوع این ماده فروخته نشود، دارنده آن می تواند بدهی خود را به همراه هزینه های مترتب به شرکت پرداخت و از فروش آن جلوگیری کند.

ماده ۴۱۲ - در مورد ماده (۴۱۱) این قانون آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم

سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام با قید کلمه «المثنی» به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

ماده ۴۱۳ - دارندگان سهام مذکور در ماده (۴۱۱) این قانون حق حضور و رأی در مجامع عمومی سهامداران شرکت را ندارند و در احتساب حدنصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر می‌شود و حق دریافت سود قابل تقسیم و حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید شرکت موضوع ماده (۴۵۶) و حق دریافت اندوخته قابل تقسیم برای این گونه سهام معلق می‌ماند.

ماده ۴۱۴ - در مورد ماده (۴۱۳) این قانون، چنانچه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند، دوباره حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی معوق وابسته به سهام خود را مطالبه کنند.

ماده ۴۱۵ - سهم بی‌نام سند در وجه حامل محسوب و دارند، مالک آن شناخته می‌شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. این گونه سهام با قبض و اقباض و اگذار می‌شود.

ماده ۴۱۶ - واگذاری سهام بانام باید در دفتر الکترونیک ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده یا نمایندگان آنها باید مراتب انتقال را در دفتر مذکور امضاء کنند. هویت و نشانی دقیق انتقال‌گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید می‌شود و از نظر اجرای تعهدات ناشی از واگذاری سهم، معتبر است. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت برسد و امضاء شود. هرگونه انتقال سهم بدون رعایت شرایط مذکور از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

تبصره - در صورتی که واگذاری سهم در بورس یا بازار خارج از بورس انجام شود، حضور انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده برای امضاء در شرکت ضروری نیست و در این مورد دفاتر بازار بورس یا بازار خارج از بورس در حکم دفتر ثبت سهام شرکت است لکن مراتب واگذاری باید ظرف ده روز از جانب مرجع ذی‌ربط در بازار مربوط به شرکت اطلاع داده شود.

ماده ۴۱۷ - در اساسنامه نمی‌توان واگذاری سهام را محدود کرد.

ماده ۴۱۸ - هر شرکت سهامی تنها به موجب اساسنامه می‌تواند سهام ممتاز اعطاء کند. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به وضوح تعیین شود. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز مستلزم اصلاح اساسنامه است. در این صورت سهامدارانی که امتیازاتی به نفع آنان ایجاد می‌شود یا تغییر می‌کند، در این مورد در حد نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که اساسنامه را اصلاح می‌کند لحاظ نمی‌شوند. تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد تغییر امتیازات سهام ممتاز قطعی نیست، مگر آنکه دارندگان بیش از نصف این گونه سهام در جلسه حاضر شوند و با دوسوم آراء با تغییر امتیازات موافقت کنند. اگر در دعوت اول این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان بیش از یک‌سوم این گونه سهام کافی است.

گفتار سوم - تبدیل سهام

ماده ۴۱۹ - سهام بی‌نام با رعایت مفاد این قانون و مطابق اساسنامه یا براساس تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده به سهام با نام تبدیل می‌شود. تبدیل سهام بانام به بی‌نام مجاز نیست.

ماده ۴۲۰ - در مورد تبدیل سهام بی‌نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه شرکت سه نوبت هریک به فاصله پنج روز متتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به سهامداران داده شود تا برای تبدیل سهام خود به اقامتگاه شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح می‌شود که پس از انقضای این مهلت کلیه اوراق سهام مذکور باطل می‌گردد.

ماده ۴۲۱ - سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده (۴۲۰) این قانون برای تبدیل به سهام بانام به اقامتگاه شرکت تسلیم نشده باشد، باطل می‌شود. شرکت باید برابر تعداد سهام باطل شده، سهام بانام صادر کند و در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد آن را از طریق بورس و گرنه از طریق بازار خارج از بورس بفروشد.

ماده ۴۲۲ - از حاصل فروش سهامی که طبق ماده (۴۲۱) این قانون فروخته می‌شود، در ابتدا هزینه‌های مترتب از قبیل کارمزد بورس و کارگزار آن و نیز مالیات نقل و انتقال سهام کسر و مازاد آن به وسیله شرکت به صندوق دادگستری واریز می‌گردد و رسید آن به دادستان شهرستان محل اقامت شرکت تسلیم می‌شود تا در صورت مراجعه سهامداران باطل شده به آنها پرداخت شود. پس از انقضای ده سال، باقیمانده وجوه در حکم مال بلاصاحب است.

ماده ۴۲۳ - در مورد مواد (۴۲۱) و (۴۲۲) این قانون سهامداران بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به ترتیب مراجعه اختیار دارند از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده است به نسبت سهام بی‌نامی که در دست دارند، وجه نقد دریافت و یا آنکه برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام بانام تحصیل کنند. این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده، هر دو در اختیار شرکت قرار دارد، رعایت می‌شود.

ماده ۴۲۴ - پس از تبدیل کلیه سهام بی‌نام به سهام بانام یا پس از پایان مهلت مذکور در ماده (۴۲۳) این قانون شرکت باید مرجع ثبت شرکتها را از تبدیل سهام خود به‌طور کتبی مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسد و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۴۲۵ - دارندگان سهامی که بر طبق مقررات این گفتار سهام خود را تبدیل نکرده باشند، مشمول حکم مندرج در ماده (۴۱۳) این قانون می‌شوند.

گفتار چهارم - مقررات خاص مجامع عمومی

ماده ۴۲۶ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است:

- ۱- رسیدگی به گزارش مؤسسان و تصویب آن
- ۲- احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم
- ۳- تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن
- ۴- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت
- ۵- تعیین روزنامه شرکت

ماده ۴۲۷ - گزارش مؤسسان باید حداقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع مذکور تعیین می‌شود، برای ارائه به پذیرهنویسان آماده باشد.

ماده ۴۲۸ - در مجمع عمومی مؤسس حضور اشخاصی که بیش از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشود، مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت دیگر به وسیله مؤسسان دعوت می‌شود، مشروط بر اینکه حداقل بیست روز قبل از انعقاد مجمع، آگهی دعوت با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کنترالانتشاری که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید زمانی قانونی است که صاحبان بیش از یک‌سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در مجمع عمومی مؤسس کلیه تصمیمات باید با اکثریت حداقل دو سوم آراء حاضران دارای حق رأی اتخاذ شود، مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی است. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشوند، مؤسسان عدم تشکیل شرکت را به مرجع ثبت شرکتها اعلام می‌کنند.

ماده ۴۲۹ - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسان و پذیرهنویسان حق حضور دارند.

ماده ۴۳۰ - هرگاه برخی از مؤسسان آورده غیرنقدی داشته باشند، باید نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری در مورد تقویم آورده‌های غیرنقد را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس قرار دهند. چنانچه مؤسسان برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند، باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مذکور به مجمع عمومی مؤسس تقدیم شود.

ماده ۴۳۱ - گزارش مربوط به تقویم آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مطالبه مزایا باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیرنقد و اشخاصی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی یا مزایای مورد مطالبه آنها موضوع رأی‌گیری است، حق رأی ندارند. آن قسمت از سرمایه غیرنقد نیز که موضوع مذاکره است از حیث حد نصاب، جزء سرمایه شرکت محسوب نمی‌شود.

ماده ۴۳۲ - امتیازاتی که در مجمع عمومی مؤسس تصویب می‌شود نمی‌تواند با مفاد آگهی پذیرهنویسی مغایر باشد. همچنین مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند.

ماده ۴۳۳ - هرگاه آورده غیرنقد یا مزایای مطالبه‌شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می‌شود. در فاصله دو جلسه، اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و آن را تأدیه کنند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع مذکور تسلیم نشوند، تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل می‌شود و سایر پذیرهنویسان می‌توانند به جای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ آن را تأدیه کنند.

ماده ۴۳۴ - در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که طبق ماده (۴۳۳) این قانون به منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیرنقد و مزایای مطالبه‌شده تشکیل می‌گردد باید اشخاصی که حداقل بیش از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند حاضر شوند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.

ماده ۴۳۵ - هرگاه در جلسه دوم در اثر خروج دارندگان آورده غیرنقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیرهنویسان، قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نگردد، مطابق مفاد ماده (۳۸۸) این قانون عمل می‌شود.

ماده ۴۳۶ - در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر شوند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور دارندگان بیش از یک‌سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۴۳۷ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره با اکثریت دوسوم آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است.

ماده ۴۳۸ - مجمع عمومی عادی با حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند تشکیل می‌شود. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور هر تعداد از سهامدارانی که حق رأی دارند رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۴۳۹ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است، مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان که اکثریت نسبی کافی است. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی‌دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی‌دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور است. رأی‌دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفر تقسیم کند. رعایت این ترتیب در مورد انتخاب بازرس یا بازرسان نیز الزامی است.

ماده ۴۴۰ - در اساسنامه نمی‌توان برخلاف مفاد مواد (۴۳۶)، (۴۳۷)، (۴۳۸) و (۴۳۹) این قانون ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۴۴۱ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر سهامداری که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند.

ماده ۴۴۲ - فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

ماده ۴۴۳ - از حاضران در مجمع فهرستی تنظیم می‌شود و در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هریک از آنان قید می‌شود و صحت اطلاعات فهرست مذکور حسب مورد به تأیید مدیر یا مدیران یا مقام دعوت‌کننده می‌رسد.

ماده ۴۴۴ - مجامع عمومی به وسیله هیأت‌رئیس‌ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شوند. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد، ریاست مجمع با رئیس هیأت‌مدیره است، مگر در موارد مذکور در مواد (۱۷۶) و (۲۰۵) این قانون یا در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزء دستور جلسه مجمع عمومی عادی باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه انتخاب می‌شود. ناظران از بین سهامداران انتخاب می‌شوند لکن منشی جلسه می‌تواند سهامدار نباشد. در انتخاب رئیس، ناظران و منشی مجامع عمومی، رأی اکثریت نسبی سهامداران حاضر دارای حق رأی کافی است.

ماده ۴۴۵ - مقام دعوت‌کننده مجمع می‌تواند از دادگاه درخواست کند شخص یا اشخاصی را برای تکمیل اعضای هیأت‌رئیس معین کند. دادگاه به فوریت در این باره در جلسه اداری و غیرقابل اعتراض تصمیم می‌گیرد. در صورت انتخاب اعضای هیأت‌رئیس مطابق مقررات ماده (۴۴۴) این قانون سمت عضو منتخب دادگاه زایل می‌شود در هر حال حق الزحمه عضو منتخب بر عهده شرکت است.

ماده ۴۴۶ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورتجلسه‌ای به وسیله منشی تنظیم می‌شود که به امضای هیأت‌رئیس مجمع می‌رسد و یک نسخه از آن در اقامتگاه شرکت نگهداری می‌شود. صورتجلسه باید برای امضاء به کلیه اعضای هیأت‌رئیس ارائه شود و در صورت امتناع هریک از اعضاء از امضای آن به گواهی سایر اعضاء صورتجلسه مذکور با امضای اکثریت هیأت‌رئیس معتبر است. مسئولیت صحت مندرجات صورتجلسه با امضاءکنندگان آن است.

ماده ۴۴۷ - برای رسمیت کلیه جلسات مجامع عمومی شرکتهای سهامی عام، دعوت از سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است.

گفتار پنجم - افزایش سرمایه شرکت

ماده ۴۴۸ - سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد. افزایش سرمایه از طریق صدور سهام بی‌نام باطل است.

ماده ۴۴۹ - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای سهامداران ایجاد تعهد کند ممکن نیست، مگر آنکه کلیه سهامداران با آن موافق باشند.

ماده ۴۵۰ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد، تمام مبلغ افزایش سرمایه باید به‌طور نقدی پرداخت شود.

ماده ۴۵۱ - مبلغ لازم برای افزایش سرمایه فقط به شیوه‌های زیر تأمین می‌شود:

۱- پرداخت مبلغ اسمی سهم به‌طور نقدی

۲- انتقال سود تقسیم‌نشده و یا اندوخته اختیاری به سرمایه شرکت

۳- تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم، در موارد تجویز قانونی انتشار این گونه اوراق بهادار به وسیله شرکت

ماده ۴۵۲ - تا زمانی که سرمایه اولیه شرکت به‌طور کامل تأدیه نشده است، افزایش سرمایه مجاز نیست.

ماده ۴۵۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت‌مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان در مورد افزایش سرمایه تصمیم می‌گیرد. گزارش مذکور باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیأت‌مدیره باشد.

ماده ۴۵۴ - پیشنهاد هیأت‌مدیره راجع به افزایش سرمایه باید دربرگیرنده توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی در مورد امور شرکت از شروع سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی عادی در باره حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده ۴۵۵ - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت‌مدیره اجازه دهد تا ظرف مدت معینی که نباید از دو سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معین به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.

ماده ۴۵۶ - پس از تصویب افزایش سرمایه در مجمع عمومی فوق‌العاده، در صورتی که افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به سهامداران به نسبت سرمایه آنان تصویب شود، هیأت‌مدیره شرکت باید ضمن صدور گواهینامه حق خرید سهم برای هر یک از سهامداران مراتب را با تصریح به موارد زیر به‌نحوی که برای دعوت از مجامع مقرر شده است به اطلاع سهامداران شرکت برساند:

۱- مبلغ افزایش سرمایه

۲- شیوه افزایش سرمایه

۳- مهلت تأمین مبلغ افزایش سرمایه و زمان آغاز آن

۴- نام بانک و شماره حساب برای تأدیه وجوه مربوط به افزایش سرمایه

ماده ۴۵۷ - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده (۴۵۶) این قانون برای سهامداران بانام باید به‌وسیله پست سفارشی دو قبضه ارسال گردد. اگر بخشی از سهام شرکت بی‌نام باشد، در اطلاعیه موضوع ماده (۴۵۶) باید قید شود که سهامداران بی‌نام برای دریافت گواهینامه، ظرف مهلت معینی که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید می‌شود مراجعه کنند.

ماده ۴۵۸ - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده (۴۵۶) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- هویت شرکت

۲- اقامتگاه شرکت

۳- مبلغ سرمایه فعلی و هم چنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت

۴- تعداد و نوع سهام قابل خرید برای دارنده گواهینامه با ذکر مبلغ اسمی هر سهم

۵- نام بانک و مشخصات حساب سپرده برای واریز وجوه لازم

۶- مهلت استفاده از حق خرید

۷- هرگونه شرط مقرر دیگر برای پذیرهنویسی

ماده ۴۵۹ - گواهینامه حق خرید سهم باید به همان ترتیب که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.

ماده ۴۶۰ - سهامداران، ظرف مهلت مقرر، با مراجعه به بانک و ارائه گواهینامه حق خرید سهم و واریز مبلغ مربوط به شماره حساب اعلام‌شده، ورقه تعهد سهم دریافت می‌کنند.

ماده ۴۶۱ - ورقه تعهد سهم مذکور در ماده (۴۶۰) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- هویت شرکت

۲- موضوع شرکت

۳- اقامتگاه شرکت

۴- سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه

۵- مبلغ افزایش سرمایه

۶- تعداد و نوع سهام پذیرهنویسی شده و مبلغ اسمی آن

۷- نام بانک و مشخصات حساب برای واریز بهای سهم

۸- هویت و نشانی دقیق پذیرهنویس

ماده ۴۶۲ - هرگاه سهام جدید مطابق ماده (۲۹۲) واگذار شود، درج مورد مذکور در بند (۷) ماده (۴۶۱) ضروری نیست.

ماده ۴۶۳ - رعایت مفاد ماده (۳۸۴) این قانون در مورد ورقه تعهد سهم جدید نیز الزامی است.

ماده ۴۶۴ - اگر سهامداران ظرف مهلت مقرر سهام جدید را تعهد نکنند، سهام باقیمانده با رعایت مفاد این قانون از طریق عرضه عمومی واگذار می‌شود.

ماده ۴۶۵ - اگر تصویب افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به برخی از سهامداران موجود مدنظر باشد، این سهامداران در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که در این مورد تصمیم می‌گیرد حق رأی ندارند. در این مورد و نیز چنانچه افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به اشخاص خاصی مورد نظر باشد، هرگاه سهام شرکت در بازار بورس یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده باشد ارزش سهام برای واگذاری نمی‌تواند از قیمت موجود در بازار در روز انجام معامله و درمورد سایر شرکتها از مبلغی که به‌وسیله کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌شود کمتر باشد.

ماده ۴۶۶ - در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده افزایش سرمایه را از طریق عرضه عمومی تمام یا بخشی از سهام جدید تصویب کند، مدیران باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیرهنویسی عمومی ابتداء طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۴۶۷ - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده (۴۶۶) این قانون باید به امضای مدیران شرکت برسد و حداقل مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- هویت شرکت

۲- موضوع شرکت

۳- اقامتگاه شرکت

۴- تاریخ انقضای مدت شرکت در صورت تشکیل آن برای مدت محدود

۵- مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه

۶- تعداد و امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار آن

۷- هویت اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت

۸- شرایط حضور و حق رأی سهامداران در مجامع عمومی

۹- مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم اموال بعد از تصفیه

۱۰- مبلغ و تعداد اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم منتشر شده به وسیله شرکت و مهلت و شرایط تبدیل این‌گونه اوراق به سهم

۱۱- مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق بهادار منتشر شده به وسیله شرکت و تضمینهای مربوط به آن

۱۲- مبلغ دیون شرکت و هم چنین مبلغ دیون اشخاص ثالث تضمین شده به‌وسیله شرکت

۱۳- مبلغ افزایش سرمایه

۱۴- برآورد هزینه‌های افزایش سرمایه و نحوه استهلاك آن

۱۵- تعداد و نوع سهام جدید تعهد شده سهامداران با استفاده از حق تقدم موضوع ماده (۴۵۶) این قانون

۱۶- تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی

۱۷- مبلغ اسمی و نوع سهام عرضه شده

۱۸- مبلغ اضافه ارزش سهم و نحوه تخصیص آن به شرکت، سهامداران فعلی یا سهامداران فعلی و جدید حسب تصویب مجمع عمومی فوق العاده تصویب کننده افزایش سرمایه

۱۹- حداقل سهام قابل تعهد به هنگام پذیره نویسی

۲۰- نام بانک و مشخصات حساب سپرده برای واریز وجوه لازم در آن

۲۱- نام روزنامه شرکت

ماده ۴۶۸ - آخرین صورتهای مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی می رسد و توجیه اقتصادی افزایش سرمایه باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم گردد، مگر آنکه هنوز موعد تنظیم اولین صورتهای مالی شرکت نرسیده باشد که در صورت اخیر این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید شود.

ماده ۴۶۹ - سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در مواد (۴۶۶) و (۴۶۸) این قانون در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی برای افزایش سرمایه شرکت، مراتب را به شرکت اعلام و در غیر این صورت، موافقتنامه خود را به همراه این مدارک به مرجع ثبت شرکتها ارسال کند.

ماده ۴۷۰ - مرجع ثبت شرکتها باید ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۴۶۹) و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر و مراتب را به طور کتبی به شرکت متقاضی افزایش سرمایه و سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کند. در صورت مغایرت مدارک ارسالی با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکتها باید ظرف همان مهلت موارد مغایرت را به طور کتبی به شرکت و سازمان مذکور اعلام کند.

ماده ۴۷۱ - سازمان بورس و اوراق بهادار پس از دریافت اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی باید این اعلامیه را ظرف پانزده روز در روزنامه شرکت منتشر کند و در پایگاه الکترونیک خود قرار دهد. اعلامیه مذکور باید در محل پذیره نویسی در معرض دید اشخاص قرار گیرد. در اعلامیه پذیره نویسی باید قید شود که آخرین صورتهای مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است، نزد مرجع ثبت شرکتها و در اقامتگاه شرکت برای مراجعه علاقه مندان در دسترس است.

ماده ۴۷۲ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین می شود و نباید از سی روز بیشتر باشد به محل پذیره نویسی مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت می کنند. این مهلت تنها یکبار و حداکثر به مدت سی روز قابل تمدید است. در ورقه تعهد سهام موضوع این ماده، علاوه بر موارد مندرج در ماده (۴۶۱) این قانون باید مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیره نویسی موضوع ماده (۴۷۰) نیز درج گردد. رعایت مفاد مواد (۳۸۴) و (۳۸۵) این قانون در مورد ورقه تعهد سهام موضوع این ماده نیز الزامی است.

ماده ۴۷۳ - اضافه ارزش حاصل از واگذاری سهام جدید در افزایش سرمایه براساس تصمیم مجمع عمومی فوق العاده ای که افزایش سرمایه را تصویب کرده است به عنوان اندوخته اختیاری به شرکت منتقل می شود یا به صورت سهام جایزه به سهامداران فعلی یا سهامداران فعلی و جدید تعلق می گیرد.

مبحث دوم - شرکت سهامی خاص

ماده ۴۷۴ - شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و در موقع تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تعهد می شود. سهامدار شرکت سهامی خاص، به جز آنچه به عنوان آورده تعهد می کند، مسؤولیتی در قبال دیون شرکت ندارد. تعداد سهامداران در شرکت سهامی خاص نباید از سه عضو کمتر باشد.

ماده ۴۷۵ - سرمایه شرکت سهامی خاص در موقع تأسیس نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.

ماده ۴۷۶ - برای ثبت شرکت سهامی خاص مؤسسان باید کل سرمایه شرکت را تعهد کنند و حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) بخش نقدی سرمایه را در حساب شرکت در شرف تأسیس بپردازند و کل سرمایه غیرنقدی را تسلیم کنند.

ماده ۴۷۷ - احکام مربوط به سهام که در مورد شرکت سهامی عام پیش‌بینی شده است و نیز رعایت مفاد مواد (۴۳۶) تا (۴۴۳) این قانون در مورد مجامع عمومی این شرکت در شرکت سهامی خاص نیز الزامی است، لکن سهام شرکت سهامی خاص نمی‌تواند بی‌نام باشد. شرکتهای سهامی خاصی که پیش از تصویب این قانون سهام بی‌نام منتشر کرده‌اند باید ظرف دو سال کلیه سهام بی‌نام شرکت را با رعایت مقررات مربوط، به سهام بانام تبدیل کنند.

ماده ۴۷۸ - رعایت مفاد مواد مربوط به افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام به‌جز مواد (۴۶۴) و (۴۶۶) تا (۴۷۲) این قانون در مورد شرکت سهامی خاص نیز الزامی است.

مبحث سوم - شرکت بامسئولیت محدود

ماده ۴۷۹ - شرکت بامسئولیت محدود شرکتی است که به‌وسیله یک یا چند شخص تشکیل می‌شود و سرمایه آن به سهام یا هر نوع ورقه بهادار دیگر قابل تقسیم نیست و هر یک از شرکا آن، به جز آنچه که به عنوان سرمایه در شرکت گذاشته است، هیچ مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد.

ماده ۴۸۰ - در صورتی که شرکت به‌وسیله یک شخص تشکیل شود، آن شخص وظایف و تعهدات مؤسسان را برعهده دارد و صورتجلسه موضوع بند (۳) ماده (۱۴۵) این قانون فقط باید شامل تقویم آورده‌های غیرنقد بر اساس نظریه کارشناس رسمی دادگستری و انتخاب اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت باشد.

ماده ۴۸۱ - شرکت بامسئولیت محدود با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

ماده ۴۸۲ - برای ثبت شرکت بامسئولیت محدود باید کل سرمایه نقدی تأدی و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.

ماده ۴۸۳ - هر یک از شرکا در مورد کل قیمتی که به هنگام ثبت شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین می‌شود در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارد.

ماده ۴۸۴ - دعاوی ناشی از مفاد ماده (۴۸۳) این قانون حداکثر باید ظرف ده سال تمام از تاریخ ثبت شرکت اقامه شود.

ماده ۴۸۵ - مجمع عمومی عادی با رأی اکثریت عددی شرکایی که بیش از نصف سرمایه به آنها تعلق دارد تصمیم می‌گیرد. اگر این اکثریت در جلسه اول حاضر نشوند، باید تمام شرکا دوباره دعوت شوند. در این صورت تصمیمات با رأی دارندگان بیش از نصف سرمایه شرکت اتخاذ می‌شود.

ماده ۴۸۶ - در شرکت بامسئولیت محدود مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب اکثریت عددی شرکایی که بیش از دوسوم سرمایه را دارند تصمیم می‌گیرد مگر در مورد تغییر در سرمایه که اتفاق آراء لازم است.

ماده ۴۸۷ - در مورد مواد (۴۸۵) و (۴۸۶) این قانون در اساسنامه می‌توان اکثریت بیشتری را مقرر کرد.

ماده ۴۸۸ - هرگاه شرکت به‌وسیله یک شخص تأسیس شود یا پس از تشکیل به هر علت تعداد شرکای آن به یک شخص تقلیل یابد، شخص مذکور کلیه وظایف و اختیارات مجمع عمومی را برعهده دارد. در این صورت، رعایت مقررات مربوط به دعوت، تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری در مجامع عمومی الزامی نیست.

ماده ۴۸۹ - کلیه صورتهای مالی شرکت تک‌عضو باید به‌صورت سالانه به تأیید حسابدار رسمی برسد. تأییدیه مذکور برای مدیر یا مدیران این‌گونه شرکتها در حکم مفادحساب دوره مدیریت است. حسابدار مذکور در این ماده، کلیه مسئولیت‌های بازرس شرکت را نیز دارد.

ماده ۴۹۰ - سهم‌الشرکه، قابل واگذاری به غیر نیست مگر اینکه مجمع عمومی عادی شرکت موافقت کند.

ماده ۴۹۱ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد زیر نیز منحل می شود:

۱- در صورت فوت یا محجور شدن هریک از شرکا، مشروط بر پیش بینی در اساسنامه

۲- حکم دادگاه به انحلال، در صورت تقاضای یکی از شرکا مطابق ماده (۴۹۲) این قانون

ماده ۴۹۲ - هر یک از شرکا می تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام نماید. سایر شرکا می توانند ظرف مهلت مذکور با رعایت مفاد این قانون از طریق انتقال گرفتن سهم الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا اخراج شریک از شرکت، مانع انحلال شوند. در غیر این صورت، اگر دادگاه جهات تقاضا را موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می کند. جهات تقاضا در صورتی موجه است که به عللی از قبیل عدم انجام تعهدات شرکا در قبال شرکت، عدم همکاری یا هماهنگی بین شرکا و یا متعسر شدن انجام موضوع شرکت مستند باشد که موجب اختلال در اداره شرکت است.

مبحث چهارم - شرکت تضامنی

ماده ۴۹۳ - شرکت تضامنی شرکتی است که به وسیله دو یا چند شخص تشکیل می شود و هریک از شرکا آن در صورت عدم کفایت اموال شرکت پس از ختم تصفیه، منفرداً ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده شرکت است. هر توافقی که برخلاف مفاد این ماده بین شرکا مقرر شود، در مقابل اشخاص ثالث اعتبار ندارد.

ماده ۴۹۴ - در نام شرکت تضامنی باید حداقل نام یکی از شرکا به فوریت بعد از نام شرکت ذکر شود. در صورتی که نام شرکت بر نام تمام شرکا مشتمل نباشد باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.

ماده ۴۹۵ - شرکا ضامن می توانند سقف معینی از دیون شرکت را به نحوی که در اساسنامه مشخص می شود تضمین کنند. در این صورت لازم است در نام شرکت به نام شریک یا حداقل یکی از شرکای ضامن و میزان ضمانت آنها اشاره شود. در این مورد درج میزان مسئولیت شرکای ضامن در اظهارنامه ثبتی موضوع ماده (۱۴۵) این قانون الزامی است.

ماده ۴۹۶ - شرکت تضامنی با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

ماده ۴۹۷ - برای ثبت شرکت تضامنی باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیر نقدی تقویم و تسلیم شود.

ماده ۴۹۸ - تصمیمات مجمع عمومی عادی و فوق العاده در شرکت تضامنی به اتفاق آراء اتخاذ می شود. در اساسنامه نمی توان ترتیبی بر خلاف مقررات این ماده مقرر کرد.

ماده ۴۹۹ - هرکس به عنوان شریک در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، منفرداً، مسئول کلیه دیونی است که شرکت قبل از ورود او داشته است، اعم از اینکه در نام شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر توافقی بر خلاف این ترتیب در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۵۰۰ - در صورت خروج ارادی هریک از شرکا از شرکت تضامنی، شریک مذکور کما کان ملتزم به تأدیه دیونی است که قبل از خروج او برای شرکت ایجاد شده است، مشروط بر اینکه ظرف یک سال از خروج وی شرکت منحل یا ورشکستگی آن تقاضا شود.

ماده ۵۰۱ - سهم الشرکه شریک شرکت تضامنی قابل واگذاری به سایر شرکا و یا غیر نیست جز در صورتی که تمام شرکا موافقت کنند.

ماده ۵۰۲ - شرکت تضامنی در موارد زیر نیز منحل می شود:

۱- فوت یا محجور شدن یکی از شرکا، مطابق مواد (۵۰۳) و (۵۰۴) این قانون

۲- حکم دادگاه به انحلال، در صورت تقاضای یکی از شرکا مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

ماده ۵۰۳ - در صورت فوت یکی از شرکا بقای شرکت به رضایت سایر شرکا و ورثه متوفی موقوف است. اگر سایر شرکا با بقای شرکت موافق باشند، ورثه متوفی باید در مدت سه ماه از تاریخ فوت از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به شرکت رضایت یا عدم رضایت خویش را با جانشینی مورث خود در شرکت اعلام کنند. اگر ورثه متوفی ظرف مهلت مقرر رضایت خود را اعلام کنند، نسبت به اعمال شرکت در مدت مذکور از نفع و ضرر شریک و در صورت اعلام عدم رضایت فقط در منافع حاصل در مدت مذکور شریک محسوب می شوند و نسبت به ضرر آن مدت سهم نیستند. در صورت عدم موافقت سایر شرکا با جانشینی ورثه یا عدم اعلام رضایت از سوی آنان ظرف مهلت مقرر، سایر شرکا می توانند پس از گذشت شش ماه از تاریخ فوت شریک، با رعایت مفاد این قانون، از طریق انتقال گرفتن سهم الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا تأدیه سهم شریک متوفی مانع انحلال شوند.

ماده ۵۰۴ - در صورت مجبور شدن یکی از شرکا مطابق مدلول ماده (۵۰۳) این قانون عمل می شود.

ماده ۵۰۵ - هر یک از شرکا می تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال، مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده باشد. اگر دادگاه جهات تقاضا را مطابق ماده (۴۹۲) این قانون موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می کند. در این مورد، هرگاه علل مذکور فقط مربوط به شریک یا شرکای معین باشد، دادگاه می تواند با تقاضای سایر شرکا به اخراج شریک یا شرکای مذکور حکم کند.

مبحث پنجم - شرکت نسبی

ماده ۵۰۶ - شرکت نسبی شرکتی است که به وسیله دو یا چند شخص تشکیل می شود و هریک از شرکای آن در صورت عدم کفایت اموال شرکت پس از ختم تصفیه به نسبت سرمایه خود در شرکت ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده آن می باشد. هر توافقی که برخلاف مفاد این ماده بین شرکا مقرر شود، در مقابل اشخاص ثالث اعتبار ندارد.

ماده ۵۰۷ - کلیه مقررات شرکت تضامنی در شرکت نسبی نیز جاری است، به جز مسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه است.

مبحث ششم - شرکت مختلط سهامی عام

ماده ۵۰۸ - شرکت مختلط سهامی عام شرکتی است که بخشی از سرمایه آن به سهام تقسیم و از طریق واگذاری به عموم تأمین می شود و مابقی به وسیله مؤسسان شرکت که هریک از آنان پس از ختم تصفیه و عدم کفایت اموال شرکت منفرداً ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده شرکت می باشد تأمین می گردد. مسئولیت شرکا ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است.

ماده ۵۰۹ - در نام شرکت مختلط سهامی عام باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر می شود عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.

ماده ۵۱۰ - تعداد شرکای ضامن از یک شخص و تعداد سهامداران نباید از هفت شخص کمتر باشد.

ماده ۵۱۱ - سرمایه شرکت مختلط سهامی عام در زمان تأسیس نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.

ماده ۵۱۲ - برای تأسیس شرکت مختلط سهامی عام مؤسسان باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکتها اظهارنامه ای به همراه مدارک موضوع بندهای (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۰)، (۱۱) و (۱۲) ماده (۳۷۵) این قانون به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۵۱۳ - اگر مؤسسان، بخشی از سرمایه شرکت را تعهد کنند، اظهارنامه باید حاکی از تعهد سرمایه مذکور و تأدیه و تسلیم تمام آن باشد. در این صورت باید گواهینامه بانکی حاکی از سپردن بخش نقدی سرمایه به وسیله مؤسسان در حسابی به نام شرکت در

شرف تأسیس و تودیع مدارک مالکیت بخش غیرنقدی سرمایه به نام شرکت مذکور نیز به اظهارنامه موضوع ماده (۵۱۲) این قانون ضمیمه شود. گواهینامه مذکور باید متضمن نام بانک و شماره حسابی که تأدیه سرمایه نقدی در آن به عمل آمده است و نیز تعداد و مندرجات اصلی اسناد مالکیت تودیع شده باشد.

ماده ۵۱۴ - رعایت مقررات تشکیل شرکت سهامی عام جز ماده (۳۷۵) این قانون و نیز مقررات مربوط به سهام این شرکت در مورد سهام شرکت مختلط سهامی عام نیز الزامی است. لکن سهام شرکت مختلط سهامی عام نمی تواند بی نام باشد.

ماده ۵۱۵ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی عام با رعایت مقررات این مبحث در شرکت مختلط سهامی عام نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تشکیل و تصمیم گیری مجامع لحاظ نمی شود. در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است.

ماده ۵۱۶ - هرگاه در مجمع عمومی مؤسس شرکت مختلط سهامی عام آورده غیرنقد، سهام ممتاز و یا مزایای مطالبه شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می شود. در فاصله دو جلسه، اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و آن را تأدیه کنند و اشخاصی که سهام ممتاز و یا مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه کنندگان سهام ممتاز به نظر مجمع مذکور تسلیم نشوند، تعهد آنان حسب مورد نسبت به سهام یا سهم الشرکه خود باطل می شود. در این صورت هرگاه شرکت به جز شریکی که آورده غیرنقد یا سهام ممتاز او مورد قبول واقع نشده است شریک ضامن دیگری داشته باشد یا شخص دیگری با موافقت مجمع عمومی مؤسس به عنوان شریک ضامن در شرکت داخل شود سایر شرکا و یا پذیره نویسان می توانند به جای آنان سرمایه باقیمانده شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه کنند. در این مورد نیز مفاد مواد (۴۳۴) و (۴۳۵) این قانون مجری است.

ماده ۵۱۷ - مدیران فقط به وسیله شرکای ضامن و به اتفاق آراء آنان و بازرسان فقط به وسیله سهامداران و با اکثریت نسبی آراء آنان انتخاب یا عزل می شوند. در اساسنامه نمی توان بر خلاف مقررات این ماده ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۵۱۸ - رعایت مقررات افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام در مورد شرکت مختلط سهامی عام نیز الزامی است.

ماده ۵۱۹ - سهم شرکای ضامن در افزایش سرمایه نمی تواند بیش از نسبت آورده آنها از کل سرمایه شرکت باشد.

ماده ۵۲۰ - واگذاری سهم الشرکه شرکای ضامن منوط به موافقت مجمع عمومی فوق العاده شرکت است، لکن واگذاری سهام را به هیچ وجه نمی توان محدود کرد.

ماده ۵۲۱ - شرکت مختلط سهامی عام در موارد زیر نیز منحل می شود:

۱- در صورت تقاضای انحلال شرکت از دادگاه به وسیله یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۲) این قانون

۲- در صورت فوت یا محجور شدن همه شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۳) این قانون

ماده ۵۲۲ - هر یک از شرکای ضامن می تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده باشد. اگر دادگاه جهات تقاضا را مطابق ماده (۴۹۲) موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می کند. مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند ظرف مهلت مذکور با رعایت مقررات این قانون از طریق واگذاری سهم الشرکه شریک متقاضی انحلال یا اخراج وی از شرکت مانع انحلال شود.

ماده ۵۲۳ - در صورت فوت همه شرکای ضامن، مجمع عمومی فوق العاده شرکت باید ظرف سه ماه تشکیل شود و در باره انحلال شرکت، تبدیل آن یا وارد کردن شریک ضامن جدید تصمیم مقتضی بگیرد. در غیر این صورت هر ذی نفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند. در صورت محجور شدن همه شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است.

ماده ۵۲۴ - در صورت فوت یکی از شرکا، ورثه وی می‌توانند با موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت، جانشین شریک متوفی گردند. در صورت موافقت مجمع مذکور، ورثه متوفی باید ظرف سه ماه از تاریخ فوت، رضایت یا عدم رضایت خویش را با جانشینی مورث خود در شرکت به‌وسیله اظهارنامه رسمی اعلام کنند. اگر ورثه متوفی ظرف مهلت مقرر رضایت خود را اعلام کنند، نسبت به اعمال شرکت در مدت مذکور از نفع و ضرر شریک و در صورت اعلام عدم رضایت فقط در منافع حاصل در مدت مذکور شریک محسوب می‌شوند و نسبت به ضرر آن مدت سهم نیستند. در صورت عدم موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت یا عدم اعلام رضایت به ترتیب مذکور، باید ظرف شش ماه از تاریخ فوت شریک، سهم وی از اموال شرکت به ورثه تأدیه گردد، مگر اینکه مجمع عمومی فوق‌العاده با واگذاری سهم‌الشرکه شریک متوفی موافقت کند. رعایت مفاد این ماده مانع تصویب انحلال شرکت به‌وسیله مجمع عمومی فوق‌العاده نیست. در صورت محجورشدن یکی از شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است.

مبحث هفتم - شرکت مختلط سهامی خاص

ماده ۵۲۵ - شرکت مختلط سهامی خاص شرکتی است که به‌وسیله دو یا چند سهامدار و یک یا چند شریک ضامن تشکیل می‌شود. سهامدار شخصی است که سرمایه وی به‌صورت اوراق سهام با قیمت‌های مساوی درآمده است و جز آنچه به عنوان سرمایه در شرکت گذاشته است هیچ مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد و شریک ضامن شخصی است که سرمایه او به‌صورت اوراق سهام در نیامده و پس از ختم تصفیه و احراز عدم کفایت اموال، منفرداً، ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول‌نشده شرکت است. مسئولیت شرکای ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یک‌دیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است.

ماده ۵۲۶ - در نام شرکت مختلط سهامی خاص باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.

ماده ۵۲۷ - سرمایه شرکت مختلط سهامی خاص در زمان ثبت نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.

ماده ۵۲۸ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص در شرکت مختلط سهامی خاص نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجامع لحاظ نمی‌شود و در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع، موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است.

ماده ۵۲۹ - مفاد مواد (۴۷۶) تا (۴۷۸) و مواد (۵۱۷)، (۵۱۹)، (۵۲۰) و (۵۲۴) این قانون درمورد شرکت مختلط سهامی خاص نیز مجری است.

ماده ۵۳۰ - شرکت مختلط سهامی خاص در موارد زیر نیز منحل می‌شود:

۱- در صورت فوت یا محجورشدن همه شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۳) این قانون

۲- در صورت تقاضای انحلال شرکت از دادگاه به‌وسیله یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

ماده ۵۳۱ - شرکت‌های مختلط سهامی موجود، شرکت مختلط سهامی خاص محسوب می‌شوند.

مبحث هشتم - شرکت مختلط غیرسهامی

ماده ۵۳۲ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که به‌وسیله یک یا چند شریک ضامن و یک یا چند شریک با مسئولیت محدود تشکیل می‌شود و سرمایه آن قابل تقسیم به سهام یا هرنوع اوراق بهادار دیگر نیست. مسئولیت شرکای ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یک‌دیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است.

ماده ۵۳۳ - در نام شرکت مختلط غیرسهامی باید حداقل نام یکی از شرکای ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکای ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکا» یا «و برادران» قید شود.

ماده ۵۳۴ - هریک از شرکا بامسئولیت محدود که نامش جزء نام شرکت باشد، در مقابل بستانکاران شرکت، شریک ضامن محسوب می شود. هر توافقی که برخلاف این ترتیب بین شرکا مقرر شود در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۵۳۵ - سرمایه شرکت مختلط غیرسهامی در موقع ثبت نباید از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.

ماده ۵۳۶ - برای ثبت شرکت مختلط غیرسهامی باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.

ماده ۵۳۷ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی نیز مجری است، لکن سرمایه شرکای ضامن در نصاب تصمیم گیری مجامع لحاظ نمی شود و در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع موافقت کلیه شرکای ضامن لازم است.

ماده ۵۳۸ - مدیران فقط به وسیله شرکای ضامن و به اتفاق آراء آنان و بازرسان فقط به وسیله شرکا با مسئولیت محدود و با اکثریت نسبی آراء آنان انتخاب می شوند. در اساسنامه نمی توان بر خلاف مقررات این ماده ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۵۳۹ - واگذاری سهم الشرکه شرکای ضامن به سایر شرکا و یا غیر فقط در صورت موافقت مجمع عمومی فوق العاده و واگذاری سهم الشرکه شرکا با مسئولیت محدود به غیر فقط در صورت موافقت مجمع عمومی عادی شرکت انجام می شود.

ماده ۵۴۰ - شرکت مختلط غیر سهامی در موارد زیر نیز منحل می شود:

۱- در صورت فوت یا محجور شدن هر یک از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۴۱) این قانون

۲- در صورت فوت یا محجور شدن هریک از شرکا بامسئولیت محدود، مشروط به پیش بینی در اساسنامه

۳- حکم دادگاه به انحلال در صورت تقاضای یکی از شرکا بامسئولیت محدود، مطابق ماده (۴۹۲) این قانون

۴- حکم دادگاه به انحلال در صورت تقاضای یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

ماده ۵۴۱ - در صورت فوت یکی از شرکای ضامن مفاد ماده (۵۰۳) این قانون مجری است. اگر برخی از شرکای بامسئولیت محدود با بقای شرکت مخالف باشند، سایر شرکا می توانند با رعایت مقررات این قانون از طریق انتقال گرفتن سهم الشرکه یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا اخراج شریک مذکور، مانع انحلال شوند. در صورت محجور شدن یکی از شرکا نیز رعایت همین حکم الزامی است.

مبحث نهم - شرکت تعاونی سهامی عام

ماده ۵۴۲ - شرکت تعاونی سهامی عام شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و بخشی از سرمایه آن به وسیله عموم تأمین می شود و تعداد سهام هر یک از سهامداران از میزان مشخصی که به موجب این قانون تعیین می شود تجاوز نمی کند. سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام جز آنچه که به عنوان آورده تعهد کرده است، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

ماده ۵۴۳ - تعداد سهامداران شرکت تعاونی سهامی عام نباید از بیست عضو کمتر باشد.

ماده ۵۴۴ - در شرکت تعاونی سهامی عام هیچ شخصی نمی تواند بیش از پنج درصد (۵٪) از سهام شرکت را دارا باشد. هرگاه، به هر علت، تعداد سهام هریک از سهامداران به طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند، سهام زاید فاقد حق رأی است و به آن سود تعلق نمی گیرد. سهامدار مذکور باید ظرف سه ماه سهام زاید را با رعایت مقررات مربوط واگذار کند. در غیر این صورت، هیأت مدیره شرکت، سازمان بورس و اوراق بهادار و هر یک از سهامداران می توانند الزام او را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه تقاضا کنند.

ماده ۵۴۵ - سرمایه شرکت تعاونی سهامی عام در موقع ثبت نباید از پنج میلیارد (۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال کمتر باشد.

ماده ۵۴۶ - در شرکت تعاونی سهامی عام صدور سهام بی نام و صدور یا ایجاد سهام ممتاز ممکن نیست.

ماده ۵۴۷ - کلیه احکام شرکت سهامی عام با رعایت مقررات این مبحث در مورد شرکت تعاونی سهامی عام نیز مجری است.

مبحث دهم - شرکت تعاونی سهامی خاص

ماده ۵۴۸ - شرکت تعاونی سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و در زمان تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تعهد می شود و تعداد سهام هریک از سهامداران از میزان مشخصی که به موجب این قانون تعیین شده است تجاوز نمی کند. سهامدار شرکت تعاونی سهامی خاص به جز آنچه که به عنوان آورده تعهد می کند مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

ماده ۵۴۹ - تعداد سهامداران شرکت تعاونی سهامی خاص نباید از ده عضو کمتر باشد.

ماده ۵۵۰ - در شرکت تعاونی سهامی خاص هیچ شخصی نمی تواند بیش از ده درصد (۱۰٪) از سهام شرکت را دارا باشد. هرگاه به هر علت، تعداد سهام هر یک از سهامداران به طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند، سهام زاید فاقد حق رأی است و به آن سود تعلق نمی گیرد. سهامدار مذکور باید ظرف سه ماه سهام زاید را با رعایت مقررات مربوط واگذار کند. در غیر این صورت، هیأت مدیره شرکت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و هر یک از سهامداران می توانند الزام او را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه تقاضا کنند.

ماده ۵۵۱ - شرکت تعاونی سهامی خاص با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

ماده ۵۵۲ - برای ثبت شرکت تعاونی سهامی خاص باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیر نقدی تقویم و تسلیم شود.

ماده ۵۵۳ - در اساسنامه می توان شرایط عضویت در تعاونی را تعیین و یا واگذاری سهام شرکت را محدود کرد. در صورتی که هر یک از اعضاء، شرایط عضویت خود را از دست بدهد، هیأت مدیره باید با تصویب مجمع عمومی عادی شرکت، آن عضو را اخراج و سهام او را مطابق مقررات مربوط واگذار کند.

ماده ۵۵۴ - انتقال سهام شرکت تعاونی سهامی خاص به غیر در صورتی مجاز است که منتقل آلیه مطابق اساسنامه شرایط عضویت در تعاونی را داشته باشد.

ماده ۵۵۵ - اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی سهامی خاص باید از میان اعضای تعاونی انتخاب شوند، مگر آنکه در اساسنامه خلاف آن مقرر شود.

ماده ۵۵۶ - احکام شرکت سهامی خاص با رعایت مقررات این مبحث در مورد شرکت تعاونی سهامی خاص نیز مجری است.

ماده ۵۵۷ - عضویت شرکت تعاونی سهامی خاص در شرکتها و اتحادیه ها و اتاقهای تعاون و میزان سهام و یا حق عضویت سالانه پرداختی منوط به موافقت مجمع عمومی عادی شرکت است.

ماده ۵۵۸ - کلیه امتیازات و اموالی که از منابع عمومی در اختیار شرکت تعاونی سهامی خاص قرار می گیرد باید با انحلال آن مسترد شود و هریک از مدیران شرکت تعاونی در قبال استرداد امتیازات و اموال مذکور به طور مستقل مسئولیت دارد.

ماده ۵۵۹ - برای ثبت شرکتهای تعاونی سهامی خاص اخذ مجوز از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، الزامی است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر رعایت مفاد این قانون و اساسنامه در شرکتهای تعاونی سهامی خاص نظارت می کند و اصلاح اساسنامه این شرکتها منوط به تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. شرایط اعطای مجوز به شرکتهای تعاونی سهامی خاص، نحوه نظارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر این شرکتها به موجب آیین نامه ای است که به وسیله وزارتخانه های تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری تدوین می شود و ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پیگیری جرائم و تخلفات مربوط به شرکتهای تعاونی سهامی خاص در حکم ذی نفع و از پرداخت هزینه های دادرسی معاف است.

مبحث یازدهم - شرکت تعاونی غیرسهامی

ماده ۵۶۰ - شرکت تعاونی غیرسهامی شرکتی است که به وسیله چند شخص تشکیل و سرمایه آن در موقع تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تأمین می شود و سرمایه آن به سهام یا هر نوع ورقه بهادار دیگر قابل تقسیم نیست و میزان سهم الشرکه هر یک از شرکا از سقف مشخصی که به موجب این قانون تعیین می شود تجاوز نمی کند. شریک شرکت تعاونی غیرسهامی، به جز آنچه که به عنوان آورده در شرکت گذاشته است هیچ مسؤولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد. به هریک از شرکای شرکت تعاونی غیرسهامی عضو اطلاق می شود.

ماده ۵۶۱ - شرکت تعاونی غیرسهامی فقط به اعضای تعاونی خدمات ارائه می کند.

ماده ۵۶۲ - تعداد اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی نباید از هفت شخص کمتر باشد.

ماده ۵۶۳ - در شرکت تعاونی غیرسهامی سهم الشرکه هیچ یک از شرکا نباید بیش از یک هفتم سرمایه شرکت باشد. هرگاه به هر علت میزان سهم الشرکه هر یک از شرکا به طور مستقیم یا غیر مستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند سهم الشرکه زاید باید ظرف سه ماه با رعایت مقررات مربوط واگذار شود در غیر این صورت به سهم الشرکه زاید سود تعلق نمی گیرد.

ماده ۵۶۴ - در اساسنامه می توان شرایط عضویت در شرکت تعاونی غیرسهامی را تعیین کرد. هر شخصی که مطابق اساسنامه شرایط عضویت در شرکت را داشته باشد می تواند عضو تعاونی باشد. برای عضویت در شرکت تعاونی غیرسهامی داشتن تابعیت جمهوری اسلامی ایران و عدم عضویت در تعاونی مشابه شرط است.

ماده ۵۶۵ - در شرکت تعاونی غیرسهامی هر یک از اعضاء فارغ از میزان سهم الشرکه خود، فقط یک رأی دارد.

ماده ۵۶۶ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی می تواند به موجب سند رسمی استفاده از حق خود برای حضور و دادن رأی در مجمع عمومی را به یک عضو دیگر واگذار کند، لکن هیچ عضوی نمی تواند علاوه بر رأی خود بیش از سه رأی با وکالت داشته باشد.

ماده ۵۶۷ - در مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی غیرسهامی بیش از نصف اعضاء باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می شود و با حضور هر تعداد از اعضاء رسمیت می یابد و تصمیم می گیرد، به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.

ماده ۵۶۸ - تصمیمات مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است، مگر در مورد انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان که اکثریت نسبی ملاک است.

ماده ۵۶۹ - مجمع عمومی فوق العاده شرکت تعاونی غیرسهامی با حضور بیش از نصف اعضا تشکیل می شود. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می شود و با حضور یک سوم اعضاء رسمیت می یابد و تصمیم می گیرد، به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.

ماده ۵۷۰ - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره با اکثریت بیش از دو سوم آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است.

ماده ۵۷۱ در اساسنامه نمی توان برخلاف مواد (۵۶۴)، (۵۶۵) و (۵۶۷) تا (۵۷۰) این قانون ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۵۷۲ - در شرکت تعاونی غیرسهامی، مجمع عمومی می تواند درصدی از سود خالص شرکت را برای آموزش اعضاء اختصاص دهد.

ماده ۵۷۳ - در پایان هر سال مالی مابه‌التفاوت قیمت پرداختی بابت کالاها و یا خدمات ارائه‌شده به هریک از اعضاء و قیمت تمام‌شده آن کالاها و یا خدمات به‌عنوان مازاد برگشتی به نسبت معاملات هریک از اعضاء با شرکت به آنها پرداخت می‌شود.

ماده ۵۷۴ - در شرکت تعاونی غیرسهامی سود قابل تقسیم با لحاظ مقادیر مندرج در مواد (۵۷۲) و (۵۷۳) این قانون محاسبه و با رعایت مفاد این قانون و اساسنامه شرکت بین اعضاء تقسیم می‌شود.

ماده ۵۷۵ - تصمیم درباره انحلال و ادغام و تجزیه و تبدیل شرکت تعاونی غیرسهامی پس از تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر است. انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه شرکت تعاونی غیرسهامی که مغایر شروط و قراردادهای منعقدشده با منابع تأمین‌کننده اعتبار، کمک مالی، امکانات مختلف، سرمایه‌گذاری و مشارکت است ممنوع می‌باشد.

ماده ۵۷۶ - پس از تشکیل شرکت تعاونی غیرسهامی، در صورت وجود شرایط زیر اشخاص دیگر نیز می‌توانند به عضویت تعاونی درآیند:

۱- دارا بودن شرایط عضویت در تعاونی مطابق اساسنامه

۲- وجود ظرفیت در تعاونی

۳- پرداخت حق عضویت

۴- پرداخت مابه‌التفاوت حق عضویت و قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو جدید پس از عضویت

تبصره ۱- پرداخت مابه‌التفاوت حق عضویت و قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو جدید براساس صورتهای مالی و متناسب با توسعه اموال و امکانات شرکت در ابتدای هر سال به‌وسیله مجمع عمومی تعیین و به تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌رسد.

تبصره ۲ - حق عضویت، حداقل مبلغی است که به موجب اساسنامه هریک از اعضاء برای تشکیل شرکت می‌پردازند.

تبصره ۳ - تشخیص موارد مذکور در این ماده با هیأت‌مدیره شرکت است. شخصی که تقاضای عضویت او به‌وسیله هیأت‌مدیره رد می‌شود، می‌تواند شکایت خود را به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم کند. بازرس یا بازرسان باید شکایت مذکور را با اظهار نظر خود به اولین مجمع عمومی عادی گزارش کنند. در این صورت، تصمیم‌گیری در مورد عضویت متقاضی برعهده مجمع عمومی است.

ماده ۵۷۷ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی می‌تواند با ارسال اظهارنامه رسمی به شرکت از آن خارج شود، مشروط بر اینکه تعداد اعضای تعاونی از حداقل مقرر در این قانون کمتر نشود. در صورت خروج عضو از تعاونی، سهم او از اموال شرکت که مطابق مقررات اساسنامه و بر اساس صورتهای مالی سال قبل محاسبه می‌شود، پس از تأیید کارشناس رسمی دادگستری و کسر بدهی عضو خارج‌شده، به‌صورت علی‌الحساب به وی پرداخت می‌گردد. مابه‌التفاوت قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو و مبلغ پرداخت‌شده براساس صورتهای مالی سال خروج عضو از تعاونی محاسبه می‌شود.

ماده ۵۷۸ رعایت مقررات مربوط به تغییرات سرمایه در ورود اعضای جدید یا خروج یا اخراج اعضای تعاونی الزامی نیست.

ماده ۵۷۹ - در موارد زیر عضو از تعاونی اخراج می‌شود:

۱ - ازدست‌دادن هر یک از شرایط عضویت

۲ - عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی به‌وسیله هیأت‌مدیره، به فاصله پانزده‌روز، و گذشتن پانزده‌روز از تاریخ ابلاغ اخطار دوم

۳ - ارتکاب اعمال موجب ورود زیان به تعاونی و عدم جبران آن ظرف یک سال

تبصره - تشخیص موارد مذکور، بر اساس تقاضای هیأت‌مدیره یا بازرسان با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۵۸۰ - در صورت فوت هر یک از اعضای تعاونی غیرسهامی، یکی از وراث وی در صورت دارا بودن شرایط عضویت در تعاونی، می تواند با موافقت سایر وراث به جانشینی متوفی، به عضویت تعاونی درآید. عضویت سایر ورثه منوط به رعایت شرایط مقرر در ماده (۵۷۶) این قانون است. در صورت عدم تمایل وراث یا عدم توافق آنها، عضویت لغو می گردد.

ماده ۵۸۱ - در صورت لغو عضویت به سبب فوت، انحلال و اخراج، سهم آن عضو از اموال شرکت مطابق ماده (۵۷۷) این قانون محاسبه و به وی پرداخت می شود.

ماده ۵۸۲ - در شرکت تعاونی غیرسهامی انتخاب مجدد هریک از اعضای اصلی هیأت مدیره حداکثر برای دو نوبت متوالی مجاز است. افرادی که موفق به کسب دوسوم آراء کل اعضای شرکت تعاونی مذکور شوند، از مقررات ممنوعیت بیش از دو نوبت مندرج در ماده مستثنی می باشند.

ماده ۵۸۳ - هر یک از دستگاههای اجرایی که در شرکت تعاونی غیر سهامی مشارکت یا سرمایه گذاری کرده اند می توانند نماینده ای برای نظارت و بازرسی در شرکت و حضور در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به عنوان ناظر داشته باشند.

ماده ۵۸۴ - هر یک از اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی که از خدمات شرکت یا هر نوع عملکرد هیأت مدیره یا مدیرعامل شرکت شکایتی دارد می تواند شکایت خود را به بازرس یا بازرسان شرکت اعلام کند. بازرس یا بازرسان باید مراتب را به همراه اظهار نظر خود به مجمع عمومی عادی گزارش کنند.

ماده ۵۸۵ - قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن در مورد ذخیره قانونی غیر قابل تقسیم شرکتهای تعاونی موجود و نحوه مصرف آن پس از انحلال شرکت، کماکان مجری است لکن رعایت قانون مذکور در مورد درآمدهای بعدی آن دسته از شرکتهای تعاونی که اساسنامه خود را با این قانون تطبیق داده اند الزامی نیست.

ماده ۵۸۶ - کلیه شرکتهای تعاونی موجود که بر اساس قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ یا قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها تشکیل شده اند شرکت تعاونی غیرسهامی محسوب می شوند، مگر اینکه اساسنامه خود را با رعایت مقررات تبدیل شرکتهای بر اساس شرکت تعاونی سهامی خاص یا شرکت تعاونی سهامی عام اصلاح کنند.

ماده ۵۸۷ - مجامع عمومی شرکتهای تعاونی غیرسهامی که تعداد اعضای آنها افزون بر پانصد عضو است و در مناطق مختلف کشور پراکنده اند می تواند به صورت دو مرحله ای برگزار گردد. در مرحله اول نماینده یا نمایندگان اعضاء در حوزه های مختلف فعالیت شرکت تعیین و در مرحله دوم، مجمع عمومی با حضور نمایندگان منتخب اعضاء تشکیل می شود. چگونگی انتخاب نماینده یا نمایندگان در مرحله اول و حدود اختیارات و نحوه اعمال رأی آنها در مرحله دوم مجمع عمومی مطابق اساسنامه تعیین می گردد.

ماده ۵۸۸ - در صورت عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرکت تعاونی غیرسهامی پس از سه بار اخطار کتبی ظرف یک سال به وسیله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که فاصله هر اخطار حداقل یک ماه باشد این وزارتخانه انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا می کند.

ماده ۵۸۹ - مفاد مواد (۵۵۱)، (۵۵۲)، (۵۵۴)، (۵۵۵)، (۵۵۷)، (۵۵۸) و (۵۵۹) این قانون در مورد شرکت تعاونی غیرسهامی نیز مجری است.

۳- نوع ادغام یا تجزیه؛

۴- تعیین نام شرکت یا شرکتهای ادغام شده و بازمانده در ادغام ساده و تعیین نام شرکتهای منحل شده و شرکت جدید در ادغام مرکب و تعیین نام شرکت بازمانده و یا جدید در تجزیه

۵- صورتهای مالی مشتمل بر توصیف و ارزیابی اموال و دیون هریک از شرکتهای طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه تبصره- این صورتهای مالی حداکثر دوماه قبل از تاریخ انتشار طرح موضوع ماده(۵۹۸) این قانون با تأیید بازرس یا بازرسان شرکت تهیه می شود و در صورتی که بازرس یا بازرسان شرکت حسابدار رسمی نباشند به تأیید حسابدار رسمی می رسد.

۶- ذکر میزان اوراق بهادار و نوع آن و تعیین عوض اوراق مذکور در شرکت جدید یا بازمانده

۷- طرح اساسنامه شرکت بازمانده و یا جدید و اسامی مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و اعلام قبولی آنها

۸- تعیین تعداد سهام و یا میزان سهم الشرکه، سهامداران و یا شرکای شرکت جدید یا بازمانده

۹- تبیین شیوه های تعیین تعداد سهام و یا میزان سهم الشرکه مذکور همراه با نظریه کارشناس رسمی دادگستری

۱۰- نحوه تعویض سهام غیرقابل تبدیل در اثر ادغام

۱۱- تعیین تکلیف در مورد مسئولیت تأدیه دیون و ایفای تعهدات شرکت موضوع تجزیه با قید میزان دیون مذکور در طرح تجزیه

۱۲- نحوه تقسیم اموال و مطالبات بین شرکتهای جدید و یا بازمانده در تجزیه

۱۳- تعیین تکلیف در مورد حقوق خاص شرکا و یا سهامداران شرکتهای طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه

۱۴- تعیین وضع کارکنان شرکتهای طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه با رعایت مقررات مربوط

۱۵- ذکر دعوای له و علیه شرکتهای طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه در مراجع قانونی

۱۶- تعیین روزنامه شرکت جدید

۱۷- تعیین نحوه انتقال اموال به روش ارزش روز یا دفتری

۱۸- برآورد هزینه های ادغام یا تجزیه

ماده ۶۰۰ - خلاصه طرح مشترک ادغام و طرح تجزیه شامل خلاصه گزارش موضوع بند(۱) و بندهای(۲)، (۳)، (۴)، (۶)، (۸)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۵) و (۱۷) ماده(۵۹۹) این قانون به وسیله مدیر یا مدیران هریک از شرکتهای طرف ادغام یا تجزیه ظرف پانزده روز از تاریخ تصویب آن در هیأت مدیره در روزنامه هریک از شرکتهای طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه آگهی می شود و کل آن در پایگاه الکترونیک شرکت قرار می گیرد. در صورتی که شرکت فاقد روزنامه و یا پایگاه الکترونیک باشد، خلاصه طرح مشترک ادغام و طرح تجزیه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار سراسری و کل آن در پایگاه الکترونیک مرجع ثبت شرکتها منتشر می شود.

ماده ۶۰۱ - در مورد ادغام یا تجزیه، هریک از دارندگان اوراق بهادار و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده (۶۰۰) این قانون باشد می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی، اعتراض خود را در مورد ادغام یا تجزیه به دادگاه تقدیم کنند.

ماده ۶۰۲ - در مهلت مذکور در ماده(۶۰۱) این قانون و همچنین در صورتی که اعتراضی شده و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد ادغام یا تجزیه ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در باره رد اعتراض موضوع ماده(۶۰۱) از سوی دادگاه صادر شده باشد.

ماده ۶۰۳ - اتخاذ تصمیم در مورد ادغام یا تجزیه پس از ارائه طرح مربوط و گزارش مدیر یا مدیران در مورد پایان یافتن اعتراضات موضوع ماده(۶۰۱) این قانون و گزارش بازرس یا بازرسان در باره جزئیات طرح در جلسه مجمع عمومی فوق العاده هر یک از شرکتهای طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه انجام می گیرد.

ماده ۶۰۴ - دعوت از مجمع عمومی فوق العاده باید ظرف یک ماه پس از انقضای مهلت اعتراض اشخاص ذی نفع موضوع ماده (۶۰۳) این قانون انجام گیرد.

ماده ۶۰۵ - در صورتی که ادغام یا تجزیه بدون رعایت تشریفات مربوط انجام شود، هر ذی نفع می تواند ابطال ادغام یا تجزیه را از دادگاه تقاضا کند. در هر حال، تا تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم در ماهیت دعوی به وسیله دادگاه رسیدگی کننده، شرکتهای طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه کماکان با حفظ شخصیت حقوقی خود فعالیت می نمایند.

ماده ۶۰۶ - انحلال شرکت یا تشکیل شرکت جدید در روند ادغام یا تجزیه مطابق این قانون مستلزم رعایت احکام مربوط به تصفیه یا تشکیل شرکت تجاری نیست.

ماده ۶۰۷ - برای ثبت ادغام و تجزیه، مدیران شرکتهای طرف ادغام و مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه باید حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تصویب ادغام یا تجزیه، اظهارنامه ای به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند:

۱ - آگهی طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه

۲ - فهرست کامل بستانکاران شرکت و مبلغ طلب آنها و وضع هریک از طلبها پس از انتشار آگهی طرح مشترک

۳ - اساسنامه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه

۴ - صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده دائر بر تصویب ادغام یا تجزیه

ماده ۶۰۸ - اظهارنامه موضوع ماده (۶۰۷) این قانون باید به امضای مدیران شرکتهای طرف ادغام و مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه برسد و متضمن موارد زیر باشد:

۱- نام و موضوع و مدت و اقامتگاه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه

۲- سرمایه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه و مبلغ پرداخت شده آن

۳- تعداد و امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار آن سهام

۴- هویت مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکت

۵- ذکر نام روزنامه شرکت و پایگاه الکترونیک آن

ماده ۶۰۹ - مرجع ثبت شرکتهای باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۰۷) این قانون در صورت کامل بودن مدارک و مطابقت مندرجات آنها با مقررات قانونی به ثبت ادغام یا تجزیه و شرکت جدید حاصل از آن اقدام نماید و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت به درخواست متقاضی ثبت مراتب را به طور کتبی به وی اعلام کند. نظریه مرجع ثبت شرکتهای باید متضمن موارد نقص و یا مغایرت باشد.

ماده ۶۱۰ - شرکتهای جدید در تجزیه کلی و ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده قائم مقام شرکت یا شرکتهای منحل شده اند. شرکت جدید در ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده می تواند به قائم مقامی شرکتهای منحل شده دعاوی آنها علیه اشخاص ثالث را پی گیری یا علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. اشخاص ثالث نیز می توانند دعاوی خود علیه شرکتهای منحل شده را علیه شرکت جدید یا بازمانده پی گیری یا مطرح کنند. در تجزیه کلی یا جزئی، اشخاص ثالث می توانند دعاوی خود علیه شرکت تجزیه شده را حسب مورد علیه هریک از شرکتهای جدید و یا بازمانده مطرح کنند. هریک از شرکتهای جدید در تجزیه کلی و هریک از شرکتهای بازمانده و جدید در تجزیه جزئی نیز به نحوی که مطالبات را در طرح مصوب تجزیه، بین خود تقسیم کرده اند می توانند علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. مسؤولیت شرکای ضامن با ادغام یا تجزیه از بین نمی رود.

ماده ۶۱۱ - شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه می تواند از نام شرکتهای طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه استفاده کند مشروط بر اینکه منجر به استفاده مشترک از یک نام نشود.

ماده ۶۱۲ - در صورت ثبت ادغام یا تجزیه، مراجع ذی ربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید با تقاضای شرکت جدید یا بازمانده مبنی بر اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام شرکت بازمانده یا جدید مطابق طرح تجزیه یا ادغام اقدام کنند. در این مورد، واگذاری اموال به شرکت بازمانده یا جدید از دریافت حق الثبت و مالیات انتقال و هرگونه حقوق و عوارض انتقالی معاف است.

ماده ۶۱۳ - پس از تجزیه اگر شرکتی که تأدیه دیون و ایفای تعهدات را بر عهده گرفته است از ایفای به موقع آنها خودداری ورزد، هر یک از شرکتهای ایجادشده در اثر تجزیه به طور مستقل مسؤول ایفای کلیه دیون و تعهدات مذکور می باشند.

ماده ۶۱۴ - شرکت متوقف و شرکت مشمول مواد (۲۱۶) و یا (۲۱۷) این قانون نمی تواند ادغام یا تجزیه شود.

ماده ۶۱۵ - افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی شرکتهای موضوع ادغام یا تجزیه از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۶۱۶ - ادغام یا تجزیه از تاریخ ثبت محقق می شود.

گفتار دوم - تبدیل

ماده ۶۱۷ - تبدیل هر شرکت به انواع شرکتهای دیگر با رعایت مفاد این قانون مجاز است و این امر بر دیون و تعهدات سابق شرکت و شرکا تأثیری ندارد.

ماده ۶۱۸ - شرایط تبدیل شرکت به قرار زیر است:

- ۱- موضوع تبدیل به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت برسد.
- ۲- اساسنامه شرکت با رعایت این قانون در مورد شرکت جدید، اصلاح و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد.
- ۳- حداقل دو سال از تاریخ ثبت شرکت بگذرد و دو صورت مالی آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد.
- ۴- سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت جدید مقرر شده است یا شرکت سرمایه خود را بر اساس مقررات این قانون به میزان مذکور افزایش دهد.

۵- مجوزهای لازم برای تحقق موضوع شرکت جدید اخذ شود.

۶- تعداد اعضاء آن از حداقل مقرر برای شرکت جدید کمتر نباشد.

تبصره ۱ - شرکتهای تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی قابل تبدیل به سایر شرکتهای نیستند ولی سایر شرکتهای می توانند با رعایت مقررات این قانون به این دو نوع شرکت تبدیل شوند مشروط بر اینکه تعداد سهام هیچیک از سهامداران آنها از میزان مشخصی که به موجب این قانون معین شده است بیشتر نشود.

تبصره ۲ - برای تبدیل هریک از انواع شرکتهای به شرکت تضامنی یا نسبی اتفاق آراء کلیه شرکا و یا سهامداران و برای تبدیل هریک از انواع شرکتهای به شرکت مختلط سهامی عام یا مختلط سهامی خاص یا مختلط غیرسهامی علاوه بر تصویب مجمع عمومی فوق العاده، رضایت کلیه شرکا و یا سهامدارانی که قرار است شریک ضامن شرکت جدید باشند لازم است.

تبصره ۳ - برای تبدیل شرکتهای سهامی عام و مختلط سهامی عام به سایر شرکتهای و نیز برای تبدیل شرکتهای سهامی خاص و مختلط سهامی خاص به شرکت بامسئولیت محدود یا مختلط غیرسهامی رضایت همه سهامداران الزامی است.

ماده ۶۱۹ - رعایت مفاد مواد (۶۰۱)، (۶۰۲)، (۶۰۳) و (۶۱۵) این قانون در مورد تبدیل شرکتهای نیز الزامی است. شرکت جدید پس از تبدیل از هر جهت قائم مقام شرکت تبدیل شده محسوب می شود.

ماده ۶۲۰ - تبدیل شرکتهای سهامی عام، سهامی خاص، مختلط سهامی عام و مختلط سهامی خاص به انواع شرکتهای دیگر در موارد زیر مجاز نیست:

۱- سرمایه تعهدشده به وسیله سهامداران به طور کامل تأدیه نشده باشد.

۲- تا زمانی که اوراق بهادار صادرشده از جانب شرکت تسویه نشده باشد.

ماده ۶۲۱ - برای ثبت تبدیل هریک از شرکتهای به شرکتی غیر از شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام، مدیر یا مدیران شرکت باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده تبدیل شرکت را تصویب می کند اظهارنامه ای به همراه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند:

- ۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که تبدیل شرکت را تصویب کرده است.
 - ۲- اساسنامه جدید که با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت جدید، اصلاح شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد.
 - ۳- صورتهای مالی شرکت که مطابق بند (۵) ماده (۵۹۹) این قانون و تبصره آن تنظیم شده است.
 - ۴- گواهینامه حاکی از میزان سرمایه ثبت شده شرکت و میزانی از آن که پرداخت شده است.
 - ۵- تصویر مصدق موافقتنامه مرجع خاص در صورتی که انجام موضوع شرکت جدید به موجب قانون مستلزم موافقت آن مرجع باشد.
 - ۶- مدارک هویت مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که تصدیق شده باشد.
- ماده ۶۲۲ -** اظهارنامه تبدیل مذکور در ماده (۶۲۱) باید به امضاء مدیر یا مدیران شرکت برسد و مشتمل بر نکات زیر باشد:
- ۱- هویت شرکت جدید
 - ۲- موضوع شرکت جدید
 - ۳- مدت شرکت جدید
 - ۴- اقامتگاه شرکت جدید و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد، نشانی دقیق شعب آن
 - ۵- میزان سرمایه ثبت شده شرکت جدید و مبلغ پرداخت شده آن
 - ۶- شرح مزایای مترتب بر سهم الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازات سهم ممتاز در صورت ایجاد مزایا و یا سهم ممتاز
 - ۷- هویت مدیر یا مدیران، مدیرعامل و بازرس یا بازرسان شرکت جدید
 - ۸- ذکر نام روزنامه شرکت جدید در صورت تکلیف شرکت به داشتن روزنامه به موجب قانون یا اساسنامه
- تبصره - در موارد تبدیل شرکت به شرکت سهامی خاص یا مختلط سهامی علاوه بر موارد مذکور در این ماده ذکر موارد مندرج در صدر ماده (۱۴۹) این قانون نیز الزامی است.
- ماده ۶۲۳ -** مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده (۶۲۱) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت می کند. در صورت نقص مدارک و یا مغایرت آنها با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکتها باید ظرف ده روز موارد مغایرت را به طور کتبی به متقاضی اعلام کند.
- ماده ۶۲۴ -** در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اظهارنامه تبدیل شرکت ذکر و قید شود که اساسنامه شرکت و صورتهای مالی مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم در مورد تبدیل شرکت در مرجع ثبت شرکتها و در اقامتگاه شرکت برای مراجعه علاقه مندان، موجود است.
- ماده ۶۲۵ -** برای تبدیل هریک از شرکتها به شرکت سهامی عام یا مختلط سهامی عام یا تعاونی سهامی عام، مدیر یا مدیران شرکت باید اظهارنامه تبدیل شرکت را به همراه مدارک موضوع ماده (۶۲۱) این قانون و طرح توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت و گزارش های تحلیلی خطرپذیری (ریسک) مرتبط با آن به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند. این اظهارنامه باید مشتمل بر موارد مندرج در ماده (۶۲۲) و تبصره آن باشد. همچنین هرگاه تأمین سرمایه لازم از طریق مراجعه به عموم مدنظر باشد باید طرح اعلامیه پذیرهنویسی که با رعایت ماده (۴۶۷) تدوین می شود به همراه مدارک مذکور به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم شود.
- ماده ۶۲۶ -** سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در ماده (۶۲۵) این قانون در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی برای تبدیل شرکت، مراتب را به شرکت اعلام و در غیر این صورت، موافقتنامه خود را به همراه این مدارک به مرجع ثبت شرکتها ارسال کند.

تبصره - صدور موافقتنامه به منزله تضمین توجیه اقتصادی و سودآوری نیست و فقط بیانگر رعایت قوانین و مقررات و شفافیت اطلاعات ارائه شده است.

ماده ۶۲۷ - مرجع ثبت شرکتها باید ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۲۶) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با قانون حسب مورد تبدیل شرکت را ثبت یا اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر و مراتب را به طور کتبی به شرکت متقاضی تبدیل و سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کند، در این صورت رعایت مفاد مواد (۴۷۱) و (۴۷۲) الزامی است. در صورت مغایرت مدارک ارسالی با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکتها باید ظرف همان مهلت موارد مغایرت را به طور کتبی به شرکت و سازمان مذکور اعلام کند.

ماده ۶۲۸ - پس از گذشتن مهلتی که برای تأمین مبلغ سرمایه لازم، معین شده است و در صورت تمدید پس از انقضای مدت تمدیدشده، مدیر یا مدیران حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی و در صورت تأمین کل سرمایه لازم ضمن اصلاح اساسنامه، تعداد سهام و میزان تعهد هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و مراتب را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می کنند و پس از تأیید سازمان مذکور، مراتب را برای ثبت و آگهی به اطلاع مرجع ثبت شرکتها می رسانند.

ماده ۶۲۹ - مرجع ثبت شرکتها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۲۸) این قانون در باره مطابقت یا مغایرت مندرجات آنها با قانون اعلام نظر و به درخواست متقاضی ثبت مراتب را به طور کتبی به وی اعلام کند. در صورت اعلام مغایرت مندرجات مدارک با قانون، نظریه مرجع ثبت شرکتها باید متضمن موارد مغایرت باشد.

ماده ۶۳۰ - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده (۶۲۹) این قانون عرضه می شود به طور کامل تعهد نشود، شرکت نمی تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده ۶۳۱ - تبدیل شرکت از تاریخ ثبت محقق می شود.

مبحث دوم - مقررات ثبتی

ماده ۶۳۲ - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (مرجع ثبت شرکتها) الزامی است.

ماده ۶۳۳ - حداکثر یک ماه پس از ثبت هر شرکت تجاری، خلاصه اساسنامه آن طبق آیین نامه ای که به پیشنهاد وزیر دادگستری که حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد، منتشر می گردد.

ماده ۶۳۴ - هرگاه شرکت تجاری در چندین حوزه شعبه یا نمایندگی داشته باشد، شعب یا نمایندگیهای مذکور نیز باید مطابق مقررات این قانون به ثبت برسند.

ماده ۶۳۵ - هر یک از شرکا شرکتهایی که به اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون اشتغال دارند و خود را با رعایت احکام این قانون ثبت نکرده اند به نسبت سرمایه خود در شرکت، مسؤول کلیه دیون شرکت محسوب می شوند. در صورتی که این اشخاص در اسناد، صورتحسابها و آگهیهای خود از عنوان شرکت استفاده کنند به مجازات حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی درجه پنج محکوم می شوند.

ماده ۶۳۶ - مؤسسات غیرتجاری که به اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون اشتغال دارند در مورد دیون خود در مقابل طلبکاران و اشخاص ثالث، حکم شرکت تضامنی را دارند. هر یک از اعضای مؤسسات مذکور در صورت عدم کفایت اموال مؤسسه پس از انحلال و تصفیه، مسؤول کلیه دیون شرکت محسوب می شود.

ماده ۶۳۷ - ثبت کلیه اشخاص حقوقی خصوصی به استثناء موقوفات با موضوع هر یک از اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون ممنوع است و این اشخاص فقط در قالب انواع شرکتهای تجاری مذکور در مواد (۱۴۳) و (۱۴۴) قابل ثبت می باشند.

ماده ۶۳۸ - شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، با رعایت مفاد این قانون می‌توانند به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران اقدام کنند. هر شرکت خارجی که در تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون در ایران شعبه یا نمایندگی دارد که به ثبت نرسیده است با رعایت مقررات این ماده باید حداکثر ظرف چهار ماه از تاریخ مذکور تقاضای ثبت کند.

ماده ۶۳۹ - سهم‌الشرکه فقط به موجب سند رسمی واگذار می‌شود. در غیر این صورت، واگذاری در مقابل شرکت و اشخاص ثالث قابل استناد نیست. دفتر اسناد رسمی ثبت‌کننده معامله باید نسخه‌ای از سند رسمی واگذاری سهم‌الشرکه را ظرف ده روز به مرجع ثبت شرکتها ارسال کند.

ماده ۶۴۰ - موارد زیر باید برای ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد و پس از ثبت، به هزینه شرکت در روزنامه رسمی و در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت آگهی شود. تسلیم رونوشت یا تصویر مصدق صورتجلسه‌ای که متضمن موارد مذکور است به‌همراه ضmann آن به مرجع ثبت شرکتها الزامی است:

۱- هویت مدیر یا مدیران و یا بازرس یا بازرسان و مدیر یا مدیران تصفیه و هویت مدیر یا مدیران جایگزین شده مطابق مواد (۲۰۶) و (۲۰۷) این قانون و هویت بازرس یا بازرسان جایگزین شده مطابق مواد (۲۵۱) و (۲۵۲)

۲- تصویب صورتهای مالی

۳- تعیین روزنامه شرکت

۴- هر نوع تغییر در اساسنامه و سرمایه

۵- تصویب ادغام، تجزیه یا تبدیل و تحقق هر یک از آنها

۶- انحلال و نحوه تصفیه و انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه

۷- انتشار اوراق بهادار در صورت مجاز بودن شرکت به انتشار این اوراق به‌موجب قانون

۸- هویت مدیرعامل و قائم‌مقام یا قائم‌مقامان وی

۹- هویت نماینده معرفی شده به‌وسیله شخص حقوقی به عنوان مدیر یا برای شرکت در جلسات مدیران

۱۰- هویت مدیران شعب و نمایندگیهای شرکت

۱۱- حدود اختیارات مدیرعامل و قائم‌مقام وی

۱۲- نشانی دقیق شرکت و شعب و نمایندگیهای آن و تغییرات بعدی در نشانی آنها

۱۳- تغییر در شرکا و یا میزان سهم‌الشرکه آنها

ماده ۶۴۱ - در کلیه مواردی که مصوبات مجمع عمومی یا مدیر یا مدیران باید به مرجع ثبت شرکتها ارائه شود این امر باید ظرف یک ماه از تاریخ مصوبه انجام پذیرد. اگر در متن مصوبه نماینده‌ای برای مراجعه به این مرجع معین نشود، مدیر یا مدیران شرکت ظرف مهلت مذکور موظف به مراجعه می‌باشند. عدم ثبت تصمیمات مذکور و آگهی آن به‌موجب این قانون باعث بطلان آنها نیست، ولی شرکت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه نمی‌تواند به این تصمیمات استناد کند.

ماده ۶۴۲ - در کلیه مواردی که به موجب این قانون نشر آگهی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، روزنامه شرکت، روزنامه دیگر و یا پایگاه الکترونیک مقرر شود، از نظر اجرای این قانون، مفاد و تاریخ آگهی مندرج در روزنامه رسمی منطاعتبار است. هرگاه مطابق مقررات این قانون نشر آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار پیش‌بینی شود، از نظر اجرای مقررات این قانون، مفاد و تاریخ مندرج در آخرین آگهی معتبر است.

ماده ۶۴۳ - مراجع مذکور در این قانون نمی‌توانند برای ثبت شرکت یا شعبه یا نمایندگی یا صدور هرگونه اجازه در این مورد یا ثبت امور دیگر مدرکی جز مدارک مصرح در این قانون مطالبه کنند.

ماده ۶۴۴ - به کلیه اشتباهات ثبتی ناظر به ثبت شرکتها و نیز اعتراض اشخاص به اقدامات و نظریات مرجع ثبت شرکتها در مورد اشخاص حقوقی در شرف تأسیس و نیز عدم ثبت تغییرات آنها در هیأت نظارت ثبت استان مربوط، رسیدگی می‌شود. متقاضی می‌تواند ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی هیأت مذکور، در شورای عالی ثبت تجدید نظر خواهی کند. رأی شورای عالی ثبت در این مورد لازم‌الاجراء و در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است.

مبحث سوم - مقررات جزائی

ماده ۶۴۵ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می‌شود. مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می‌یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

ماده ۶۴۶ - کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون باید در تمامی اسناد، صورتحسابها، آگهیها و نشریات خود اعم از اینکه دست‌نویس، چاپی یا الکترونیک باشد آخرین سرمایه ثبت شده خود را درج کنند. اگر تمام سرمایه پرداخت نشده باشد قسمتی که پرداخت شده نیز باید معین شود. شرکت‌های متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شوند. شعبه یا نماینده شرکت خارجی نیز که در ایران به تجارت اشتغال دارد در مورد اسناد و صورتحسابها و آگهیها و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده است.

گفتار اول - جرائم مربوط به تشکیل شرکت

ماده ۶۴۷ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج یا هردو و محرومیت درجه شش از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود:

۱- تصدیق پذیرهنویسی سهام شرکت برخلاف واقع

۲- اعمال تقلب به منظور تعیین ارزش آورده غیر نقد به بیش از قیمت واقعی

۳- درج مبلغ پرداخت شده در ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم به بیش از آنچه به واقع پرداخت شده

۴- صدور سهام و یا قطعات سهام قبل از ثبت شرکت بر اساس این قانون

۵- صدور سهام و یا قطعات سهام بدون پذیرهنویسی کلیه سرمایه شرکت و تأدیه حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن و تسلیم کلیه سرمایه غیر نقد

ماده ۶۴۸ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود:

۱- صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی

۲- صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بی‌نام جدید برخلاف مقررات این قانون یا صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بی‌نام، قبل از پرداخت تمام مبلغ اسمی آن

۳- صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بانام، قبل از پرداخت حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) مبلغ اسمی آن

ماده ۶۴۹ - هرگاه شخصی بدون رعایت مقررات این قانون با انتشار آگهی، اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغی دیگر به پذیرهنویسی یا فروش سهام یا سهم‌الشرکه خود مبادرت ورزد یا بدون رعایت قوانین مربوط به هر نحو دیگر به جذب سرمایه از عموم اقدام کند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل یک‌چهارم تا نصف وجهی که به ترتیب مذکور در این ماده دریافت کرده‌اند یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. هرگاه شخصی به منظور انتشار آگهی پذیرهنویسی از اعلام تمام یا برخی از مطالبی که به موجب این

قانون باید به مرجع ثبت شرکتها یا سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام شود خودداری ورزد یا اطلاعات نادرستی را به مراجع مذکور ارائه کند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. مطالبات طلبکاران شرکت مقدم بر جزای نقدی مقرر در این ماده وصول می‌گردد.

ماده ۶۵۰ - مدیر مسئول هر نشریه اعم از کاغذی و الکترونیک که بدون دریافت مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار و مرجع ثبت شرکتها به انتشار آگهی پذیرهنویسی اقدام کند به مجازات مذکور در ماده (۶۴۹) این قانون محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۱ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود:

- ۱- مانع حضور شریک و یا سهامدار شرکت در جلسه مجمع عمومی سهامداران شود
- ۲- با توسل به وسایل متقلبانه خود را شریک یا سهامدار معرفی و به این طریق در مجمع عمومی شرکت کند و خود یا به‌وسیله دیگری رأی بدهد.

ماده ۶۵۲ - اشخاص زیر کلاهبردار محسوب می‌شوند:

- ۱- مؤسسان و مدیر یا مدیرانی که پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت یا ثبت افزایش سرمایه بدهند بر خلاف واقع اظهار کنند.
- ۲- اشخاصی که به‌وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کنند.

گفتار دوم - جرائم مربوط به مدیر و مدیرعامل شرکت

ماده ۶۵۳ - هرگاه مدیر یا مدیران شرکت سهامی مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج یا هردو و محرومیت درجه شش از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود:

- ۱- عدم مطالبه قسمت پرداخت‌نشده مبلغ اسمی سهام شرکت ظرف مهلت مقرر در این قانون
- ۲- عدم دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده برای تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت‌شده حداکثر تا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور در این قانون

ماده ۶۵۴ - هرگاه در شرکتهای دارای هیأت‌مدیره رئیس هیأت‌مدیره و در سایر شرکتها مدیر یا مدیران شرکت حداکثر تا شش ماه پس از پایان هر سال مالی، مجمع عمومی عادی را دعوت نکنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از مدیریت شرکتهای تجاری محکوم می‌شوند.

ماده ۶۵۵ - مدیری که مدارک مقرر در ماده (۲۱۴) این قانون را به‌موقع تنظیم و تسلیم نکند به مجازات مقرر در ماده (۶۵۴) محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۶ - هر یک از مدیران شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام که صورت حاضران در مجمع را مطابق ماده (۴۴۳) این قانون تنظیم نکند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۷ - هرگاه صورتجلسه مجمع عمومی مطابق مقررات قانونی یا اساسنامه تنظیم نشود و یا مقررات مربوط به حق رأی شرکا و یا سهامداران رعایت نگردد، هر یک از مسئولان مربوط به مجازات مذکور در ماده (۶۵۶) این قانون محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۸ - مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند:

- ۱- تقسیم منافع موهوم بین شرکا و یا سهامداران بدون داشتن صورتهای مالی یا به‌استناد صورتهای مالی خلاف واقع
- ۲- ارائه یا انتشار صورتهای مالی خلاف واقع به شرکا و یا سهامداران به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت

۳- استفاده از اختیارات خود یا اموال یا اعتبارات شرکت، برخلاف منافع شرکت

۴- تقسیم سود برخلاف مقررات این قانون

تبصره - عدم امضای صورتهای مالی به وسیله مدیرعامل یا هریک از مدیران رافع مسؤولیتهای مدنی و کیفری وی در مورد صورتهای مالی نیست. سلب مسؤولیت از مدیرعامل یا مدیران مذکور منوط به آن است که نامبردگان نظر مخالف خود را به صورت مستدل در ذیل صورتهای مالی درج کنند. در صورتی که به هر علت این امر ممکن نگردد اشخاص مذکور باید ظرف ده روز از اطلاع از تصویب صورتهای مالی به وسیله مدیران، مخالفت خود را به طور کتبی به اطلاع شرکت برسانند.

ماده ۶۵۹ - هرگاه در نتیجه ارتکاب جرائم موضوع این مبحث خسارتی به شرکت وارد شود، مرتکب علاوه بر مجازاتهای مذکور در این مبحث به جبران خسارت وارد شده و جزای نقدی معادل زبانی که به شرکت وارد کرده است محکوم می شود. دادگاه رسیدگی کننده به جرم، به جبران خسارت هم حکم می دهد. صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه در خصوص خسارات وارد شده رسیدگی و حکم صادر کند. مطالبات شرکت از مرتکب جرم مقدم بر جزای نقدی مقرر در این ماده وصول می شود.

ماده ۶۶۰ - هرگاه در شرکتهای دارای هیأت مدیره رئیس هیأت مدیره و در سایر شرکتهای مدیر یا مدیران شرکت، از دعوت مجمع عمومی در هر موقع که انتخاب بازرس یا بازرسان شرکت باید انجام شود خودداری کنند و یا بازرس یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی دعوت نکنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می شوند.

ماده ۶۶۱ - هریک از مدیران شرکت و مدیرعامل که مانع یا مخل انجام وظایف بازرس یا بازرسان شرکت بشود یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف بازرس یا بازرسان لازم است در اختیار آنان قرار ندهد به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می شود.

ماده ۶۶۲ - مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه بر خلاف واقع یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گیرد و یا قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت به صدور و انتشار سهام یا قطعات سهام جدید کنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می شوند.

ماده ۶۶۳ - هرگاه مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت در موقع افزایش سرمایه مطابق ماده (۴۵۶) این قانون، حق تقدم سهامداران را رعایت نکنند یا مهلتی را که برای اعمال حق تقدم در نظر گرفته می شود را به سهامداران ندهند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می شوند.

ماده ۶۶۴ - هرگاه مدیر یا مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مورد کاهش سرمایه مفاد مواد (۲۹۶)، (۲۹۸)، (۳۰۰) و (۳۰۱) این قانون را رعایت نکنند به جزای نقدی درجه شش یا محرومیت درجه هفت از مدیریت هر شرکت تجاری و یا به هر دو مجازات محکوم می شوند.

ماده ۶۶۵ - هرگاه در شرکتهای دارای هیأت مدیره رئیس هیأت مدیره و در سایر شرکتهای مدیر یا مدیران شرکت حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده، موضوع ماده (۲۰۶) این قانون را دعوت نکنند یا حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می شوند.

ماده ۶۶۶ - هر یک از مدیران یا مدیرعامل شرکتهای تعاونی سهامی عام، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی که امتیازات، اموال و تسهیلاتی را که از منابع عمومی برای صرف در موارد خاص در اختیار آنها قرار می گیرد در غیر مورد مصرف آنها صرف کند

به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجارتي محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۷ - در صورتی که مدیر یا مدیران در طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه، هر گونه اطلاعات نادرست درج یا به مجمع عمومی شرکا و یا سهامداران مدارک خلاف واقع ارائه کنند، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به اشخاص ذی‌نفع به پرداخت جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۸ - در مواردی که برای مدیر یا مدیران به دلیل نقض تکالیف مقرر در این قانون مجازات معین شده باشد، هرگاه هر یک از مدیران قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه مدیران به صراحت اعلام کند که باید برای سلب مسئولیت جزائی به تکلیف قانونی عمل شود، اما سایر مدیران به این اعلام توجه نکنند و جرم تحقق یابد مدیری که تکلیف قانونی را اعلام کرده است، مجرم شناخته نمی‌شود. سلب مسئولیت جزائی از مدیر منوط به این است که وی علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه مدیران مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی نیز به هریک از مدیران اعلام کند. در صورتی که جلسه مدیران به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهار نامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از مدیر کافی است.

ماده ۶۶۹ - هرگاه شخصی به استناد مقررات این مبحث به محرومیت از سمت مدیریت محکوم شود از سمت مدیریت عاملی شرکت تجارتي نیز محروم می‌شود.

ماده ۶۷۰ - هرگاه مدیران شعب یا نمایندگیهای شرکتهای خارجی در ایران قبل از انقضای موعد مقرر در ماده (۶۳۸) این قانون تقاضای ثبت نکنند، به تقاضای دادستان شهرستان محل و به حکم دادگاه عمومی مرکز کشور، به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند. به علاوه دادگاه برای هر روز تأخیر در ثبت پس از صدور، حکم متخلف را به جزای نقدی درجه هشت محکوم می‌کند و هرگاه حکم فوق قطعی شود و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ تخلف ادامه یابد دولت از عملیات شعبه یا نمایندگی شرکت متخلف جلوگیری می‌کند.

گفتار سوم - جرائم مربوط به بازرس شرکت

ماده ۶۷۱ - هر شخصی که با وجود منع قانونی، سمت مدیریت، مدیریت عامل یا بازرسی را در شرکت تجارتي بپذیرد، به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شود.

ماده ۶۷۲ - هر شخصی که در سمت بازرسی شرکت تجارتي یا حسابدار رسمی درمورد اوضاع شرکت، به مجمع عمومی گزارش خلاف واقع بدهد یا گزارش خلاف واقع را تصدیق کند یا اسرار تجارتي شرکت را افشاء کند یا به تکلیف مقرر در ماده (۲۵۹) این قانون عمل نکند، به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی و حسابرسی شرکت محکوم می‌شود.

ماده ۶۷۳ - هر شخصی که در سمت بازرسی شرکت تجارتي بدون عذر موجه از ارائه گزارش به مجمع عمومی خودداری کند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

گفتار چهارم - جرائم مربوط به مدیر تصفیه شرکت

ماده ۶۷۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه شرکت تجارتي مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شوند:

- ۱- ظرف یک ماه پس از انتخاب، تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مراجع مذکور در ماده (۳۱۵) این قانون و تبصره آن اعلام نکنند.
- ۲- تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه، مجمع عمومی عادی شرکت را دعوت نکنند یا وضعیت اموال و مطالبات و دیون شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که برای پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند را به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.
- ۳- قبل از خاتمه امر تصفیه، همه ساله مجمع عمومی عادی سهامداران شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکنند یا صورتهای مالی خود را به ضمیمه گزارش اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نمایند.
- ۴- در خاتمه دوره تصدی خود، بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند، به فعالیت خود ادامه دهند.
- ۵- ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.
- ۶- در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه، وجوه باقیمانده را در حساب سپرده مخصوص با رعایت غبطه ذی‌نفع در یکی از بانکهای ایرانی تودیع نکنند و صورت اسامی بستانکاران و شرکا و یا سهامدارانی که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نمایند و مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.
- ماده ۶۷۵ -** مدیر یا مدیران تصفیه شرکت تجاری که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شوند:
- ۱- اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی‌نفع هستند مورد استفاده قرار دهند.
- ۲- اموال شرکت را برخلاف ماده (۳۷۱) این قانون واگذار کنند.
- ۳- بدون رعایت حقوق بستانکاران و لحاظ کردن دیونی که هنوز موعد تأدیه آنها نرسیده است، اموال شرکت را بین شرکا و یا سهامداران تقسیم کنند.

مبحث چهارم - مقررات متفرقه

- ماده ۶۷۶ -** نام شرکت نباید متضمن نام شریک با مسئولیت محدود و یا سهامدار شرکت باشد در غیر این صورت شخصی که نام او در نام شرکت قید شده است در مقابل اشخاص ثالث، حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را دارد.
- ماده ۶۷۷ -** در کلیه شرکتها باید نام شرکت، حسب مورد، مشتمل بر عبارت حاکی از نوع شرکت یا عبارت شرکت نامعین باشد و این نام در کلیه اسناد و اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهیهای شرکت به‌طور روشن و خوانا قید شود در غیر این صورت متخلف با شرکت مذکور در مقابل شخص ثالث متضرر از این اقدام مسئولیت تضامنی دارد.
- ماده ۶۷۸ -** سهم‌الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق بهادار از جمله ورقه سهم درآید.
- ماده ۶۷۹ -** انواع، ترتیب انتشار و احکام اوراق بهادار و نیز اشخاصی که مجاز به انتشار این اوراق می‌باشند به موجب قانون معین می‌شود.
- ماده ۶۸۰ -** هیچ شریک و یا سهامداری نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا و یا سهامداران به حساب شخصی خود یا شخص ثالث، وارد تجارتی از نوع تجارت شرکت شود و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک و یا سهامدار با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.
- تبصره - سهامدار شرکت سهامی عام، شرکت مختلط سهامی عام و شرکت تعاونی سهامی عام از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۶۸۱ - بستانکاران شخصی شرکا و یا سهامداران نمی‌توانند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهم مدیون خود از منافع شرکت یا سهم‌الشرکه یا سهام او در شرکت هر اقدام قانونی را به عمل آورند.

ماده ۶۸۲ - مدیون شرکت نمی‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکا داشته باشد به تهاتر استناد کند. همچنین شریک شرکت نیز نمی‌تواند در مقابل دینی که ممکن است بستانکار او به شرکت داشته باشند به تهاتر استناد نماید.

ماده ۶۸۳ - هرگاه مفاد این قانون در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که به‌وسیله هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود، حسب مورد به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام می‌شود در این صورت مؤسس یا مؤسسان، مدیر یا مدیران، بازرس یا بازرسان و شریک و یا سهامدار شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند.

ماده ۶۸۴ - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان رفع شود، دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر می‌کند. دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه می‌شود می‌تواند به درخواست خوانده مهلتی را که از شش ماه بیشتر نیست برای رفع موجبات بطلان تعیین کند. ابتدای مهلت مذکور تاریخ ثبت دادخواست بطلان است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشود، دادگاه حکم مقتضی صادر می‌کند.

ماده ۶۸۵ - شرایط لازم برای تصدی سمت بازرسی در شرکتهای تجارتی فقط از جهت سوابق علمی، تخصصی و تجربی به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۶۸۶ - در صورت صدور حکم قطعی دائر بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن اشخاص مسؤول بطلان متضامناً مسؤول خساراتی می‌باشند که از آن بطلان به هریک از شرکا، سهامداران و یا اشخاص ثالث وارد شده است.

ماده ۶۸۷ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌کند باید در رأی خود یک یا چند شخص را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا به‌موجب این قانون عمل کنند. تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که به‌وسیله دادگاه تعیین می‌شود برعهده دادگاه است.

ماده ۶۸۸ - شرکتهای تجارتی موجود باید حداکثر ظرف دو سال وضع خود را با این قانون تطبیق دهند. پس از انقضای این مهلت، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند. دادگاهی که تقاضای انحلال نزد آن مطرح می‌شود، می‌تواند به درخواست خوانده مهلتی که نباید از سه ماه بیشتر باشد برای تطبیق وضع شرکت با قانون جدید تعیین کند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال برطرف نشده باشد، دادگاه حکم انحلال صادر می‌کند.

ماده ۶۸۹ - پس از انقضای مهلت مذکور در ماده (۶۸۸) این قانون، ثبت صورتجلسات شرکتهای موضوع ماده مذکور در مرجع ثبت شرکتهای منوط به تطبیق وضع با این قانون است. انجام هرگونه معامله با شرکتهای تجارتی از سوی کلیه دستگاههای اجرایی پیش از تطبیق وضع ممنوع است.

ماده ۶۹۰ - افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی شرکتهایی که به منظور تطبیق وضع با مقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت می‌کنند از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۶۹۱ - شرکتهای دولتی که به موجب قانون خاص تشکیل می‌شوند، تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و تنها در باره موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها به‌صراحت تعیین تکلیف نشده است، تابع این قانون محسوب می‌شوند. این حکم مانع شمول قوانین و مقررات مالی و محاسباتی در مورد این شرکتها نیست.

ماده ۶۹۲ - دعوای اشخاص ثالث علیه شرکا یا وراث آنها که مربوط به معاملات شرکت است، در مواردی که قانون شرکا یا وراث آنها را مسؤول می‌داند، باید تا پنج سال تمام از تاریخی که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در مرجع ثبت

شرکتها به ثبت می‌رسد و در روزنامه رسمی آگهی می‌گردد اقامه شود. در صورتی که طلب پس از ثبت و آگهی قابل مطالبه باشد، مدت مذکور از روزی شروع می‌شود که بستانکار حق مطالبه پیدا می‌کند.

تبصره - دعوی که به موجب این قانون مدت زمان کوتاه‌تر یا طولانی‌تری برای اقامه آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده ۶۹۳ - شرکت‌هایی که بیش از ده عضو دارند و شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند. اساسنامه نیز می‌تواند شرکت را به داشتن روزنامه مکلف کند.

تبصره - شرکتهای تعاونی غیرسهامی و شرکتهای تعاونی سهامی خاص مشروط بر اینکه کل اعضاء آنها در یک منطقه محدود فعالیت کنند و کمتر از پنجاه شخص باشند از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. در این نوع شرکتها آگهیهای شرکت علاوه بر طریقی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است از طریق نصب در معابر حوزه عمل تعاونی به اطلاع شرکا و یا سهامداران می‌رسد.

ماده ۶۹۴ - سازمان بورس و اوراق بهادار برای پیگیری کلیه تخلفات و جرائم موضوع این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام در حکم ذی‌نفع است.

ماده ۶۹۵ - هیچ شرکتی جز شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نمی‌تواند سهام یا سهم‌الشرکه خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بازار بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس عرضه کند یا با انتشار آگهی، اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغی دیگر به پذیره‌نویسی یا فروش سهام یا سهم‌الشرکه خود مبادرت ورزد، مگر اینکه سهام یا سهم‌الشرکه طبق مقررات مربوط در بازار خارج از بورس ارائه شود. همچنین هیچ شرکتی نمی‌تواند بدون رعایت مقررات مربوط با انتشار آگهی، اطلاعیه یا به هر نحو دیگر به جذب سرمایه از عموم اقدام کند.

ماده ۶۹۶ - کلیه شرکتهای تجاری که به موجب قانون یا اساسنامه مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند باید پایگاه الکترونیک اختصاصی دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (IR). ایجاد نمایند و تمامی آگهیهای را که به موجب قانون مکلف به انتشار آن در روزنامه شرکت می‌باشند در پایگاه الکترونیک مذکور نیز درج و نسخه ای از آن را برای درج در پایگاه الکترونیک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سازمان ارسال کنند. شرکتهای موضوع این ماده مکلفند کلیه سوابق الکترونیک مربوط به آگهیهای مذکور را حداقل تا بیست سال پس از درج در پایگاه الکترونیک خود، در سامانه‌ای که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها را تأمین می‌کند نگهداری کنند. همچنین شرکتهای موضوع این ماده باید آخرین اساسنامه، خلاصه آخرین صورتهای مالی و کلیه مواردی را که ثبت و آگهی آن الزامی است پس از ثبت در پایگاه الکترونیک خود قرار دهند.

ماده ۶۹۷ - در مواردی که سهامدار و یا شریک شرکت تجارتی نشانی پست الکترونیک یا شماره تلفن همراه خود را برای اطلاع‌رسانی به شرکت ارائه کند، مدیر یا مدیران شرکت باید خلاصه‌ای از مواردی را که اطلاع‌رسانی آنها لازم است به نشانی پست الکترونیک و شماره تلفن همراه ارائه شده نیز ارسال کنند.

ماده ۶۹۸ - هرگاه شرکت یا مؤسسه غیرتجارتی بدون داشتن مجوز یا پس از لغو مجوز یا از دست دادن شرایط اخذ مجوز به فعالیتی که به موجب قانون داشتن مجوز برای آن الزامی است اقدام کند، دستگاه مربوط باید ضمن اعمال مقررات انضباطی مطابق مقررات مربوط و ابطال مجوز، توقف فعالیت شرکت را در آن موضوع از دادگاه درخواست نماید و در هر حال مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند. در این صورت مرجع ثبت شرکتها از شرکت مربوط می‌خواهد که به تغییر موضوع فعالیت شرکت در اساسنامه اقدام کند.

ماده ۶۹۹ - در صورتی که اشخاص حقوقی موضوع این قانون مرتکب جرائمی غیر از جرائم مندرج در این قانون گردند مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی اعمال می‌شود.

ماده ۷۰۰ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه های اجرائی این قانون نیز به تناسب نرخ مذکور حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

کتاب سوم - اسناد تجارتي

ماده ۷۰۱ - سند تجارتي سندی است که شکل آن مطابق قانون تنظيم می شود و به موجب آن تعهد مستقل پولی یا غیر پولی برعهده صادرکننده و یا دیگری ایجاد می گردد.

باب اول - برات

فصل اول - شرایط شکلی برات

ماده ۷۰۲ - برات سندی است که به موجب آن شخصی به دیگری دستور بی قید و شرط می دهد تا مبلغی را در موعد معین یا بهرؤیت یا به وعده از رؤیت در وجه شخص ثالث یا دستوردهنده و یا به حواله کرد آنها پرداخت کند. به دستوردهنده «برات دهنده»، به شخصی که دستور را دریافت می کند «برات گیر» و به شخصی که سند در وجه و یا به حواله کرد او صادر می گردد یا مطابق این قانون آن را به انتقال می گیرد یا قائم مقام آنان «دارنده برات» اطلاق می شود.

ماده ۷۰۳ - برات علاوه بر امضای برات دهنده باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- قید کلمه «برات» بر روی آن

۲- تاریخ صدور به روز و ماه و سال

۳- هویت «برات دهنده»

۴- هویت «برات گیر»

۵- مبلغ برات

۶- تاریخ پرداخت وجه برات

۷- نشانی کامل مکان پرداخت وجه برات

۸- هویت گیرنده وجه

ماده ۷۰۴ - اگر مبلغ برات یا تاریخ پرداخت وجه آن بیش از یک بار با تمام حروف یا رقم نوشته شود، حسب مورد، مبلغ کمتر یا تاریخ مؤخر معتبر است.

ماده ۷۰۵ - چنانچه نشانی برات دهنده، برات گیر یا دیگر مسؤولان سند در برات ذکر شود، هر ابلاغی به نشانی های مذکور ابلاغ قانونی محسوب می شود و اخطار به وسیله نشر آگهی لازم نیست.

ماده ۷۰۶ - چنانچه برات مطابق شرایط مقرر در ماده (۷۰۳) این قانون تنظيم نشود، مشمول مقررات مربوط به برات نیست مگر در موارد زیر:

۱- عدم درج تاریخ پرداخت وجه برات که در این صورت برات بهرؤیت تلقی می شود.

۲- عدم درج مکان پرداخت وجه برات که در این صورت نشانی برات گیر مکان پرداخت تلقی می شود.

ماده ۷۰۷ - اگر برات به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۰۳) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده برات تکمیل شود، اعتبار برات را دارد. در این صورت هیچ یک از مسؤولان برات نمی توانند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطائی استناد کنند.

ماده ۷۰۸ - چنانچه برات به نمایندگی از طرف شخص دیگری صادر، ظهنویسی، ضمانت یا قبول شود، امضاء کننده مسؤول پرداخت وجه سند نیست مگر اینکه به وکالت خود در متن سند تصریح نکند یا خارج از حدود اختیارات خود یا بدون اختیار عمل

نماید که در این صورت، حسب مورد، امضاء کننده با رعایت این قانون مسئول پرداخت کل وجه سند یا میزانی است که از اختیارات خود تجاوز کرده است.

فصل دوم - در قبول و نکول

ماده ۷۰۹ - برات باید به محض ارائه یا حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

ماده ۷۱۰ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته و امضاء می شود. اگر قبولی بدون قید تاریخ نوشته شود، تاریخ صدور برات تاریخ رؤیت محسوب می شود.

ماده ۷۱۱ - هر عبارتی که برات گیر در برات بنویسد و امضاء کند قبول محسوب است، مگر اینکه عبارت به صراحت دال بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط دال بر عدم قبول یک جزء از برات باشد، بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. چنانچه برات گیر بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء کند برات قبول شده محسوب می شود.

ماده ۷۱۲ - ممکن است قبول منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد. در این صورت دارنده برات می تواند فقط برای بقیه واخواست کند.

ماده ۷۱۳ - اگر قبول برات مشروط به شرط نوشته شود، برات نکول شده محسوب می شود. با این حال، قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

ماده ۷۱۴ - قبول کننده حق نکول ندارد و ملزم است وجه آن را در وعده تأدیه کند.

ماده ۷۱۵ - نکول برات به وسیله اظهارنامه ای که مطابق این قانون و تا پیش از سررسید آن به طور رسمی تنظیم می شود محقق می گردد. اظهارنامه مذکور واخواست نامه نکول نامیده می شود.

ماده ۷۱۶ - پس از واخواست نکول هر یک از ظهرنویسان، برات دهندده و ضامنان آنها به تقاضای دارنده برات باید تأدیه وجه در سررسید را تضمین کنند و در غیر این صورت وجه برات را با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت به انضمام هزینه های واخواست و متفرعات طلب، اگر باشد، به فوریت تأدیه نمایند. هر یک از اشخاص مذکور می تواند با تصریح در متن سند، خود را از مسؤولیت مقرر در این ماده معاف کند.

فصل سوم - در قبول شخص ثالث

ماده ۷۱۷ - هرگاه براتی نکول شود و واخواست به عمل آید، در صورت موافقت دارنده برات، هر شخص ثالثی می تواند آن را به نام یکی از ظهرنویسان یا برات دهندده یا ضامن یا ضامنان آنها قبول کند. قبول شخص ثالث باید بر روی برات قید شود و به امضای او برسد.

ماده ۷۱۸ - پس از قبول شخص ثالث تا زمانی که وجه برات تأدیه نشود، کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل مسؤولان سند حاصل می شود در مقابل ایادی ماقبل شخصی که برات به نام او قبول شده است، محفوظ است.

فصل چهارم - ظهرنویسی

ماده ۷۱۹ - ظهرنویسی با درج هویت و امضای ظهرنویس و هویت شخصی که برات به نام او ظهرنویسی می شود محقق می شود. ممکن است تاریخ ظهرنویسی و نشانی ظهرنویس نیز در برات درج گردد.

ماده ۷۲۰ - چنانچه امضاء با شرایط مقرر در ماده (۷۱۹) این قانون در ظهر سند صورت گیرد ظهرنویسی محسوب است، مگر اینکه امضاء کننده عبارت صریحی دال بر ضمانت بودن آن درج کرده باشد.

ماده ۷۲۱ - ظهرنویسی سبب انتقال برات است، مگر اینکه ظهرنویس عبارت صریحی حاکی از وکالت در وصول یا ظهرنویسی به عنوان وثیقه را در سند قید کند.

ماده ۷۲۲ - هرگاه ظهرنویسی به عنوان وکالت در وصول باشد، انتقال واقع نمی شود، لکن وکیل حق وصول وجه برات، ظهرنویسی مجدد آن به عنوان وکالت و در صورت اقتضاء و اخواست و اقامه دعوی برای وصول وجه سند را دارد، مگر اینکه خلاف آن در برات تصریح شده باشد. مسؤولان برات در مقابل وکیل در وصول فقط می توانند به ایراداتی استناد کنند که در مقابل ظهرنویس مذکور قابل طرح باشد. وکیل در وصول برات می تواند پس از فوت یا حجر ظهرنویس، حسب مورد، به وصول وجه برات یا انجام و اخواست یا اقامه دعوی اقدام کند، مگر اینکه خلاف آن در برات تصریح شود که در این صورت باید به فوریت برات را به قائم مقام متوفی یا محجور تسلیم کند.

ماده ۷۲۳ - هرگاه انتقال برات با درج عباراتی مانند «غیرقابل انتقال» یا «فقط قابل پرداخت در وجه شخص معین» به صراحت منع شود، در صورتی که مشروط علیه سند را به عنوان انتقال ظهرنویسی کند، شخصی که انتقال را منع کرده است می تواند در مقابل منتقل الیه و ایادی مابعد وی به ایرادات ناشی از رابطه مبتائی خود با مشروط علیه استناد کند.

ماده ۷۲۴ - هرگاه برات به عنوان وثیقه ظهرنویسی شود، شخصی که برات به نفع او ظهرنویسی شده است تمام حقوق دارنده سند را دارد، لکن نمی تواند سند را به عنوان انتقال ظهرنویسی کند. در صورت ظهرنویسی مجدد به عنوان انتقال، دارندگان بعدی در حکم وکیل ظهرنویس در وصول محسوب می شوند.

ماده ۷۲۵ - اگر ظهرنویسی معلق یا مشروط به شرطی شود، آن شرط در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

ماده ۷۲۶ - ظهرنویسی جزئی از مبلغ برات، باطل است.

ماده ۷۲۷ - چنانچه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی را قید کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.

فصل پنجم - ضمانت

ماده ۷۲۸ - پرداخت مبلغ برات می تواند از طرف هریک از مسؤولان برات ضمانت شود.

ماده ۷۲۹ - ضمانت با درج هويت و امضاء ضامن و تعیین هويت مضمون عنه محقق می شود. جز در مورد امضای برات دهنده و برات گیر، صرف درج امضاء روی برات ضمانت محسوب می شود، مگر اینکه عبارت صریحی دال بر ظهرنویسی بودن آن درج شده باشد. در صورت عدم تعیین مضمون عنه در برات، ضمانت از طرف برات گیر محسوب می شود، مگر اینکه برات قبول نشده باشد که در این صورت ضمانت از طرف برات دهنده محسوب است.

فصل ششم - مسؤولیت

ماده ۷۳۰ - برات دهنده، قبول کننده برات، ظهرنویسان و شخصی که پرداخت مبلغ برات را از طرف هریک از اشخاص مذکور ضمانت می کند در مقابل دارنده برات مسؤولیت دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و عنداقتضاء پس از انجام و اخواست می تواند برای وصول کل وجه سند به هر کدام از آنها برای وصول تمام یا بخشی از وجه سند رجوع کند. اقامه دعوی علیه برخی از مسؤولان برات موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسؤولان نیست. اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۷۳۱ - هر یک از ظهرنویسان که به موجب این قانون وجه برات را بپردازد، در مقابل هر یک از ظهرنویسان ماقبل خود، برات دهنده، قبول کننده و ضامنان آنان، کلیه حقوق ناشی از برات را دارد. با این حال، پرداخت کننده نمی تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.

ماده ۷۳۲ - ضامن در حدود مسؤولیت مضمون عنه مسؤول است. مسؤولیت ضامن جز در مورد ایرادات مربوط به شرایط شکلی برات و بطلان ضمانت همواره اعتبار دارد.

ماده ۷۳۳ - هر یک از ضامنان که به موجب این قانون وجه برات را بپردازد، از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که مضمون عنه در صورت پرداخت حق رجوع به آنها را دارد برخوردار است، لکن نمی تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.

ماده ۷۳۴ - هرگاه برات دهنده به موجب این قانون وجه برات را بپردازد از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل قبول کننده برات و ضامنان او برخوردار است، لکن نمی تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.

ماده ۷۳۵ - هیچ یک از مسؤولان برات در برابر شخصی که حق رجوع به او را دارد نمی تواند جز به ایرادات مربوط به شرایط شکلی و بطلان تعهد براتی به ایراد دیگری استناد کند.

ماده ۷۳۶ - هر کدام از ظهرنویسان می توانند با تصریح به عدم مسؤولیت در متن سند، خود را از مسؤولیت مقرر در ماده (۷۳۰) این قانون معاف کنند.

ماده ۷۳۷ - هر یک از مسؤولان تأدیه برات می تواند پرداخت را به تسلیم برات و صورتحساب مخارج قانونی و متفرعاتی که باید بپردازد موکول کند. برات دهنده ای که برات او قبول می شود، ظهرنویسان و ضامنان آنها می توانند پرداخت وجه برات را علاوه بر موارد مذکور به تسلیم و اخواست نامه نیز موکول کنند.

ماده ۷۳۸ - هرگاه چند شخص از مسؤولان برات ورشکسته شوند، دارنده برات می تواند در هر یک از هیأت های بستانکاران یا در تمام آنها برای وصول تمام طلب خود شامل وجه برات، متفرعات و مخارج قانونی داخل شود تا طلب خود را به طور کامل وصول کند. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به دارنده مذکور پرداخت می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگری که دارنده بابت آن سند در هیأت بستانکاران وی وارد شده است رجوع کند، مگر اینکه مجموع مبالغی که از اموال همه ورشکستگان به دارنده تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد. در این صورت مبالغ تخصیص یافته مازاد به ترتیب، جزء دارایی آخرین شخصی محسوب می گردد که بابت این سند به ورشکسته مذکور حق رجوع دارد.

فصل هفتم - پرداخت

ماده ۷۳۹ - برات با نوع پولی که در آن معین شده است پرداخت می شود.

ماده ۷۴۰ - هر یک از مسؤولان برات که وجه آن را به دارنده بپردازد بریء الذمه محسوب می شود. چنانچه پرداخت در زمانی صورت گرفته باشد که دارنده حق رجوع به مسؤول مذکور را ندارد یا وجه برات به موجب رأی دادگاه نزد او توقیف شده باشد، پرداخت کننده در مقابل شخصی که نسبت به وجه برات حقی دارد مسؤول است.

ماده ۷۴۱ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود مسؤولان برات به همان میزان بریء الذمه می شوند و دارنده فقط می تواند نسبت به بقیه و اخواست کند. در صورتی که دارنده از قبول بخشی از مبلغ برات امتناع کند نمی تواند برای آن بخش به برات دهنده ای که برات او قبول شده است، ظهرنویسان و ضامنان آنها رجوع کند.

ماده ۷۴۲ - اگر دارنده برات به شخصی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویسان ماقبل خود و برات دهنده ای که به مهلت مذکور رضایت نداده اند و ضامنان آنها حق رجوع ندارد.

ماده ۷۴۳ - دادگاه رسیدگی کننده به دعوی مطالبه وجه برات نمی تواند بدون رضایت دارنده برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهد و یا پرداخت آن را تقسیط کند. این ماده مانع رسیدگی به دعوی اعسار غیرتاجر نیست.

فصل هشتم - مفقود شدن برات

ماده ۷۴۴ - در صورت مفقودشدن یا سرقت برات، دارنده آن می تواند به موجب اظهارنامه رسمی به هر یک از مسؤولان سند دستور عدم پرداخت و در صورتی که برات قبول نشده باشد به براتگیر دستور عدم قبول دهد، مشروط بر اینکه حداکثر ظرف یک هفته در مرجع قضائی محل پرداخت وجه سند، طرح شکایت کند و رسید آن را به هریک از دستورگیرندگان ارائه کند. این اظهارنامه علاوه بر موارد مذکور در ماده (۷۰۳) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد. در صورت تقاضای دارنده، هر یک از مسؤولان سند باید وی را برای ابلاغ دستور عدم پرداخت به مسؤول ماقبل خود راهنمایی کند تا به براتگیر برسد. هریک از مسؤولان سند در صورت امتناع از راهنمایی دارنده، مسؤول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است. حکم این ماده در مواردی نیز که برات از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت و یا جرائم دیگر تحصیل شده باشد مجری است.

ماده ۷۴۵ - تا زمانی که سررسید برات مفقود فرا نرسیده باشد، دارنده می تواند با اثبات اینکه برات مفقود، متعلق به او بوده است و با دادن تضمین مناسب به موجب حکم دادگاه از صادرکننده، نسخه جایگزین مطالبه کند. صادرکننده سند جایگزین باید بر روی آن عبارت «نسخه جایگزین» را درج کند.

ماده ۷۴۶ - دارنده برات مفقود برای تحصیل نسخه جایگزین می تواند به ظهنروسی که به فوریت قبل از او بوده است رجوع کند. هر یک از ظهنروسیان نیز ملزم است صاحب برات را برای مراجعه به ظهنرویس ماقبل خود راهنمایی کند تا به برات دهنده برسد. مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود است. ظهنرویس در صورت امتناع از راهنمایی دارنده، مسؤول تأدیه وجه برات و خساراتی است که به صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۷۴۷ - در صورتی که سررسید برات مفقود شده فرا رسیده باشد، دارنده فقط می تواند با اثبات اینکه برات مفقود متعلق به او است و با دادن تضمین مناسب تأدیه وجه برات را به موجب حکم دادگاه از برات گیر مطالبه کند. در صورتی که به هر علت وصول وجه برات از برات گیر ممکن نشود، دارنده برات می تواند با رعایت مفاد این ماده وجه سند را از سایر مسؤولان سند مطالبه کند. چنانچه مسؤول مذکور بخواهد به ایادی ماقبل خود رجوع کند، شخص مرجوع علیه می تواند تأدیه وجه را به اعطاء تضمیناتی موکول کند که شخص مراجعه کننده به موجب حکم دادگاه دریافت کرده است. در صورتی که دارنده برات مفقود به یکی از مسؤولان سند دستور عدم پرداخت ندهد و آن مسؤول به موجب این قانون وجه سند را پس از ارائه سند پردازد بریءالذمه می شود و کلیه حقوق ناشی از سند را به دست می آورد و می تواند به سایر مسؤولان ماقبل خود رجوع کند، حتی اگر به آنها دستور عدم پرداخت داده شده باشد.

ماده ۷۴۸ - مسؤولان سند ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی می باشند که درمورد مالکیت شخص مدعی فقدان سند در اختیار دارند، و در صورت عدم ارائه اطلاعات و مدارک مذکور، ضامن خسارت وارد شده می باشند.

ماده ۷۴۹ - در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد و پیش از رؤیت مفقود گردد، سررسید آن از تاریخ ابلاغ اظهارنامه در مورد درخواست قبول برات مفقود به برات گیر محاسبه می شود.

ماده ۷۵۰ - اگر دارنده ای که برات او مفقود شده است تضمین موضوع مواد (۷۴۵) یا (۷۴۷) این قانون را تسلیم نکند با اثبات اینکه برات مفقود متعلق به او بوده است و بدون دادن تضمین می تواند تأدیه وجه برات را سه سال پس از سررسید آن به موجب حکم دادگاه از قبول کننده یا برات دهنده ای که برات او قبول نشده است مطالبه کند. در هر حال دارنده مذکور می تواند از دادگاه تقاضا کند

که مدیون، وجه سند را در صورتی که حال باشد به فوریت و در صورت مؤجل بودن، پس از انقضای اجل به صندوق دادگستری بسپارد. در این صورت پرداخت وجه به خواهان منوط به سپردن وثیقه یا گذشتن سه سال از تاریخ سررسید سند است.

ماده ۷۵۱ - هرگاه پس از گذشت سه سال از تاریخ سررسید برات درمورد آن به طور رسمی مطالبه یا اقامه دعوی نشود دارنده نمی تواند از حیث تعهد براتی به مسئولان سند رجوع کند. پس از گذشت مهلت مذکور از تضمین موضوع مواد (۷۴۵) یا (۷۴۷) این قانون به درخواست تضمین دهنده رفع اثر می شود.

ماده ۷۵۲ - اگر قبل از ابطال سند به موجب ماده (۷۵۱) این قانون سند ابراز شود، متعهد سند باید ارائه کننده سند را به دادگاهی که دستور عدم پرداخت داده است دلالت کند. در صورتی که ارائه کننده سند به دادگاه مراجعه کند، دادگاه به مدعی فقدان سند یا تحصیل آن از طریق جرم اخطار می کند که دعوی یا شکایت خود را علیه ارائه کننده سند تعقیب و گواهی آن را ظرف ده روز ارائه کند. در غیر این صورت دعوای او رد می شود.

ماده ۷۵۳ - هرگاه دعوای شخصی که به موجب ماده (۷۴۴) این قانون دستور عدم پرداخت داده است رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود، هریک از متعهدان سند مکلف به پرداخت وجه آن است و شخصی که دستور عدم پرداخت داده است مکلف به جبران خسارات وارد شده به دارنده است و در صورت علم به بلاوجه بودن دستور عدم پرداخت به حبس تعزیری درجه هفت و یا جزای نقدی معادل نصف مبلغ مندرج در سند محکوم می شود.

ماده ۷۵۴ - در صورت دستور دادگاه به عدم پرداخت اگر ابراز کننده سند به تشخیص دادگاه تضمین کافی به متعهد آن بدهد او باید وجه سند را به ابراز کننده بپردازد مشروط بر اینکه از قبل وجه سند به موجب سند یا حکم دادگاه به دارنده پرداخت نشده باشد. هرگاه دعوای شخصی که به موجب ماده (۷۴۴) این قانون دستور عدم پرداخت داده است رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود از تضمین مذکور رفع اثر می شود.

ماده ۷۵۵ - مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دارنده سند مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

فصل نهم - تأدیه وجه برات به وسیله شخص ثالث

ماده ۷۵۶ - هر شخص ثالثی می تواند وجه برات را پرداخت کند. پرداخت وجه به وسیله شخص ثالث باید در برات قید شود و به امضای دارنده سند برسد. اصل برات و وخواست نامه، در صورت انجام وخواست، باید به شخصی که وجه برات را پرداخته است تسلیم شود.

ماده ۷۵۷ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته در مقابل مسئولان سند، کلیه حقوق و تکالیف ناشی از برات را دارد، مشروط بر اینکه در زمان پرداخت، دارنده حق رجوع به مسئولان برات را داشته باشد؛ با این حال، پرداخت کننده مذکور نمی تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهنویسی کند.

ماده ۷۵۸ - دارنده ای که پرداخت به وسیله شخص ثالث را رد می کند دیگر حق رجوع به برات دهنده ای که برات او قبول شده است، ظهنویسان و ضامنان آنها را ندارد.

فصل دهم - حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۷۵۹ - دارنده برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت باید حسب مورد پرداخت یا قبول آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور برات مطالبه کند در غیر این صورت حق رجوع به برات دهنده ای که وجه برات را به براتگیر رسانده است ظهنویسان و ضامنان آنان را ندارد.

ماده ۷۶۰ - اگر در برات برای تقاضای قبولی یا پرداخت، مدتی بیشتر یا کمتر از مدت مذکور در ماده (۷۵۹) این قانون مقرر شود دارنده برات باید در همان مدت، قبولی یا پرداخت برات را تقاضا کند در غیر این صورت حق رجوع به برات دهنده ای که وجه برات را به براتگیر رسانده است، ظهرنویسان و ضامنان آنان ندارد.

ماده ۷۶۱ - اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کند دارنده برات باید در مدت مذکور تقاضای قبولی نماید و اگر پس از مدت مذکور مراجعه کند، حق رجوع به آن ظهرنویس و ضامن او را ندارد.

ماده ۷۶۲ - دارنده برات باید در روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۷۶۳ - امتناع از تأدیه وجه برات به وسیله اظهارنامه ای که ظرف ده روز از تاریخ سررسید، مطابق این قانون به طور رسمی تنظیم می شود محقق می گردد. اظهارنامه مذکور و اخواست نامه عدم تأدیه نامیده می شود.

ماده ۷۶۴ - فوت و ورشکستگی برات گیر، دارنده را از اخواست نکول و عدم تأدیه بی نیاز می کند.

ماده ۷۶۵ - در صورتی که به علت بروز حادثه خارجی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل دفع، ارائه برات برای قبولی یا پرداخت یا اخواست عدم تأدیه میسر نشود، مهلهای مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان حادثه مذکور افزایش می یابد. دارنده باید به فوریت پس از برطرف شدن حادثه به ارائه برات برای قبول یا پرداخت و در صورت لزوم، اخواست عدم تأدیه اقدام کند.

ماده ۷۶۶ - دارنده براتی که به علت عدم تأدیه و اخواست می شود باید ظرف ده روز از تاریخ اخواست، عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی به ظهرنویس ماقبل خود و ضامن او اطلاع دهد. در صورتی که نشانی ظهرنویس مذکور و یا ضامن او برای دارنده مشخص نباشد مراتب باید در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی شود.

ماده ۷۶۷ - ظهرنویس مذکور در ماده (۷۶۶) این قانون باید، حسب مورد، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا اطلاع از مفاد آگهی، مراتب را به وسیله اظهارنامه رسمی به ظهرنویس سابق خود و ضامن او اطلاع دهد. در صورتی که نشانی ظهرنویس سابق و یا ضامن او برای ظهرنویس مذکور مشخص نباشد مراتب باید در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی شود.

ماده ۷۶۸ - در صورت عدم انجام تکلیف مندرج در مواد (۷۶۶) و (۷۶۷) این قانون، دارنده برات و هریک از ظهرنویسان مسؤول خساراتی است که در نتیجه عدم اطلاع به ایادی ماقبل وارد شده است.

ماده ۷۶۹ - در مورد براتهایی که باید در ایران تأدیه شوند دعوا علیه برات دهنده، ظهرنویسان و یا ضامنان آنها باید ظرف سه ماه از تاریخ اخواست اقامه شود.

ماده ۷۷۰ - در مورد براتهایی که باید در خارج از کشور تأدیه شوند دعوا علیه برات دهنده و یا ظهرنویسان باید ظرف شش ماه از تاریخ اخواست اقامه شود.

ماده ۷۷۱ - اگر هریک از ظهرنویسان یا ضامنان آنها بخواهد از حقی که به موجب مقررات این قانون به آنها داده شده استفاده کنند باید در مواعیدی که به موجب مواد (۷۶۹) و (۷۷۰) این قانون مقرر است اقامه دعوی کنند. در مورد اشخاص مذکور موعد از فردای ابلاغ دادخواست محاسبه می شود و اگر وجه برات را بدون اینکه علیه آنها اقامه دعوی شده باشد تأدیه نمایند از فردای روز تأدیه محاسبه می گردد.

ماده ۷۷۲ - پس از انقضای مواعد مقرر در مواد (۷۶۹)، (۷۷۰) و (۷۷۱) این قانون دعوای دارنده برات علیه ظهرنویسان، برات دهنده ای که برات او قبول شده است و ضامنان آنها و همچنین دعوای هریک از ظهرنویسان علیه ایادی سابق خود، برات دهنده ای که برات او قبول شده است و ضامنان آنها در دادگاه مسموع نیست.

ماده ۷۷۳ - دادگاه باید به صرف تقاضای دارنده، معادل وجه برات را از اموال شخصی که دارنده به موجب مقررات این قانون حق رجوع به او را دارد به عنوان تأمین، توقیف کند.

تبصره - در اجرای قرارهای تأمین خواسته و احکام مربوط به اسناد تجاری، مرجع قضائی باید به درخواست دارنده سند تجاری به فوریت به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حسابهای هریک از مسؤولان سند در بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری را، فارغ از نوع آن، برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. همچنین مرجع قضائی باید به درخواست دارنده سند تجاری به فوریت به مراجع ذیربط از قبیل ثبت محل و شهرداری دستور دهد که بر اساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به هر یک از مسؤولان سند وجود دارد برای توقیف به مرجع مذکور اعلام کند. مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته و احکام مربوط به همه مطالبات مجری است.

ماده ۷۷۴ - هر یک از برات‌دهنده، ظهرنویسان یا ضامنان آنها می‌توانند با درج در برات، دارنده برات را از انجام واخواست نکول و یا عدم تأدیه و یا اقامه دعوی ظرف مهلت مقرر معاف کنند. آثار این شرط فقط در مورد شرط‌کننده جاری است. اگر علی‌رغم تحریر شرط مذکور دارنده برات واخواست یا اقامه دعوی کند، بابت هزینه واخواست یا هزینه‌های دادرسی حق رجوع به شرط‌کننده را ندارد. این شرط دارنده را از وظیفه ارائه برات ظرف مهلت مقرر یا ارسال اظهارنامه موضوع ماده (۷۶۶) این قانون معاف نمی‌کند.

فصل یازدهم - واخواست

ماده ۷۷۵ - واخواست در موارد زیر انجام می‌شود:

۱- نکول

۲- عدم تأدیه

ماده ۷۷۶ - واخواست‌نامه به اشخاص زیر ابلاغ می‌شود:

۱- برات‌گیر

۲- اشخاص تعیین شده در برات برای تأدیه وجه در صورت اقتضاء

۳- شخص ثالث قبول‌کننده برات

۴- برات‌دهنده

ماده ۷۷۷ - اظهارنامه‌ای که برای انجام واخواست تنظیم می‌شود باید متضمن واژه «واخواست‌نامه» و امر به تأدیه وجه برات باشد و رونوشت یا تصویر کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و سایر موارد به اظهارنامه ضمیمه شود.

ماده ۷۷۸ - هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جایگزین واخواست‌نامه شود مگر اینکه به موجب این قانون تعیین گردد.

ماده ۷۷۹ - واخواست‌نامه طبق قانون آیین دادرسی مدنی ابلاغ می‌شود.

فصل دوازدهم - قوانین خارجی

ماده ۷۸۰ - در مورد براتهایی که در خارج ایران صادر می‌شود شرایط اساسی برات تابع قانون کشور محل صدور است.

هر قسمت از سایر تعهدات براتی شامل تعهدات ناشی از صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت نیز که در خارج از کشور به وجود می‌آید تابع قانون کشوری است که تعهد در آنجا به وجود آمده است.

اگر شرایط شکلی برات یا تعهدات براتی مطابق قانون ایران صحیح باشد اشخاصی که در ایران تعهد براتی کرده‌اند حق استناد به این را ندارند که شرایط شکلی برات یا تعهد براتی مطابق با قانون حاکم خارجی نیست.

ماده ۷۸۱ - واخواست و به‌طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در کشور خارجی باید به عمل آید تابع قانون کشوری است که اقدام مذکور باید در آنجا انجام شود.

باب دوم - سفته

ماده ۷۸۲ - سفته سندی است که به موجب آن امضاء کننده بدون قید و شرط تعهد می‌کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه و یا به‌حواله‌کرد شخص معین پرداخت کند.

ماده ۷۸۳ - سفته علاوه بر امضای صادرکننده باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- قید کلمه «سفته» روی آن

۲- تاریخ صدور، به روز و ماه و سال

۳- هویت صادرکننده

۴- مبلغ سفته

۵- تاریخ پرداخت وجه سفته، به روز و ماه و سال

۶- نشانی کامل مکان تأدیه وجه سفته

۷- هویت گیرنده وجه

ماده ۷۸۴ - در صورتی که سفته مطابق ماده (۷۸۳) این قانون تنظیم نشده باشد، مشمول مقررات راجع به سفته نیست مگر در موارد زیر:

۱- عدم تعیین تاریخ تأدیه وجه سفته که در این صورت سفته عندالمطالبه تلقی می‌شود.

۲- عدم تعیین مکان تأدیه وجه سفته که در این صورت اقامتگاه صادرکننده مکان پرداخت تلقی می‌شود.

ماده ۷۸۵ - اگر سفته به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۸۳) این قانون باشد و سپس به‌وسیله دارنده تکمیل شود، اعتبار سفته را دارد. در این صورت هیچ‌یک از مسؤولان سند نمی‌توانند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل‌کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطائی استناد کنند.

ماده ۷۸۶ - مفاد مواد (۷۰۴)، (۷۰۵)، (۷۰۸) این قانون و کلیه مواد فصل چهارم تا پایان فصل دوازدهم باب اول کتاب سوم «اسناد تجارتي» در مورد سفته نیز مجری است.

باب سوم - چک

ماده ۷۸۷ - چک سندی است که به موجب آن صادرکننده به بانک دستور بی قید و شرط می دهد تا تمام یا بخشی از وجوهی را که نزد بانک دارد به وی رد یا به دیگری پرداخت کند.

ماده ۷۸۸ - صادرکننده چک علاوه بر امضاء باید موارد زیر را در آن درج کند:

۱- تاریخ چک، به روز و ماه و سال

۲- مبلغ چک

۳- هویت گیرنده وجه

تبصره - بانک اعطاءکننده دسته چک باید بر روی هر برگ چک کلمه چک، نام بانک، نام، شناسه و نشانی شعبه بانک اعطاءکننده و هویت صاحب حساب را درج کند و همچنین باید شماره حسابی را که مبلغ چک باید از محل آن پرداخت شود قید کند.

ماده ۷۸۹ - در صورتی که چک مطابق مفاد متن ماده (۷۸۸) این قانون تنظیم نشود، مشمول مقررات راجع به چک نیست.

ماده ۷۹۰ - اگر چک به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۸۸) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده تکمیل شود، اعتبار چک را دارد. در این صورت، صادرکننده چک نمی تواند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطائی استناد کند.

ماده ۷۹۱ - چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل مطالبه است.

ماده ۷۹۲ - رعایت مفاد مواد (۷۰۴)، (۷۰۵)، (۷۰۸) این قانون و مواد فصل چهارم تا پایان فصل دوازدهم از باب اول کتاب سوم «اسناد تجارتي»، در مورد چک نیز الزامی است.

ماده ۷۹۳ - مهلت و اخذخواست چک سی روز از تاریخ چک است. اگر دارنده چک ظرف مهلت مذکور و اخذخواست نکند، حق رجوع به ظهرنویسان و ضامنان آنها را ندارد. چنانچه دارنده چک پس از مهلت مذکور مراجعه کند و چک به سببی از قبیل ورشکستگی که مربوط به بانک است با عدم پرداخت مواجه گردد، حق مراجعه به صاحب حسابی که حداقل معادل وجه چک، وجوه نقد نزد بانک داشته است را ندارد و فقط می تواند به بانک رجوع کند.

ماده ۷۹۴ - شخصی که وجه چک را دریافت می کند باید در ظهر آن هویت خود را ذکر و امضاء کند. بانک باید هویت ارائه دهنده چک را در حدود عرف بانکداری احراز کند.

ماده ۷۹۵ - تمام بانکهای کشور باید دسته چکهای مختلف، متناسب با شرایط اشخاصی که مجاز به دریافت این نوع دسته چکها می باشند را تهیه کنند و بر روی هر یک از برگهای چک، سقف مبلغ قابل پرداخت و مدت اعتبار آن را درج نمایند. مدت اعتبار چک نمی تواند از دو سال بیشتر باشد.

بانک محال علیه مجاز نیست چکهایی را که تاریخ مندرج در آنها پس از پایان مدت اعتبار موضوع این ماده است، پرداخت کند. اگر مبلغ درج شده در چک بیشتر از سقف مبلغ قابل پرداخت باشد، بانک فقط به میزان سقف مندرج در سند وجه آن را پرداخت می کند.

ماده ۷۹۶ - آیین نامه اجرائی ماده (۷۹۵) این قانون و نیز نحوه اعتبار سنجی و شرایط اعطای دسته چک به وسیله بانک مرکزی با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۷۹۷ - بانک اعطاءکننده دسته چک باید هنگام افتتاح حساب، حسب مورد، هویت، نشانی کامل و کد پستی اشخاص حقیقی و هویت، سمت و حدود اختیارات و مدت مدیریت مدیران، مشخصات دارندگان حق امضاء، هویت نشانی کامل و کد پستی اشخاص حقوقی را ثبت و از صحت مشخصات اعلام شده اطمینان حاصل کند.

ماده ۷۹۸ - هرگاه چک طبق قوانین ایران بر عهده بانکهای داخل کشور و یا شعب آنها در خارج صادر شود، در حکم سند رسمی لازم الاجراء است و در صورتی که عدم وصول تمام یا قسمتی از وجه آن فقط به علت نبودن یا کسر موجودی باشد، دارنده می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط، وجه چک یا باقیمانده آن را از طریق اجرای ثبت از صاحب حساب وصول کند. برای صدور اجرائیه دارنده چک باید حسب مورد عین چک و گواهی نامه مذکور در ماده (۸۰۲) این قانون یا گواهی نامه موضوع تبصره (۱) ماده مذکور را به واحد اجرای ثبت اسناد محل تسلیم کند. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرای سند را صادر می کند که مطابقت امضاء مندرج در چک با نمونه امضای موجود در بانک به وسیله بانک گواهی شده باشد.

ماده ۷۹۹ - صادرکننده چک باید در تاریخ چک معادل مبلغ چک در بانک وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده است، به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات یا ناخوانا بودن یا اصلاح مندرجات آن از پرداخت وجه سند خودداری کند. همچنین صادرکننده نباید از حسابی که آن را بسته است چک صادر کند یا حسابی را که از آن چک صادر کرده است ببندد.

بانک به تقاضای دارنده، در صورت فقدان موانع مذکور وجه چک را در تاریخ مندرج در سند یا پس از آن به وی می پردازد. هرگاه در چک شرطی برای پرداخت ذکر شود، بانک به آن شرط ترتیب اثر نمی دهد.

ماده ۸۰۰ - در صورت درج شماره حساب گیرنده وجه در چک به هنگام صدور یا ظهرونیسی و درج عبارت صریحی حاکی از واریز وجه به آن شماره حساب، فقط صاحب حساب مذکور، دارنده آن محسوب می شود و مبلغ چک فقط قابل واریز به آن حساب است.

ماده ۸۰۱ - هرگاه مبلغ چک به موجب حکم قضائی نزد بانک توقیف شود بانک نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسؤول است.

ماده ۸۰۲ - هرگاه وجه چک به یکی از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون پرداخت نشود بانک باید ضمن درج عبارتی حاکی از عدم پرداخت وجه چک بر روی آن، در برگ مخصوصی که گواهی نامه عدم پرداخت نامیده می شود موارد زیر را همراه با نام بانک و نام و شناسه شعبه و تاریخ، درج نماید و پس از مهر و امضاء کردن آن، به دارنده تسلیم کند:

۱- مبلغ چک

۲- تاریخ چک

۳- هویت و نشانی کامل دارنده یا دارندگان حق امضاء

۴- هویت و نشانی کامل صاحب حساب

۵- نام بانک و شناسه شعبه اعطاءکننده دسته چک به صادرکننده

۶- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت یا تصریح به کفایت موجودی

۷- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضای مندرج در چک با نمونه امضای موجود در بانک

۸- هویت و نشانی کامل دارنده چک

۹- علت یا علل عدم پرداخت به طور صریح

تبصره ۱ - هرگاه موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد بانک باید به تقاضای دارنده چک، مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت چک پرداخت و گواهینامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر کند. گواهی نامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک است.

تبصره ۲ - صدور گواهینامه موضوع این ماده در مهلت مقرر در ماده (۷۹۳) این قانون دارنده چک را از انجام واخواست معاف می کند؛ لکن مواد (۷۶۶) تا (۷۶۸) نیز در این مورد مجری است.

ماده ۸۰۳- بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا صدور نادرست یا ناقص آن است.

ماده ۸۰۴- در صورت صدور گواهینامه عدم پرداخت بانک باید تصویر یا رونوشت گواهینامه مذکور را به هزینه دارنده برای صاحب حساب ارسال کند. در غیر این صورت، بانک ضامن خسارات ناشی از عدم ارسال اطلاعیه به صاحب حساب است.

ماده ۸۰۵- هرگاه چک به هریک از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون پرداخت نگردد، دارنده چک می تواند محکومیت هریک از مسؤولان سند را به پرداخت وجه آن و متفرعات طلب از دادگاه تقاضا نماید.

ماده ۸۰۶- در صورتی که دارنده چک برای حفظ حقوق خود در مقابل مسؤولان سند واخواست کند، واخواست نامه به بانک ابلاغ می شود و بانک باید تصویر یا رونوشت واخواست مذکور را به هزینه دارنده چک برای صاحب حساب ارسال کند. در غیر این صورت بانک ضامن خسارات ناشی از عدم ارسال اطلاعیه به صاحب حساب است.

ماده ۸۰۷- صادرکننده یا دارنده چک با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده است، می تواند به طور کتبی دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری و در صورت ارائه چک، گواهی عدم پرداخت را به ارائه دهنده تسلیم می کند.

دستور دهنده مکلف است شکایت خود را در مراجع قضائی طرح و حداکثر ظرف یک هفته پس از اعلام به بانک، گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم کند در غیر این صورت، پس از انقضای مدت مذکور بانک به تقاضای دارنده چک از محل موجودی حساب وجه آن را پرداخت می کند.

تبصره - پرداخت چک هایی را که هر بانک بر عهده خود صادر می کند، به استثنای چک های صادر شده در وجه شخص معین، نمی توان به استناد این ماده متوقف کرد، مگر آنکه بانک صادرکننده درمورد آن ادعای جعل کند.

ماده ۸۰۸- برات گیر و صادرکننده سفته می توانند مقرر کنند که وجه سند از محل حساب جاری خود در بانک پرداخت شود. در مورد برات ها و سفته هایی که پرداخت آن از محل حساب بانکی برات گیر یا صادرکننده سفته مقرر شده است، مفاد مواد (۷۹۸)، (۸۰۰)، (۸۰۱)، (۸۰۲)، (۸۰۳) و (۸۰۴) این قانون مجری است. همچنین رعایت مفاد ماده (۸۰۷) درمورد دارنده برات و یا سفته موضوع این ماده الزامی است. برات گیر یا صادرکننده سفته موضوع این ماده در هر حال می توانند به بانک دستور عدم پرداخت بدهند. آیین نامه اجرائی این ماده به وسیله بانک مرکزی تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۸۰۹- درمورد کلیه ابلاغ های مربوط به چک، ابلاغ به آخرین نشانی صادرکننده در بانک ابلاغ قانونی محسوب می شود و احضار به وسیله نشر آگهی لازم نیست.

ماده ۸۱۰- هر برگ چک باید دارای یک نسخه ضمیمه باشد. مفاد هر برگ چک به هنگام صدور باید به نحوی تنظیم شود که عین آن در برگ ضمیمه نیز منعکس گردد و دریافت کننده در نسخه مذکور یکسان بودن دو نسخه و نیز دریافت برگ چک را گواهی کند. صدور و تسلیم دسته چک بعدی برای صاحب حساب منوط به ارائه نسخ ضمیمه چک های صادر شده و انطباق مفاد آنها با نسخه اصلی چک های ارائه شده به بانک است.

ماده ۸۱۱ - پس از صدور گواهی عدم پرداخت، بانکها باید تا پیش از رفع سوء اثر از چک از ارائه خدمات زیر به صاحب حساب خودداری کنند:

۱- افتتاح اعتبار اسنادی ارزی و ریالی

۲- دریافت ضمانتنامه‌های ارزی و ریالی

۳- اعطای دسته چک جدید

۴- صدور و اعطاء کارت اعتباری

تبصره ۱- مؤسسات مالی و اعتباری نیز باید از ارائه خدمات مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۴) به اشخاص موضوع این ماده خودداری کنند.

تبصره ۲- در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده در مورد نماینده نیز اعمال می‌گردد. مگر آنکه نماینده عدم مسؤولیت خود را به موجب این قانون اثبات کند.

ماده ۸۱۲ - در موارد زیر از چک برگشتی رفع سوء اثر می‌شود:

۱- هرگاه مبلغ مندرج در متن چک برگشتی به حسابی که چک از آن صادر شده است واریز شود و دارنده چک وجه آن را دریافت کند.

۲- هرگاه مبلغ مندرج در متن چک برگشتی به حسابی که چک از آن صادر شده است واریز شود و صاحب حساب درخواست مسدود شدن وجه مذکور برای پرداخت وجه چک برگشتی را برای مدت یک سال از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت به بانک ارائه کند.

۳- هرگاه برگه چک برگشتی به بانک صادرکننده دسته چک مسترد شود.

۴- هرگاه شخصی که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده است سندی رسمی دال بر استیفاء وجه چک ارائه کند.

۵- هرگاه دادگاه دستور رفع سوء اثر از چک را صادر کند. دادگاه در صورتی که بانک دستور رفع سوء اثر از چک را می‌دهد که ادعای شاکی مبنی بر مفقود بودن چک یا تحصیل آن از طرق مجرمانه از قبیل سرقت، جعل، کلاهبرداری یا خیانت در امانت را مقرون به صحت تشخیص دهد.

تبصره- چنانچه صدور گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت به وسیله دارنده چک باشد برای صاحب حساب سوء اثر محسوب نمی‌شود.

ماده ۸۱۳ - هرگاه چک ارائه شده به بانک فقط به علت فقدان یا کسر موجودی قابل پرداخت نباشد، بانک محال علیه باید به فوریت به صادرکننده اخطار کند تمام دسته‌چک‌های تسلیمی را اعم از اینکه از ناحیه بانک محال علیه و یا بانکهای دیگر صادر شده باشد، مسترد کند.

ماده ۸۱۴ - هرگاه تمام یا بخشی از مبلغ چک به علت فقدان یا کسر موجودی پرداخت نگردد بانک صادرکننده دسته‌چک مکلف به پرداخت ده درصد (۱۰٪) وجه پرداخت نشده از میزان سقف مندرج در چک است. چنانچه حساب مذکور دارای موجودی باشد، بانک مکلف به پرداخت مابه التفاوت است.

ماده ۸۱۵ - بانکها باید از اعطای دسته چک به کلیه اشخاصی که حکم محکومیت قطعی به پرداخت وجه چک و یا محکومیت قطعی به ارتکاب جرائم موضوع مواد (۸۲۰) و (۸۲۳) این قانون علیه آنان صادر شده و در سوابق بانک مرکزی ثبت گردیده است، تا دو سال از تاریخ قطعیت حکم خودداری کنند.

دادگاه صادرکننده رأی قطعی رونوشتی از رأی صادر شده را به بانک مرکزی ارسال می‌کند.

مسئول شعبه هر بانکی که به تکالیف مقرر در این ماده و ماده (۸۱۱) عمل نکند، به محرومیت درجه شش از اشتغال به خدمات عمومی و دولتی و اشتغال در کلیه بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود.

تبصره - آیین نامه اجرائی این ماده به وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می شود و حداکثر سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۸۱۶ - شخصی که مشمول ممنوعیت های مندرج در مواد (۸۱۱) و (۸۱۵) این قانون است نمی تواند به عنوان مدیر یا نماینده اشخاص حقوقی یا حقیقی نیز اقدامات موضوع مواد مذکور را انجام دهد.

ماده ۸۱۷ - بانک در صورت اعطای دسته چک بر خلاف مواد (۸۱۱) و تبصره (۲) آن، (۸۱۵) و (۸۱۶) این قانون، در برابر دارندگان چک های مذکور، مسؤول پرداخت وجه چک است.

ماده ۸۱۸ - هرگاه چک ارائه شده به بانک به یکی از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون قابل پرداخت نباشد، بانک مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پس از صدور گواهینامه موضوع ماده (۸۰۲) رونوشتی از گواهینامه مذکور را به بانک مرکزی یا مراکز که از سوی بانک مرکزی تعیین می شود، ارسال کند.

ماده ۸۱۹ - بانک مرکزی به عنوان مرجع تمرکز اطلاعات بانکی مکلف است شرایط لازم را برای دسترسی آنی و الکترونیک به اطلاعات مربوط به افتتاح و انسداد حساب جاری، دریافت دسته چک، صحت امضاء، سوابق صدور چک پرداخت، آرای قطعی محاکم درباره چک ها، محرومیت اشخاص از دریافت دسته چک، اصالت چک، صحت امضاء، سوابق صدور چک پرداخت نشده و سایر اطلاعات مورد نیاز در مورد دارندگان حساب جاری فراهم کند. نحوه جمع آوری، نوع اطلاعات و چگونگی حفاظت و دسترسی دستگاه های ذی ربط به شبکه اطلاع رسانی موضوع این ماده به موجب آیین نامه ای است که به وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و سازمان ثبت احوال کشور تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

تبصره - اطلاعات مربوط به صاحبان حساب و صادرکنندگان چک های برگشتی که ظرف پانزده روز به رفع سوء اثر از آن چک ها اقدام نکرده اند و همچنین اطلاعات مربوط به اشخاص موضوع ماده (۸۱۵) این قانون نیز باید در دسترس عموم قرار گیرد. آیین نامه مشتمل بر اطلاعات لازم و چگونگی دسترسی عموم به وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و سازمان ثبت احوال کشور تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۸۲۰ - هرگاه تمام یا بخشی از مبلغ چک فقط به علت فقدان یا کسر موجودی پرداخت نگردد، صادرکننده برای بار اول به جزای نقدی معادل یک چهارم تا یک دوم مبلغ چک محکوم می گردد. چنانچه پس از صدور حکم محکومیت قطعی دوباره گواهی عدم پرداخت صادر گردد صادرکننده به شرح زیر محکوم می گردد:

۱ - چنانچه مبلغ پرداخت نشده چک کمتر از یکصد میلیون ریال باشد به حبس تعزیری درجه هفت

۲ - چنانچه مبلغ پرداخت نشده چک یکصد میلیون ریال یا بیشتر باشد به حبس تعزیری درجه شش

تبصره ۱ - چنانچه پس از گذشت سه سال از تاریخ صدور آخرین حکم محکومیت به مجازات مندرج در این ماده، چک دیگری با عدم پرداخت مواجه نشود مجازات راجع به صدور مجدد گواهی عدم پرداخت اجراء نمی شود.

تبصره ۲ - چنانچه محکوم علیه به دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی بازداشت شود مدت حبس آن نباید از درجه هفت بیشتر باشد.

ماده ۸۲۱ - در موارد زیر صادرکننده چک پرداخت نشدنی مجازات نمی شود:

۱- هرگاه صادرکننده در تاریخ مطالبه وجه چک از تصرف در اموال خود ممنوع باشد.

۲- هرگاه عدم پرداخت چک در تاریخ مطالبه مستند به حادثه خارجی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل دفع باشد.

۳- هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

۴- هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۵- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن به تحقق شرطی منوط است یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

تبصره - احراز ممنوعیت از تصرف موضوع بند (۱) این ماده منوط به حکم دادگاه صالح است لکن به موارد مذکور در بندهای دیگر در دادگاه رسیدگی کننده به جرم صدور چک پرداخت نشدنی رسیدگی می شود.

ماده ۸۲۲ - در صورتی که صادرکننده چک، چک های متعدد صادر کند که به علت فقدان یا کسر موجودی یا توقیف بودن حساب پرداخت نگردد، مجموع مبالغ پرداخت نشده چک ها ملاک تعیین مجازات مقرر در ماده (۸۲۰) این قانون است.

ماده ۸۲۳ - هر شخصی که با علم به بسته بودن حسابی که از آن چک صادر می کند مبادرت به صدور چک نماید یا بعد از صدور چک اقدام به بستن آن حساب کند یا امضای خود را به نحوی تغییر دهد که چک با عدم پرداخت مواجه گردد، حسب مورد، به حداکثر مجازات مقرر برای صدور چک پرداخت نشدنی محکوم می شود.

ماده ۸۲۴ - دارنده چک می تواند با تقدیم دادخواست و با رعایت قانون آیین دادرسی مدنی وجه چک و متفرعات آن را از صادرکننده در دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرم صدور چک پرداخت نشدنی مطالبه کند. صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه در مورد مطالبه وجه چک و متفرعات آن از صادرکننده، رسیدگی و حکم صادر کند.

ماده ۸۲۵ - به کلیه شکایات و دعاوی حقوقی و جزائی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه در کلیه مراحل تا خاتمه دادرسی، خارج از نوبت و فوری رسیدگی می شود.

ماده ۸۲۶ - چنانچه صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک و متفرعات آن را به طور نقدی به دارنده چک پرداخت کند یا با موافقت شاکی خصوصی، ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا موجبات پرداخت آن را در بانک صادرکننده دسته چک فراهم کند قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود کند و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.

ماده ۸۲۷ - هرگاه شاکی قبل از صدور حکم قطعی گذشت کند یا متهم وجه چک و متفرعات آن را به دارنده چک پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و متفرعات مذکور را فراهم آورد یا در صندوق دادگستری تودیع کند قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.

ماده ۸۲۸ - هرگاه شاکی پس از صدور حکم قطعی گذشت کند یا محکوم علیه به ترتیب مذکور در ماده (۸۲۷) این قانون موجبات پرداخت وجه چک و متفرعات آن را فراهم سازد، اجرای حکم موقوف و در صورتی که مجازات به استناد بند (۱) ماده (۸۲۰) باشد صادرکننده به جزای نقدی درجه هشت و اگر صدور حکم به استناد بند (۲) ماده (۸۲۰) باشد به جزای نقدی درجه هفت محکوم می شود.

ماده ۸۲۹ - جرائم مذکور در مواد (۸۲۰) و (۸۲۳) این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست؛ در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ چک برای اخذ گواهی عدم پرداخت یا انجام و اخواست اقدام نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند دیگر حق شکایت کیفری ندارد.

ماده ۸۳۰ - شخصی که پس از صدور گواهی عدم پرداخت، چک به وی منتقل گردیده است حق شکایت کیفری ندارد مگر آنکه انتقال قهری باشد. هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود در باره چک را به هر نحو به دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف می شود.

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت عدم پرداخت وجه چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح به نمایندگی آن شخص، در ظهر چک قید کند. در این صورت بانک گواهینامه عدم پرداخت را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ می ماند.

ماده ۸۳۱ - در مواردی که به موجب ماده (۸۰۷) این قانون دستور عدم پرداخت چک صادر شود هرگاه دستوردهنده در مهلت مقرر به طرح شکایت اقدام نکند یا شکایت وی حسب مورد به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود، دستوردهنده در صورت علم به بلا وجه بودن دستور عدم پرداخت حسب مورد به مجازات‌های مقرر برای صدور چک پرداخت نشدنی محکوم می‌شود.

ماده ۸۳۲ - وجود چک در دست صادرکننده اماره پرداخت وجه آن است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۸۳۳ - در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، امضاء کننده چک مطابق این قانون مسئولیت کیفری دارد مگر اینکه ثابت کند به موجب این قانون مسئولیتی در قبال پرداخت وجه چک ندارد که در این صورت حسب مورد اصیل و یا نماینده بعدی که عدم پرداخت مستند به او است مطابق این قانون مسئولیت کیفری دارد.

ماده ۸۳۴ - هر شخص که با توسل به شیوه‌های متقلبانه مبادرت به افتتاح حساب یا دریافت دسته چک کند به حبس تعزیری درجه شش و در صورتی که عمل ارتكابی منطبق با عنوان مجرمانه دیگری با مجازات شدیدتر باشد مرتکب به مجازات آن جرم محکوم می‌شود.

ماده ۸۳۵ - تحویل دسته چک به دارندگان حسابهای جاری قبلی منوط به احراز شرایط مقرر در این قانون است.

باب چهارم - ضمانت نامه مستقل

ماده ۸۳۶ - ضمانت نامه مستقل سندی است که به موجب آن صادرکننده (ضامن) به درخواست متقاضی (مضمون عنه) پرداخت مبلغ معینی به ذی نفع (مضمون له) را با رعایت شرایط مقرر در ضمانت نامه برعهده می گیرد.

ماده ۸۳۷ - تعهدات ناشی از ضمانت نامه موضوع این باب، مستقل از تعهدات متقابل ذی نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است و سقوط، فسخ یا بطلان تعهد اصلی موجب براءت صادرکننده نمی گردد. تنها بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری مجاز به صدور چنین ضمانت نامه هایی می باشند.

ماده ۸۳۸ - ضمانت نامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضای صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱ - درج عبارت «ضمانت نامه مستقل» بر روی سند

۲ - هویت و نشانی کامل متقاضی (مضمون عنه)

۳ - هویت و نشانی کامل صادرکننده (ضامن)

۴ - هویت و نشانی کامل ذی نفع (مضمون له)

۵ - تاریخ صدور به روز و ماه و سال

۶ - مبلغ ضمانت نامه

۷ - تاریخ اعتبار ضمانت نامه

۸ - تاریخ و شرایط مطالبه مبلغ

۹ - شرایط اصلاح ضمانت نامه

ماده ۸۳۹ - عدم درج هریک از موارد (۱) تا (۶) ماده (۸۳۸) این قانون موجب بطلان ضمانت نامه مستقل است.

ماده ۸۴۰ - اگر تاریخ اعتبار ضمانت نامه مستقل در آن ذکر نشود تا پنج سال از تاریخ صدور اعتبار دارد.

ماده ۸۴۱ - هر شرطی که استقلال ضمانت نامه را تغییر دهد بی اثر است.

ماده ۸۴۲ - ضمانت نامه مستقل به محض صدور غیرقابل برگشت است، مگر خلاف آن در ضمانت نامه تصریح شود.

ماده ۸۴۳ - به محض اینکه ضمانت نامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادرشده محسوب می شود، مگر آنکه در ضمانت نامه به نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانت نامه برای متقاضی یا نماینده وی در حکم تسلیم است.

ماده ۸۴۴ - ذی نفع می تواند با ارائه ضمانت نامه مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانت نامه زمان و یا شرایط خاصی برای مطالبه تعیین شود.

ماده ۸۴۵ - اگر مفاد ضمانت نامه اصلاح شود، در صورت موافقت کتبی ذی نفع، از لحظه صدور اصلاحیه، ضمانت نامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آنکه در متن موافقت نامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه ذی نفع در گذشته و به صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده باشد، از لحظه ای که صادرکننده ضمانت نامه اعلامیه پذیرش اصلاحیه به وسیله ذی نفع را دریافت می کند، ضمانت نامه اصلاح شده تلقی می شود.

ماده ۸۴۶ - اصلاح ضمانت نامه مستقل تأثیری به زیان تأییدکننده ضمانت نامه ندارد، مگر اینکه وی به طور کتبی موافقت کرده باشد. تأییدکننده ضمانت نامه شخصی است که اجرای مفاد ضمانت نامه به وسیله ضامن را تعهد می کند.

ماده ۸۴۷ - انتقال قراردادی ضمانت نامه مستقل در صورتی ممکن است که در متن سند بر قابل انتقال بودن آن تصریح شود. در این صورت، انتقال ضمانت نامه با درج هویت و امضای انتقال دهنده، هویت و نشانی کامل انتقال گیرنده و عبارت صریحی حاکی از انتقال سند در آن محقق می گردد.

ماده ۸۴۸ - انتقال قراردادی ضمانت نامه مستقل پیش از تحقق شرایط مطالبه مندرج در ضمانت نامه باطل است.

ماده ۸۴۹ - هرگونه انتقال ضمانت نامه مستقل باید به طور کتبی به وسیله انتقال دهنده به اطلاع صادرکننده برسد. قبل از وصول مراتب انتقال به صادرکننده، انتقال گیرنده حق مطالبه مبلغ ضمانت نامه را ندارد.

ماده ۸۵۰ - هر یک از اطراف ضمانت نامه مستقل می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرف های ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به طور رسمی وکالت دهد.

ماده ۸۵۱ - در صورتی که صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانت نامه را پرداخت کند، از سوی ذی نفع اطلاعیه ای مبنی بر انتقال ضمانت نامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانت نامه را به وی بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانت نامه بری می شود.

ماده ۸۵۲ - تقاضای پرداخت مبلغ ضمانت نامه باید با رعایت شرایط مندرج در ضمانت نامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانت نامه به منزله اقرار ذی نفع به موارد زیر است:

۱- کلیه اسناد ارائه شده منطبق با مقررات است و هیچ یک از آنها مجعول نیست؛

۲- هیچ پرداختی درباره اسناد ارائه شده انجام نشده است.

ماده ۸۵۳ - پرداخت مبلغ ضمانت نامه و ارائه اسناد مندرج در آن باید حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار ضمانت نامه و در محل اقامت صادرکننده یا نماینده او تقاضا شود، مگر اینکه در ضمانت نامه به نحو دیگری مقرر گردد.

ماده ۸۵۴ - انقضای اعتبار ضمانت نامه مستقل ممکن است در تاریخ مشخصی باشد یا به تحقق شرط معینی موکول شود.

ماده ۸۵۵ - تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانت نامه یا پرداخت مبلغ آن در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانت نامه پیش بینی شود.

ماده ۸۵۶ - صادرکننده باید تقاضای ذی نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانت نامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین المللی حداکثر تا یک ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفای کند. ایفای تعهد با تأیید مبلغ مندرج در ضمانت نامه محقق می شود و ممکن است، حسب دستور ذی نفع، به طور نقدی یا از طریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد.

ماده ۸۵۷ - چنانچه مطالبه مبلغ به ارائه اسنادی منوط شود و صادرکننده اسناد ارائه شده را با اسناد ذکر شده در ضمانت نامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف دو روز مراتب را به اطلاع ذی نفع برساند. صادرکننده باید به تقاضای ذی نفع اصل اسناد را مسترد کند و دلیل رد را ظرف ده روز به صورت کتبی به وی اطلاع دهد.

ماده ۸۵۸ - قبول هیچ یک از اسناد به وسیله صادرکننده نباید به امضاء یا تأیید متقاضی صدور ضمانت نامه یا امضای شخص ثالث منوط شود.

ماده ۸۵۹ - در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول یا وقوع جرمی در مورد آنها محرز باشد، پرداخت وجه متوقف و مراتب به مراجع ذی صلاح قضائی اعلام می شود.

ماده ۸۶۰ - در صورتی که صادرکننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران کلیه خسارات وارد شده به ذی نفع و متقاضی است.

ماده ۸۶۱ - در صورتی که صادرکننده، مبلغ ضمانت نامه مستقل را مطابق شرایط ضمانت نامه پرداخت کند، متقاضی باید مبالغ زیر را به وی بپردازد:

۱- مبلغ مندرج در ضمانت نامه تا سقفی که به ذی نفع پرداخت شده است.

۲- کارمزدی که ممکن است برای پرداخت معین شود.

۳- هزینه‌ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانت‌نامه متحمل شده است. طرفین می‌توانند بر مبلغ مقطوعی به‌عنوان خسارت توافق کنند.

ماده ۸۶۲ - در صورت مفقودشدن، سرقت یا ازبین‌رفتن ضمانت‌نامه مستقل، هرگاه ضمانت‌نامه غیرقابل انتقال باشد ذی‌نفع می‌تواند ضمن دستور کتبی عدم پرداخت نسخه مفقود، حسب مورد، صدور نسخه جایگزین یا پرداخت مبلغ ضمانت‌نامه را مطابق شرایط مندرج در آن از صادرکننده تقاضا کند. هرگاه ضمانت‌نامه قابل انتقال باشد، ذی‌نفع می‌تواند به‌طور کتبی دستور عدم پرداخت نسخه مفقود را به صادرکننده بدهد. صادرکننده پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری می‌کند. دستوردهنده باید شکایت خود را در مراجع قضائی طرح و حداکثر ظرف یک هفته پس از دستور عدم پرداخت، گواهی تقدیم شکایت خود را به صادرکننده تسلیم کند. در غیراین صورت، پس از انقضای مدت مذکور، صادرکننده به تقاضای ارائه‌دهنده و با احراز شرایط لازم مطابق مواد این باب وجه آن را پرداخت می‌کند. در هر حال، ذی‌نفع می‌تواند با دستور دادگاه و با دادن وثیقه کافی صدور نسخه جایگزین یا پرداخت مبلغ ضمانت‌نامه را مطابق شرایط مندرج در آن از صادرکننده تقاضا کند. با انقضای اعتبار ضمانت‌نامه وثیقه مذکور فک می‌شود.

تبصره - عبارت «نسخه جایگزین» باید در ضمانت‌نامه جایگزین درج شود.

ماده ۸۶۳ - ذی‌نفع در موارد زیر حق تقاضای پرداخت مبلغ ضمانت‌نامه را ندارد:

۱- صادرکننده را به‌طور کتبی ابراء کند.

۲- بین ذی‌نفع و صادرکننده تهاتر صورت گیرد.

۳- مبلغ ضمانت‌نامه پرداخت شود.

۴- اعتبار ضمانت‌نامه منقضی شود.

ماده ۸۶۴ - وجود ضمانت‌نامه نزد صادرکننده به منزله براءت وی است، مگر اینکه ثابت شود اسناد به منظور مطالبه و وصول وجه آن در اختیار صادرکننده قرار گرفته است.

ماده ۸۶۵ - در صورتی که ذی‌نفع به‌طور کتبی صادرکننده را ابراء کند، صادرکننده مذکور می‌تواند در مقابل او به این امر استناد کند. در این صورت، اگر ضمانت‌نامه قابل انتقال باشد ذی‌نفع حق انتقال آن را ندارد و در صورت انتقال به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۸۶۶ - ضمانت‌نامه مستقل در صورتی مشمول مواد این باب است که در متن ضمانت‌نامه به‌طور صریح تابع مقررات این قانون قرار داده شود.

باب پنجم - اسناد در وجه حامل

ماده ۸۶۷ - متصرف هر سند در وجه حامل، دارنده آن محسوب می‌گردد، مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۸۶۸ - دادگاه می‌تواند به تقاضای خواهان مبنی بر صدور دستور عدم پرداخت وجه سند در وجه حامل، بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی، مدیون را از پرداخت وجه سند به دارنده آن منع کند. در این صورت، تأدیه وجه سند به حامل، مسئول سند را در مقابل شخصی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نمی‌کند.

ماده ۸۶۹ - در صورت مفقود شدن سند در وجه حاملی که به دارنده آن حق می‌دهد به‌طور مرتب سودی را دریافت کند، مانند سهام بی‌نام و اوراق مشارکت، یا تحصیل آن از طریق مجرمانه، دارنده آن باید با اثبات اینکه سند در تصرف او بوده و مفقود یا از طریق مجرمانه تحصیل شده‌است از دادگاه ابطال آن را مطابق مواد این باب تقاضا کند. اگر سند دارای ضمیمه‌ای برای دریافت سود باشد و ضمیمه مذکور مفقود شود، ابراز خود سند به دادگاه برای اثبات تصرف کافی است.

ماده ۸۷۰ - در مورد ماده (۸۶۹) این قانون اگر دادگاه ادعای خواهان را مقرون به صحت تشخیص دهد، باید سه بار هریک به فاصله یک ماه از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به هزینه خواهان مراتب را اعلان و به دارنده مجهول سند اخطار کند. هرگاه از تاریخ انتشار آگهی تا سه سال سند ابراز نشود، حکم ابطال آن صادر می‌شود. ابطال سند باید به هزینه خواهان به‌وسیله نشر آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلان گردد. در صورتی که سند مفقود مانند اوراق مشارکت دارای سررسید باشد، مبدأ سه سال مذکور، سررسید سند است.

ماده ۸۷۱ - اگر قبل از ابطال سند به‌موجب ماده (۸۷۰) این قانون سند ابراز شود، متعهد سند باید ارائه‌دهنده سند را به دادگاهی که پرداخت وجه یا سود متعلق به آن را منع کرده‌است دلالت کند. در صورت مراجعه ارائه‌کننده سند به دادگاه، دادگاه اسناد ارائه‌شده را توقیف و به مدعی فقدان سند یا تحصیل آن از طریق مجرمانه، مهلت مناسبی می‌دهد و اخطار می‌کند که هرگاه تا انقضای مهلت، دعوی یا شکایت خود را علیه ابراز کننده سند تعقیب و دلایل خود را اظهار نکند، دعوای او رد و اسناد توقیف شده به ارائه‌دهنده آن مسترد می‌شود.

ماده ۸۷۲ - هرگاه دعوای شخص متقاضی دستور عدم پرداخت، رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود متعهد سند مکلف به پرداخت وجه سند یا سود ناشی از آن است و متقاضی دستور عدم پرداخت، مکلف به جبران خسارات وارد بر دارنده سند است و در صورت علم به بلاوجه بودن دستور عدم پرداخت، به حبس تعزیری درجه هفت و یا جزای نقدی معادل نصف قیمت سند محکوم می‌شود.

ماده ۸۷۳ - در صورت دستور دادگاه به عدم پرداخت اگر ابراز کننده سند به تشخیص دادگاه تضمین کافی را، به متعهد آن بدهد متعهد باید وجه سند را به ابراز کننده بپردازد مشروط بر اینکه در گذشته وجه سند به دارنده پرداخت نشده‌باشد. وثیقه مذکور در صورت رد دعوای خواهان فک می‌شود.

ماده ۸۷۴ - خواهان می‌تواند پس از شش ماه از انتشار اولین آگهی موضوع ماده (۸۷۰) این قانون، با اثبات اینکه سند مفقود متعلق به او بوده و با سپردن وثیقه کافی برای اصل سند و سود ناشی از آن، از دادگاه الزام مدیون را به صدور سند جایگزین تقاضا نماید؛ مشروط بر اینکه در گذشته وجه سند به ارائه‌دهنده پرداخت نشده‌باشد. وثیقه مذکور پس از ابطال سند مفقود فک می‌شود. در صورتی که مطابق ماده (۸۷۱) دعوای خواهان رد یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود، مکلف به استرداد اسناد جایگزین است.

ماده ۸۷۵ - هرگاه سند مفقود از اسناد مذکور در ماده (۸۶۹) این قانون نباشد دادگاه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند یا تحصیل آن از طرق مجرمانه را مقرون به صحت تشخیص دهد دستور می‌دهد که مدیون، وجه سند را به‌فوریت در صورتی که حال باشد و در صورت مؤجل بودن سند پس از انقضای اجل به صندوق دادگستری بسپارد. اگر تا سه سال از تاریخ

سررسید و در صورتی که سند عندالمطالبه باشد قبل از انقضای مهلت مندرج در ماده (۸۷۰) سند ابراز شود مطابق مواد (۸۷۱) و (۸۷۲) رفتار می‌گردد و در غیر این صورت ابطال سند مفقود اعلام و وجهی که به صندوق دادگستری سپرده شده است به مدعی مسترد می‌شود.

ماده ۸۷۶ - مواد این باب شامل برات، سفته، چک، چک پول و اسکناس نیست.

باب ششم - مقررات متفرقه

ماده ۸۷۷ - مراد از هویت در این کتاب نام، نام خانوادگی شخص حقیقی و نام و نوع شخص حقوقی است.

ماده ۸۷۸ - دعاوی راجع به برات، سفته و چک پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور و اخوست‌نامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نیست. در صورت عدم اعتراض مبدأ مهلت مذکور از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود.

ماده ۸۷۹ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می‌شود مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می‌یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

ماده ۸۸۰ - اسناد تجارتي را می‌توان با رعایت قوانین مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کرد. هرگاه سند تجارتي به صورت الکترونیک تنظیم شود، قبول، ظهنویسی و ضمانت آن نیز به صورت الکترونیک انجام می‌شود.

ماده ۸۸۱ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه‌های اجرائی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

ماده ۸۸۲ - بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری باید هویت کلیه دریافت‌کنندگان از حساب و واریزکنندگان به حساب را در حدود عرف بانکداری احراز و در دفاتر خود ثبت نمایند.

کتاب چهارم - ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

ماده ۸۸۳ - حکم ورشکستگی تاجر در صورت توقف وی از تأدیه وجوهی که برعهده اوست صادر می‌شود، مگر اینکه مطابق این قانون کفایت اموال وی نسبت به دیون او احراز شود یا علی‌رغم عدم احراز کفایت اموال نسبت به دیون تاجر، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه منعقد گردد و پس از انعقاد، این قرارداد فسخ یا ابطال نشده باشد.

ماده ۸۸۴ - حکم ماده (۸۸۳) این قانون در مورد اشخاصی نیز که از تجارت کناره‌گیری کرده‌اند جاری است، مشروط بر اینکه اشخاص مذکور در زمان کناره‌گیری از تجارت در حالت توقف باشند و بیش از یک سال از تاریخ کناره‌گیری آنان سپری نشده باشد. حذف نام تاجر از دفتر ثبت تجاری، اماره کناره‌گیری از تجارت محسوب می‌شود.

ماده ۸۸۵ - ورشکستگی تاجری را که به هنگام فوت در حال توقف بوده‌است تا یک‌سال پس از مرگ او نیز می‌توان تقاضا کرد.

ماده ۸۸۶ - هیچ اثری بر صرف توقف از تأدیه دیون مترتب نیست، مگر اینکه در قانون بر آن تصریح شود.

باب اول - تقاضای ورشکستگی

ماده ۸۸۷ - هریک از بستانکاران تاجر می‌تواند در دادگاه محل اقامت وی علیه او دعوای ورشکستگی اقامه کند مشروط بر اینکه طلب حال و منجز وی در سررسید تأدیه نشده و بستانکار در قبال طلب مذکور وثیقه‌ای نداشته‌باشد که پس از فروش و وضع مخارج قانونی طلب مذکور را تکافو کند.

ماده ۸۸۸ - تقاضای ورشکستگی تاجر در صورت توقف از تأدیه جرائم و مجازات‌های نقدی، مالیات، مطالبات تأمین اجتماعی و عوارض شهرداری‌ها مجاز نیست.

ماده ۸۸۹ - اشخاص زیر می‌توانند، مطابق مواد این قانون، رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر را از دادگاه محل اقامت وی تقاضا کنند:

۱- شخص تاجر

۲- دارندگان طلب‌های مؤجل

۳- دادستان محل اقامت تاجر

تبصره- شروع رسیدگی در مورد این ماده منوط به تقدیم دادخواست نیست.

ماده ۸۹۰ - تاجر باید ظرف حداکثر یک ماه از تاریخ حصول اولین وقفه در پرداخت‌های حال خود مراتب را به دادگاه صالح اعلام و ضمن تسلیم صورت دارایی و کلیه دفاتر تجاری خود به دفتر دادگاه مذکور رسیدگی به امر ورشکستگی خود را تقاضا کند. در صورتی که تقدیم دفاتر یا تنظیم دقیق صورت دارایی در مهلت مذکور متعسر یا متعذر باشد، تاجر باید ضمن درخواست علل آن را توضیح دهد.

ماده ۸۹۱ - صورت دارایی مندرج در ماده (۸۹۰) این قانون باید با قید تاریخ روز به امضای تاجر برسد و متضمن موارد زیر باشد:

۱- تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به‌طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که تاجر به هر عنوان نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور

۲- کلیه مطالبات، دیون و تضمینات آنها به همراه اسامی و اقامتگاه کلیه بدهکاران و بستانکاران

۳- کلیه دیون اشخاص ثالث که تاجر آنها را ضمانت یا تضمین کرده‌است و میزان آنها، به همراه اسامی و اقامتگاه اشخاص مذکور

۴- کلیه اموال اشخاص ثالث که تاجر به هر عنوان در تصرف خود دارد و نیز کلیه اموالی که تاجر به هر عنوان نزد اشخاص ثالث دارد

۵- کلیه دعاوی له و علیه تاجر که در جریان رسیدگی است یا حکم صادر شده در مورد آن نهایی و یا اجراء نشده

۶- اجمالی نفع و ضرر و مخارج شخصی در دو سال آخر منتهی به تقدیم دادخواست به اختصار و در صورتی که مدت اشتغال به تجارت کمتر از دو سال باشد، در طول مدت مذکور

ماده ۸۹۲ - در مورد اشخاص حقوقی تاجر آخرین صورتهای مالی نیز که به تصویب مجمع عمومی مربوط رسیده است باید به صورت دارایی ضمیمه شود. در این مورد درج صورت اجمالی نفع و ضرر و مخارج شخصی موضوع بند (۶) ماده (۸۹۱) این قانون در صورت دارایی ضروری نیست.

ماده ۸۹۳ - دارندگان طلبهای مؤجل در موارد زیر می توانند رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر بدهکار را از دادگاه صالح تقاضا کنند، مشروط بر اینکه در قبال طلب مذکور وثیقه ای نداشته باشند که پس از فروش و وضع مخارج قانونی طلب مذکور را تکافو کند و ثابت شود تاجر از تأدیه وجوه حال و منجز خود متوقف شده است:

۱- در صورتی که تاجر اقامتگاه مشخصی در ایران نداشته باشد.

۲- در صورتی که تاجر تجارتخانه خود را بسته یا مخفی شده یا فرار کرده باشد.

۳- در صورتی که تاجر در حال انجام اقداماتی به ضرر بستانکاران خود باشد.

تبصره - این حکم در مواردی نیز جاری است که تاجر شخص حقوقی باشد و در اقامتگاه مندرج در اساسنامه خود شناخته نشود و یا مدیر یا مدیران و یا مدیر عامل آن اقدامات مذکور در بندهای (۲) و (۳) را مرتکب شده باشند.

ماده ۸۹۴ - رسیدگی به دعاوی ورشکستگی یا امر ورشکستگی در تمام مراحل به صورت خارج از نوبت انجام می شود.

باب دوم - توقف

فصل اول - اعلام توقف

ماده ۸۹۵ - در مورد ماده (۸۸۷) این قانون دادگاه باید پس از وصول دادخواست ورشکستگی به ادعای خواهان در مورد توقف تاجر رسیدگی کند. در صورت احراز توقف، دادگاه قبل از هرگونه اقدام ده روز به تاجر مهلت می دهد که طلب خواهان را تأدیه یا برای وصول آن مال معرفی کند. اگر تاجر ظرف مهلت مذکور و مطابق یکی از بندهای زیر دستور دادگاه را انجام دهد، دادخواست خواهان رد می شود:

۱- تقدیم مدرکی که بر ایفای طلب و متفرعات آن ظرف مهلت مذکور دلالت کند.

۲- معرفی مال به همراه نظریه کارشناس رسمی دادگستری دال بر ارزش آن و اینکه ثمن ناشی از فروش مال معرفی شده پس از کسر هزینه های اجرائی تکافوی طلب خواهان و متفرعات آن را می کند.

ماده ۸۹۶ - اگر تاجر متوقف مطابق مفاد ماده (۸۹۵) این قانون مال معرفی کند، دادگاه در صورت درخواست خواهان قراری دایر بر توقیف مال معرفی شده صادر می کند. قرار مذکور در حکم قرار تأمین خواسته ای است که قبل از تقدیم دادخواست صادر گردیده است.

ماده ۸۹۷ - اگر طلب بستانکار خواهان ورشکستگی مطابق مقررات ماده (۸۹۵) این قانون تأدیه نشود، دادگاه با صدور رأی، توقف تاجر را اعلام می کند. همچنین اگر اشخاص موضوع ماده (۸۸۹) رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر را از دادگاه تقاضا کند و دادگاه به

طریق مقتضی توقف وی را احراز نماید رأی توقف تاجر صادر می‌شود. در مورد اخیر رأی حتی‌المقدور پس از استماع اظهارات تاجر صادر می‌شود.

ماده ۸۹۸ - دادگاه باید در رأی اعلام توقف تاریخی را به عنوان تاریخ توقف تعیین و شخصی را مطابق مقررات این قانون به عنوان امین منصوب و مراتب را به اداره تصفیه امور ورشکستگی برای تعیین قاضی ناظر اعلام و تصویر یا رونوشتی از رأی را فوراً به دادستان محل ارسال و امین را نیز فوراً به وسیله اخطار کتبی مطلع کند.

ماده ۸۹۹ - اگر دادگاه در رأی خود تاریخ توقف را تعیین نکرده باشد، تاریخ صدور رأی، تاریخ توقف محسوب می‌شود. در صورتی که دادگاه توقف تاجر را پس از کناره‌گیری از تجارت، فوت یا انحلال شخص حقوقی اعلام کند و تاریخ توقف را تعیین ننماید، حسب مورد، تاریخ کناره‌گیری، فوت یا انحلال، تاریخ توقف محسوب می‌گردد.

ماده ۹۰۰ - در صورتی که تاجر به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کند، امین تعیین نمی‌شود و خود تاجر تکالیف و مسؤولیت‌هایی را که در این قانون برای امین مقرر شده‌است، برعهده دارد مگر اینکه به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفر خواست صادر شود.

ماده ۹۰۱ - دادگاه می‌تواند رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع تاریخ توقف را با ذکر دلیل تغییر دهد.

ماده ۹۰۲ - دادگاه به هیچ‌وجه نمی‌تواند تاریخ توقف را بیش از شش ماه قبل از تاریخ رأی تعیین کند.

ماده ۹۰۳ - دادستان به فوریت توقف تاجر متوقف را به مراجع مربوط از جمله اداره ثبت اسناد و املاک کشور و ممنوع‌الخروج بودن وی را به مراجع ذی‌ربط ابلاغ می‌کند.

ماده ۹۰۴ - رونوشت یا تصویر آرای صادرشده در خصوص رد دادخواست ورشکستگی، تصدیق قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، فسخ یا ابطال آن و نیز اعلام و ختم ورشکستگی به دادستان و اداره تصفیه امور ورشکستگی ارسال می‌شود. دادستان باید پس از اطلاع از مفاد رأی، حسب مورد، رفع یا برقراری موارد مندرج در ماده (۹۰۳) این قانون را با رعایت مواد این قانون به مراجع ذی‌ربط اعلام کند.

ماده ۹۰۵ - در صورتی که تاجر به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل نکرده باشد، یا آزادی تاجر متوقف مخل جریان رسیدگی به دعوا و یا اجرای رأی باشد، دادگاه باید ضمن رأی اعلام توقف با ذکر دلایل، دستور بازداشت وی را برای مدت یک‌ماه صادر کند. تمدید مدت دستور مذکور منوط به بقاء علت صدور دستور است. در هر حال، این قرار ظرف ده روز پس از ابلاغ در دادگاه تجدید نظر استان قابل تجدیدنظرخواهی است. این امر مانع اجرای دستور نیست.

ماده ۹۰۶ - دادگاه می‌تواند ضمن رأی اعلام توقف یا پس از آن رأساً یا به درخواست هر ذی‌نفع دستور اتخاذ اقدامات احتیاطی در مورد اموال تاجر را صادر کند. اقدامات احتیاطی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱- توقف شروع دعاوی له یا علیه تاجر متوقف یا ادامه آنها یا هرگونه عملیات اجرائی علیه اموال وی

۲- قرار توقیف تمام یا بخشی از اموال تاجر متوقف

۳- تفویض اداره تمام یا بخشی از اموال بدهکار به امین

۴- تفویض فروش اموال سریع‌الفساد یا مستعد کاهش ارزش یا اموالی که نگهداری آنها دارای هزینه زیاد است به امین

ماده ۹۰۷ - رأی دادگاه در مورد اتخاذ اقدامات احتیاطی و بازداشت متوقف به فوریت اجراء می‌شود.

ماده ۹۰۸ - در صورتی که تاجر بدهکار فرار و یا تمام و یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کند، دادگاه می‌تواند به تقاضای هر یک از بستانکاران به فوریت و بدون تقدیم دادخواست ورشکستگی به اتخاذ اقدامات احتیاطی موضوع ماده (۹۰۶) این قانون دستور دهد. بستانکار مکلف است ظرف ده روز ورشکستگی تاجر را از دادگاه صالح تقاضا کند در غیر این صورت به تقاضای تاجر از دستور صادرشده رفع اثر می‌شود.

مبحث اول - نشر آگهی

ماده ۹۰۹ - امین باید به دستور قاضی ناظر خلاصه‌ای از رأی صادرشده در مورد اعلام توقف را در روزنامه رسمی و یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری که به‌وسیله قاضی ناظر تعیین می‌شود منتشر کند. این امر باید حداکثر تا ده‌روز پس از دریافت اخطاریه از جانب امین انجام شود.

ماده ۹۱۰ - آگهی مذکور در ماده (۹۰۹) این قانون باید شامل موارد زیر باشد:

- ۱- هویت تاجر متوقف و نشانی کامل وی
 - ۲- مشخصات دادگاه صادرکننده رأی، تاریخ صدور رأی و تاریخ توقف
 - ۳- دعوت از بستانکاران تاجر متوقف و اشخاصی که ادعائی نسبت به او دارند به منظور تقدیم اسناد طلب یا ادعای خود به همراه تصویر یا رونوشت مصدق آنها ظرف مهلت مقرر در این باب به امین در قبال دریافت رسید
 - ۴- دعوت از بدهکاران تاجر متوقف برای معرفی خود ظرف مدت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن
 - ۵- دعوت از اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر متوقف را در تصرف دارند برای در اختیار گذاشتن آن اموال با رعایت مواد این باب ظرف مهلت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن
- ماده ۹۱۱** - در صورت تغییر تاریخ توقف نیز امین باید حداکثر تا ده روز پس از صدور رأی مراتب را با رعایت مفاد ماده (۹۱۰) این قانون در روزنامه رسمی و یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری که به‌وسیله قاضی ناظر تعیین می‌شود منتشر کند.

مبحث دوم - مهر و موم و صورت برداری

ماده ۹۱۲ - انبارها و حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر متوقف باید به‌فوریت پس از اعلام توقف، مهر و موم شود.

ماده ۹۱۳ - مهر و موم باید به‌وسیله قاضی ناظر یا نماینده او انجام شود. در صورتی که اموال تاجر متوقف در حوزه دادگاه دیگری باشد، قاضی ناظر مهر و موم اموال مذکور را در قالب نیابت قضائی به‌موجب قانون آیین دادرسی مدنی از دادگاه صلاحیتدار محل درخواست می‌کند.

ماده ۹۱۴ - در صورتی که به عقیده قاضی ناظر برداشتن صورت دارایی تاجر متوقف در یک روز ممکن باشد، باید به‌فوریت و بدون مهر و موم صورت‌برداری آغاز شود.

ماده ۹۱۵ - تاجر متوقف مکلف است اموال و دفاتر خود را به قاضی ناظر یا نماینده او معرفی کند و تحت اختیار آنان بگذارد در غیر این صورت به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.

اگر تاجر متوقف فراری باشد شرکا و مستخدمان او و نیز کلیه اشخاصی که به‌نحوی از انحاء در اموال تاجر متوقف تصرف و دخالت دارند، این تکلیف را برعهده دارند و در صورت تخلف از این تکلیف به مجازات مذکور محکوم می‌شوند. قاضی ناظر یا نماینده او اشخاص نامبرده را از این تکلیف آگاه می‌کند و مجازاتی را که برای خودداری از انجام آن معین شده است، تذکر می‌دهد.

ماده ۹۱۶ - تاجر متوقف مکلف است در مدت صورت‌برداری از دارایی در دسترس باشد مگر اینکه قاضی ناظر به‌طور صریح وی را معاف کند. امین می‌تواند جلب تاجر متوقف را از قاضی ناظر تقاضا کند.

ماده ۹۱۷ - پس از مهر و موم یا صورتبرداری مطابق ماده (۹۱۴) این قانون باید مراتب در صورتمجلسی قید شود و به تأیید قاضی ناظر برسد.

ماده ۹۱۸ - اگر قبل از تعیین امین مهر و موم به عمل نیامده باشد، وی باید انجام آن را تقاضا کند.

ماده ۹۱۹ - قاضی ناظر رأساً یا به تقاضای امین به عدم توقیف یا رفع توقیف از اشیاء زیر دستور می‌دهد:

۱- البسه، اثاثیه، اسباب و آذوقه‌ای که برای حوائج ضروری تاجر متوقف و خانواده او لازم است.

۲- وجوه نقدی که صرف آن در جهت هزینه‌های فوری و ضروری لازم است.

۳- اشیائی که ممکن است به سرعت ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید و یا نگهداری آن مستلزم صرف هزینه‌های سنگین است.

۴- اشیائی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر متوقف و استفاده از آن لازم است.

۵- اموالی که به تشخیص دادگاه متعلق حق اشخاص ثالث است مشروط به اینکه تضمین مناسب اخذ شود.

تبصره- اشیاء موضوع بند (۱) به تعیین قاضی ناظر به تاجر متوقف تسلیم و در قبال آن رسید دریافت می‌شود. این رسید باید متضمن مشخصات و ارزش اموال تسلیم شده باشد. اشیاء مذکور در بندهای (۲) تا (۴) نیز باید به فوریت تقویم و صورت آن برداشته شود و در قبال اخذ رسید به امین تسلیم گردد.

ماده ۹۲۰ - در صورتی که به تشخیص قاضی ناظر یا نماینده او تاجر و خانواده او جز مسکن فعلی محلی برای سکنی نداشته باشند، منزل وی مهر و موم نمی‌شود، مگر اینکه مسکن فعلی وی بیش از حد متعارف باشد، که در این صورت تعیین تکلیف با دادگاه است.

ماده ۹۲۱ - امین به اتفاق قاضی ناظر دفاتر تاجر متوقف را از توقیف خارج می‌کند و پس از آنکه ذیل دفاتر را بست، آنها را نزد خود نگاه می‌دارد. وی باید در صورتمجلس، کیفیت دفاتر را به طور خلاصه درج کند. اسناد تجارتي که وعده آن نزدیک است یا باید قبول شود و یا ضروری است درمورد آن اقدامات تأمینی به عمل آید، از توقیف خارج و در صورتمجلس ذکر و به امین تحویل می‌شود تا او اقدامات قانونی را برای وصول وجه آن انجام دهد.

ماده ۹۲۲ - امین، تاجر متوقف را برای بستن دفاتر به هر طریق ممکن احضار می‌نماید و برای حضور او حداکثر تا چهل و هشت ساعت مهلت می‌دهد. در صورتی که تاجر ظرف مهلت مقرر حاضر نشود یا به تشخیص قاضی ناظر ضرورت اقتضا نماید، دفاتر با حضور قاضی ناظر بسته می‌شود.

ماده ۹۲۳ - قاضی ناظر حسب درخواست امین، دستور رفع مهر و موم از اموال را برای صورتبرداری صادر می‌کند. امین مکلف است پس از رفع مهر و موم به فوریت با استفاده از دفاتر و اسناد تاجر متوقف و سایر اطلاعاتی که تحصیل می‌نماید صورت داریی تاجر را مطابق مفاد ماده (۸۹۱) این قانون تنظیم کند. برای تنظیم صورت مذکور، امین می‌تواند از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند و با کسب اجازه از قاضی ناظر از تاجر متوقف و مستخدمان او و همچنین اشخاص دیگر توضیح بخواهد. در این صورت او باید از تحقیقات مذکور صورتمجلس تهیه کند. صورت اشیائی که به موجب مواد (۹۱۹) تا (۹۲۱) توقیف نشده و یا از توقیف خارج شده است، به صورت داریی ضمیمه می‌شود. حضور قاضی ناظر یا نماینده وی به هنگام برداشتن صورت داریی ضروری است.

ماده ۹۲۴ - اشیائی که نزد تاجر متوقف وجود دارد و اشخاص ثالث نسبت به آنها ادعا دارند با ذکر ادعا در صورت داریی قید می‌گردد.

ماده ۹۲۵ - کلیه اشیائی که در صورت داریی قید شده‌اند باید تقویم شوند.

ماده ۹۲۶ - صورت داریی که به ترتیب مذکور در مواد قبل تنظیم شده است به تاجر متوقف ارائه می‌شود و پاسخ وی مبنی بر صحیح و کامل بودن یا نبودن آن صورت در صورت مجلس قید می‌شود و به امضای او می‌رسد.

ماده ۹۲۷ - تاجر متوقف می‌تواند در موقع انجام مهر و موم و صورتبرداری از اموال حضور داشته باشد.

ماده ۹۲۸ - دادستان و یا نماینده او نیز می‌توانند فقط به عنوان ناظر بر حسن انجام امور به منزل و تجارتخانه تاجر متوقف برونند و حین برداشتن صورت دارایی حاضر باشند. اشخاص مذکور حق دارند به دفاتر، اسناد و نوشتجات مربوط مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امور شود.

ماده ۹۲۹- امین، صورت دارایی تاجر متوقف را در سه نسخه تهیه می‌کند و یکی را نزد خود نگاه می‌دارد و دو نسخه دیگر را به قاضی ناظر و دفتر دادگاه تقدیم می‌کند.

ماده ۹۳۰ - پس از تهیه صورت دارایی، تمام اموال تاجر متوقف به غیر از آنچه که در بند (۱) ماده (۹۱۹) و ماده (۹۲۰) این قانون آمده، در قبال أخذ رسید به امین تسلیم می‌شود.

ماده ۹۳۱ - مواد این مبحث در مورد تاجری که به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کرده است مجری نیست مشروط بر این که به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار نگیرد و علیه او کیفرخواست صادر نشود.

فصل سوم - اداره کنندگان امور متوقف

مبحث اول - امین

ماده ۹۳۲ - امین از بین مدیران تصفیه که به موجب این قانون انتخاب می‌گردند تعیین می‌شود. در خصوص بانکها، شرکتهای بیمه، و سایر شرکتهای سهامی عام، تعاونی سهامی عام، مختلط سهامی عام و مواردی که به موجب آیین نامه اجرائی مشخص می‌شود هیأتی مرکب از سه یا پنج شخص که از میان اشخاص حقوقی واجد صلاحیت انتخاب می‌شوند وظایف امین را بر عهده دارند. ترتیب تشکیل، اداره جلسه و تصمیم‌گیری امضاء متعدد تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد شرکتهای تجارتی است. حق الزحمه امین را قاضی ناظر در حدود آیین نامه اجرائی تعیین می‌کند.

ماده ۹۳۳ - موارد رد امین همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی در مورد رد دادرسان مقرر شده است.

ماده ۹۳۴ - در صورتی که دادگاه مطابق ماده (۹۰۶) این قانون، دستور اتخاذ اقدامات احتیاطی را صادر کند، امین در حدود مقرر در دستور، قائم مقام قانونی متوقف محسوب می‌شود.

ماده ۹۳۵ - امین مکلف است از روز شروع مأموریت برای حفظ حقوق تاجر متوقف اقدامات لازم را انجام دهد.

ماده ۹۳۶ - امین باید گزارش روزانه اعمال خود درباره امور راجع به اداره اموال تاجر متوقف را در دفتری که صفحات آن دارای شماره ترتیبی است، بنویسد و به صورت ماهانه به رؤیت قاضی ناظر برساند مگر اینکه قاضی ناظر مهلت کمتری را مقرر کند. قاضی مذکور پس از هر رؤیت، دفتر را امضاء و پس از تمام شدن برگه‌های آن در زیر امضاء خود بر این نکته تصریح می‌کند. دادگاه صادرکننده رأی و نیز هر ذی‌نفع با اجازه قاضی ناظر می‌تواند از مفاد این دفتر اطلاع حاصل کنند.

ماده ۹۳۷ - هرگاه امین یا بستگان سببی یا نسبی او تا درجه سوم از طبقه سوم به طور مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به دارایی تاجر متوقف بر خلاف غبطه بستانکاران طرف معامله واقع شوند، آن معامله باطل است و متخلف به مجازات خیانت در امانت محکوم می‌شود.

ماده ۹۳۸ - امین مطابق مقررات مسؤولیت مدنی مسؤول کلیه خسارتهای ناشی از اعمال خود است.

ماده ۹۳۹ - کلیه اعمال جاری امین از جانب هر ذی‌نفع نزد قاضی ناظر قابل شکایت است. در این صورت، اگر قاضی ناظر ضروری بداند، عمل مورد شکایت متوقف می‌شود و نامبرده باید ظرف پنج روز به این شکایت رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کند. رأی قاضی ناظر در این باره به فوریت اجراء می‌شود.

ماده ۹۴۰ - دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست قاضی ناظر و یا هر ذی‌نفع دیگر به‌طور مستدل امین را عزل و دیگری را به‌جای او منصوب کند. در صورت فوت، انحلال یا معذوریت امین یا ممنوعیت وی از تصدی این سمت نیز دادگاه شخص دیگری را به‌جای وی منصوب می‌کند.

مبحث دوم - قاضی ناظر

ماده ۹۴۱ - پس از صدور رأی توقف و اعلام مراتب به اداره تصفیه امور ورشکستگی به موجب ماده (۸۹۸) این قانون، رئیس اداره یک نفر از قضات ناظر را با موافقت دادگاه صادرکننده رأی به عنوان قاضی ناظر تعیین می‌کند. قاضی ناظر تحت نظارت دادگاه صادرکننده رأی فعالیت می‌کند. قاضی ناظر علاوه بر اختیارات و وظایفی که به موجب مواد قانونی دیگر دارد نظارت بر جریان اقدامات احتیاطی و اداره امور متوقف و سرعت جریان آن و سایر امور اجرائی را عهده‌دار است علاوه بر این، در کلیه مواردی که آگهی آراء یا تصمیمات مربوط و یا تشکیل جلسه به موجب مواد این باب ضروری است، دستور نشر آگهی و یا دعوت برای جلسات و ریاست آنها، بر عهده قاضی ناظر می‌باشد.

ماده ۹۴۲ - قاضی ناظر در هر زمان می‌تواند از تاجر متوقف، مستخدمان او و هر شخص دیگری که لازم بداند در مورد امور تاجر متوقف توضیح بخواهد و در صورت لزوم از تحقیقات مذکور صورتمجلس تهیه کند.

ماده ۹۴۳ - قاضی ناظر باید هرماه یک‌بار گزارشی از وضعیت امور تاجر متوقف و شکایات و اختلافاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت اوست، تهیه و به دادگاه تقدیم کند مگر اینکه دادگاه مدت کمتری را مقرر کند.

ماده ۹۴۴ - در مورد شکایات و اختلافاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت قاضی ناظر است، او باید رأی صادرشده را ظرف بیست و چهار ساعت پس از صدور به دفتر دادگاه تقدیم کند. دادگاه در صورت لزوم می‌تواند به ابلاغ رأی مذکور به افراد ذی‌نفع به هر طریقی که مقتضی می‌داند، دستور دهد.

ماده ۹۴۵ - اعتراض به تصمیمات قاضی ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین کرده است و مرجع اعتراض دادگاهی است که رأی توقف را صادر کرده است. اعتراض به هیچ وجه جریان کار را موقوف نمی‌کند، مگر در موارد مهم که عمل مورد اعتراض جبران‌ناپذیر و ادله شاکی قوی باشد، که در این موارد دادگاه می‌تواند دستور جلوگیری بدهد. در این صورت دادگاه فوری و خارج از نوبت و در جلسه اداری به شکایت رسیدگی و تصمیم خود را اعلام می‌کند. در سایر موارد دادگاه، در صورت موجه تشخیص دادن اعتراض، دستور لازم را به قاضی ناظر می‌دهد و به اقتضای مورد می‌تواند عمل قاضی ناظر را باطل کند.

ماده ۹۴۶ - اداره تصفیه در هر زمان می‌تواند با موافقت دادگاه قاضی ناظر را تغییر دهد و فرد دیگری را به‌جای او منصوب کند. در صورت غیبت موقت قاضی ناظر، اداره تصفیه با جلب نظر دادگاه قاضی دیگری را به‌طور موقت جایگزین او می‌کند.

فصل سوم - آثار اعلام توقف

ماده ۹۴۷ - هیچ اثری بر رأی اعلام توقف مترتب نیست مگر اینکه قانون بر آن تصریح کند.

ماده ۹۴۸ - تاجر متوقف نمی‌تواند جز با اعلام کتبی قبلی به امین اقامتگاه خود را ترک کند. همچنین او نمی‌تواند اقامتگاه خود را جز با اجازه قاضی ناظر تغییر دهد.

ماده ۹۴۹ - اگر تاجر به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل نکرده و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفرخواست صادر شود، دادگاه باید قرار توقیف اموال وی مطابق بند (۲) ماده (۹۰۶) را صادر کند. اموالی که توقیف آنها طبق قانون مجاز نیست و نیز نفقه‌ای که برای تاجر و افراد واجب‌النفقة وی مقرر شده است، توقیف نمی‌شود.

ماده ۹۵۰ - تاجری که توقف او اعلام می‌شود به هیچ وجه نمی‌تواند به‌عنوان متصدی اداره اموال غیر منصوب شود. اعلام توقف تاجر مانع اعمال ولایت تاجر در مورد اموال اولاد محجور وی نیست، مگر اینکه این امر متضمن ضرر مولی‌علیه باشد که در این صورت دادگاه باید شخصی را به‌عنوان امین به تاجر ضم کند.

ماده ۹۵۱ - اگر دادگاه دستور عدم شروع یا توقف ادامه دعاوی له یا علیه تاجر را صادر کند، کلیه دعاوی مذکور باید علیه امین اقامه یا به طرفیت او تعقیب شود. تاجر متوقف می‌تواند با اجازه دادگاه در دعاوی مذکور وارد شود. در مورد آن دسته از دعاوی که پیش از اعلام توقف به‌وسیله تاجر یا علیه او اقامه شده‌است، دادرسی متوقف و مطابق قانون آیین دادرسی مدنی به طرفیت امین تعقیب می‌شود.

ماده ۹۵۲ - دستور عدم شروع یا توقف ادامه دعاوی و یا عملیات اجرایی علیه تاجر متوقف موارد زیر را شامل نمی‌شود:

۱- دعاوی و اقدامات اجرایی مرتبط با غیر اموال مشمول منع مداخله

۲- دعاوی و اقدامات اجرایی مرتبط با حقوق شخصیت و یا احوال شخصیه تاجر متوقف

۳- دعاوی و اقدامات اجرایی کیفری

۴- دعاوی و اقدامات اجرایی مربوط به طلب‌های باوثیقه

تبصره - در صورتی که دعاوی موضوع بند (۲) متضمن مطالبات مالی باشد، هریک از طرفین دعوی می‌توانند مطابق قانون آیین دادرسی مدنی امین را به دادرسی جلب کنند. همچنین در این موارد امین می‌تواند به عنوان ثالث وارد دعوی شود. در خصوص دعاوی موضوع بند سه نیز اگر دعوی متضمن آثار مالی باشد، امین می‌تواند در جلسه رسیدگی حاضر شود.

ماده ۹۵۳ - تاجر متوقف می‌تواند نفقه خود و افراد واجب‌النفقه‌اش را از دارایی خویش درخواست کند. در این صورت امین نفقه و مقدار آن را با تصویب قاضی ناظر معین می‌کند.

ماده ۹۵۴ - قاضی ناظر می‌تواند رأساً یا به تقاضای امین و یا تاجر متوقف میزان نفقه را تعدیل کند.

ماده ۹۵۵ - افراد واجب‌النفقه تاجر رأساً می‌توانند نفقه یا تعدیل آن را درخواست کنند.

ماده ۹۵۶ - قرارهای مربوط به میزان نفقه و نیز تعدیل آن، بدون آنکه در پرداخت نفقه خللی ایجاد کند، از جانب هر ذی‌نفع نزد قاضی ناظر قابل شکایت است.

ماده ۹۵۷ - هر گونه نقل و انتقال بلا عوض یا محاباتی یا هر عمل حقوقی دیگر که تاجر انجام داده و در زمان انجام معامله به ضرر بستانکاران آن زمان باشد، در مقابل بستانکاران مذکور باطل و بلا اثر است. هریک از این بستانکاران یا امین می‌توانند در صورت عدم اجراء معامله، تعلیق اجراء آن و در صورت اجراء آن، توقیف مورد معامله را تا تعیین تکلیف نهائی از دادگاه تقاضا کنند. هرگاه اموال متوقف پس از صدور حکم ورشکستگی تکافوی کلیه مطالبات بستانکاران را نکند معامله باطل می‌شود و منتقل‌آلیه در صورتی که عوض داده‌باشد بدون ورود در صف غرما عوض خود را دریافت می‌کند. در صورتی که مال، تلف شود یا به دیگری منتقل گردد منتقل‌آلیه باید بدل آن را تأدیه و عوض خود را دریافت کند.

ماده ۹۵۸ - اگر در دادگاه ثابت شود که تاجر متوقف در هر زمان معامله‌ای را به‌طور صوری یا مسبوق به تبانی انجام داده است، آن معامله باطل است و عین و منافع مالی که موضوع چنین معامله‌ای است باید مسترد گردد.

ماده ۹۵۹ - اشخاصی که نسبت به اموال تحت تصرف تاجر متوقف دعوی خیراتی دارند، در هر زمان می‌توانند آن را ثابت کنند و به اجراء گذارند.

ماده ۹۶۰ - امین در هر زمان می‌تواند با اجازه قاضی ناظر طلب حال‌شده بستانکاران باوثیقه را تأدیه و رهنه را فک و جزو دارایی تاجر متوقف منظور کند، مشروط بر اینکه ارزش وثیقه بیش از مقدار طلب باشد.

ماده ۹۶۱ - تأدیه طلب بستانکاران با وثیقه‌ای که طلب آنها، مؤجل است، قبل از سررسید، به وسیله امین مجاز است مشروط بر اینکه ارزش وثیقه بیش از مقدار طلب باشد و بستانکار ذمه تاجر را نسبت به بخشی از طلب ابراء و یا آن را به میزان کمتر واگذار کند.

ماده ۹۶۲ - در مورد ماده (۹۶۰) این قانون اگر وثیقه فک نشود، امین باید آن را بفروشد. اگر ثمن پس از وضع مخارج بیش از اصل طلب و خسارت ناشی از کاهش ارزش پول باشد، مازاد به امین تسلیم می‌شود و اگر کمتر باشد مرتهن برای بقیه طلب خود جزو بستانکاران عادی محسوب می‌گردد. برای فروش رهنه باید از مرتهن نیز دعوت به عمل آید. نحوه فروش این اموال تابع احکام مواد (۱۰۹۷) تا (۱۱۰۷) این قانون است. بستانکاران با وثیقه در مورد خسارت ناشی از تأخیر تأدیه و خسارات دادرسی بستانکار با وثیقه محسوب نمی‌شوند، مگر اینکه وثیقه حسب قرارداد شامل موارد مذکور نیز باشد.

ماده ۹۶۳ - در مواردی که مالی از اموال تاجر متوقف موضوع وثیقه‌های متعدد باشد، در تقسیم وجوه حاصل از فروش، بستانکاری مقدم می‌شود که تاریخ وثیقه وی مقدم است.

ماده ۹۶۴ - اگر به علت مقدم‌بودن برخی بستانکاران، دیگر بستانکاران با وثیقه وجهی دریافت نکنند، جزء بستانکاران عادی محسوب می‌شوند.

ماده ۹۶۵ - با بستانکاران موضوع مواد (۹۶۲) و (۹۶۴) این قانون نیز مانند بستانکاران عادی رفتار می‌شود.

ماده ۹۶۶ - عین هر مال متعلق به دیگری که به هر عنوان نزد تاجر متوقف است، قابل استرداد است مگر اینکه در اجرای عقد لازمی به او تسلیم شده باشد. امین می‌تواند با اجازه قاضی ناظر، مالی را که تقاضای استرداد آن شده است به مالک یا نماینده قانونی او رد کند. در صورت بروز اختلاف متقاضی می‌تواند ظرف مهلت ده روز نزد دادگاه صادرکننده رأی از این تصمیم قاضی ناظر شکایت کند.

تبصره - در صورتی که تاجر متوقف برای نگهداری اموال موضوع این ماده هزینه‌هایی کند و یا در مواردی که اموال مذکور در راستای مأموریتی که تاجر از جانب صاحب مال داشته به وی تسلیم نماید، رد مال منوط به تأدیه هزینه‌ها و یا حسب مورد اجرت‌المسمی یا اجرت‌المثل اعمالی است که تاجر در عمل به مأموریت محول انجام داده است.

ماده ۹۶۷ - ممنوعیت‌های احصاء شده در این فصل، جز آنچه در مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) این قانون آمده است، شامل حال تاجری که به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کرده است، نمی‌شود مگر اینکه به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم شود.

فصل چهارم - اداره امور متوقف و تشخیص مطالبات

مبحث اول - اداره اموال متوقف

ماده ۹۶۸ - قاضی ناظر می‌تواند در صورت اقتضای مصالح بستانکاران و یا مصالح عمومی و حسب درخواست هر ذی‌نفع یا امین اجازه دهد که کار تجارتخانه تاجر ادامه یابد. در این صورت هرگاه اداره تجارتخانه به وسیله امین ممکن نباشد، امین با موافقت قاضی ناظر شخصی را برای اداره امور تجارتخانه تاجر تعیین می‌کند و اجرتی برای وی معین می‌نماید. انتخاب تاجر متوقف برای اداره تجارتخانه مجاز است مشروط بر اینکه به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب نباشد. در صورت انتخاب تاجر متوقف برای اداره تجارتخانه نفقه شخص تاجر بدل از اجرت تلقی می‌شود. قرار صادرشده دائر بر قبول یا رد درخواست ادامه کار تجارتخانه نزد دادگاه اعلام‌کننده توقف قابل شکایت است.

تبصره - تصمیم‌گیری در مورد نحوه ادامه کار بانکها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام، تعاونی سهامی عام و موارد مهم دیگر به موجب آیین‌نامه اجرائی مشخص می‌شود.

ماده ۹۶۹ - شخصی یا اشخاصی که مطابق ماده (۹۶۸) این قانون یا تبصره آن متولی اداره تجارتخانه تاجر متوقف شده است، مشمول احکام راجع به امین در قانون مدنی است اموال تاجر ورشکسته در حضور قاضی ناظر به او تحویل داده می شود. شخص مذکور تحت نظارت امین انجام وظیفه می کند و در حدود وظیفه محول با امین متضامناً مسؤول است.

ماده ۹۷۰ - امین باید ماهانه گزارشی از فعالیتهای تجارتخانه تهیه و به قاضی ناظر تقدیم کند.

ماده ۹۷۱ - وجوهی که امین وصول می کند باید به فوریت در حساب مخصوصی که برای امور ورشکسته باز می کند واریز نماید. برداشت این وجوه از حساب مذکور فقط با امضای امین و موافقت قاضی ناظر انجام می شود.

ماده ۹۷۲ - امین باید ظرف پانزده روز از تاریخ مأموریت خود گزارشی از وضع تاجر متوقف و همچنین علل و اوضاعی که موجب توقف شده است، تهیه کند و به قاضی ناظر ارائه نماید.

ماده ۹۷۳ - مراسلاتی که به اسم تاجر متوقف واصل می شوند به امین تسلیم و به وسیله او باز می شوند و اگر تاجر متوقف حاضر باشد می تواند در باز کردن مراسلات شرکت کند. امین می تواند از اداره پست و گمرک بخواهد که در مدت رسیدگی به وضع تاجر متوقف کلیه برگها و بسته هایی که به عنوان تاجر متوقف ارسال می شود یا از طرف او فرستاده می شود، برای وی ارسال گردد.

ماده ۹۷۴ - امین به وصول مطالبات تاجر متوقف مداومت می نماید و گزارش آنرا ماهیانه به قاضی ناظر می دهد. قاضی ناظر می تواند از امین بخواهد با تأیید یا اطلاع او اقدام کند. امین مطالبات تاجر متوقف را در مقابل اعطاء رسید وصول می کند.

ماده ۹۷۵ - فروش اشیائی که به سرعت فاسد می شود یا کسر قیمت پیدا می کند و اشیائی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و یا مستلزم صرف هزینه های سنگین است و همچنین اداره اموال و به کار انداختن سرمایه تاجر متوقف با اجازه قاضی ناظر به وسیله امین انجام می گیرد. نحوه فروش این اموال مطابق آیین نامه اجرائی است. فروش سایر اموال تاجر متوقف مجاز نیست مگر اینکه متضمن نفع بسیار برای بستانکاران باشد. در این موارد اموال وی پس از استماع اظهارات تاجر متوقف و توضیحات وی فروخته می شود.

ماده ۹۷۶ - قرار صادر شده از جانب قاضی ناظر در مورد فروش هریک از اموال تاجر متوقف از جانب هر ذی نفع نزد دادگاه قابل شکایت است.

ماده ۹۷۷ - در تمام دعاوی که هیأت بستانکاران در آن ذی نفع می باشند، امین می تواند با اجازه قاضی ناظر، دعوی را به صلح خاتمه دهد یا با ارجاع آن به داوری موافقت نماید، هر چند دعوی مذکور به اموال غیر منقول مربوط باشد. در مورد اخیر صلح دعوی یا ارجاع آن به داوری پس از استماع اظهارات تاجر متوقف انجام می شود.

ماده ۹۷۸ - اگر خواسته قابل تقویم نباشد یا میزان آن بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد، صلح یا موافقتنامه داوری نافذ نیست مگر اینکه دادگاه قرارداد را تنفیذ نماید. به هنگام تنفیذ صلح نامه یا موافقتنامه داوری تاجر متوقف احضار می شود و در هر صورت مشارک به حق دارد که از صلح یا موافقتنامه داوری شکایت کند.

ماده ۹۷۹ - در مورد ماده (۹۷۷) این قانون اجرای صلح و یا رأی داوری تا تعیین تکلیف تاجر متوقف موقوف می ماند. در هر حال طلب بستانکاران ناشی از اجرای مواد (۹۷۷) و (۹۷۸) در حکم طلب تشخیص شده است.

ماده ۹۸۰ - اعلام توقف، باعث تعلیق قراردادهای در حال اجراء نیست.

ماده ۹۸۱ - انجام اعمال حقوقی مندرج در ماده (۹۵۷) این قانون تا تعیین تکلیف تاجر متوقف به وسیله هیچ کس مجاز نیست.

ماده ۹۸۲ - اگر تاجر با رعایت مفاد مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون ورشکستگی خود را تقاضا کرده باشد در فرض احراز توقف، مشمول مقررات مواد (۹۶۸) تا (۹۸۱) این فصل نمی شود. در این صورت تاجر متوقف با لحاظ ممنوعیت های مندرج در مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) و تحت نظارت قاضی ناظر اموال خود را اداره می کند. در این مورد رعایت مواد (۹۷۰) و (۹۷۱) الزامی است.

ماده ۹۸۳ - تاجری که مطابق ماده (۹۸۲) این قانون اداره اموال خود را بر عهده می گیرد به لحاظ مسؤولیت های ناشی از اداره اموال در حکم امین است و اجرت اعمال خود را در حدودی که برای امین مقرر است، دریافت می کند.

ماده ۹۸۴ - حکم مندرج در ماده (۹۸۲) این قانون تا زمانی است که تخطی تاجر از مسؤولیت‌های مندرج در ماده (۹۸۳) به اثبات نرسد و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب علیه او کیفرخواست صادر نشود.

ماده ۹۸۵ - هرگاه پس از تهیه صورت دارایی معلوم شود تاجر متوقف مالی جز اموال موضوع بند یک ماده (۹۱۹) این قانون ندارد، مراتب از طریق قاضی ناظر به دادگاه اعلام و حکم ورشکستگی صادر و امر تصفیه مختومه اعلام می‌گردد.

ماده ۹۸۶ - هرگاه پس از تهیه صورت دارایی معلوم شود حاصل فروش اموالی که صورت آنها برداشته شده است برای پرداخت مخارج اداره امور ورشکسته کافی نیست، امین به دستور قاضی ناظر اقدام به تصفیه اختصاری می‌نماید مگر اینکه تمام یا برخی از بستانکاران درخواست کنند که کار بر طبق اصول تصفیه عادی جریان پیدا کند و هزینه آن را از قبل بپردازند.

ماده ۹۸۷ - در مورد تصفیه اختصاری، امین به دستور قاضی ناظر آگهی می‌کند که هر کس هر گونه ادعائی دارد ظرف چهل روز مطرح نماید. پس از انقضای مهلت و رسیدگی فوری به ادعاهای احتمالی، امین به هر ترتیب که منافع بستانکاران اقتضاء می‌کند و بدون رعایت تشریفات به فروش اموال و تقسیم حاصل آن بین بستانکاران اقدام می‌نماید و ختم عملیات تصفیه را اعلام می‌کند. نحوه اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه اجرائی است.

مبحث دوم - تشخیص مطالبات

ماده ۹۸۸ - کلیه بستانکاران تاجر متوقف و کسانی که ادعائی درباره او دارند مکلفند ظرف حداکثر یک‌ماه پس از انتشار رأی اعلام توقف در روزنامه، اسناد طلب یا ادعای خود را به همراه تصویر یا رونوشت مصدق آن به امین تقدیم و رسید دریافت نمایند و یا از طریق پست سفارشی دو قبضه برای وی ارسال کنند. اصل اسناد اعطائی پس از تقدیم صورت مطالبات تشخیص‌شده به دادگاه به صاحبان آنها برگردانده می‌شود.

ماده ۹۸۹ - بدهکاران تاجر متوقف و نیز کسانی که مالی از اموال او را به‌نحوی از انحاء در تصرف دارند مکلفند ظرف مهلت مقرر در ماده (۹۸۸) این قانون خود را معرفی و با رعایت ماده (۹۹۲) اموال مذکور را به امین تسلیم نمایند.

ماده ۹۹۰ - اگر کلیه بستانکاران مذکور در صورت دارایی ظرف مهلت مقرر به تکلیف مندرج در ماده (۹۸۸) این قانون عمل ننمایند، و یا کلیه بدهکاران متوقف و متصرفان اموال او که اسامی آنها در صورت دارایی ذکر شده است، ظرف مهلت مقرر به تکلیف مندرج در ماده (۹۸۹) عمل نکنند امین مکلف است با نشر آگهی در روزنامه از کلیه بستانکاران، بدهکاران، متصرفان اموال تاجر متوقف و نیز کسانی که ادعائی درباره او دارند دوباره دعوت به عمل آورد تا ظرف پانزده روز از انتشار آگهی تکالیف مذکور را اجرا کنند. آگهی دعوت باید شامل موارد مذکور در ماده (۹۱۰) باشد.

ماده ۹۹۱ - در صورتی که بدهکاران تاجر متوقف پس از انتشار آگهی دوم بدون عذر موجه از معرفی خود استنکاف نمایند، به جزای نقدی معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) بدهی محکوم می‌شوند. همچنین دادگاه می‌تواند متخلف را علاوه بر جزای نقدی به حبس تعزیری درجه هفت محکوم نماید.

ماده ۹۹۲ - اگر اموال مذکور در ماده (۹۸۹) این قانون در اجرای عقد لازمی به متصرف تسلیم شده باشد، تسلیم آن به امین لازم نیست؛ در غیر این صورت عمل مستنکف از تسلیم در حکم خیانت در امانت است. اگر در این باره اختلافی بروز کند، قاضی ناظر اظهار نظر می‌نماید. رأی قاضی مذکور در این باره نزد دادگاه قابل اعتراض است.

ماده ۹۹۳ - قاضی ناظر در حضور امین و تاجر متوقف یا پس از اخطار به آنها به مطالبات رسیدگی و آنها را تصدیق یا رد می‌نماید. در صورتی که اصل طلب یا مقدار آن و یا تضمینات مربوط به آن از جانب امین و یا تاجر متوقف انکار شود، مراتب به‌فوریت به

بستانکار اخطار و از او توضیح اخذ می‌شود. بستانکار مذکور مکلف است ظرف حداکثر پنج روز پس از دریافت اخطار در این باره توضیح دهد. عملیات تشخیص شامل متفرعات طلب نیز می‌شود.

ماده ۹۹۴- مواد این مبحث در مورد دیون موضوع ماده (۸۸۸) این قانون مجری نیست.

ماده ۹۹۵- نام و اقامتگاه بستانکاران یا وکلای آنها به همراه شرح مختصری از سند ارائه‌شده در صورتمجلس تشخیص مطالبات درج می‌گردد. آثار قلم‌خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین سطور در سند نیز باید در صورتمجلس قید شود.

ماده ۹۹۶- پس از انقضای مواعد ابراز اسناد، قاضی ناظر ظرف سی روز صورتی از مطالبات را با در نظر گرفتن طلبهای با وثیقه یا حق رجحان و میزان پوشش وثیقه نسبت به اصل طلب و متفرعات آن، تهیه و به دادگاه تقدیم می‌کند. دادگاه می‌تواند مهلت مذکور در این ماده را در صورت کثرت بستانکاران تمدید کند.

ماده ۹۹۷- بستانکارانی که طلب آنها رد شده است، با ذکر دلیل رد، در صورت مطالبات موضوع ماده (۹۹۶) این قانون قید می‌شوند.

ماده ۹۹۸- صورت مذکور در ماده (۹۹۶) این قانون حداکثر تا یک هفته پس از تقدیم به دادگاه از طریق آگهی در روزنامه به‌وسیله امین به اطلاع بستانکاران می‌رسد و در اختیار هر ذی‌نفع گذاشته می‌شود. مراتب به‌طور مستقیم به بستانکاران مردود و نیز بستانکارانی که وثیقه عینی یا حق رجحان برای خود قائل می‌باشند ولی به ادعای آنها ترتیب اثر داده نشده است، اعلام می‌شود.

ماده ۹۹۹- هریک از بستانکاران و یا خود تاجر که به صورت مذکور در ماده (۹۹۶) این قانون اعتراضی دارند، ظرف بیست روز از انتشار آگهی می‌توانند در دادگاه صادرکننده رأی از قرار قاضی ناظر در باره رد مطالبات شکایت کنند. اگر طلب یا وثیقه عینی یا حق رجحان شخصی که طلب یا ادعای او قبول شده مورد اعتراض باشد، علیه بستانکار مذکور اقامه دعوی می‌شود. به موضوع این ماده فوری و خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۰۰۰- در مواقعی که دادگاه نتواند ظرف سی روز از تاریخ ثبت شکایت در مورد دعاوی موضوع ماده (۹۹۹) این قانون حکم صادر نماید، حسب قرائن مبلغی را معین و مقرر می‌کند. صاحب طلب مورد نزاع معادل مبلغ مذکور به‌طور موقت بستانکار شناخته می‌شود و در مذاکرات هیأت بستانکاران برای همان مبلغ شرکت می‌کند.

ماده ۱۰۰۱- در صورتی که وثیقه عینی یا حق رجحان یکی از طلبهای تشخیص‌شده مورد اعتراض باشد و دادگاه نتواند ظرف مهلت مقرر در ماده (۱۰۰۰) این قانون در این باره حکم مقتضی را صادر نماید، صاحب طلب مورد نزاع به عنوان بستانکار عادی در جلسه مجمع عمومی بستانکاران شرکت می‌نماید.

ماده ۱۰۰۲- در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شود دادگاه باید پس از انقضای مهلت مقرر در ماده (۱۰۰۰) این قانون به انعقاد جلسه مجمع عمومی بستانکاران امر کند و تا زمانی که نتیجه تعقیب جزائی معلوم نشود، دادگاه نمی‌تواند صاحب طلب را به‌طور موقت جزو بستانکاران قبول نماید و یا در سایر عملیات مربوط به امور تاجر متوقف شرکت دهد.

ماده ۱۰۰۳- اسنادی که در ارائه آنها تأخیر شود در صورتی که عذر موجهی در بین باشد تا بیست روز پس از انتشار آگهی موضوع ماده (۹۹۸) این قانون قبول می‌شود ولی هزینه‌ای که در اثر این تأخیر پیش آمده بر عهده مدعی طلب است.

اگر سند ابراز شده مورد قبول واقع شود، قاضی ناظر اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می‌نماید و امین سایر بستانکاران را به‌وسیله آگهی در روزنامه از این امر مطلع می‌کند.

ماده ۱۰۰۴- بستانکارانی که در مواعد معین حاضر نشده‌اند، در مورد عملیات مربوط به تشخیص مطالبات حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارند.

ماده ۱۰۰۵- نحوه اجرای مبحث دوم این فصل مطابق آیین‌نامه اجرائی خواهد بود. تا زمان تصویب آیین‌نامه مذکور، آیین‌نامه موضوع ماده (۶۰) قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در حدود عدم مغایرت با این قانون ملاک عمل است.

ماده ۱۰۰۶ - اگر تاجر با رعایت مفاد مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون ورشکستگی خود را تقاضا کند، تمام وظایف مصرح برای امین در مبحث دوم از این فصل را خود انجام می‌دهد و در این باره مسئولیت‌های امین را برعهده دارد.

باب سوم - دعوت از بستانکاران برای تعیین تکلیف تاجر متوقف

ماده ۱۰۰۷ - قاضی ناظر به وسیله مدیر دفتر دادگاه کلیه صاحبان طلبهای حال و کسانی که طلبشان تا روز تشکیل جلسه حال می‌شود را برای تعیین تکلیف تاجر متوقف دعوت می‌نماید مشروط بر اینکه طلب آنها تشخیص و یا به‌طور موقت قبول شده باشد. دعوت از بستانکاران مذکور باید به‌وسیله امین در روزنامه نیز آگهی شود. موضوع دعوت مجمع عمومی بستانکاران در اختاریه‌های دعوت و آگهی مندرج در روزنامه باید تصریح شود. در صورتی که تاجر متوقف با رعایت مفاد ماده (۱۰۳۱) این قانون انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را درخواست نماید، درج این امر نیز در اختاریه‌ها و آگهی دعوت ضروری است.

ماده ۱۰۰۸ - در صورت عدم شکایت اشخاص ذی‌نفع از صورت نهائی مطالبات، ظرف مهلت مقرر در ماده (۹۹۹) این قانون، دعوت مذکور باید به‌فوریت پس از انقضای مهلت شکایت به عمل آید. در غیر این صورت، دعوت به‌فوریت پس از رسیدگی به کلیه اعتراضات یا با انقضای مدت مندرج در ماده (۱۰۰۰) و پس از دستور دادگاه انجام می‌گیرد.

ماده ۱۰۰۹ - مجمع عمومی بستانکاران در محل، روز و ساعتی که در آگهی و برگه‌های اختاریه دعوت از طرف قاضی ناظر معین شده است تحت ریاست مشارالیه منعقد می‌شود. جلسه مجمع عمومی بستانکاران حداقل ده‌روز و حداکثر سی‌روز پس از انقضای آخرین مهلت مندرج در ماده (۱۰۰۸) این قانون برگزار می‌شود.

ماده ۱۰۱۰ - حضور وکلای بستانکارانی که طلب آنها تشخیص و یا به‌طور موقت قبول گردیده است، در صورت ارائه وکالت‌نامه معتبر در جلسه مجمع عمومی بستانکاران بلامانع است لکن تاجر متوقف باید خود در جلسه مذکور حاضر گردد. وی تنها در صورتی می‌تواند وکیل اعزام نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق قاضی ناظر برسد. کسانی که با متوقف مسئولیت تضامنی دارند و یا ضامن او می‌باشند می‌توانند در جلسه حضور یابند.

ماده ۱۰۱۱ - امین در ابتداء گزارشی از وضعیت مالی تاجر متوقف و اقدامات انجام‌شده به مجمع عمومی بستانکاران ارائه و نسخه مکتوب و امضاء شده آن را به قاضی ناظر تقدیم می‌نماید. این گزارش باید شامل نظر امین در مورد کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی باشد. صورت تفصیلی اموال، قیمت آنها و نیز کلیه دیون تاجر متوقف ضمیمه گزارش فوق می‌شود.

ماده ۱۰۱۲ - برای اظهار نظر در خصوص کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی، امین معیارهای زیر را مبنای محاسبه ارزش اموال قرار می‌دهد:

۱- میانگین قیمت مال در فاصله ده تا سه روز منتهی به تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران برای اموالی که قیمت بورسی یا بازاری دارند.

۲- قیمتی که برای سایر اموال در صورت دارایی درج شده است.

تبصره - در صورتی که قیمت کالاهای موضوع بند (۲) این ماده ظرف پنج روز منتهی به تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران با بیش از بیست و پنج درصد (۲۵٪) نوسان قیمت مواجه شود، قیمت اخیر مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.

ماده ۱۰۱۳ - در محاسبه دیون تنها دیون حال و دیونی که تا روز تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران حال می‌شود، لحاظ می‌گردد.

ماده ۱۰۱۴ - هرگونه تصمیم‌گیری در مجمع عمومی بستانکاران منوط به قرائت گزارش موضوع ماده (۱۰۱۱) این قانون از جانب امین است.

ماده ۱۰۱۵ - گزارش مذکور و ضمیمه آن باید از اول وقت اداری روز پیش از تشکیل جلسه در محلی که قاضی ناظر معین نموده و در آگهی و اختطاریه‌های دعوت درج شده است، در دسترس تمام بستانکاران و یا وکلای آنان قرار گیرد. افراد مذکور می‌توانند به هزینه خود از این گزارش و ضمیمه آن رونوشت یا تصویر تهیه نمایند.

ماده ۱۰۱۶ - مجمع عمومی بستانکاران در دو مورد تصمیم می‌گیرد:

۱- کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی

۲- قبول یا رد تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه مشروط به درخواست تاجر متوقف با رعایت مفاد ماده (۱۰۳۱) این قانون

ماده ۱۰۱۷ - امین باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی بستانکاران صورتجلسه‌ای تهیه نماید و به تأیید قاضی ناظر برساند.

ماده ۱۰۱۸ - قاضی ناظر باید حسب مورد در اولین فرصت پس از تشکیل جلسه اول یا دوم مجمع عمومی بستانکاران صورتجلسه مذکور را به دادگاه تقدیم و نسخه‌ای از آن را به وسیله امین در روزنامه منتشر نماید.

ماده ۱۰۱۹ - مفاد صورتجلسه حداکثر تا ده روز پس از انتشار نزد دادگاه قابل شکایت است.

ماده ۱۰۲۰ - در صورتی که از مفاد صورتجلسه شکایتی نشود، دادگاه در اولین فرصت بر اساس مفاد صورتجلسه و موافق مواد آتی وضع تاجر را معین می‌کند. در غیراین صورت، دادگاه مکلف است ظرف ده روز به شکایت واصل شده رسیدگی و سپس وضعیت تاجر را معین نماید.

ماده ۱۰۲۱ - هرگاه در مجمع عمومی بستانکاران حداقل بیش از نصف بستانکاران که بیش از دوسوم طلبهای تشخیص شده و یا به‌طور موقت قبول شده را به خود اختصاص داده‌اند اموال تاجر متوقف را برای وصول مطالبات خود کافی بدانند و صورتجلسه مجمع مذکور به تأیید دادگاه برسد، دادخواست ورشکستگی رد می‌شود. طلبهای باوثیقه و صاحبان آنها، در حدود مقرر در انتهای ماده (۸۸۷) این قانون در رأی‌گیری لحاظ نمی‌شود.

ماده ۱۰۲۲ - رد دادخواست ورشکستگی در فرض ماده (۱۰۲۱) این قانون باعث زوال آثار اعلام توقف نیست تاجر متوف می‌تواند پس از سه ماه از تاریخ رد دادخواست ورشکستگی، اعلام زوال آثار را از دادگاه تقاضا نماید. اثر رأی دادگاه در این صورت ناظر به آتیه است.

ماده ۱۰۲۳ - پس از رد دادخواست ورشکستگی هیچ یک از اشخاصی که مطالبات آنها مربوط به قبل از تاریخ رد ورشکستگی است نمی‌توانند دوباره تقاضای ورشکستگی کنند.

ماده ۱۰۲۴ - هرگاه در جلسه اول مجمع عمومی اکثریت عددی بستانکاران حاصل شود ولی حاضران از حیث مبلغ دارای بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از مطالبات نباشند و یا آنکه حاضران، دارای بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از مطالبات باشند ولی حائز اکثریت عددی مذکور نباشند، نتیجه حاصل از آن جلسه معلق می‌شود و قرار انعقاد جلسه دوم برای دوهفته بعد گذاشته می‌شود. در این صورت امین باید مراتب دعوت مجدد از بستانکاران را در روزنامه آگهی کند.

ماده ۱۰۲۵ - بستانکارانی که خود و یا وکلای آنان در جلسه اول حاضر بوده‌اند و صورتمجلس را امضاء نموده‌اند، مکلف به حضور در جلسه دوم نیستند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند. در صورت عدم حضور افراد فوق تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است. اگر در جلسه دوم اکثریت عددی و مبلغی مندرج در ماده (۱۰۲۱) این قانون کامل شود دادخواست ورشکستگی رد می‌گردد.

ماده ۱۰۲۶ - در صورت رد دادخواست ورشکستگی با استناد مواد (۱۰۲۱) یا (۱۰۲۵) این قانون، قاضی ناظر به وسیله امین مراتب را در روزنامه‌ای که رأی اعلام توقف در آن اعلان شده بود آگهی می‌کند.

ماده ۱۰۲۷- کلیه بستانکارانی که حق شرکت در مجمع عمومی بستانکاران را داشته‌اند می‌توانند راجع به تصمیم مجمع شکایت کنند. شکایت باید ظرف یک هفته از تاریخ تصمیم مجمع انجام گیرد و به‌فوریت به امین و خود تاجر متوقف ابلاغ شود. امین و تاجر متوقف در اولین فرصت برای رسیدگی به موضوع شکایت به دادگاه احضار می‌شوند.

ماده ۱۰۲۸- دادگاه نمی‌تواند قبل از انقضای مهلت شکایت، راجع به تصدیق صورتجلسه مجمع اتخاذ تصمیم نماید. هرگاه ظرف این مدت از طرف بستانکارانی که حق شکایت دارند، اعتراضی به عمل آید دادگاه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق صورتجلسه مجمع رأی واحد صادر کند. اگر اعتراضات تأیید شود، حکم ورشکستگی صادر می‌شود.

ماده ۱۰۲۹- هرگاه اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون حاصل نشود حکم ورشکستگی تاجر متوقف صادر می‌شود مگر اینکه تاجر طبق ماده (۱۰۳۱) انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را تقاضا نماید و حداقل بیش از نصف بستانکارانی که بیش از دوسوم کلیه مطالبات تشخیص‌شده و یا به‌طور موقت قبول‌شده را به خود اختصاص داده‌اند با این تقاضا موافقت نمایند.

ماده ۱۰۳۰- در صورت عدم حصول اکثریت مذکور در قسمت اخیر ماده (۱۰۲۹) این قانون در جلسه اول، مطابق مواد (۱۰۲۴) و (۱۰۲۵) عمل می‌شود.

باب چهارم - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

فصل اول - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و ترتیب آن

ماده ۱۰۳۱- هر تاجر متوقف می‌تواند ضمن دادخواست تقاضای ورشکستگی یا حداکثر تا بیست روز انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را به‌طور کتبی از دادگاه درخواست نماید مشروط بر اینکه در دو سال منتهی به صدور رأی اعلام توقف به تجارت اشتغال داشته و به تکالیف قانونی تاجر در مورد نگهداری دفاتر تجاری و ثبت در دفتر ثبت نام تجاری عمل نموده باشد.

ماده ۱۰۳۲- متقاضی انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه باید حسب مورد مدارک زیر را به دادخواست یا درخواست خود ضمیمه نماید:

- ۱- پیش‌نویس قرارداد ارفاقی پیشگیرانه
- ۲- گواهی ثبت نام در دفتر ثبت نام تجاری
- ۳- گواهی اشتغال به تجارت از سوی صنف مربوط ظرف مدت مذکور
- ماده ۱۰۳۳-** پیش‌نویس قرارداد ارفاقی پیشگیرانه باید متضمن موارد زیر باشد:
 - ۱- نحوه ادامه فعالیت تجاری
 - ۲- میزان و نوع فعالیتها شامل افزایش، حذف و نوسازی آنها
 - ۳- نحوه پرداخت دیون بستانکاران
 - ۴- چگونگی ایفای تعهدات غیرنقدی
 - ۵- نحوه وصول مطالبات
 - ۶- دارایی‌های مازاد قابل واگذاری و تعیین موارد مصرف وجوه حاصل از آن
 - ۷- میزان منابع مالی لازم و نحوه تأمین آن
 - ۸- تعیین تکلیف کارکنان
 - ۹- مدت زمان اجرای قرارداد

ماده ۱۰۳۴ - اگر اخراج برخی از کارکنان به جهات اقتصادی در پیش‌نویس قرارداد ارفاقی پیش‌بینی شده باشد، در صورت تصویب قرارداد، کارکنان اخراجی حقوق مترتب بر اخراج را به‌طور کامل و مقدم بر سایر غرماء دریافت می‌کنند ولی درباره سایر حقوق معوق احتمالی جزء بستانکاران عادی منظور می‌شوند و می‌توانند در آن بخش از مطالبات خود وارد قرارداد ارفاقی شوند و یا طبق ماده (۱۰۴۵) این قانون سهم گرمایی دریافت کنند.

ماده ۱۰۳۵ - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در موارد زیر قابل طرح در جلسه مجمع عمومی بستانکاران نیست:

۱- عدم تقدیم ضمائم موضوع ماده (۱۰۳۲) این قانون

۲- محکومیت قطعی تاجر به ورشکستگی به تقلب

۳- محکومیت قطعی تاجر به جعل، خیانت در امانت و صدور چک پرداخت نشدنی در دو سال آخر منتهی به تقدیم دادخواست یا درخواست

۴- گذشت بیش از یک سال از کناره‌گیری تاجر از تجارت تا روز تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران

ماده ۱۰۳۶ - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه میان تاجر متوقف و بستانکاران او منعقد نمی‌شود مگر پس از تشکیل جلسه مجمع عمومی بستانکاران و اتخاذ تصمیم مطابق مواد (۱۰۲۹) و (۱۰۳۰) این قانون.

بستانکاران می‌توانند ضمن تصمیم خود شخصی یا اشخاصی را برای نظارت بر اجرای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه با هزینه خود انتخاب کنند. حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های ناظر بر اساس حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های بازرس در شرکت‌های تجاری است. در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه حکم ماده (۱۰۲۳) این قانون مجری است.

ماده ۱۰۳۷ - اصلاح و تغییر قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در حین اجراء با رعایت این قانون، به پیشنهاد تاجر متوقف و موافقت کلیه بستانکاران طرف قرارداد و تصدیق دادگاه امکان دارد.

ماده ۱۰۳۸ - هرگاه تاجر به عنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شود، لازم است بستانکاران دعوت شوند و معلوم کنند که آیا تصمیم خود در امر انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را به زمان حصول نتیجه رسیدگی به اتهام موکول می‌کنند و یا تصمیم فوری اتخاذ می‌نمایند. بستانکاران می‌توانند با اکثریت تعداد و مبلغ مندرج در ذیل ماده (۱۰۲۹) این قانون تصمیم‌گیری را به زمان بعد موکول یا به انعقاد قرارداد ارفاقی اقدام کنند.

تبصره - چنانچه پس از تبریئه تاجر متوقف انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه مورد تقاضا باشد، احکام مواد این فصل باید اجراء گردد.

ماده ۱۰۳۹ - اگر تاجر متوقف به ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه ممکن است، لکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد بستانکاران می‌توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده (۱۰۳۸) این قانون تصمیم‌گیری در مورد انعقاد قرارداد را به تأخیر اندازند.

ماده ۱۰۴۰ - کلیه بستانکارانی که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را دارند می‌توانند درمورد قرارداد شکایت کنند. شکایت باید ظرف یک هفته از تاریخ تصمیم مجمع انجام گیرد و به‌فوریت به امین و خود تاجر ابلاغ شود. امین و تاجر متوقف در اولین فرصت برای رسیدگی به موضوع شکایت به دادگاه احضار می‌شوند.

ماده ۱۰۴۱ - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه باید به تصدیق دادگاه برسد و هر یک از اطراف قرارداد می‌توانند تأیید آن را تقاضا نمایند. دادگاه نمی‌تواند قبل از انقضای مهلت شکایت درباره تأیید قرارداد تصمیم بگیرد. هرگاه ظرف این مدت از طرف بستانکارانی که حق شکایت دارند، اعتراضی به عمل آید دادگاه باید در موضوع اعتراضات و تأیید قرارداد ارفاقی پیشگیرانه رأی واحد صادر کند. اگر اعتراضات تأیید شود، قرارداد درمورد تمام اشخاص ذی‌نفع بلااثر می‌شود.

ماده ۱۰۴۲ - پیش از آنکه دادگاه در باب تأیید قرارداد رأی دهد، قاضی ناظر باید گزارشی که متضمن کیفیت امور تاجر متوقف و امکان قبول قرارداد باشد به دادگاه تقدیم نماید.

ماده ۱۰۴۳ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر، دادگاه قرارداد ارفاقی را تصدیق نمی‌کند.

ماده ۱۰۴۴ - قاضی ناظر به وسیله امین، رأی صادر شده در خصوص تصدیق قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را در روزنامه آگهی می‌کند.

فصل دوم - آثار قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

ماده ۱۰۴۵ - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه نسبت به بستانکارانی که در اکثریت می‌باشند و یا کسانی که ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده‌اند لازم است. بستانکارانی که جزء اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را موافق آنچه که در صورت صدور حکم ورشکستگی و تصفیه اموال از دارایی تاجر به آنها می‌رسد دریافت نمایند، لکن حق ندارند بقیه طلب خود را در آتیه از دارایی تاجر مطالبه کنند مگر پس از تأدیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته و یا آن را ظرف ده روز مذکور امضاء نمایند.

ماده ۱۰۴۶ - پس از تصدیق قرارداد ارفاقی، دعوای بطلان درباره آن قبول نمی‌شود مگر اینکه کشف شود در میزان دارایی یا مقدار دیون، تقلب به کار رفته و به مقدار واقعی قلمداد نشده است.

ماده ۱۰۴۷ - زمانی که رأی دادگاه درباره تصدیق قرارداد قطعی شود، امین در حضور قاضی ناظر صورتحساب کاملی به تاجر می‌دهد و کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی تاجر متوقف را به استثنای آنچه که باید به بستانکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده‌اند داده شود به مشارالیه تسلیم می‌کند و رسید می‌گیرد. پس از آنکه تأدیه سهم بستانکاران مذکور انجام شد، مأموریت امین خاتمه می‌یابد. قاضی ناظر نیز از تمام این مراتب صورتمجلسی تهیه می‌کند و به مأموریت خود خاتمه می‌دهد. در صورت بروز اختلاف در مورد صورتحساب و یا صورتمجلس دادگاه رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می‌نماید.

ماده ۱۰۴۸ - پس از ختم مأموریت مدیر تصفیه موقت، ممنوعیت تاجر متوقف از مداخله در امور مالی خود مرتفع و نفقه‌ای که برای او مقرر شده است قطع می‌گردد.

ماده ۱۰۴۹ - در طول دوره اجرای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه هیچ‌یک از بستانکاران دعوت شده به جلسه مجمع عمومی بستانکاران در مورد دیون موضوع قرارداد و یا دیونی که از بابت آن سهم غرمایی دریافت کرده‌اند، حق اقامه دعوی، ادامه دعوای توقیف شده، شروع و یا ادامه عملیات اجرائی را علیه تاجر متوقف ندارند.

ماده ۱۰۵۰ - تاجر متوقف در حال اجرای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه مکلف است در سربرگها و مکاتبات خود، عنوان «در حال اجرای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» را درج کند.

فصل سوم - فسخ یا بطلان قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

ماده ۱۰۵۱ - قرارداد ارفاقی پیشگیرانه در موارد زیر باطل است:

۱- محکومیت قطعی تاجر به ورشکستگی به تقلب پس از تصویب قرارداد در مجمع عمومی بستانکاران

۲- کشف تقلب در میزان دارایی یا مقدار دیون موضوع ماده (۱۰۴۶) این قانون

ماده ۱۰۵۲ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجراء نکند، می‌توان برای فسخ قرارداد علیه او اقامه دعوی نمود.

ماده ۱۰۵۳ - اگر تاجر پس از تصدیق قرارداد ارفاقی از بابت ورشکستگی به تقلب، تعقیب، توقیف یا حبس شود، دادگاه می‌تواند هر قسم اقدامات تأمینی را که مقتضی می‌داند اتخاذ نماید ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه اقدامات مذکور مرتفع می‌شود.

ماده ۱۰۵۴ - پس از محکومیت کیفری قطعی تاجر به مجازات ورشکستگی به تقلب یا صدور حکم بطلان موضوع بند (۲) ماده (۱۰۵۱) این قانون یا فسخ قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، دادگاه دوباره یک امین معین و مراتب را برای تعیین قاضی ناظر به اداره تصفیه مربوط ابلاغ می‌کند.

ماده ۱۰۵۵ - قاضی ناظر می‌تواند دارایی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید. امین به‌فوریت از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی به اسناد و نوشته‌ها می‌نماید و اگر لازم باشد ممتمی برای صورت دارایی ترتیب می‌دهد. در صورت وجود بستانکاران یا بدهکاران جدید امین باید به‌فوریت به‌وسیله اعلان در روزنامه، آنان را دعوت نماید که ظرف مهلت‌های مقرر در ماده (۹۸۸) این قانون اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی مطابق تشریفات قانونی تشخیص مطالبات، ابراز کنند. در اعلان مذکور مفاد قرار دادگاه که به موجب آن امین معین شده است باید درج شود.

ماده ۱۰۵۶ - بدون فوت وقت و با رعایت مقررات مواد (۹۹۳) تا (۹۹۸) این قانون به اسنادی که مطابق ماده (۱۰۵۵) ابراز شده است، رسیدگی می‌شود، ولی درمورد مطالباتی که در گذشته تشخیص شده است رسیدگی جدید به عمل نمی‌آید. مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق قرارداد ارفاقی پرداخته شده است کنار گذاشته می‌شود.

ماده ۱۰۵۷ - معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم مربوط به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مذکور انجام داده است، باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود معامله به ضرر بستانکاران بوده است که در این صورت قرارداد منعقدشده در مقابل بستانکاران قابل استناد نیست.

ماده ۱۰۵۸ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی، ورشکستگی تاجر اعلام و دارایی او میان بستانکاران سابق و اشخاصی که بعد از قرارداد بستانکار شده‌اند حسب اصول تصفیه اموال ورشکسته تقسیم می‌شود.

ماده ۱۰۵۹ - اگر بستانکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال قرارداد مالی دریافت کنند، دریافتی آنها از سهم غرمایی کسر می‌شود.

ماده ۱۰۶۰ - هرگاه بدون اعلام بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، دوباره توقف تاجری که تحت چنین قراردادی مشغول فعالیت است اعلام شود، اجرای مواد (۱۰۵۸) و (۱۰۵۹) این قانون در مورد او الزامی است.

باب پنجم - اعلام ورشکستگی

فصل اول - شرایط اعلام ورشکستگی و اداره‌کنندگان امور ورشکسته

ماده ۱۰۶۱ - در موارد زیر می‌توان تاجر را ورشکسته اعلام نمود:

۱- در صورت عدم احراز کفایت اموال تاجر مطابق ماده (۱۰۲۹) این قانون و عدم موافقت بستانکاران با انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

۲- در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

ماده ۱۰۶۲ - بستانکاران تاجر ورشکسته می‌توانند حداکثر تا پنج روز پس از صدور حکم ورشکستگی، شخصی را به عنوان مدیر تصفیه انتخاب نمایند. مدیر تصفیه باید از بین اشخاصی که به این منظور طبق این قانون انتخاب می‌گردند تعیین شود. برای انتخاب مدیر تصفیه موافقت اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون لازم است. در صورت عدم حصول موافقت، دادگاه، حداکثر تا پنج روز پس از انقضای مهلت بستانکاران برای انتخاب مدیر تصفیه، شخصی را بدین عنوان منصوب می‌کند.

ماده ۱۰۶۳ - در مورد بانکها، شرکتهای بیمه، شرکتهای سهامی عام، تعاونی سهامی عام، مختلط سهامی عام و مواردی که به موجب آیین‌نامه اجرائی مشخص می‌شود هیأتی مرکب از سه یا پنج مدیر تصفیه که از میان اشخاص حقوقی واجد صلاحیت انتخاب

می‌شوند وظایف مدیر تصفیه را بر عهده می‌گیرند. ترتیب تشکیل، اداره جلسه و تصمیم‌گیری مدیران تصفیه متعدد و انتخاب آنان تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد شرکتهای تجارتی است. بستانکاران می‌توانند حق‌الزحمه مدیر تصفیه را پردازند و مقدم بر سایر مطالبات از اموال ورشکسته وصول نمایند. همچنین بستانکاران می‌توانند به هزینه خود، یک یا چند شخص را برای نظارت بر مدیر تصفیه انتخاب کنند. حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های ناظر بر اساس حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های بازرس در شرکتهای تجارتی است.

تبصره ۱- در مواردی که دادگاه مطابق بند (۲) ماده (۱۲۲۲) این قانون امر تصفیه را به اداره تصفیه ارجاع دهد رعایت مفاد این ماده الزامی نیست.

تبصره ۲- انتخاب یا نصب امین به عنوان مدیر تصفیه بلامانع است.

ماده ۱۰۶۴ - دادگاه باید با اخطار کتبی مدیر تصفیه را مطلع کند و انجام وظایف مربوط را از او بخواهد.

ماده ۱۰۶۵ - در صورتی که ورشکستگی تاجر مطابق بند (۱) ماده (۱۰۶۱) این قانون اعلام شود، امین مکلف است به‌فوریت پس از انتخاب مدیر تصفیه در حضور قاضی ناظر صورتحساب کاملی به مدیر تصفیه جدید بدهد و کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به مدیر تسلیم و رسید دریافت و مأموریت خود را ختم کند. قاضی ناظر باید از تمام این مراتب صورتمجلسی تهیه کند. در صورت بروز اختلاف در مورد صورتحساب و یا صورتمجلس، دادگاه رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می‌نماید.

تبصره رعایت مفاد این ماده در مورد تبصره ماده (۱۰۶۳) الزامی نیست.

ماده ۱۰۶۶ - مدیر تصفیه مکلف است خلاصه‌ای از رأی صادرشده در مورد اعلام ورشکستگی را در روزنامه منتشر کند. این امر باید حداکثر تا ده روز پس از دریافت اخطاریه موضوع ماده (۱۰۶۴) این قانون از جانب مدیر تصفیه انجام شود.

آگهی مذکور باید شامل نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شماره تجارتی تاجر ورشکسته، مشخصات دادگاه صادرکننده رأی، تاریخ صدور رأی، تاریخ توقف و نام، نام خانوادگی و عنوان مدیر تصفیه باشد.

ماده ۱۰۶۷ - وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های مدیر تصفیه، با رعایت تفاوت‌های اعلام توقف و اعلام ورشکستگی، همانی است که در مواد (۹۳۴) تا (۹۳۸) این قانون مقرر شده است. علاوه بر این تفریغ حساب و ختم عملیات ورشکستگی موافق مقررات فصل سوم این باب از وظایف مدیر تصفیه محسوب می‌شود. قاضی ناظر میزان حق‌الزحمه مدیر تصفیه را در حدود آیین‌نامه اجرائی معین می‌کند.

ماده ۱۰۶۸ - از تصمیمات مدیر تصفیه می‌توان در چهارچوب ماده (۹۳۹) این قانون شکایت کرد.

ماده ۱۰۶۹ - عزل مدیر تصفیه انتخابی با تصمیم اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون و عزل مدیر تصفیه انتصابی موافق ماده (۹۴۰) انجام خواهد گرفت که در این صورت انتخاب مدیر تصفیه جدید مطابق ماده (۱۰۶۲) و در مهلت مقرر در آن انجام می‌گیرد. در صورت فوت، انحلال یا معذوریت مدیر تصفیه یا ممنوعیت وی از تصدی این سمت نیز مدیر تصفیه مطابق ماده (۱۰۶۲) انتخاب می‌شود.

ماده ۱۰۷۰ - پس از صدور حکم ورشکستگی، قاضی ناظر کماکان به انجام وظیفه ادامه می‌دهد مگر اینکه دادگاه تغییر او را از اداره تصفیه امور ورشکستگی بخواهد.

ماده ۱۰۷۱ - وظایف و اختیارات قاضی ناظر، با رعایت تفاوت‌های اعلام توقف و اعلام ورشکستگی، همان است که در مواد (۹۴۱) تا (۹۴۴) مقرر شده است. از تصمیمات قاضی ناظر می‌توان در چهارچوب ماده (۹۴۵) این قانون شکایت کرد.

فصل دوم - آثار اعلام ورشکستگی

مبحث اول - آثار ورشکستگی نسبت به تاجر ورشکسته و بستانکاران او

ماده ۱۰۷۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی، آثار اعلام توقف مندرج در مواد (۹۴۸)، (۹۵۰)، (۹۵۳)، (۹۵۶) و (۹۵۸) تا (۹۶۶) این قانون به قوت خود باقی می ماند و اگر زایل شده است دوباره برقرار می شود حتی در مورد تاجری که به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) عمل کرده است.

ماده ۱۰۷۳ - از تاریخ اعلام ورشکستگی هر شخص که با تاجر ورشکسته دعوایی داشته باشد، باید علیه مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. دادگاه هر وقت صلاح بداند می تواند ورود تاجر ورشکسته را در دعاوی مطروح اجازه دهد. در خصوص آن دسته از دعاوی که پیش از اعلام ورشکستگی، از جانب تاجر یا علیه او اقامه شده است، دادرسی متوقف و تابع قانون آیین دادرسی مدنی است. رعایت ماده (۹۵۲) این قانون در این مورد نیز الزامی است.

ماده ۱۰۷۴ - در کلیه اختیارات، حقوق و دعاوی مالی که استفاده از آن در اداره اموال یا تأدیه دیون تاجر متوقف مؤثر باشد، مدیر تصفیه قائم مقام قانونی وی محسوب است.

ماده ۱۰۷۵ - تاجر ورشکسته، مدیر یا مدیران و مدیر عامل شخص حقوقی ورشکسته از کلیه حقوق اجتماعی موضوع مجازات های تبعی در قانون مجازات اسلامی محروم می شود. همچنین اشخاص مذکور نمی توانند به امور زیر بپردازند:

۱- تأسیس شرکت تجارتی

۲- عضویت در هیأت مدیره شرکت های تجارتی

۳- تصدی مدیر عاملی در شرکت های تجارتی

۴- کسب اعتبار و دریافت تسهیلات به هر عنوان از بانکها و مؤسسات اعتباری عمومی و دولتی به جز وام های ضروری از قبیل وام مسکن و ازدواج

۵- انجام هرگونه معامله با دستگاه های اجرایی

تبصره ۱- محرومیت های مذکور با اعاده اعتبار تاجر ورشکسته رفع می شود.

تبصره ۲- ورشکسته به تقلب و تقصیر علاوه بر موارد مذکور از اشتغال به اعمال تجارتی و ورود به عنوان شریک یا سهامدار جز در شرکت های شرکت تعاونی غیرسهامی محروم است.

ماده ۱۰۷۶ - هیچ یک از اعمال حقوقی و نیز اقارییر تاجر ورشکسته از زمان صدور حکم ورشکستگی نسبت به اموال وی، به ضرر بستانکاران قابل استناد نیست. اموالی که پس از صدور حکم ورشکستگی عاید ورشکسته می گردد مشمول منع مداخله نیست.

ماده ۱۰۷۷ - با صدور حکم ورشکستگی دیون مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت، به دیون حال مبدل می شود.

ماده ۱۰۷۸ - از تاریخ توقف، خسارت تأخیر درانجام تعهد به تاجر تعلق نمی گیرد. با وجود این، اعلام ورشکستگی سبب توقف تعلق خسارت ناشی از کاهش ارزش پول به بستانکار نمی شود لکن مطالبه آن منوط به ختم عملیات تصفیه و ملات تاجر است.

ماده ۱۰۷۹ - پس از صدور حکم ورشکستگی، دیون ورشکسته و مطالبات وی، حتی در صورت وجود شرایط، تهاتر نمی شود.

ماده ۱۰۸۰ - نفقه تاجر و افراد واجب النفقه او که مطابق مواد (۹۵۳) تا (۹۵۶) این قانون برقرار می شود، تا ختم عملیات تصفیه، قطع نمی شود.

ماده ۱۰۸۱ - تاجر می تواند با رعایت ماده (۱۰۷۵) این قانون هر گونه تصرفی در اموالی که پس از صدور حکم ورشکستگی عاید او می گردد انجام دهد. کلیه بستانکاران ورشکسته نیز برای حفظ حقوق خود حق هر گونه اقدام قانونی شخصی درباره این اموال را دارند.

ماده ۱۰۸۲ - اعلام ورشکستگی سبب انفساخ عقود لازمی که سابق بر اعلام آن و به موجب قانون منعقد گردیده است نیست مگر در مواردی که قانون معین می کند.

ماده ۱۰۸۳ - هرگاه مال یا شخصی در اجازه تاجر ورشکسته باشد، موجر یا اجیر حق فسخ اجازه را دارد و از بابت مال الاجاره ای که تا تاریخ فسخ مستحق شده و دریافت نکرده است، در ردیف غرماء منظور می شود. اگر مدیر تصفیه ابقاء اجازه را موافق منافع بستانکاران تشخیص دهد، می تواند در صورت موافقت موجر یا اجیر و در صورت لزوم با اعطای تأمین کافی مانع فسخ قرارداد گردد.

ماده ۱۰۸۴ - در صورت عدم فسخ اجازه از جانب موجر یا اجیر وی باید از بابت مال الاجاره هایی که دریافت نکرده است و یا حسب شرایط قرارداد در آتیه مستحق می شود، در صف غرماء داخل گردد.

ماده ۱۰۸۵ - مدیر تصفیه در صورت بقای اجازه می تواند با اجازه قاضی ناظر عین مستأجره را برای بقیه مدت به دیگری اجازه دهد، مشروط بر اینکه این امر به موجب قرارداد ممنوع نشود. در این صورت، کلیه شرایط و مقررات اجازه نامه و نیز توافقات بعدی، در صورت وجود، باید به موقع اجراء شود.

ماده ۱۰۸۶ - انجام هیچ معامله ای با اموال تاجر ورشکسته از جانب مدیر تصفیه جز در موارد زیر مجاز نیست:

۱- موارد مندرج در ماده (۹۷۵) این قانون

۲- سپرده گذاری وجوه نقد نزد بانکها یا مؤسسات مالی و اعتباری برای حفظ ارزش پول با تأیید قاضی ناظر

ماده ۱۰۸۷ - به محض صدور حکم ورشکستگی در صورتی که امکان واگذاری اموال تاجر مطابق ماده (۱۰۹۵) این قانون به صورت یکجا وجود نداشته باشد کلیه مستخدمان تاجر، فارغ از اینکه قرارداد آنها تابع چه قانونی است، اخراج می شوند.

مبحث دوم - دعوای استرداد

ماده ۱۰۸۸ - عین کالاها، اسناد، اوراق بهادار، و وجوه نقدی متعلق به غیر که نزد تاجر ورشکسته موجود است به درخواست مالک قابل استرداد است.

ماده ۱۰۸۹ - در بیع حال مبیع مشخص، چنانچه مشتری قبل از پرداخت ثمن ورشکسته شود و عین مبیع نزد او موجود باشد با بیع حق استرداد آن را دارد.

ماده ۱۰۹۰ - مدیر تصفیه می تواند در اجرای ماده (۱۰۸۹) این قانون، در صورت رضایت با بیع، با اجازه قاضی ناظر عدم استرداد کالا یا تسلیم آن را تقاضا کند ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.

ماده ۱۰۹۱ - اگر کالایی که به عنوان مبیع برای تاجر ورشکسته حمل شده است، قبل از وصول از روی صورتحساب یا بارنامه ای که دارای امضای ارسال کننده است فروخته شده باشد و فروش نیز صوری نباشد، دعوای استرداد پذیرفته نمی شود.

ماده ۱۰۹۲ - اموالی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری به صورت حال خریداری کرده و عین آن نزد ورشکسته موجود است اگر قیمت آن به بیع پرداخت نشده باشد به وسیله وی و در غیر این صورت به وسیله شخصی که آن مال به حساب او خریداری شده است، قابل استرداد است.

ماده ۱۰۹۳ - هرگاه تمام یا قسمتی از اموالی که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده است معامله نشود و وجه آن به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد، از طرف خریدار قابل استرداد است.

فصل سوم - تفریغ حساب و ختم عملیات ورشکستگی

ماده ۱۰۹۴ - مدیر تصفیه به فوریت پس از صدور حکم ورشکستگی، عملیات تصفیه و تفریغ حساب ورشکسته را شروع می‌کند. مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسته را بفروشد و مطالبات و دیون او را حسب مورد به داوری ارجاع دهد، صلح و یا وصول نماید و حساب تاجر را تصفیه کند. تمام این مراتب تحت نظر قاضی ناظر و با حضور تاجر ورشکسته به عمل می‌آید. اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نماید، اطلاع دادستان کافی است.

ماده ۱۰۹۵ - اموال تاجر در موارد مذکور در تبصره ماده (۹۶۸) این قانون در صورت امکان باید به صورت یکجا واگذار شود. مدیر تصفیه به موجب مواد این باب و آیین‌نامه اجرائی تبصره ماده (۹۶۸) که نحوه واگذاری اموال به صورت یکجا را نیز دربر می‌گیرد، تحت نظارت قاضی ناظر و با تصدیق وی نسبت به واگذاری اموال تاجر به صورت یکجا اقدام می‌کند. در غیر این صورت، اموال تاجر مطابق مقررات این باب واگذار می‌شود.

ماده ۱۰۹۶ - اگر به هر علت وثیقه‌ای فک نشود، مطابق مواد (۹۶۰) تا (۹۶۵) این قانون به فروش و فک آن اقدام می‌شود.

ماده ۱۰۹۷ - اموال منقول ورشکسته حسب مورد از طریق مزایده فروخته می‌شود.

ماده ۱۰۹۸ - در صورتی که مال منقول در بورس و یا بازار قیمت معینی داشته باشد، فروش آن به طریق غیرمزایده جایز است.

ماده ۱۰۹۹ - شرایط فروش حداقل ده روز قبل از مزایده در محلی که قاضی ناظر معین می‌کند، در دسترس عموم قرار می‌گیرد و هر کس می‌تواند اطلاعات لازم در این مورد را کسب نماید. آگهی فروش شامل مشخصات مال، شرایط فروش مال و نحوه پرداخت که نباید موعد آن بیشتر از سه ماه از تاریخ فروش باشد، مکان، روز و ساعت مزایده می‌شود.

ماده ۱۱۰۰ - مدیر تصفیه مکلف است شرایط فروش را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین کند و به تأیید قاضی ناظر برساند.

ماده ۱۱۰۱ - اشیای ساخته شده از فلزات گرانبها مانند طلا و نقره نباید به بهائی کمتر از بهای فلزی آنها فروخته شود.

ماده ۱۱۰۲ - شرایط فروش از جانب هر ذی‌نفع نزد دادگاه قابل شکایت است. این امر باعث تعویق اجرای مزایده است مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری مقرر کند.

ماده ۱۱۰۳ - مال منقولی که از طریق حراج حضوری فروخته می‌شود پس از سه مرتبه با صدای بلند مأمور حراج به کسی که قیمت حداکثر را پیشنهاد کرده است واگذار می‌شود.

ماده ۱۱۰۴ - در صورتی که نحوه پرداخت در مزایده حال باشد اعطای مهلت یک‌روزه مجاز است لکن در هر حال تسلیم مال نباید پیش از پرداخت بها صورت گیرد.

ماده ۱۱۰۵ - اگر پرداخت در موعد مقرر انجام نگیرد، معامله باطل محسوب می‌شود و مزایده جدید انجام می‌گیرد و پیشنهاددهنده سابق مسئول کسر قیمت و سایر خسارات وارد شده است.

ماده ۱۱۰۶ - فروش اموال غیرمنقول تابع مقررات فروش این اموال در قانون اجرای احکام مدنی است.

ماده ۱۱۰۷ - در مورد فروش اموال غیرمنقول به اموری که انجام آن در دفتر املاک و یا سایر مراجع قانونی لازم است از طرف مدیر تصفیه اقدام می‌شود.

ماده ۱۱۰۸ - رعایت مواد (۱۰۹۷) تا (۱۱۰۷) این قانون در مورد فروش اموالی که متضمن نفع بسیار برای بستانکاران است نیز الزامی است.

ماده ۱۱۰۹ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکسته و نفقه‌ای که ممکن است به تاجر ورشکسته یا افراد واجب‌النفقه او پرداخت شود و وجوهی که باید مطابق ماده (۱۱۱۶) این قانون به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد، مجموع دارایی بین بستانکاران به نسبت طلب آنها که از قبل تشخیص شده است تقسیم می‌شود.

ماده ۱۱۱۰ - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده (۱۱۰۹) این قانون هر ماه یک مرتبه گزارش تصفیه ورشکسته را با تعیین وجوه موجود به قاضی ناظر ارائه می‌کند. قاضی مذکور در صورت لزوم به تقسیم وجوه مذکور بین کلیه بستانکاران دستور می‌دهد و مبلغ آن را معین و مواظبت می‌نماید که به تمام بستانکاران اطلاع داده شود.

ماده ۱۱۱۱ - تقسیم موقت سهم گرمایی فقط پس از انقضای مدت مذکور در ماده (۹۹۹) این قانون امکان دارد.

ماده ۱۱۱۲ - برای مطالبات معلق و مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی معادل سهم گرمایی صاحبان این‌گونه طلبها منظور گردد.

ماده ۱۱۱۳ - وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده منظور گردیده است، به‌طور امانت به صندوق امانات دادگستری سپرده خواهد شد و در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین بستانکارانی که طلب آنها تأیید شده است، تقسیم می‌شود.

ماده ۱۱۱۴ - ممکن است هیأت بستانکاران با اطلاع تاجر ورشکسته از دادگاه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده است، به‌طوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود، قبول کنند و مورد معامله قرار دهند. در این صورت، مدیر تصفیه اقدامات مقتضی را انجام می‌دهد. در این مورد هر بستانکار می‌تواند به قاضی ناظر مراجعه و تقاضا نماید که بستانکاران دیگر را برای اتخاذ تصمیم در این باره دعوت کند.

ماده ۱۱۱۵ - پس از مشخص شدن و تجمیع وجوه حاصل از فروش و قطعی شدن فهرست بستانکاران، مدیر تصفیه صورتی از حاصل دارایی و حساب نهائی آن تنظیم می‌کند و به تأیید قاضی ناظر می‌رساند. صورت تقسیم و حساب نهائی در مدت ده روز از طریق نشر آگهی در روزنامه به اطلاع بستانکاران می‌رسد. به علاوه خلاصه‌ای از صورت مربوط به سهم هر یک از بستانکاران برای آنها فرستاده می‌شود.

ماده ۱۱۱۶ - در برگ تقسیم حاصل فروش، بستانکاران با وثیقه نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه، مقدم بر سایر بستانکاران قرار می‌گیرند.

طلبهای فاقد وثیقه و همچنین باقیمانده طلبهایی که وثیقه داشته ولی تمام آنها از فروش مال مورد وثیقه پرداخت نشده‌اند، به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدم‌اند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال ورشکسته این تقدم رعایت و قید می‌شود:

طبقه اول:

نفقه زوجه

طبقه دوم:

سپرده‌های نقدی اشخاص نزد بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و کارگزاران بورس و بیمه و سایر حق‌العمل‌کاران تا سقف یک‌صد میلیون ریال

طبقه سوم:

حقوق کلیه مستخدمان تاجر ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از ورشکستگی و بیست و پنج درصد (۲۵٪) حقوق مترتب بر اخراج آنان

طبقه چهارم:

طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده است به نسبت میزانی که وی برای ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی حق تقدم دارد که توقف تاجر در دوره قیمومت یا ولایت و یا تا یک سال پس از انقضای آن اعلام شود.

طبقه پنجم:

مهریه زن تا میزان یک صد میلیون ریال به شرط آنکه ازدواج حداقل پنج سال قبل از توقف تاجر واقع شده باشد. مازاد بر این مقدار از، مهریه جزء سایر دیون محسوب می شود.

طبقه ششم:

سایر بستانکاران

ماده ۱۱۱۷ - پس از انقضای مدت مذکور در ماده (۱۱۱۵) این قانون مدیر تصفیه به دستور قاضی ناظر سهم هر یک از بستانکاران را پرداخت می نماید.

ماده ۱۱۱۸ - مدیر تصفیه هیچ طلبی را نمی پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آن را از قبل ملاحظه کرده باشد. مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته است در روی سند قید می کند. قاضی ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می تواند اجازه دهد که به موجب صورتجلسی که طلب در آن تصدیق شده، وجه پرداخت شود. در هر حال بستانکاران باید دریافت وجه را در زیر صورت تقسیم رسید کنند.

ماده ۱۱۱۹ - مدیر تصفیه به هر یک از بستانکارانی که حقوق آنها به طور کامل تأدیه نشده است و نیز به بستانکارانی که جزء صورت نیامده اند سند عدم کفایت دارایی می دهد. سند مذکور در حکم سند رسمی لازم الاجراء است.

ماده ۱۱۲۰ - مطالبه از شخصی که حکم ورشکستگی او صادر شده است منوط به اثبات ملاتت وی است.

ماده ۱۱۲۱ - به محض اینکه تفریغ و تصفیه حساب تاجر به اتمام برسد، قاضی ناظر بستانکاران و تاجر ورشکسته را دعوت می نماید. در این جلسه مدیر تصفیه در حضور قاضی ناظر صورتحساب خود را خواهد داد و مأموریت خود را خاتمه می دهد. قاضی ناظر باید از تمام این مراتب صورتمجلسی تهیه کند. مفاد صورتمجلس و نیز خلاصه ای از صورتحساب باید حداکثر تا پنج روز پس از جلسه در روزنامه آگهی شود. بستانکاران معترض می توانند ظرف ده روز پس از نشر آگهی درمورد صورتحساب و یا صورتمجلس نزد دادگاه صادرکننده رأی شکایت کنند. دادگاه مکلف است خارج از نوبت و حداکثر تا بیست روز پس از وصول آخرین شکایت به مسأله رسیدگی و حکم مقتضی را صادر نماید.

ماده ۱۱۲۲ - پس از تقدیم صورتحساب و صورتمجلس موضوع ماده (۱۱۲۱) این قانون به مجمع عمومی بستانکاران، در صورت عدم وصول شکایت درمورد آنها و یا رسیدگی به کلیه شکایات واصل شده دادگاه ختم عملیات ورشکستگی را اعلام می کند. قاضی ناظر مراتب را در روزنامه آگهی می کند و به مأموریت خود خاتمه می دهد. پس از این اعلام کلیه آثار ورشکستگی به جز آنچه که در ماده (۱۰۷۵) آمده است مرتفع می گردد.

ماده ۱۱۲۳ - هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموالی متعلق به ورشکسته کشف شود، به درخواست هریک از بستانکارانی که طلب شان تشخیص شده است و به دستور دادگاه صادرکننده حکم، توقیف و حاصل فروش آن بدون هیچ گونه تشریفاتی بین بستانکاران تقسیم می شود. درمورد سهامی که به مناسبت مشکوک یا معلق بودن طلب به ودیعه گذاشته شده است و بعد از این تصرف در آنها مجاز می شود نیز به همین ترتیب اقدام می گردد.

ماده ۱۱۲۴ - تفریغ و تصفیه حساب ورشکسته باید حداکثر تا نه ماه پس از صدور حکم ورشکستگی انجام شود. این مهلت تنها برای یکبار و به مدت سه ماه با حکم دادگاه قابل تمدید است. در صورتی که به هر علت تصفیه حساب ورشکسته در مهلهای مذکور ممکن نگردد، از بستانکاران برای تعیین تکلیف دعوت می شود.

باب ششم - مقررات خاص شرکتهای تجاری

ماده ۱۱۲۵ - در صورت وجود شرایط مقرر در این باب، ورشکستگی شرکت تجاری را از زمان تشکیل تا ختم تصفیه می‌توان از دادگاه صالح تقاضا کرد حتی اگر شرکت منحل شده و در حال تصفیه باشد.

ماده ۱۱۲۶ - تقاضای اعلام ورشکستگی شرکت تجاری به وسیله خود شرکت فقط با تصویب مجمع عمومی فوق العاده و به وسیله مدیر عامل مجاز است.

ماده ۱۱۲۷ - در صورت احتمال بهبود وضع مالی شرکت یا اقتضای مصالح ملی، دادگاه می‌تواند رأساً یا به تقاضای شرکت رسیدگی به دعوی را حداکثر به مدت سه ماه به تأخیر اندازد. در این موارد دادگاه باید به اتخاذ اقدامات احتیاطی لازم برای حفظ اموال شرکت دستور دهد.

ماده ۱۱۲۸ - در صورت اعلام توقف شرکت، دادگاه صادرکننده رأی برای رسیدگی به تقاضای ورشکستگی شخصی که در اموال شرکت مانند اموال شخصی خود تصرف می‌کرده و یا به نام شرکت و به حساب خود، معاملاتی انجام داده، صالح است حتی در صورتی که به خودی خود صالح برای رسیدگی به تقاضای ورشکستگی شخص مذکور نباشد.

ماده ۱۱۲۹ - در کلیه مواردی که حسب مواد این باب حضور یا اخذ نظر تاجر و یا ادای توضیح از جانب وی لازم است، مدیرعامل شرکت جایگزین او می‌شود.

ماده ۱۱۳۰ - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و پیش‌نویس آن در شرکت تجاری متوقف باید، به تصویب مجمع عمومی عادی سالانه یا عادی به طور فوق العاده برسد و سپس از جانب مدیرعامل شرکت تقدیم گردد.

ماده ۱۱۳۱ - ورشکستگی شرکا و یا سهامداران ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت و ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و یا سهامداران آن ندارد.

ماده ۱۱۳۲ - ورشکستگی شرکت تجاری را پس از انحلال نیز می‌توان تقاضا کرد، مشروط بر اینکه اموال شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده ۱۱۳۳ - هرگاه شرکت منحل شده قبل از انحلال از تأدیه وجوهی که بر عهده داشته متوقف باشد یا پس از انحلال از تأدیه وجوه مذکور متوقف شود، مدیر یا مدیران تصفیه باید ورشکستگی شرکت را مطابق مقررات مربوط از مراجع ذیصلاح قضائی تقاضا کنند.

باب هفتم - طرق شکایت از آراء صادرشده در دعوای ورشکستگی

ماده ۱۱۳۴ - شکایت از آرای صادر شده در رسیدگی به دعوای ورشکستگی تابع قانون آیین دادرسی مدنی است مگر در مواردی که در این باب پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۱۳۵ - رأی دادگاه رسیدگی کننده به دادخواست ورشکستگی فقط در موارد زیر و با رعایت قانون آیین دادرسی مدنی، قابل واخواهی یا اعتراض ثالث یا تجدید نظرخواهی است:

۱- رأی دائر بر رد دادخواست ورشکستگی

۲- رأی اعلام توقف

۳- رأی متضمن تاریخ توقف تاجر

۴- رأی اعلام ورشکستگی

۵- قرار بازداشت تاجر متوقف

ماده ۱۱۳۶ - مهلت واخواهی، اعتراض ثالث و تجدید نظرخواهی بیست روز از تاریخ اعلان رأی است.

ماده ۱۱۳۷ - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص مطالبات بستانکاران معین می‌شود، دیگر هیچ تقاضایی از طرف آنان راجع به تغییر تاریخ توقف قبول نمی‌شود.

ماده ۱۱۳۸ - فقط آراء موضوع بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۱۱۳۵) این قانون در چهارچوب مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی قابل فرجام‌خواهی می‌باشند.

باب هشتم - اعاده اعتبار

ماده ۱۱۳۹ - محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های مندرج در ماده (۱۰۷۵) این قانون سه سال پس از اعلام ختم عملیات ورشکستگی رفع و به حکم قانون از تاجر اعاده اعتبار می‌شود. اعاده اعتبار موضوع این ماده منوط به تقدیم دادخواست نیست.

ماده ۱۱۴۰ - از ورشکسته به تقصیر اعاده اعتبار نمی‌شود مگر مجازات مربوط را تحمل کند یا عفو شود و از اعلام ختم عملیات ورشکستگی چهارسال بگذرد و کلیه دیون و متفرعات آن و مخارج تصفیه را پرداخت کند.

ماده ۱۱۴۱ - از ورشکسته به تقلب اعاده اعتبار نمی‌شود مگر مجازات مربوط را تحمل کند یا عفو شود و از اعلام ختم عملیات ورشکستگی پنج‌سال بگذرد و کلیه دیون و متفرعات آن و مخارج تصفیه را پرداخت کند.

ماده ۱۱۴۲ - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود و متفرعات آن و مخارج تصفیه را ظرف کمتر از دو سال پس از اعلام ختم عملیات ورشکستگی بپردازد، می‌تواند تقاضای اعاده اعتبار کند مشروط بر اینکه به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب محکوم نشده باشد.

ماده ۱۱۴۳ - در صورتی که ورشکستگی شریک ضامن، در یک شرکت ورشکسته اعلام گردد، از وی جز با اثبات تأدیه تمام دیون شرکت به ترتیب مقرر در ماده (۱۱۴۲) این قانون اعاده اعتبار نمی‌گردد.

ماده ۱۱۴۴ - در صورتی که یک یا چند نفر از بستانکاران غائب باشند و یا از دریافت مطالبات خود امتناع نمایند، تاجر ورشکسته برای اعاده اعتبار باید وجوهی را که به آنها مدیون است با اطلاع دادستان در صندوق امانات دادگستری تودیع نماید. رسید دال بر تودیع وجوه مذکور دلیل برائت ذمه تاجر محسوب است.

ماده ۱۱۴۵ - دادخواست اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبت آن به دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی تقدیم گردد. دادگاه باید به‌فوریت رونوشت یا تصویری از دادخواست را برای دادستان ارسال نماید.

ماده ۱۱۴۶ - مدیر دفتر دادگاه باید به هزینه خواهان مفاد دادخواست مذکور را به کلیه بستانکارانی که سند عدم کفایت دارایی دریافت نموده‌اند، ابلاغ نماید.

ماده ۱۱۴۷ - دادستان باید حداکثر تا سی روز پس از دریافت رونوشت یا تصویر دادخواست اعاده اعتبار گزارشی از آرای کیفری صادرشده در مورد ورشکسته را به دادگاه تقدیم نماید.

ماده ۱۱۴۸ - در صورتی که پرونده تاجر از بابت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب در دادسرا یا دادگاه مطرح باشد، دادستان مکلف است به‌فوریت مراتب را به دادگاه رسیدگی‌کننده به اعاده اعتبار اعلام نماید. در این صورت دادگاه مذکور با صدور قرار اناطه رسیدگی به دعوی را به تبرئه قطعی تاجر ورشکسته منوط می‌کند.

ماده ۱۱۴۹ - خواهان اعاده اعتبار و همچنین هر بستانکاری که سند عدم کفایت دارایی دریافت نموده و طلب خود را به‌طور کامل دریافت نکرده است، می‌تواند از حکم صادرشده تجدیدنظرخواهی کند.

ماده ۱۱۵۰ - در صورتی که پس از حکم به اعاده اعتبار، تاجر به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم شود حکم اعاده اعتبار لغو و اعاده اعتبار حسب مورد به تحقق شرایط مندرج در مواد (۱۱۴۰) و (۱۱۴۱) این قانون موکول می شود.

باب نهم - ورشکستگی بین‌المللی

فصل اول - کلیات

ماده ۱۱۵۱ - احکام این باب به شرط عمل متقابل یا وجود معاهدات دو یا چندجانبه در موارد زیر اعمال می‌شود:

- ۱- دادگاه خارجی یا نماینده وی از دادگاه صالح ایرانی در مورد رسیدگی خارجی درخواست همکاری کند.
- ۲- دادگاه صالح ایرانی از مرجع صلاحیتدار کشور خارجی در مورد دعاوی موضوع این قانون درخواست همکاری کند.
- ۳- رسیدگی‌های همزمان که، به‌صورت توأمان، در ایران و حداقل یک کشور دیگر در جریان باشد.
- ۴- مواردی که بستانکاران یا دیگر اشخاص ذی‌نفع در کشور خارجی، در مورد دادخواست شروع یا شرکت در دعوای ورشکستگی داخلی ذی‌نفع باشند.

ماده ۱۱۵۲ - در غیر موارد مذکور در ماده (۱۱۵۱) این قانون، قانون اجرای احکام مدنی در مورد شناسایی رسیدگیهای خارجی موضوع این باب مجری است و آثار شناسایی آنها تابع احکام این باب است. مواد این باب در مورد رسیدگیهای خارجی مربوط به عجز از پرداخت بانکها و شرکتهای بیمه اعمال نمی‌گردد.

ماده ۱۱۵۳ - اصطلاحات زیر در معانی مشروح به کار می‌رود:

۱- «رسیدگی خارجی» عبارت است از رسیدگی جمعی قضائی یا اداری در یک کشور خارجی طبق قانون مربوط، از جمله رسیدگیهای موقت، که در آن اموال و امور بدهکار، با هدف بازسازی یا تصفیه، در اختیار یا تحت نظارت دادگاه خارجی قرار می‌گیرد.

۲- «رسیدگی خارجی اصلی» عبارت است از رسیدگی خارجی که در کشور مرکز منافع اصلی بدهکار، صورت می‌گیرد.

۳- «رسیدگی خارجی فرعی» عبارت است از رسیدگی خارجی، غیر از رسیدگی خارجی اصلی، که در کشور محل وقوع «بنگاه تجاری» بدهکار، موضوع بند (۶) این ماده، صورت می‌گیرد.

۴- «نماینده خارجی» عبارت است از شخصی که در رسیدگی خارجی، بازسازی، اداره یا تصفیه اموال یا امور بدهکار را به موجب قانون بر عهده دارد یا مانند اشخاص منصوب‌شده در رسیدگیهای موقت به عنوان نماینده رسیدگی مذکور اقدام می‌کند.

۵- «دادگاه خارجی» عبارت است از مرجع قضائی یا اداری که برای انجام رسیدگی خارجی یا نظارت بر آن صالح است.

۶- «بنگاه تجاری» عبارت است از هر محل فعالیتی که بدهکار در آن‌جا با نیروی انسانی و کالا یا خدمات به فعالیت اقتصادی غیرموقت می‌پردازد.

ماده ۱۱۵۴ - در صورت تعارض احکام این باب با مفاد معاهدات بین‌المللی که ایران عضو آن است، تعهدات مذکور حاکم است.

ماده ۱۱۵۵ - صلاحیت دادگاههای ایران برای رسیدگی به دعوای ورشکستگی بین‌المللی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است.

ماده ۱۱۵۶ - مرجع تقاضای شناسایی رسیدگیهای خارجی و همکاری با دادگاههای خارجی در چهارچوب احکام این باب دادگاه عمومی محل اقامت بدهکار و اگر محل اقامت وی در ایران معلوم نباشد، دادگاه عمومی تهران است.

ماده ۱۱۵۷ - در مورد دعاوی ورشکستگی مطرح‌شده در دادگاههای ایران، مدیر تصفیه با نظارت قاضی ناظر ایرانی در کشور خارجی به عنوان نماینده رسیدگی داخلی اقدام می‌کند.

ماده ۱۱۵۸ - چنانچه اجرای احکام این باب مخالف نظم عمومی باشد، دادگاه، حسب مورد، به‌طور کلی یا جزئی از اجرای احکام این باب امتناع می‌کند.

ماده ۱۱۵۹ - مقررات این باب، مانع همکاری بیشتر مراجع داخلی با دادگاه یا نماینده خارجی در حدود قوانین و مقررات نیست.

ماده ۱۱۶۰ - در تفسیر مواد این باب باید به خصوصیت بین‌المللی و ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در اعمال آنها توجه گردد.

فصل دوم - دسترسی بستانکاران و نمایندگان خارجی به دادگاههای داخلی

ماده ۱۱۶۱ - نماینده خارجی می‌تواند به‌طور مستقیم به دادگاه داخلی صالح مراجعه کند.

ماده ۱۱۶۲ - نماینده خارجی می‌تواند مطابق قوانین داخلی در ایران دعوی ورشکستگی اقامه کند.

ماده ۱۱۶۳ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی می‌تواند در دعوی ورشکستگی بدهکار مربوط که به موجب احکام این باب در دادگاه داخلی در حال رسیدگی است شرکت کند.

ماده ۱۱۶۴ - بستانکاران خارجی در مورد شروع یا شرکت در دعوی ورشکستگی به موجب احکام این باب همان حقوقی را دارند که بستانکاران داخلی از آنها برخوردارند. طبقه‌بندی مطالبات بستانکاران خارجی در دعوی داخلی با رعایت ماده (۱۱۱۶) این قانون انجام می‌گیرد.

ماده ۱۱۶۵ - هرگاه به موجب احکام این باب ابلاغ امری به بستانکاران مقیم داخل، الزامی باشد این امر باید به بستانکاران شناخته‌شده‌ای نیز که در ایران نشانی ندارند، ابلاغ شود. دادگاه می‌تواند برای ابلاغ به بستانکارانی که هنوز نشانی آنها معلوم نیست دستور مقتضی را صادر کند. ابلاغ به بستانکاران خارجی باید به‌صورت انفرادی صورت گیرد، مگر اینکه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال شکل دیگری از ابلاغ را مناسبتر تشخیص دهد.

فصل سوم - شناسایی رسیدگی خارجی

ماده ۱۱۶۶ - نماینده خارجی می‌تواند به موجب دادخواست از دادگاه ایران شناسایی رسیدگی خارجی متبوع را تقاضا کند.

ماده ۱۱۶۷ - با رعایت ماده (۱۱۵۸) این قانون، رسیدگی خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل شناسایی است:
۱- در کشوری در حال انجام باشد که به موجب قوانین خود یا معاهداتی که عضو آن است رسیدگی‌های ایرانی در آن کشور قابل شناسایی است یا در این مورد معامله متقابل می‌کند.

۲- در کشوری که در حال انجام است واجد اثر قانونی باشد و به علل قانونی فاقد اعتبار نباشد.

۳- مشمول تعریف مندرج در بند (۱) ماده (۱۱۵۳) این قانون باشد.

۴- درخواست‌کننده شناسایی دارای شرایط مقرر در بند (۴) ماده (۱۱۵۳) این قانون باشد.

۵- دادخواست و پیوست‌های آن مطابق شرایط مقرر در ماده (۱۱۶۸) این قانون تنظیم شده باشند.

۶- دادخواست به دادگاه مورد اشاره در ماده (۱۱۵۶) این قانون تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۶۸ - مدارک زیر باید به دادخواست شناسایی ضمیمه شوند:

۱- تصویر تصمیم‌نامه یا گواهی دادگاه خارجی مبنی بر شروع رسیدگی و نصب نماینده خارجی

تبصره - صحت مطابقت تصویر مذکور با اصل باید به‌وسیله نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که رسیدگی خارجی در آن جریان دارد یا مأمور سیاسی یا کنسولی دولت متبوع دادگاه خارجی در ایران گواهی شود.

۲- گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که رسیدگی خارجی در آن جریان دارد یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور

مذکور در ایران مبنی بر صلاحیت‌دار بودن دادگاه خارجی برای شروع رسیدگی و نصب نماینده خارجی

۳- گواهی امضای نماینده سیاسی یا کنسولی خارجی مذکور در بندهای (۱) و (۲) به‌وسیله وزارت امور خارجه

۴- اعلامیه‌ای حاکی از تمام رسیدگی‌های خارجی مربوط به بدهکار در حدود اطلاع نماینده خارجی

۵- ترجمه رسمی مدارک مذکور در بندهای پیشین به درخواست دادگاه

ماده ۱۱۶۹ - مدیر دفتر دادگاه عین دادخواست و پیوست‌های آن را به دادگاه می‌فرستد و دادگاه، به‌فوریت، در جلسه اداری فوق‌العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن، قرار شناسایی رسیدگی خارجی را، مطابق مواد آتی، صادر یا با ذکر علل و جهات، تقاضا را رد می‌کند.

ماده ۱۱۷۰ - قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از آن تجدیدنظر خواهی کند. مرجع تجدیدنظر در جلسه اداری فوق‌العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی تجدیدنظرخواسته قرار قبول تقاضا را، مطابق مواد آتی، صادر و در غیر این صورت آن را تأیید می‌کند. رأی دادگاه قابل فرجام نیست.

ماده ۱۱۷۱ - چنانچه مدرک مذکور در بند (۱) ماده (۱۱۶۸) این قانون حاکی از آن باشد که رسیدگی خارجی از رسیدگی‌های مذکور در بند (۱) ماده (۱۱۵۳) و نماینده خارجی شخصی دارای شرایط مقرر در بند (۴) همان ماده است، دادگاه می‌تواند رسیدگی را مشمول بند (۱) ماده (۱۱۵۳) و نماینده خارجی را دارای شرایط مقرر در بند (۴) همان ماده فرض کند. در هر حال، اصل بر اعتبار مدارک ارائه‌شده است، مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱۷۲ - چنانچه رسیدگی خارجی در کشوری در جریان باشد که مرکز اصلی منافع بدهکار در آن است، رسیدگی خارجی به عنوان اصلی و اگر در کشوری در جریان باشد که بدهکار در آن بنگاه تجارتي دارد، رسیدگی خارجی به عنوان غیراصلی شناسایی می‌شود.

ماده ۱۱۷۳ - اقامتگاه شخص حقیقی بدهکار مرکز منافع اصلی آن محسوب می‌گردد. در مورد اشخاص حقوقی بدهکار محل ثبت مرکز اصلی منافع وی محسوب می‌شود، مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱۷۴ - چنانچه ثابت شود که مبانی شناسایی رسیدگی خارجی، به‌طور کلی یا جزئی، وجود نداشته‌اند یا دیگر وجود ندارند، دادگاه صادرکننده قرار شناسایی می‌تواند قرار مذکور را، حسب مورد، لغو یا اصلاح کند.

ماده ۱۱۷۵ - پس از ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی باید به‌فوریت دادگاه را از موارد زیر مطلع کند:

۱- هر تغییر اساسی که در وضع رسیدگی خارجی شناسایی شده یا وضع نصب نماینده خارجی به‌وجود آید.

۲- هر رسیدگی خارجی دیگر که درمورد همان بدهکار که نماینده خارجی از آن مطلع می‌گردد انجام شود.

ماده ۱۱۷۶ - پس از ثبت دادخواست شناسایی تا زمان اتخاذ تصمیم در مورد آن، دادگاه می‌تواند به درخواست نماینده خارجی برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران دستور موقت صادر کند. دستور مذکور می‌تواند دربردارنده موارد زیر باشد:

۱- هرگونه عملیات اجرائی علیه اموال بدهکار را متوقف کند.

۲- اداره یا فروش تمام یا بخشی از اموال بدهکار را که در ایران قرار دارند، به شخص تعیین‌شده از سوی دادگاه برای حفظ ارزش اموالی که به حسب ذات یا به علل دیگر، فاسدشدنی، مستعد کاهش ارزش، یا به طریق دیگری در معرض خطر می‌باشند تفویض کند.

۳- هر دستور دیگر مورد اشاره در بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۱۸۳) این قانون را دربر بگیرد.

ماده ۱۱۷۷ - دستور مذکور در ماده (۱۱۷۶) با رعایت مقررات ماده (۱۱۶۵) این قانون ابلاغ می‌شود.

ماده ۱۱۷۸ - پس از اتخاذ تصمیم در مورد دادخواست شناسایی، دستور صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) این قانون، لغو می‌شود، مگر آنکه به موجب بند (۳) ماده (۱۱۸۳) اعتبار دستور مذکور تمدید شود.

فصل چهارم - آثار شناسایی رسیدگی خارجی

ماده ۱۱۷۹ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، مقررات مواد (۹۵۱)، (۹۵۲)، (۹۵۷)، (۹۵۸)، (۹۵۹) و (۱۰۷۸) این قانون در مورد بدهکار مجری است. در این صورت شخصی که نسبت به تاجر متوقف دعوایی دارد باید علیه نماینده خارجی اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند.

ماده ۱۱۸۰ - آثار مذکور در ماده (۱۱۷۹) این قانون در موارد زیر مرتفع می‌شود:

۱- هرگاه آثار رسیدگی خارجی شناسایی شده در کشور متبوع دادگاه خارجی مرتفع شود.

۲- هرگاه اموال بدهکار مطابق ماده (۱۱۸۴) این قانون تقسیم شود.

۳- هرگاه رسیدگی داخلی به رد دادخواست ورشکستگی، انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه یا ختم تصفیه منجر شود.

۴- هرگاه تا دو سال از شناسایی رسیدگی خارجی، آثار آن در کشور متبوع دادگاه خارجی مرتفع نشده و هیچ اقدامی برای تقسیم اموال مطابق ماده (۱۱۸۴) این قانون یا شروع رسیدگی داخلی صورت نگرفته باشد.

ماده ۱۱۸۱ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی فرعی، هرگاه برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران ضرورت داشته باشد، دادگاه می‌تواند با درخواست نماینده خارجی و با رعایت احکام این باب آثار شناسایی خارجی اصلی را در مورد شناسایی خارجی غیر اصلی مقرر کند.

ماده ۱۱۸۲ - ماده (۱۱۷۹) این قانون مانع از اقامه دعوای ورشکستگی داخلی به موجب احکام این باب یا طرح ادعا در دعوای مذکور نیست.

ماده ۱۱۸۳ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، اعم از اصلی و غیراصلی، هرگاه برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران ضرورت داشته باشد، دادگاه می‌تواند، با درخواست نماینده خارجی، قرار مناسبی صادر کند که دربردارنده موارد زیر باشد:

۱- تحقیق از گواهان و مطلعان، أخذ دلیل یا ارائه اطلاعات مربوط به اموال و امور بدهکار

۲- تفویض اداره یا فروش تمام یا بخشی از اموال بدهکار که در ایران قرار دارد، به شخص تعیین شده از سوی دادگاه

تبصره - قراردادهای می‌تواند در بردارنده تجویز انجام هرکار دیگری باشد که به موجب قوانین ایران مدیر تصفیه داخلی می‌تواند آن را درخواست کند.

ماده ۱۱۸۴ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، اعم از اصلی و غیراصلی، دادگاه می‌تواند به درخواست نماینده خارجی تقسیم تمام یا بخشی از اموال بدهکار را که در ایران قرار دارند، به شخص تعیین شده از سوی دادگاه تفویض کند، مشروط بر آنکه دادگاه احراز کند که از منافع بستانکاران داخلی به قدر کفایت محافظت می‌شود. تقسیم باید مطابق احکام این باب صورت گیرد.

ماده ۱۱۸۵ - صدور قرار به موجب ماده (۱۱۸۳) این قانون به درخواست نماینده رسیدگی خارجی فرعی در صورتی ممکن است که قرار، مربوط به اموالی باشد که به موجب قانون ایران تحت شمول قانون کشور رسیدگی خارجی فرعی است یا مربوط به اطلاعاتی باشد که در این رسیدگی مورد نیاز است.

ماده ۱۱۸۶ - در صدور یا امتناع از صدور دستور یا قرار به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون یا در اصلاح یا لغو قرار به موجب ماده (۱۱۸۸)، دادگاه باید کفایت محافظت از منافع بستانکاران و دیگر اشخاص ذی‌نفع داخلی، از جمله بدهکار، را احراز نماید.

ماده ۱۱۸۷ - دادگاه می‌تواند قرار صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون را به شرایطی که مناسب می‌داند، منوط کند.

ماده ۱۱۸۸ - دادگاه می‌تواند رأساً به درخواست نماینده خارجی یا سایر اشخاص ذی‌نفع دستور صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون را اصلاح یا لغو کند.

ماده ۱۱۸۹ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی اهلیت طرح دعاوی موضوع مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) این باب را دارد.

ماده ۱۱۹۰ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی می‌تواند با رعایت قوانین ایران در هر رسیدگی که شخص بدهکار طرف آن است، وارد شود.

ماده ۱۱۹۱ - رسیدگی خارجی غیراصلی زمانی در دادگاه داخلی تعقیب می‌شود که رسیدگی مذکور مربوط به اموالی باشد که مطابق قانون ایران باید در همان رسیدگی خارجی اداره شوند.

فصل پنجم - همکاری‌های قضائی

ماده ۱۱۹۲ - دادگاه داخلی مطابق احکام این فصل و در مورد مسائل مربوط به رسیدگی خارجی، موضوع این باب، به‌طور مستقیم با دادگاههای خارجی یا نمایندگان آنان همکاری می‌کند.

ماده ۱۱۹۳ - در مسائل مربوط به هر دعوای ورشکستگی اقامه‌شده در ایران، دادگاه داخلی می‌تواند به‌طور مستقیم با دادگاههای خارجی یا نمایندگان آنان ارتباط برقرار کند یا از آنها به‌طور مستقیم درخواست اطلاعات یا کمک کند.

ماده ۱۱۹۴ - همکاری مورد اشاره در مواد (۱۱۹۲) و (۱۱۹۳) این قانون به هر طریق مناسب و بدون نیاز به تشریفات نیابت قضائی به اجراء درمی‌آید، از جمله:

- ۱- نصب شخص یا اشخاص معین برای اقدام بر طبق دستور دادگاه
- ۲- تبادل اسناد، مدارک و اطلاعات به‌هروسیله مناسب به‌تشخیص دادگاه
- ۳- هماهنگ‌کردن اداره و نظارت بر اموال و امور بدهکار
- ۴- تأیید یا اجرای توافقات مربوط به هماهنگ‌کردن رسیدگیها از سوی دادگاهها
- ۵- هماهنگ‌کردن رسیدگیهای هم‌زمان مربوط به یک بدهکار
- ۶- تحقیقات از مطلعان و گواهان و معاینه محلی

فصل ششم - رسیدگی‌های هم‌زمان

ماده ۱۱۹۵ - پس از شناسایی رسیدگی خارجی اصلی در صورت شروع رسیدگی به موجب احکام این باب، آثار رسیدگی داخلی به اموال بدهکار در ایران محدود است و در مورد سایر اموال بدهکار، آثار رسیدگی داخلی محدود به اموالی است که به موجب قانون داخلی باید مطابق قانون ایران اداره شوند.

ماده ۱۱۹۶ - چنانچه رسیدگی خارجی و داخلی به‌طور هم‌زمان در مورد یک بدهکار در حال انجام باشد، همکاری قضائی مطابق مواد (۱۱۹۲) و (۱۱۹۳) این قانون انجام می‌گیرد. در این صورت رعایت موارد زیر الزامی است:

۱- چنانچه در زمان ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی در ایران در حال انجام باشد:

۱-۱- هر قرار صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید متناسب با رسیدگی در ایران باشد.

۱-۲- اگر رسیدگی خارجی به عنوان رسیدگی خارجی اصلی شناسایی شود، مقررات مواد (۱۱۷۹) تا (۱۱۸۲) این قانون اعمال نمی‌گردند.

۲- چنانچه رسیدگی در ایران، پس از شناسایی یا ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی شروع شود:

۱-۲- هر قرار معتبر به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید از سوی دادگاه بازنگری شود و در صورتی که متناسب با رسیدگی در ایران نباشد، اصلاح یا لغو گردد.

۲-۲- اگر رسیدگی خارجی اصلی باشد، توقیف و تعلیق مورد اشاره در ماده (۱۱۷۹) این قانون، در صورتی که متناسب با رسیدگی در ایران نباشد، باید اصلاح یا لغو گردد.

۳- در صدور، تمدید یا اصلاح قرار صادرشده به درخواست نماینده رسیدگی خارجی فرعی، دادگاه باید احراز کند که آن قرار مربوط به اموالی است که به موجب قانون ایران باید در رسیدگی خارجی فرعی اداره شود یا با اطلاعات مورد نیاز در آن رسیدگی مرتبط است.

ماده ۱۱۹۷- در صورتی که بیش از یک دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی مطرح باشد، دادگاه باید درصدد همکاری و هماهنگی به موجب مواد (۱۱۹۲)، (۱۱۹۳) و (۱۱۹۴) این قانون برآید و موارد ذیل باید اعمال شوند:

۱- پس از شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، هر قرار صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون به درخواست نماینده رسیدگی خارجی فرعی، باید متناسب با آن رسیدگی خارجی اصلی باشد.

۲- اگر رسیدگی خارجی اصلی، پس از شناسایی یا پس از ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی فرعی، مورد شناسایی قرار گیرد، هر قرار معتبر به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید از سوی دادگاه بازنگری شود و در صورتی که متناسب با رسیدگی خارجی اصلی نباشد، باید اصلاح یا لغو شود.

۳- چنانچه پس از شناسایی رسیدگی خارجی فرعی، رسیدگی خارجی فرعی دیگری مورد شناسایی قرار گیرد، دادگاه باید به منظور تسهیل هماهنگی آن رسیدگیها، قرار صادر کند یا قرار صادرشده را اصلاح یا لغو کند.

ماده ۱۱۹۸- در موارد رسیدگی داخلی به موجب احکام این باب، شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، دلیل آن است که آن بدهکار ورشکسته است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱۹۹- جز در مورد مطالبات دارای وثیقه یا حقوق عینی، بستانکاری که در جریان رسیدگی خارجی، بخشی از طلب خود را دریافت کرده است تا وقتی که پرداخت به دیگر بستانکاران از طبقه مشابه، به طور نسبی کمتر از وجهی باشد که آن بستانکار دریافت کرده است، نمی تواند برای همان ادعاء در رسیدگی مربوط به همان بدهکار به موجب احکام این باب وجهی را دریافت کند.

باب دهم - جرائم و مجازات ها

فصل اول - ورشکستگی به تقصیر

ماده ۱۲۰۰- تاجر در موارد زیر ورشکسته به تقصیر اعلام می شود:

۱- در صورتی که مخارج شخصی یا مخارج خانه او در ایام عادی نسبت به عایدی او فوق العاده باشد.

۲- در صورتی که نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده ای را صرف معاملاتی کند که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

۳- در صورتی که به قصد تأخیر انداختن اعلام توقف خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کند و یا به همان قصد وسایل دور از صرفه ای به کار برد تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض، صدور برات و یا به طریق دیگر باشد.

ماده ۱۲۰۱- تاجری که توقف او اعلام گردیده است در موارد زیر ورشکسته به تقصیر اعلام می شود:

۱- در صورتی که از تأدیه دیون نقدی خود متوقف باشد و مطابق مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون رفتار نکند.

۲- در صورتی که دفتر نداشته و یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب باشد و یا مندرجات صورت دارایی خود را به دقت تنظیم نکرده باشد مشروط بر اینکه مشمول ماده (۱۲۰۶) این قانون نباشد.

ماده ۱۲۰۲ - مجازات ورشکسته به تقصیر حبس تعزیری درجه شش است.

ماده ۱۲۰۳ - به جرم تاجر ورشکسته به تقصیر بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هریک از طلبکاران یا تعقیب دادستان رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۲۰۴ - مدیر تصفیه نمی‌تواند به نام بستانکاران از تاجر به عنوان ورشکستگی به تقصیر شکایت کند مگر پس از تصویب اکثریت بستانکاران که طلب‌شان تصدیق شده است. این امر مانع از اعلام ورشکستگی به تقصیر به وسیله مدیر تصفیه به دادستان نیست.

ماده ۱۲۰۵ - مخارج تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر در صورت محکومیت او به عهده دولت است لکن دولت حق دارد در صورتی که قرارداد ارفاقی امضاء شود پس از پایان دوره قرارداد و در صورت ورشکستگی پس از تصفیه حساب تاجر و ملات او از این بابت به وی رجوع نماید. در صورت برائت تاجر، مخارج تعقیبی که به شکایت مدیر تصفیه و به نام بستانکاران انجام می‌گیرد برعهده هیأت بستانکاران، و مخارج تعقیبی که به شکایت هر یک از بستانکاران انجام می‌گیرد برعهده آن بستانکار و در صورتی که دادستان رأساً اقدام به تعقیب کند برعهده دولت است.

فصل دوم - ورشکستگی به تقلب

ماده ۱۲۰۶ - هر تاجر متوقف که دفاتر خود را از دسترس خارج کند یا از بین ببرد یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کند و یا به طریق مواضعه یا معاملات صوری یا به هر نحو دیگر از دسترس خارج نماید و همچنین هر تاجر متوقف که متقلبان خود را به وسیله اسناد و یا صورت دارایی به میزانی که در حقیقت مدیون نیست مدیون قلمداد کند و یا به طور متقلبانه اموال خود را در صورت دارایی بیشتر از قیمت واقعی ارزیابی نماید، ورشکسته به تقلب اعلام می‌شود.

ماده ۱۲۰۷ - هرگاه تاجر متوقف بعد از تاریخ توقف با علم به توقف یکی از معاملات موضوع ماده (۹۵۷) این قانون را انجام دهد و یا یکی از بستانکاران را بر دیگر بستانکاران ترجیح دهد و طلب او را بپردازد در صورتی که حکم ورشکستگی او صادر شود به مجازات مقرر برای ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شود مشروط بر اینکه بیش از شش ماه از تاریخ پرداخت دین نگذشته باشد. همچنین است در مورد تاجری که به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) عمل نکند و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفرخواست صادر شود و یا پس از تاریخ توقف در اموال خود تصرف نماید.

ماده ۱۲۰۸ - کسانی که به ارتکاب جرم ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند مجازات آنها حبس تعزیری درجه پنج است.

ماده ۱۲۰۹ - تعقیب جرم ورشکستگی به تقلب با اعلام مدیر تصفیه یا هر یک از بستانکاران و یا رأساً از جانب دادستان شروع می‌شود. شروع تعقیب با اعلام مدیر تصفیه منوط به مراعات مفاد ماده (۱۲۰۴) این قانون از جانب اوست.

ماده ۱۲۱۰ - مخارج تعقیب تاجر ورشکسته به تقلب در صورت محکومیت او به عهده دولت است لکن دولت حق دارد پس از تصفیه حساب تاجر و ملات او از این بابت به وی رجوع نماید. در صورت برائت تاجر، مخارج تعقیبی که به شکایت مدیر تصفیه و به نام بستانکاران انجام می‌گیرد برعهده هیأت بستانکاران و مخارج تعقیبی که به شکایت هریک از بستانکاران انجام می‌گیرد برعهده آن بستانکار و در صورتی که دادستان رأساً اقدام به تعقیب کند برعهده دولت است.

فصل سوم - جرائمی که اشخاصی غیر از تاجر در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند

ماده ۱۲۱۱ - اشخاص زیر مجرم محسوب و به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم می‌گردند:

۱- اشخاصی که به نفع تاجر متوقف یا ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیرمنقول او را مخفی نمایند و یا پیش خود نگاه دارند و یا به هر نحو از دسترس خارج کنند.

۲- اشخاصی که به طور متقلبانه به اسم خود و یا به اسم دیگری طلب غیرواقعی را واقعی قلمداد کنند.

ماده ۱۲۱۲ - اگر اقوام شخص تاجر متوقف یا ورشکسته بدون شرکت وی اموال او را مخفی نمایند و یا پیش خود نگاه دارند و یا به هر نحو از دسترس خارج کنند، به حبس تعزیری درجه هفت و شلاق تعزیری درجه شش محکوم می شوند.

ماده ۱۲۱۳ - در موارد معین در مواد قبل دادگاه رسیدگی کننده باید در مورد مسائل زیر نیز رأی بدهد حتی اگر متهم تبرئه شده باشد:

۱- رد کلیه اموال و حقوق موضوع جرم به هیأت بستانکاران

۲- ضرر و زیان ناشی از جرم

ماده ۱۲۱۴ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی امور تاجر ورشکسته مالی را حیف و میل کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.

ماده ۱۲۱۵ - هرگاه مدیر تصفیه، اعم از اینکه بستانکار باشد یا نباشد، در امر رسیدگی به توقف، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و یا ورشکستگی مستقیم یا غیرمستقیم با شخص تاجر یا دیگری به نفع خود و به زیان تمام یا برخی از بستانکاران تبانی نماید و یا قرارداد خصوصی منعقد کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.

ماده ۱۲۱۶ - شروع تعقیب کیفری به موجب احکام این باب مانع جریان رسیدگی به دادخواست تقاضای ورشکستگی در دادگاه صالح و اعمال مقررات مترتب بر آن نیست مگر اینکه قانون بر آن تصریح نماید.

ماده ۱۲۱۷ - در تمام مواردی که تاجری به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از موارد مذکور در ماده (۱۲۱۳) این قانون از صلاحیت دادگاهی که به این جرم رسیدگی می کند خارج می شود.

ماده ۱۲۱۸ - هر حکم محکومیتی که به موجب احکام این باب صادر شود باید به هزینه محکوم علیه آگهی گردد.

ماده ۱۲۱۹ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای دادستان و یا قاضی رسیدگی کننده کلیه اسناد، نوشتجات، اوراق و اطلاعات لازم را به او بدهد. موارد محول حسب مورد تا پایان تحقیقات یا دادرسی نزد دادستان یا قاضی باقی می ماند.

ماده ۱۲۲۰ - در این باب مدیر تصفیه اعم از امین و مدیر تصفیه امور ورشکستگی است.

باب یازدهم - اداره امور ورشکستگی

فصل اول - کلیات

ماده ۱۲۲۱ - در مراکز کلیه استانها و نیز شهرستانهایی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می دهد اداره تصفیه امور ورشکستگی که از این به بعد اداره نامیده می شود تشکیل می شود. اداره به تعداد کافی قاضی ناظر در اختیار دارد که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می شود. مدیران تصفیه تحت نظارت این اداره فعالیت می کنند. در موارد ضروری به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی و تأیید دادگاه، تصدی امر تصفیه نیز به اداره واگذار می شود.

ماده ۱۲۲۲ - وظایف و اختیارات اداره عبارتند از:

۱- نظارت بر امر تصفیه

۲- تصدی امر تصفیه در موارد ضروری به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی و تأیید دادگاه

۳- برگزاری دوره های کارآموزی و اعطای پروانه مدیریت تصفیه به داوطلبان واجد شرایط قانونی

- ۴- نظارت بر فعالیتهای کارآموزان و مدیران تصفیه از طریق دادسرا و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه و درخواست تعقیب مرتکبان تخلفات مدیران تصفیه
- ۵- برنامه ریزی برای ارتقای سطح علمی و عملی کارآموزان و مدیران تصفیه و برگزاری دورههای آموزشی
- ۶- ارائه نظریه های مشورتی به مدیران تصفیه و مراجع مربوط در راستای ایجاد وحدت رویه در اجرای وظایف مربوط به مدیران تصفیه
- ۷- پاسخ به استعلامات مربوط به توقف و ورشکستگی اشخاص حقیقی و حقوقی و مدیر یا مدیران و مدیر عامل آنها
- ۸- نمایندگی کشور در مجامع بین المللی مربوط به ورشکستگی
- ۹- نشر آگهیهای موضوع این باب در پایگاه الکترونیک اداره به هزینه متقاضی
- ۱۰- مستند سازی پرونده های در جریان و خاتمه یافته ورشکستگی
- تبصره - حداقل دوره های آموزشی که مدیران تصفیه برای اخذ پروانه باید طی کنند به موجب آیین نامه اجرایی مشخص خواهد شد.
- ماده ۱۲۲۳ -** رئیس اداره به وسیله رئیس قوه قضائیه از بین حقوقدانان دارای پایه قضائی و متخصص در امر ورشکستگی و تصفیه و با حداقل ده سال سابقه کار قضائی انتخاب می شود و اداره آن را برعهده دارد.
- ماده ۱۲۲۴ -** برای اخذ پروانه مدیریت تصفیه علاوه بر شرایط استخدام مندرج در قانون مدیریت خدمات کشوری احراز شرایط زیر الزامی است:
- ۱- داشتن حداقل سی سال سن
- ۲- دارا بودن مدرک کارشناسی در یکی از رشته های حقوق، اقتصاد، حسابداری، مدیریت یا یکی از رشته های مرتبط به تشخیص رئیس قوه قضائیه
- ۳- داشتن حداقل پنج سال سابقه کار در رشته های مذکور در بند (۲)
- ۴- نداشتن حجر
- ۵- نداشتن محکومیت به انفصال دائم از اشتغال به مدیریت تصفیه به موجب رأی قطعی مراجع صالح مذکور در این قانون
- ۶- نداشتن محکومیت به انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی
- ۷- موفقیت در آزمون ورودی و طی دوره کارآموزی و تأیید صلاحیت علمی به وسیله هیأت اختیار
- تبصره ۱- کسی که به اتهام ارتکاب جرمی که مطابق این قانون عدم ارتکاب آن شرط تصدی مدیریت تصفیه است، تحت تعقیب قرار می گیرد و علیه او کیفرخواست صادر می شود، تا زمان صدور حکم قطعی براءت نمی تواند مدیر تصفیه شود.
- تبصره ۲- کسانی که به دلیل ارتکاب جرم یا تخلف از خدمات عمومی یا دولتی، وکالت یا کارشناسی رسمی منفصل شوند، نمی توانند در دوره انفصال مدیر تصفیه گردند.
- ماده ۱۲۲۵ -** آزمون ورودی مدیران تصفیه به صورت سراسری برگزار و نتایج آن بر اساس معدل کسب شده در آزمون در یکی از جراید کثیرالانتشار اعلام می شود. نحوه برگزاری آزمون و سطح علمی آن، کیفیت طراحی سؤالات، حد نصاب لازم برای قبولی در آزمون ورودی، دوره های زمانی برگزاری آزمون و زمان برگزاری آن در هر دوره مطابق آیین نامه اجرایی است.
- ماده ۱۲۲۶ -** اشخاص حقوقی را نیز می توان به عنوان مدیر تصفیه انتخاب کرد مشروط بر اینکه دارای شرایط لازمی که به موجب آیین نامه اجرایی مشخص می شود باشند.

فصل دوم - مقررات انتظامی

مبحث اول - مجازات انتظامی

ماده ۱۲۲۷- مجازات‌های انتظامی به ترتیب زیر است:

۱- توبیخ بدون درج در پرونده

۲- توبیخ با درج در پرونده

۳- توبیخ با درج در پرونده، خبرنامه و پایگاه الکترونیک اداره

۴- تعلیق از مدیریت تصفیه از سه ماه تا یک سال

۵- محرومیت موقت از تصدی سمت مدیریت تصفیه از یک تا سه سال

۶- محرومیت دائم از تصدی سمت مدیریت تصفیه

ماده ۱۲۲۸- متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه یک تا سه محکوم می‌شوند:

(۹۲۱)، (۹۲۳)، (۹۲۴)، (۹۲۹)، (۹۳۶)، (۹۷۰)، (۹۷۲)، (۱۰۰۳)، (۱۰۰۷)، (۱۰۱۱)، (۱۰۱۷)، (۱۰۲۴)، (۱۰۲۶)، (۱۰۴۷)، (۱۰۵۵)، (۱۰۶۵)، (۱۰۶۶)، (۱۰۹۴)، (۱۱۱۵) و (۱۱۱۹) این قانون

ماده ۱۲۲۹ - متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه چهار یا پنج محکوم می‌شوند:

(۹۰۹)، (۹۷۴)، (۹۹۰)، (۹۹۸)، (۱۰۹۵)، (۱۱۱۰)، (۱۱۱۷)، (۱۱۱۸) و (۱۲۱۹) این قانون

ماده ۱۲۳۰- متخلفان از تکالیف موضوع مواد (۹۳۷)، (۱۲۱۴) و (۱۲۱۵) این قانون به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه پنج یا شش محکوم می‌شوند.

ماده ۱۲۳۱- چنانچه مدیر تصفیه، بعد از شروع کارآموزی یا اخذ پروانه، فاقد یکی از شرایط لازم برای تصدی سمت مدیر تصفیه شود، مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ فقدان شرط مربوطه، مراتب را به اداره اعلام و اگر پروانه اخذ کرده است، آن را تسلیم اداره کند. در غیر این صورت به مجازات انتظامی درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۳۲ - صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت مدیر تصفیه به ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص نفس، اعدام، حبس ابد و جرائم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت غیر حدی، رشأ، ارتشا، اختلاس و جرائم موضوع قانون بازار بورس و اوراق بهادار موجب مجازات انتظامی درجه شش است.

ماده ۱۲۳۳ - ارتکاب تخلفات متعدد، مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است. چنانچه تخلفات ارتكابی دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می‌شود که شدیدتر است.

ماده ۱۲۳۴ - چنانچه مدیر تصفیه مرتکب تخلفی شود که در گذشته به سبب آن تخلف محکوم و مجازات شده است، به مجازات حداقل یک درجه و حداکثر دو درجه شدیدتر از مجازات تعیین شده قبلی، محکوم می‌شود.

مبحث دوم - دادسرا و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه

ماده ۱۲۳۵- به منظور رسیدگی به تخلفات مدیران تصفیه، دادگاه انتظامی به ترتیب مقرر در مواد آتی تشکیل می‌شود. دادگاه انتظامی می‌تواند بنا به تشخیص رئیس اداره، شعب متعدد داشته باشد. در صورت تعدد شعب ریاست شعب با رئیس شعبه اول خواهد بود.

ماده ۱۲۳۶ - رئیس هر شعبه به وسیله رئیس اداره انتخاب می‌شود. همچنین رئیس اداره یک عضو علی‌البدل را نیز با شرایط مقرر در این باب برای هر شعبه دادگاه انتخاب می‌کند تا در موارد رد یا غیبت رئیس شعبه جایگزین او شود. این امر مانع از آن نیست که

رئیس شعبه انجام بعضی امور غیر از دادرسی و صدور رأی را به دادرس علی البدل ارجاع کند. حسب مورد رئیس شعبه یا دادرس علی البدل موظفند در جلسات رسیدگی حضور یابند مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند. عذر موجه به تشخیص رئیس اداره است.

ماده ۱۲۳۷ - رئیس شعبه دادگاه انتظامی و دادرس علی البدل باید علاوه بر شرایط استخدام در قانون مدیریت خدمات کشوری و بندهای (۵) و (۶) ماده (۱۲۲۴) این قانون، دارای شرایط زیر باشند:

۱- داشتن حداقل چهل سال سن

۲- دارا بودن مدرک کارشناسی در رشته حقوق

۳- داشتن حداقل ده سال سابقه کار حقوقی

۴- نداشتن هرگونه محکومیت انتظامی

ماده ۱۲۳۸ - مدت تصدی رئیس شعبه یا دادرس علی البدل دادگاه انتظامی دوسال است. انتخاب مجدد آنها برای یک دوره دیگر بلامانع است.

ماده ۱۲۳۹ - دادرسای انتظامی در کنار هر دادگاه انتظامی تشکیل می شود. ریاست دادسرا با دادستان است و می تواند به تشخیص رئیس اداره تعداد لازم معاون و دادیار داشته باشد. معاونان و دادیاران در امر تعقیب و رسیدگی تحت نظارت و تعلیمات دادستان اقدام می کنند.

ماده ۱۲۴۰ - دادستان انتظامی به وسیله رئیس اداره برای مدت دو سال انتخاب می شود. انتخاب مجدد دادستان بلامانع است. دادستان انتظامی باید واجد شرایط مقرر در ماده (۱۲۳۷) این قانون باشد.

ماده ۱۲۴۱ - معاونان دادستان و دادیاران به پیشنهاد دادستان و تأیید رئیس اداره از بین اشخاصی که علاوه بر شرایط استخدام در قانون مدیریت خدمات کشوری و بندهای (۱)، (۵) و (۶) ماده (۱۲۲۴) این قانون، دارای شرایط زیر باشند انتخاب می شود:

۱- دارا بودن مدرک کارشناسی در رشته حقوق

۲- داشتن حداقل پنج سال سابقه اشتغال به کار حقوقی

۳- نداشتن محکومیت انتظامی درجه سه و بالاتر

تبصره - در صورت تعدد معاونان، یک نفر از آنان به پیشنهاد دادستان و تأیید رئیس اداره به عنوان جانشین دادستان تعیین می شود.

ماده ۱۲۴۲ - رئیس شعبه، دادرس علی البدل و دادستان، معاونان دادستان و دادیاران به شرط داشتن شرایط مقرر در مواد (۱۲۳۷) و (۱۲۴۱) این قانون می توانند از میان کارکنان اداره یا خارج انتخاب شوند.

ماده ۱۲۴۳ - مرجع تجدید نظر آراء دادگاه انتظامی مدیران تصفیه، دادگاه انتظامی قضات است.

ماده ۱۲۴۴ - به تخلفات دادرسان شعب دادگاه انتظامی و دادستان انتظامی مدیران تصفیه در دادگاه انتظامی قضات رسیدگی می شود.

ماده ۱۲۴۵ - نحوه رسیدگی به تخلفات انتظامی مدیران تصفیه در دادسرا و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه به موجب مقررات آیین نامه اجرایی خواهد بود.

باب دوازدهم - سایر مقررات

ماده ۱۲۴۶ - در کلیه مواردی که آگهی آراء یا تصمیمات مربوط حسب احکام این باب ضروری باشد، آگهی در روزنامه هایی منتشر می شود که رأی اعلام توقف برای اولین بار در آن منتشر شده است.

ماده ۱۲۴۷ - کلیه آگهیهای موضوع این باب در پایگاه الکترونیک اداره امور ورشکستگی نیز منتشر می شود.

ماده ۱۲۴۸ - در کلیه مواردی که رأی صادر شده نزد دادگاه صادر کننده رأی توقف، قابل شکایت است، مهلت شکایت تا قطعی شدن فهرست نهائی بستانکاران است.

ماده ۱۲۴۹ - تاجری که حکم توقف او صادر می‌شود را نمی‌توان به سبب نپرداختن دین حبس نمود.

ماده ۱۲۵۰ - مدیر تصفیه نمی‌تواند همزمان بیش از یک پرونده را رسیدگی کند.

ماده ۱۲۵۱ - دعاوی ورشکستگی در شعب ویژه‌ای که به‌وسیله رئیس دادگستری هر شهرستان مشخص می‌شود مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

ماده ۱۲۵۲ - ورشکستگی بانکها و شرکتهای بیمه، تابع احکام این باب است مگر اینکه در سایر قوانین و مقررات احکام دیگری پیش بینی شده باشد.

ماده ۱۲۵۳ - در هر مورد که تصفیه اموال ورشکسته صورت می‌گیرد معادل کل هزینه‌هایی که برای امر تصفیه صرف می‌شود قبل از پرداخت هرگونه وجهی به بستانکاران از اموال ورشکسته کسر و به حساب صندوق ورشکستگی واریز می‌گردد. به منظور تأمین وجوه لازم برای صرف هزینه‌های ورشکستگی، مبالغ مشروح زیر دریافت و به‌صورت وجوه امانی و تنخواه به حساب درآمد اختصاصی صندوق ورشکستگی نزد خزانه واریز می‌شود:

۱- نیم درصد (۰/۵٪) در آمد حاصل از واخواست اسناد تجارتي

۲- دو درصد (۰/۲٪) از محل پلمپ دفاتر تجارتي

تبصره ۱- چنانچه موجودی صندوق مزبور در پایان سال مالی بیش از دو برابر تنخواه هزینه‌شده باشد، مازاد آن به‌عنوان درآمدهای عمومی به خزانه دولت واریز می‌شود.

تبصره ۲- صرف هزینه‌های ورشکستگی شامل موارد زیر می‌گردد:

۱- هزینه‌های مربوط آگهیهای موضوع این باب

۲- حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه

۳- هزینه های مربوط به اداره موقت، حفظ و نگهداری تجارتخانه و فروش یکجای آن

۴- هزینه‌های قانونی مربوط به اجرای وظایف مدیر تصفیه مانند هزینه‌های اقامه دعوی، ارزیابی و حسابرسی

تبصره ۳- چگونگی اداره صندوق و مصرف وجوه آن و نظارت بر عملکرد صندوق به موجب آیین‌نامه اجرائی خواهد بود که به‌وسیله وزیر دادگستری و با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۲۵۴ - آیین‌نامه اجرائی مواد (۹۳۲)، (۹۶۸)، (۹۷۵)، (۱۰۶۳) و (۱۰۶۷) به‌وسیله وزارت دادگستری و با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۲۵۵ - آیین‌نامه اجرائی مواد (۹۸۷)، (۱۰۰۵)، (۱۲۲۲)، (۱۲۲۵)، (۱۲۲۶) و (۱۲۴۵) به‌وسیله وزارت دادگستری و با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۱۲۵۶ - این قانون در مورد مؤسسات غیرتجارتی، موقوفات و شرکتهای تجارتي اعم از اینکه شرکا و یا سهامداران آنها دولت، مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و اشخاص خصوصی باشند نیز مجری است.

ماده ۱۲۵۷ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال تبدیل می‌شود. همچنین مجازات‌های نقدی مذکور در این قانون برای اشخاص حقیقی در باره اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر است. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نخواهد شد.

ماده ۱۲۵۸ - در هر مورد که شخصی متعهد به ایفای دینی است باید متفرعات طلب را نیز مطابق مقررات قانونی ایفای کند. متفرعات طلب شامل خسارت تأخیر در انجام تعهد و خسارات دادرسی است. در تعهدات پولی، خسارت ناشی از کاهش ارزش پول نیز، در ردیف متفرعات طلب، بر اساس تغییر شاخص سالانه اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از زمان مطالبه دین اصلی تا هنگام تأدیه آن تعیین می شود و در صورت مطالبه دین اصلی و امتناع مدیون از پرداخت قابل مطالبه است، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند.

ماده ۱۲۵۹ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه های اجرایی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

کتاب پنجم - مقررات نهائی

ماده ۱۲۶۰- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون که در ذیل احصاء شده است و اصلاحیه‌ها، الحاقیه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرائی آنها نسخ می‌گردد:

۱- قانون راجع به ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰/۳/۲

۲- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳

۳- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴

۴- قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌های کشور مصوب ۱۳۴۳/۳/۱۹

۵- قانون طرز استفاده از درآمد صندوق‌های (الف) و (ب) اداره کل تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۴۴/۲/۲

۶- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴

۷- مقررات راجع به تشکیل، اداره، انحلال و تصفیه، تغییرات در سرمایه، ادغام، تجزیه و حسابهای شرکت تعاونی در قانون

شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶

۸- قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶

۹- مقررات راجع به تشکیل، اداره، انحلال و تصفیه، تغییرات در سرمایه، ادغام، تجزیه و حسابهای شرکت تعاونی در قانون بخش

تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳

۱۰- قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی مصوب ۱۳۷۶/۸/۲۱

۱۱- بندهای (۲۲)، (۲۸)، (۲۹)، (۳۰) و (۳۱) ماده (۱)، بند (۴) ماده (۲۷)، بند (۴) ماده (۴۶) و مواد (۲۰)، (۲۲)، (۲۳)، (۲۴)، (۲۵) و

تبصره‌های مواد (۲۲) و (۲۳) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ در مورد انتشار اوراق سهام در

شرکتهای سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهام عام در مرحله تشکیل و افزایش سرمایه